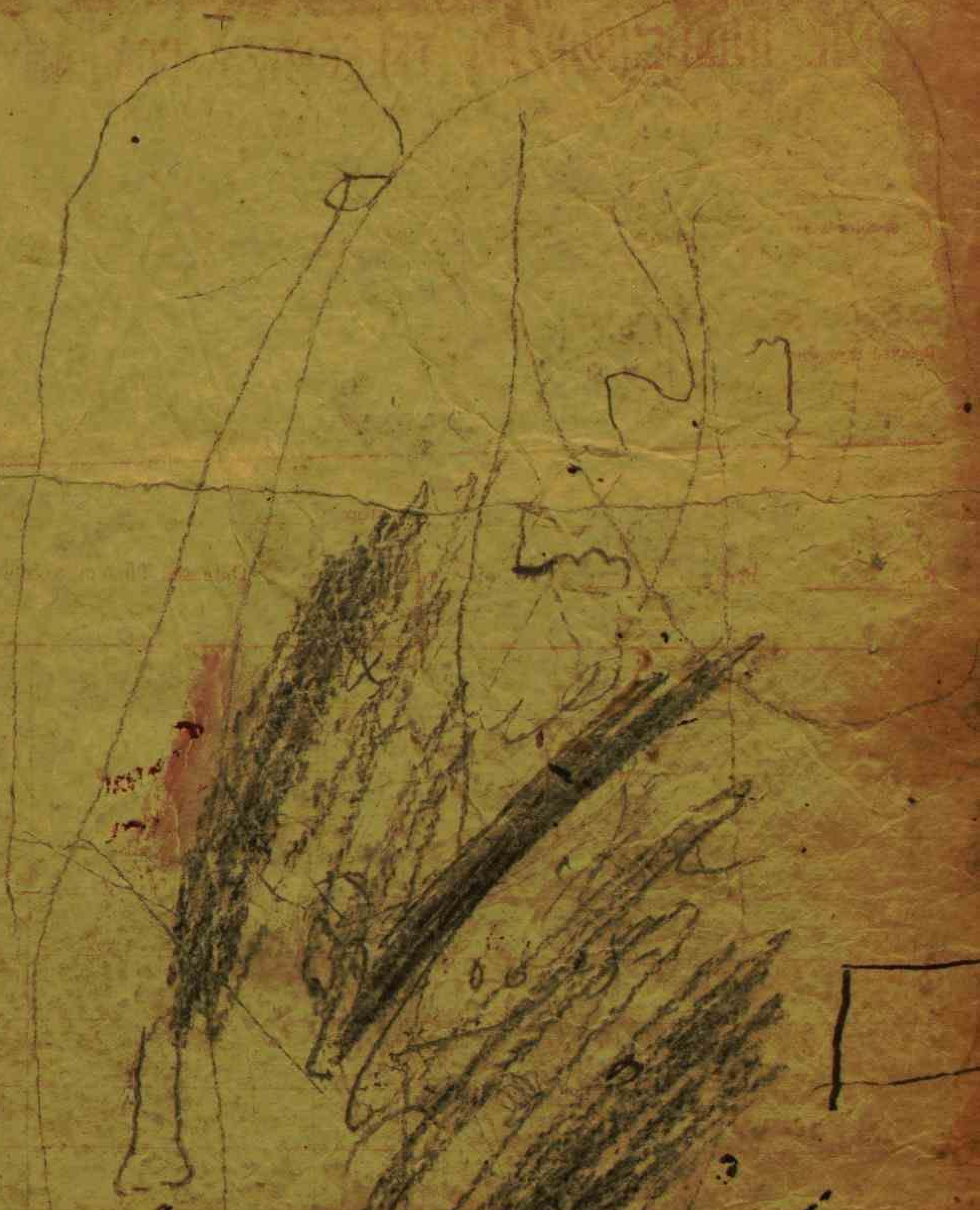


۱۴۵۱/۴/۳/۲/۱۰

۹۱

(۹)

چاپ اول [illegible]

چاپ ۱۲۸۶ ه.ق

بسم الله الرحمن الرحیم

جهاندار خدائی را منت و ستایش سز است که جهانداران با عز و تمکین را در روی زمین
بآیت جلالت و عظمت خویش برافراشت و با اینکه با هر موجودی همراهست فهم و
درک صفات شریف خویش را از قوه هر وهم و خیال برتر گذاشت سبحانه و تعالی
جل جلاله و عظم شانه چگونه ممکن است که مصنوعی نادان و مخلوقی ناتوان حق صفت
و قدر نعمت صانعی قوی و قدیم شناسد و احسانش را در مقام شکر و ثنا برآید
با کدام زبان و با کدام دانائی و بیان   ذره کی داند ثنای آفتاب
چه نسبت است خالق را با مخلوق و رازق را با مرزوق که آن موجدیست
مجرد بیرون از وهم و قیاس و این موجودیست مرکب از عناصر و محتاج باقتباس
هر قدر آنرا قدرت و توانائی این را ضعف و ناتوانی البته ما بندگانرا چه حد

واندازه که در مقابل خالق آفتاب و ماه و معطی دیهیم و کاه سخن از عبادت
آریم یا سمند جهل در وادی وحدت رانیم صدقنا و آمنا رسولی امین و خلقی متین
و رازین یعنی پیغمبر لولاک و مسافر عرش و افلاک که در معرفتش ما عرفناک حق
معرفتک گوید و در عبادتش زبان فصاحت بیان بما عبدناک حق عبادتک گشاید
در اینحال ما بیچاره کار نشاید بجز اینکه در آن وجود مبارک محترم که بر اخبار گذشته چنین
و بر آثار آینده بصیر بود واله و حیران بمانیم و منت بریم و شکر گذاریم موجودیرا
که بما راه حق از باطل و باطل از حق نمود جزای ظالمین را بجا نوری موزی تر از آن
حوالت داد و عطای عادلین را بموهبتی فراخور شان مرجوع داشت آنرا ماران
جهنم گفت و این را باران نعیم اساس قانون جمهور عالم بر عدل گذاشت و بنیان
مزیت بنی آدم را بر علم و فضل دین و دولت را که اسباب بقای ملتی است توام فرمود
و شهد آزادی و راحت را با شرط بندگی و خدمت مدغم نور اسلام را تا هادی المضلین ساخت
و وجود اخفاد و اولاد خویش را شافع المذنبین ستیما وجود عالی جود سرور اوصیا
و خلیفه انبیا علی مرتضی علیه آلاف التحیة و الثنا آنکه دست قدرتش ملک ری زمین بزیر
نگین کرد و پای همتش اعادی دین مبین را خاک نشین اللهم ارزقنا شفاعتهم و احشرنا معهم و فی زمرتهم

السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصر الدین شاه قاجار

و بعد چون درین سال فرخنده فال که فرخی و اقبالش مآل بادشاهنشاه دین پناه فی الجمله از تمهید قواعد معدلت و تشیید مبانی مرحمت و ترتیب مصالح انصاف و صفح رسوم اعتساف و اطفای نوایر فساد و القای آئین عدل و داد آسوده خاطر گشت و بحمد الله تعالی از یمن فضل بی منتهای پروردگار و فیض فواضل مراحم خسرو کامکار جمیع ممالک ایران از کثرت عمارت و کمال نزهت و وفور نعمت و نهایت امنیت نمودار بهشت جاودان و اهالی آن از تابش آفتاب هرگونه حوادث روزگار در ظل حمایت این سایهٔ پروردگار ایمنی یافتند خاطر دریا مقاطر شاهنشاهی محض ترفیه عباد و تقویت دین اسلام و ترویج ملت حضرت خیر الانام بدان قرار گرفت که بعزم زیارت آستان عرش نشان حضرت امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیه و الثنا سفری بجانب شرقی مملکت فرمایند تا هم شکر احسان و تفضلات الهی را در آن روضهٔ منوره که مورد فیوضات و محل اجابت دعوات است

بجای آرند و هم سیاحتی مجسم از ساحت مملکت خراسان که یکی از وسیع ترین ممالک
محروسه است فرموده باشند و از ثغور و سرحدات آن سامان رای مبارک را
استحضاری محکم حاصل گردد پس سران سپاه و امرای دربار گردون اشتباه را
امر و مقرر شد که اسباب سفر آماده سازند و در کمال استعجال با خیمه و خرگاه به بیرون
تازند در خزاین گشودند و مردم در اندک مدت از تهیهٔ مایحتاج سفر بیاسودند پاشا خان
امین الملک را که از خواص چاکران دربار و وکیل خراسان بود امر و مقرر شد که
ملتزمین رکاب نصرت انتساب را در بیرون شدن شتاب کند و میرزا محمد خان
سپهسالار فرمانفرمای شرقی را از عزم ملوکانه اطلاع داده و از اول خاک خوار
تا فیروزکوه که در اداره حکمران آن سامان بود سیورسات و آذوقه حاضر و مهیا
سازد که عموم همراهان اردوی کیوان شکوه را از این رهگذر آسودگی و فراغت
حاصل باشد و چون درین سفر خیریت اثر مقصود همایون زیارت فقط بود اغلب از
اعیان و چاکران اسباب تجمل از اندازه بیش و اولاد و عیال خویش را همراه
گرفتند حتی خادمان حرم جلالت که جمعی کثیرند تماما استدعای همراهی ذات
والا صفات همایون نمودند و استدعای ایشان بدرجهٔ اجابت مقبول آمد

این ذره بمقدار و خانه زاد دولت گردون مدار علی نقی ابن اسمعیل که از تفضلات
الهی و از عنایات حضرت شاهنشاهی در خاکپای فلک فرسای همایونی نسبت
پیشخدمتی و طبابت حضور سرافراز و مفتخر است و همه اوقات لیلاً و نهاراً سفراً و حضراً
از سعادت زیارت آستان مهر نشان دور نیست شکرانه این موهبت عظمی را لازم دید
که روزنامه این سفر مبارک اثر را بطور مختصر بنگارد پس آرزوی خود را بعرض عاکفان
حضور معدلت دستور رساینده و اجازه اجرای آنرا درخواست نمود این مطلب
مقبول طبع مبارک همایونی آمده مقرر شد که در ثبت این روزنامه شهابه بیان احوال ذات
خجسته صفات همایون و وقایع حادثه اکتفا نکند بلکه حتی الامکان مختصری نیز از تعلیمات
جغرافیائی یعنی حالت راه و هیات ارضی و جبال و انهار و قرا و بلادی که مسیر موکب
فیروزی کوکب اند بطور احتصار اطلاعی بدهد و این کتاب را حسب امر علیه روزنامه
حکیم الممالک نام نهد اکنون بعون الله تعالی شروع بمطلب میکنیم و وقایع روز
بروز و حالات اتفاقیه را بدون کسر و نقصان می نگاریم و قرارمان در ثبت هر روز
بر آن خواهد بود که اول حالات وجود مسعود و وقایع حادثه را مذکور داریم و پس از آن
بشرح جغرافیائی بپردازیم بدون آنکه ملاحظه انشا یا عبارت پردازی و قافیه سنجی

نمائیم

کنیم بلکه نهایت اهتمام را در ساده نویسی و مطلب نگاری و حقیقت گوئی فقط
خواهیم نمود و نیز خود را بر حسب امر ملوکانه از تذکار القابات تعظیمی معاف میداریم
تا باعث تطویل کلام نشود زیرا که واضح است هر ذی شانی را لقب نواب مستطاب
یا جناب جلالتمآب با اسم همراه خواهد بود و احتیاج باظهار نیست امید که اربابان
ذکاوت و هوش در خطا و نقصان آن عیب پوشی فرمایند و از حقارت و نادانی
مصنف صرف نظر فرموده بعظمت ذات والاصفات شاهنشاهی که ممدوح و
موصوف این کتاب است او را وقع و عظم نهند بالله التوفیق و علیه التکلان

روز یکشنبه پانزدهم شهر ذیحجه الحرام سنه توشقان ئیل یکهزار و
دویست و هشتاد و سه هجری نبوی صلی الله علیه و آله

درین روز که یکماه از عید نوروز سلطانی گذشته و اولین ماه بهار و تمام دشت
و کوهسار از فرط خرمی چون عهد پادشاه کامکار بساط عیش و سرور گسترده
هنوز گل سرخ در غنچه بود و بنفشه تازه خودنمائی مینمود گل ارغوان نمایان و شکوفه
دانه دانه در زیر برگها پنهان باران پی در پی دامان دشت را بگوهر گرانبهای
لؤلؤ تر مالامال داشت و مزرع آمال زارعین بحمدالله تعالی از برکت نعمت

خاطر مرحمت مظاهر سرسبز و شاداب بود ذات عالی برکات همایون
در کمال صحت و سلامت صبح این روز بعزم نقل مکان بعمارت دوشان تپه
از حرم خانه مبارکه با سرداری مکلل بالماس و جقه و شمشیر مرصع و حمایل مروارید
بباغ دیوانخانه تشریف فرما شدند آقا رضای عکاسباشی در وسط باغ
اسباب عکس حاضر نموده و بتعجیل یک آیینه عکس تمثال بیمثال همایون را برداشت
پس از آن از در خلوت کریم خانی بدیوانخانه بیرون تشریف آوردند شاهزادگان
عظام و وزرای فخام و اعیان و صاحبمنصبان جزء و کل متوقف و مسافر تمام
در بیرون دیوانخانه حاضر بودند اعلیحضرت همایونی بهریک فراخور حال اظهار
مرحمت فرموده و از دیوانخانه بیرون شده بر اسب کرنگ پیشکشی امیرزاده
محسن میرزای امیرآخور سوار گردیده از دروازهٔ دولت تشریف فرما شدند
اهالی مملکت وضیع و شریف اعلی و ادنی تا خارج دروازه پیاده ملتزم رکاب
نصرت انتساب بودند بهریک بنحوی که سزاوار بود فرمایشی میشد و در خارج شهر
جمعی کثیر از زن و مرد از برای زیارت جمال بیمثال همایونی صف کشیده
و بصدای صلوات و دعای وجود مبارک غلغله در اطراف افکنده بودند

در محاذی باغ نگارستان از اسب فرود آمده بکالسکه نشسته عنان اقبال
و دستگاه اجلال بسمت دوشان تپه روان ساختند سواره شاهسون اینانلو در
نزدیکی دولاب صف کشیده از سان حضور مبارک گذشتند چون نزدیک
بدوشان تپه شدند از کالسکه بیرون آمده سوار اسب شدند پیشکشی نواب تیمور میرزا
شده مستوفی الممالک و سردار کل و امین الدوله و ساعد الملک و میرزا قهرمان را
نزدیک طلبیده درباب انتظام عمل آذربایجان و اصلاح میزان و میرزا نصر الله
لشکرنویس مباشر آن بایشان تا باغ دلگشا فرمایش کنان تشریف بردند و قدری
در باغ تفرج کرده در سر در جنوبی باغ صرف نهار فرموده و بلا فاصله وزراء
مفصله فوق را با ساعد الملک و میرزا قهرمان مجدداً احضار نموده در تعیین
دستور العمل هریک فرمایشات لازمه فرمودند شاهنشاه زاده اعظم کامکار کامران میرزا
نایب السلطنه دولت قوی لاقتدار حکمران طهران را در دار الخلافه گذاشته
انتظام شهر و خزانه و نظم سایر ولایات و وصول و ایصال مالیات و غیره را
بکفایت میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر مالیه مرجوع داشتند و اداره
علمیه و تجارت و تلغرافخانهای ممالک محروسه و آنچه متعلق بدین دایره بود بعلیقلی

میرزای اعتضادالسلطنه وزیر علوم مفوض فرموده و انتظام عمل نظام را
بالتمام بعزیزخان سردار کل عساکر منصوره نظام و اداره خارجه را بمیرزا سعیدخان
وزیر امور خارجه سپرده و امور دیوانخانه و دادرسی عارضین را بحاجی محمد قلیخان
وزیر عدلیه اعظم تفویض فرموده مقرر داشته شد که در زمان غیبت همایون هرگاه
امر و مهمی در مملکت روی دهد بایکدیگر در انجام آن کنکاش کرده و بصلاح
و صوابدید هم در اتمام و انجام آن ساعی و جاهد باشند و هرگاه کاری باشد
که انجام آن محتاج بحکم همایون بود با چاپاران سریع السیر بعرض برسانند و بهر نحو که
همایون شرف نفاذ یابد اطاعت کنند شش ساعت بغروب مانده وزرا را
رخصت انصراف داده با معدودی قلیل از میرشکار و محمد علیخان پیشخدمت و غیره
بدره بابا علیخان رفته نزهت هوا و خضرت مکان و دیدن گلهای تازه و شنیدن
الحان مرغان خوش نقش و نگار که برید کاروان بهار بود بی اندازه اسباب تفریح خاطر
مبارک شد در سبزه زارهای این دره بلدرچینی در هوا صید فرموده و همراهیان را
در دره گذاشته با چند نفری بعقب شکار تشریف برده که آهوئی دو ساله شکار نمودند
و آنرا بفال نیکو گرفته بمنزل عود دادند سایر ایام توقف در دوشان تپه خبر عا

او قاترا بانجام امورات واحضار وزرا و تعیین دستور العمل رفتار متوقفین
و مسافرین گذرانند و ساعتی از زحمت و گفت و شنید آسوده نگشتند تا کارها را
منتظم کرده و امورات را مطابق مرام سنیه خود ساختند میرزا نصر الله و میرزا علیخان
پسرش را از ریاست گمرکخانها معزول و میرزا محمد قوام الدوله را بجای آنها
برقرار فرمودند و درین اوقات سلطان محمد عرب را فرمانفرمای جزیرهٔ کمرود
که جزیره ایست واقعه در بحر محیط و قرب جزیرهٔ مداکاسکار و مریس و بوربن از
جانب برادرش بعزم سفارت بدار الخلافه آمده بتوسط وزیر امور خارجه بحضور
عدالت دستور شرفیاب شده عرایض و تمنیات خود را معروض داشت
و امر همایونی شرف نفاذ یافت که لوازم مهمانداری را فراخور شان و بزرگی
مشار الیه مرعی دارند در روز بیست و یکم تمام قشون ملتزم رکاب نصرت انتساب
از سواره و پیاده که زیاده از نه هزار بود در صحرای دولاب حاضر شده از نشان
حضور مبارک گذشتند تمام وزرا و اعیان در مجمع قشون حاضر بودند پس از
انجام سان امر همایون بر آن مقرر شد که ملتزمین رکاب همایون در دوشان تپه
اردو زده و در روز بیست و سوم در رکاب ظفر انتساب حرکت کنند و هم

درین روز عروس ولیعهد را که صبیهٔ عزت الدوله و خواهرزادهٔ شاهنشاه عالم پناه است از دارالخلافه با فتح الله میرزای شعاع السلطنه و جمعی از چاکران خاص و محرم بسمت آذربایجان کوچ دادند و قدغن فرمودند که پس از ورود لوازم جشن و عیش را بنحویکه مطابق شان ولیعهدی باشد در آنشهر فراهم آرند

آنانکه درین سفر از وزرا و اعیان و اهالی نظام و غیره بشرف سعادت التزام رکاب همایون مستعد بودند از قراریست که بعرض میرساند

نواب مهد علیا و خادمان حرم جلالت

نواب مستطاب مهد علیه و تمام خدمه	خادمان حرم جلالت و شاهزادگان عظام که شصت کالسکه شش اسبه مخصوص ایشان بود و هزار و چهار صد مقبره از برای حمل بنهٔ ایشان معین شده بود	نواب علیه عزت الدوله با تمام خانه زادها و عیال و خدام
نواب علیه عصمت الدوله عروس معیرالممالک با والدهٔ امیر دوست محمد خان و خدام ایشان	حاجی آغا یوسف خواجه باشی و تمام خواجهای حرم ارشناه و سفید	مهدیقلی خان غلام بچه باشی و تمام خانه‌شاگردان و غلام بچه‌ها

شاهزادگان عظام

ملک منصور میرزا	سلطان احمد میرزای عضدالدوله	تیمور میرزای پسر مرحوم فرمانفرما	محمد کریم خان پسر مرحوم مهدیقلی میرزا

وزرا اعظام و امنای فخام وغیره

وزرای عظام

فرخ خان امین الدوله وزیر دربار همایون و رئیس مباشرین رکاب نصرت انتساب همایون	انوشیروان خان عضد الدوله خوانسالار و ایلخانی قاجار و حکمران سردار مازندران و استرآباد وغیره	حاجی علی خان اعتماد السلطنه وزیر وظایف
محمد ناصر خان ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی	میرزا محمد حسین دبیر الملک	پاشا خان امین الملک وکیل مملکت خراسان وغیره

اعیان و مستوفیان وغیره

حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه و وزیر وظایف سابقه	میرزا نصر الله مستوفی گرکانی	میرزا مصطفی وکیل لشکر	قاسم خان جارچی باشی
محمد قلی خان شاطر باشی	عبد الله خان تفنگچی باشی	محمد رحیم خان تفنگدار	محمد علی خان صاحب جمع و پیشخدمت خاصه
محمد نظر خان	ابو الحسن خان	موسی خان وصاف	محمد تقی خان نایب وزیر امور خارجه
رضا قلی خان نایب ایشیک آقاسی	میرزا طاهر مستوفی	علی خان نایب اول شاطر خانه مبارکه	محمد هاشم خان نایب جارچی باشی
محمد حسن خان پسر جارچی باشی	محمد حسین خان ولد ایضاً	میرزا اسد الله منشی رسایل	حاجی میرزا عبد الله منشی ایضاً
میرزا اسمعیل منشی ایضاً	میرزا محمد حسین رئیس الکتاب	اسمعیل خان بشیر الدوله	میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل

سرکردگان و صاحب منصبان عسکریه و افواج قاهره و سواران نصرت نشان

سرکردگان

مصطفی قلیخان امیر تومان و کشیکچی باشی	علیقلیخان جوداباشی کل افواج قاهره	محمد قلیخان سرتیب حسام الدوله	رحمت الله خان ساری اصلان
حاجی حسین خان شهاب الملک امیر تومان	قنبر علیخان سعد الملک	کاظم خان سرتیب	الله یار خان سرتیب
جان محمد خان سرتیب	کلب حسین خان سرتیب امین نظام	زین العابدین خان سرتیب اول	صفر علیخان سرتیب
محمد صادق خان سرتیب	مصطفی قلیخان سرهنگ توپخانه	عبد القادر خان	محمد آقای سرهنگ
حسینقلی خان برادر سارو اصلان			

عساکر منصوره از سواره و پیاده وغیره

یوزباشیان و غلام پیشخدمتان

یوزباشیان

علیقلی خان	حیدر قلیخان	صادق خان
ابراهیم خان	جلیل خان	نصر الله خان
مصطفی قلیخان	کلبعلی خان	هاشم خان
محمد حسین خان	رضا قلیخان	

غلام پیشخدمتان

میرزا عبد الله خان	حاجی فتحعلی خان	ابراهیم خان
زین العابدین خان	محمد قلیخان خمسه	حاجی ابو الفتح خان
آقایان قاجار ۸ نفر	فتح الله خان	محمد قلیخان یات

توپخانه و پیاده و سواره

توپخانهٔ مبارکه با پانزده عراده توپ و قورپور

افواج قاهره

فوج خاصه	فوج دوم نصرت	فوج خلج
نصفه فوج سوادکوه	فوج امیریه	موزکانچیان مخصوص

سواره

غلامان کشیکخانه مبارکه ششصد نفر	غلام نصرت چهارصد نفر	غلام زرین کمر دویست نفر
سواره نظام دویست نفر	غلام اینانلو چهارصد نفر	سواره شاهسون جبرین ششصد نفر
سواره شاهسون اینانلو ششصد نفر	سواره ایلات قزوین چهارصد نفر	

ملاحظه

محمد حسنخان اصفهانی — طهماسبعلی خان — حاجی آلخان

میرشب — طهماسبقلیخان — علی محمد خان

علی آغا — میرزا جوادخان تبریزی

عیسی خان سرکرده سوار حضرت — پهلول خان — علیقلی خان

ابراهیم آقا — میرزا حسن سررشته دار

خزانه و صندوقخانه مبارکه وغیره

خزانه مبارکه و زنبورکخانه و کالسکه خانه و سایر ابواجمعی خزانه دار همایون

امیر دوستمحمد خان داماد اعلیحضرت شاهنشاهی — دوستعلیخان معیرالممالک حاکم یزد و کیلان — نصرالله خان سرتیپ زنبورکخانه با یکصد و بیست نفر زنبورکچی وغیره — حاجی عبدالرشید خان مستوفی خزانه مبارکه

اهالی خزانه از صراف و تحویلدار وغیره — عمله کالسکه خانه مبارکه با هشتاد کالسکه — عمله تخت خانه مبارکه با بیست تخت — عمله نقاره خانه همایون

آقا محمد یحیی ساعت ساز

صندوقخانه مبارکه

حاجی رحیم خان صندوقدار — آقا حسن جبه دار باشی — احمد خان تحویلدار صندوقخانه — استاد عبدالله خیاط باشی و خیاطان — عملجات صندوقخانه مبارکه

پیشخدمتان و اطباء و عمله آبدارخانه و قهوه خانه و نظارت خانه همایون و تفنکداران و اصحاب شکار

پیشخدمتان

میرزا هاشم خان امین خلوت وزیر تفنکداران خاصه وغیره — یحیی خان آجودان مخصوص و تحویلدار صرف جیب همایون — آقا علی امین حضور و حاکم ساوه و شاهسون بغدادی وغیره — عبدالعلی خان ادیب الملک

محمد تقی خان افشار — میرزا علی خان نایب اول وزیر امور خارجه و منشی حضور همایون — محمد تقی خان طهرانی — میرزا مهدی خوئی

اسدالله خان پسر مرحوم اعتمادالدوله	آقا رضای عکاسباشی	محمد حسن خان محقق	حاجی محمد حسن خان
علی خان گرجی	اسدالله خان	محمد علی خان	غلام حسین خان مشهور به موچول خان
حسین خان پسر سپهدار النجان	نصرالله خان پسر امین الدوله	محمد حسن خان پسر امین الضیا	میرزا محمد خان پسر امین خلوت
محمد حسنخان پسر اعتمادالسلطنه جنرال آجودان خاصه	نور محمد خان متصدی امور دیوانخانه مبارکه	رحیم خان پسر مرحوم بهاء الملک	احمد خان
وجیه الله میرزا	ابراهیم خان محلاتی	محمد خان	محمد باقر خان پسر ادیب الملک
آغا یعقوب حافظ شمایل و دستخط مبارک حضرت ولایتمآب علیه السلام	حسن آغا	آقا محسن	حاجی علینقی فراشخلوت
آقا محمد علی نقیب باشی	حاجی میرزا بابک فراشخلوت	غلامعلی خان دربان خاص همایونی	پاشا بیک فراشخلوت
آغا محراب ایضاً			

اطباء			نظارتخانه مبارکه	
حکیم باشی طلوزان فرانسوی	حاجی آقا بابای ملک الاطبا	میرزا حسین دکتر	نورالدهر میرزای نایب ناظر	میرزا علی اکبر مشرف کارخانه
آقا میرزا سید علی	میرزا عبد العلی	میرزا حسینعلی	حاجی قاسم شربت دار و ناظم البکا	حاجی حسین آشپزباشی
میرزا مسیح	میرزا سید حسین	میرزا حسین دواساز	شربت دار و طباخ	

انبارخانه مبارکه			قهوه خانه مبارکه		
آقا ابراهیم انبارباشی و اینچک عرب و عجم	آقا یوسف سقاباشی	آقا محمد تقی باشماقچی باشی که دوشان تپه و بعضی از عمارات همایونی سپرده باوست	حاجی محمد خان قهوه چی باشی و تحویلدار آبدارخانه مبارکه	آقا حسن نایب	قهوه چیان
آقا رضا یارده باشی لباس اول عمله خلوت	آقا حسینعلی	حاجی حسن			

بیگها

آبداران و سقایان

- حاجی مهدی

تفنگداران خاصه

- آقا کشی خان
- قهرمانخان
- حاجی فرج خان
- محمد حسن خان
- رضاقلیخان
- مصطفی قلی بیک
- حبیب الله بیک
- ابوالقاسم خان
- مهرابان پنجه نفر
- محمد جعفر بیک
- سایر [illegible] نفر

اصحاب شکار

- مصطفی قلیخان میرشکار
- حبیب الله خان برادرزاده
- ولی بیک
- سایر شکارچیان [illegible] نفر

اهالی اصطبل خاصه و فراشخانه همایونی

اصطبل خاصه

- محمد حسین میرزای پسر امیرآخور نایب کل
- ابراهیم خان نایب
- حاجی محمد قلی خان
- نایبان جزو دوازده نفر
- جلودار صد نفر
- مهتر و غیره سیصد نفر

فراشخانه مبارکه

- حاجی مهر خان حاجب الدوله
- محمد حسین خان پسر حاجب الدوله و نایب کل
- باقر خان نایب
- مشهدی آقای نایب
- شیر محمد بیک نایب
- یوزباشیان و دهباشیان صد نفر
- کربلائی رمضان نایب قاپوچی باشی
- نایبان جزو ده نفر
- فراشان هشتصد نفر

عمارت دوشان تپه یکی از قصور مخصوص همایونی سلطانی و از بناهای اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که در سمت شرقی دار الخلافه طهران و بفاصله یکفرسنگ از شهر واقع است محل این بنای رفیع و قصر منیع در بدو دولت ابد آیت صحرائی بود خشک که در او هیچ از آب وگیاه نمونه نبود و تپه سنگین در وسط داشت که معدن سنگهای سیاه بود و تجاران شهر بدانجا رفته از برای ازاره حوضها و فرش عمارات از آن سنگها کنده بشهر آورده بکار میبردند و چون درین صحرا هیچ نمونه آبادی

و محل عبور و مرور مردم نبود اغلب طیور و وحوش در او مسکن داشتند و در فصل
زمستان و اول بهار و خریف ذات عالی برکات همایونی محض صید و شکار
بدینجا تشریف فرما میشدند از جمله روزی آن سامان را مشرف ساخته حرارت هوا
و قلت آب اسباب زحمت همراهیان شده خاطر خطیر مبارک بر آن قرار
گرفت که جلگهٔ بی آب و علف را آب و صفائی دهند و محل بی اسم و رسم را وقع و عظمی نهند
جمعی از چاکران دربار گیتی مدار بعرض عاکفان حضور رسانیدند که سلاطین سلف
و وزرا قبل حتی مرحوم حاجی میرزا آقاسی که بآبادی و زراعت کمال میل داشت
هر قدر خواستند درین مکان قناتی حفر کنند و آبی پدید آرند و بنائی بگذارند با
مخارج گزاف صورت امکان نپذیرفت این عرض مقبول طبع مبارک نشده مقرر
داشتند که ما تا کنون بخواست خدا بامری اقدام نکرده ایم که انجام پذیر نشود اکنون
بعون الله تعالی همت ملوکانه بر آبادی این محل می گماریم و انشاء الله در اندک
مدت درین جای خشک قناتها جاری خواهد شد و باغها و عمارات آباد خواهند
گشت پس خود بنفس نفیس مبارک از برای یافتن سر رشته قناتی سوار شده در اطراف
این بیابان سیر فرمودند تا آنکه در یکفرسنگی در دامنه کوهی که در سمت شرقی شهر واقع ا

ومعروف بسیاپایه است چاهی آبدار یافته‌اند پس امر فرمودند که همان چاه را گرفته

رشتها از بالا و پایین حفر نمایند در اندک مدت باقبال بیزوال همایون یک

سنگ آب از این قنات جاری گشته و در نیم فرسنگی تپهٔ دوشان تپه بر روی

زمین آمد آنجا را حسب امر همایون نهری زده و حوضی در مقابل آن ساخته و اطراف

آنرا اشجار بسیار غرس کردند و بعد آبرا از آنجا تا پای تپهٔ دوشان تپه آورده

زراعت نمودند و اطراف این نهر را همه جا گلهای گوناگون و درختهای بار

کاشتند بنحوی که دو سال بسر نیامده اشجار ترقی زیاد کرده صفا و خضرتی یافتند

پس خاطر مبارک بدان تعلق یافت که در فوق این تپه کوشکی بنا کنند در اول

عمارت کلاه فرنگی کوچکی در کمال ظرافت در بالای آن بنا کردند چون این عمارت

اتمام یافت امر بدان شد که باغی در پایین تپه بسازند آقا محمد تقی آبدار خاصه که

هم از علم غرس اشجار و زراعت اطلاعی داشت باین خدمت سرافراز آمد

در اندک مدت باغی بسیار وسیع که پنجهزار ذرع دور آنست بنا نهاده و او را

بباغ دلگشا موسوم نموده چهار سردر با عمارت در آن باغ بنا نهادند و دو

استخر بزرگ در او ساختند و چون آب این قنات عظمت باغ را کافی نبود قنات

دیگر از سمت شمال حفر کردند هنوز دو سال بر نیامده سواد باغ و اشجار آن
مثل یکی از باغهای کهن گشته و رای مبارک بر آن شد که عمارت بالای تپه را نیز
وسعتی دهند میرزا هاشم خان امین خلوت در سنه هزار و دویست و هشتاد مأمور این
خدمت شد و عمارتی عالی خوش طرح و طرز مشتمل بر اندرونی و بیرونی و قصری
سه مرتبه شبیه بقصرهای چینی و عمارت فرنگی در بالای این تپه بنا نمود و قلعه و حمام
و مسجدی در پایین تپه ساخته چند خانوار رعیت در او مسکن گزیده مشغول زرع و کشت
شدند و در سنه هزار و دویست و هشتاد و سه یحیی خان آجودان مخصوص این بنا را
با تمام رسانیده محل توقف و تمکن گاه گاه ذات عالی برکات همایونی و مورد
حیرت و تعجب ناظرین شد زیرا که تا امروز عمارتی باین روح و باین زیبائی
ساخته نشده خاصه آنکه زیادی باغ و اشجار و جداول آب و انهار اسباب
نزهت هوا و خضرت مکان این سامان شده و در حقیقت امروز یکی از بهترین
تفرج گاه و شکارگاه های سلطانی است درین جلگه شکار آهو و خرگوش و اقسام
طیور و وحوش بسیار است و در کوههای حوالی آن از قالی و بز و تکه از زمانیکه
مصطفی قلیخان میرشکار آن اطراف را قورق نموده بحدی زیاد است که در هیچ جای

روی زمین نیست و هیچ ممکن نمیشود که سرکار همایونی بدین شکارگاه تشریف فرما
شوند و از ده کمتر صید فرمایند و نیز در اطراف این جلگه درّه‌ها و چمن‌هاست که
همه امروز با صفا و سبز و خرم است قطر تپّهٔ مزبور هشت هزار ذرع و ارتفاع
آن تا بالای قصر سه مرتبه یکصد و پنجاه ذرع است در این اوقات برحسب امر
همایون عمارات زیاد از برای عملهٔ خلوت و قهوه خانه و آبدارخانه و حکیم باشی
طلزان و اغلبی از خدام و اصطبل و نظارتخانه در اطراف تپه ساخته‌اند و در
دهنهٔ قنات نیز بمعماری استاد شیرجعفر کاشانی که از معماران مخصوص است
نهارگاهی بسیار ظریف و خوش طرح بنا کرده‌اند و نیز مقرر است که باغی
دیگر قرینهٔ این باغ بزرگ در سمت چپ تپه بسازند و آب قنات موسوم
بعلی شاهیر که از معیرالممالک ابتیاع فرموده‌اند و زیاده از سه سنگ آب
دارد بخود جناب معیرالممالک امر شد که از سلطنت آباد بدانجای آرند
و یقین بعد از اتمام این باغ قصر دوشان تپه و باغات آن که هم بشکارآباد
موسوم است مستحق و سزاوار آن خواهد بود که مردم از بلاد غریبه محض تفرج
و تماشای آن بدار الخلافه سفر کنند و ملاحظه نمایند که عزم و همت ملوکانه

درخاک رمیم بهشت نعیم موجود فرماید و زمینی بی آب و گیاه را بباغ و گلزاری عظیم تبدیل سازد اللهم احفظه من الآفات و البلیات

روز دوشنبه بیست و سوم شهر ذیحجه الحرام

درین روز که روز حرکت موکب مسعود همایون بود هنگام صبح جمیع همراهان و سواران و زنبورکچیان و نقاره خانه و یدکان مرصع و غیره در پای تپه دوشان تپه حاضر شدند بندگان همایون شاهنشاهی از اندرون بیرون تشریف فرما شده جناب میرزا زین العابدین امام جمعه از شهر بحضور همایون آمده دعای سفر بگوش مبارک خواندند ذات همایونی توکل بخدا و ائمه هدا فرموده بر اسب سفید تیمور میرزائی سوار شده بسمت مقصد عنان دادند نایب السلطنه و فرهاد میرزای معتمد الدوله و فیروز میرزای نصرت الدوله و مستوفی الممالک و وزیر امور خارجه و وزیر علوم و حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه اعظم هوشنگ میرزای ایلخانی سابق قاجار و معین الملک و قوام الدوله تپه همایون را تا یکفرسنک مشایعت نموده و هریک مورد فرمایشات و الطاف شاهنشاهانه گشته رخصت انصراف یافتند سرکار شاهنشاهی در دباغه آخر کوه بی بی شهربانو از برای

صرف نهار فرود آمده و پس از آن بکالسکه نشسته بسمت خواتون آباد که اول منزل خراسان و مخیم خیام کیوان مقام بود تشریف فرما شده چهار ساعت بغروب مانده نزول جلال بمنزل فرمودند هوای این روز فی الجمله حرارتی داشت و از کثرت ازدحام و جمعیت جنود منصوره وغیره بحدی گرد و خاک احاطه داشت که در عرض راه شناسائی یکدیگر بی اشکال نبود

از دوشان تپه الی خواتون آباد پنج فرسنک است و راه اول رو بجنوب بعد چند درجه بمشرق میل میکند و درین راه همه جا کالسکه بسهولت عبور مینماید تا نزدیک خواتون آباد و از آنجا نهرهای زیادی که از رود جاجرود جدا کرده اند و از برای زراعت بدهات ورامین و خالصه دیوان اعلی میبرند قدری کالسکه را مانع آمد خواتون آباد محاذی حصار امیر واقع است و قریب یکصد خانوار رعیت دارد جو تو و پشت دهات معروف پازکیان در فاصله خواتون آباد و حصار امیر واقعند جناب حاجی ملا علی مجتهد مشهور کنی در خواتون آباد کاروانسرائی بنا نموده از کاروانسراهای بسیار خوب خواهد شد و فایده کلی از برای زوار و قوافل خواهد داشت

روز سه‌شنبه بیست و چهارم

بندگان شاهنشاهی امروز را در خواتون آباد امر باطراق فرمودند تا هرگاه بقیهٔ از
همراهیان مانده باشند ملحق شوند سردار کل که برحسب امر سنیه بدین منزل آمده بود بحضور
مهر ظهور همایونی شرفیاب گشته اصغای فرمایشات علیه کرده و جمعی را که هریک
بخدمتی مأمور بودند مثل میرزا احمد خان ساعد الملک سلطان حمید میرزای پسر نصرت
الدوله ابو الفتح خان پسر مرحوم سردار میرزا قهرمان امین لشکر جمشید خان ماکوئی
احمد خان مکری و محمد میرزای مهندس مأمور لاهیجان را بحضور مهر ظهور آورده بهر یک
فرمایشات ملوکانه و بذل تلطفات خسروانه شد اسحق میرزای پسر معز الدوله که حاکم
نجف آباد اصفهان است بتوسط امین الدوله شرفیاب حضور همایون گشته و نیز
فرستادهٔ حاجی ملا محمد نراقی با جوز قند و گلاب که هدیهٔ حاج معظم الیه بود بتوسط
امین الدوله بحضور مبارک شرفیاب آمد آقا میرزا مهدی مجتهد همدان بتوسط دبیر الملک
شرفیاب حضور شد و دو ساعت بغروب مانده بندگان همایونی بسراپردهٔ نواب
مهد علیا تشریف فرما شده بعد از نیم ساعت مراجعت فرمودند هوای امروز
نیز فی الجمله گرم بود و بادهای شد گرد آلود وزیدن داشت تا هنگام عصر از اقبال
بی زوال همایونی باران نافع شدید باریدن گرفت و حرارت و کثافت هوا ببرودت

و نظافت تبدیل یافت گلهای سرخ و زرد امروز تازه طبقی از آن بحضور مبارک آوردند

روز چهارشنبه بیست و پنجم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل شریف آباد یکساعت از دسته گذشته بندگان
اقدس همایونی از بستر راحت برخواسته دوگانه خداوندگانه بجای آورده و لباس
سواری پوشیده بعد از سه شیپور و کرنا که اخبار سواریست از سراپرده همایونی بیرون
تشریف آورده با شوکت و اقبال بکالسکه اجلال نشستند فرهاد میرزای معتمدالدوله
و نصرت الدوله و ساعدالملک و امین لشکر که تا این منزل همراه بودند در پای
کالسکه شرفیاب حضور مهر ظهور شده رخصت انصراف یافتند چون یکفرسنگ و نیم
از خاتون آباد گذشتیم در قریه خسرو در باغی از برای صرف نهار فرود آمدند آقاخان
پیشخدمت و امین صحه که صاحب قریه مزبوره است قدوم مبارک همایون را
با پیشکشی لایق پذیرائی نمود این باغ اگرچه رعیتی است و لیکن گلهای بسیار
و اشجار بیشمار آن اسباب خرمی خاطر مبارک شد در هنگام صرف نهار حکیم باشی
طولوزان از روزنامجات فرنگستان بعرض خاکپای همایون میرسانید و
از جمله اخبار آن بود که روزنامه نویسان نوشته بودند و زینت در میان دولت

فرانسه و پروس آغاز جنگ و جدال شود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی این حدس را
غیر صائب دانسته بحکیم باشی میفرمودند گمان ندارم که این حادثه شمت وقوع یابد
بالاخره پس از صرف نهار مجدداً بکالسکه نشسته پنجساعت بغروب مانده بحوالی
قریه شریف آباد که مخیم اردوی کیوان پوی بود تشریف فرماشدند و ساعتی
استراحت فرموده و بقیه روز باستماع کتاب تاریخ روضة الصفا که آقارضای
عکاس باشی بعرض میرساند وصحبت متفرقه اوقات مبارک گذشت هوای
امروز نیز فی الجمله حرارت داشت با زطرف عصر بادشدی وزیده و رعد و برق
آشکار شد باران شدیدی باریدن گرفت و بعد از آن هوا در نهایت اعتدال
یافت و خاطر همایونی خرسند گشته شکر خداوندرا بجای آوردند
مسافت از خواتون آباد الی شریف آباد دو فرسنگ و نیم و راه مایل بجنوب
شرقی است وهمه جا مسطح است مگر آنکه رودخانه جاجرود که بسمت ورامین می آید
و نهرهای متعدده که از آن رودخانه جدا کرده اند مانع از سهولت حرکت کالسکه است
ولیکن چون رودخانه در اینجا عریض است بنه و سوار بخوبی و آسانی گذشتند
در فاصله خواتون آباد و شریف آباد نزدیک بجاده اول دهی که ملاحظه شد

الواک ده آقاخان پیشخدمت بعد از آن کبرو داغلان ده امین الملک و
پس از آن خسرو است که نیز متعلق با قاخان است شریف آباد ده معتبری است
و سپرده بحاجی محمد قلی بیک نایب اصطبل خاصه مبارک است

روز پنجشنبه بیست و ششم

تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل ایوان کیف که اشهای خاک ورامین است
دو ساعت از دسته گذشته بندگان همایون شاهنشاهی از سراپرده مبارکه بیرون
آمده باسب پیشکشی عماد الدوله سوار شده باتیپ و پیدق که صحرا را فرو گرفته بود
روی براه نهادند محمود خان ناصر الملک ایلچی کبیر دولت علیه که سابقا مقیم دربار
بهیه انگلیس بود تا این منزل باردوی همایون همراه بود شرفاندوز حضور همایون
شده و پس از استماع فرمایشات ملوکانه رخصت انصراف یافت امین الدوله
و حاجی میرزا محمد خان دبیر قدری از راه را در جنب رکاب همایون بوده مخاطب
فرمایشات و صحبت علیه شدند چون شلیک زنبورک خبر رسیدن بوسط
راه را داد ذات همایونی در کنار جاده فرود آمده در آفتاب گردان صرف نهار
فرمودند حکیم باشی طلوزان علی الرسم روزنامه میخواندند و یحیی خان اجودان مخصوص ترجمه مینمود

پس از نهار بکالسکه نشسته و پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شده

حاجی میرزا یحیی خان حاکم دماوند در عرض راه شرف اندوز خاکپای مبارک گردید

اگرچه باقتضای فصل و مکان مقتضی گرما و سوء هوا بود ولی باقبال بیزوال شاهنشاهی

هوا نهایت اعتدال را پیدا کرده وجود مسعود ملوکانه و عموم ملتزمین رکاب را آسایش

و راحت کلی حاصل گردید میرزا سید احمد وزیر عربستان هنگام عصر بتوسط اعتضاد الدوله

بحضور مهر ظهور مشرف گشته مطالب و عرایض خود را معروض داشته احکام

همایونی در جواب هر یک شرف صدور یافت امروز نیز دو ساعت بغروب

مانده بادی شدید وزیدن گرفت و اغلب چادر و خیام را از پای در انداخت

و پس از آن اعتدال هوا فزوده شد

از شریف آباد بایوان کیف پنج فرسنگ است در راه همه جا مسطح و کالسکه

در نهایت آرامی و راحت عبور میکند طرف دست چپ جاده همه صحرای بوته دار

و هموار و بی آبادیست و منتهی میشود بجبال و دره ماهورهای دامنه کوه قراآقاج

بعضی جاها یک فرسنگ و بعضی نیم فرسنگ از جاده تا دامنه کوه فاصله و صحرای

مسطح است درین صحرا آهوی بسیار داشت ولی عبور پیشخانه و جمعیت زیاد در جلو رفته بودند

همه راپراکنده و متفرق ساخته بود با وجود این حال چهار راس آهو بصید غلامان
آمده بحضور مبارک آورده مستوجب اعطای انعام شدند طرف دست راست
جاده از شریف آباد الی دو فرسنگ دهات و زراعت و آبادی بسیار بود
و پس از آن صحرا و زمین بایر است و بفاصله دو فرسنگ منتهی بماهورها و کوههای
سخت خشک هزار دره میشود ایوان کیف خالصه دیوان اعلی و از دهات بسیار
معظم و سپرده بامیر آخور است دویست خانوار رعیت و یخچال و بازار و حمام
و باغات بسیار دارد و انار این باغات معروفست و از آثار قدیمه
در او کاروان سرائی است عالی که از بناهای مرحوم شاه عباس ماضی و اکنون
محتاج تعمیر است

روز جمعه بیست و ششم

تشریف فرمائی موکب همایون از ایوان کیف بقشلاق سرکار همایون
شاهنشاهی امروز دو ساعت از روز بر آمده از حرم خانه مبارکه بیرون تشریف آورده
بکالسکه نشستند امین الدوله و اعتضاد الدوله و دبیر الملک و حاجی شهاب الملک
تا وصول کالسکه همایون بمیان دره خوار مورد عنایات خسروانه و مخاطب فرمایشات

ملوکانه بودند چون بمیان دره خوار رسیدیم و هنگام صرف نهار شد آفتاب
گردان شاهنشاه کامکار را در سمت راست دره در بالای تپه پرگیاه بر پای
کردند وزرا و اعیان و صاحب منصبان و ارکان نیز هر یک در گوشه سایه
فراخی جسته و در سایه اقبال خسروانی غنوده سفرها گستردند و شکرانه انواع و اقسام
نعمات الهی دعای وجود مبارک همایون شاهنشاهی گفتند درین هنگام کالسکه
و تختهای حرم جلالت که زیاده از هشتاد و بعد از تخت همایون بود با یدکهای
مرصع و طلا و خواجه سرایان سفید و سیاه و غلامان و سواران با نظمی تمام و ترتیبی
در عین نظام رسیدند مردم از خاص و عام از جاده و راه کناره گرفتند
تا ایشان بگذشتند و چون مسافتی بعید طی کردند سرکار همایونی بکالسکه
رجوع فرموده پس از فرسنگی باول حلکه خوار رسیدیم جلیل خان سرکرده اصانلو
با سواره ابواجمعی خود و محمد جعفر بیک نایب خوار و کدخدایان و ریش سفیدان
این بلوک بزیارت خاکپای همایون مشرف گشتند در ورود موکب مسعود
بقشلاق اعتضاد الدوله بعرض عاکفان حضور معدلت دستور رسانید
که جمعی از روسا و آق سقالان ترکمانان مروی باعرضیه عبودیت و چاکری

بامید الطاف خسروانه روی بخاکپای همایون نهاده اندام و مقرر شد که فردا
در اول سواری عریضه و پیشکش خود را از لحاظ انور بگذرانند هوای قشلاق
باقتضای قشلاقیت آن در کمال حرارت بود و بحمد الله تعالی از میامن وجود
مسعود بدستور هر روز طرف عصر بوزیدن باد خنک و ترشح جزئی در نهایت
ملایمت و خوشی گذشت
از ایوان کیف تا قشلاق شش فرسخ است و زمین تا دو فرسنگ که اول سر دهنه
خوار است همه جا مسطح و از اول سر دهنه تا آخر دره که بابتدای جلگه خوار منتهی میشود نیز
دو فرسنگ ولی راه سنگ و پر گرد و خاک و بی آب مشروب است دو فرسنگ
دیگر از اول جلگه تا قشلاق است جلگه خوار صحرائی است وسیع که اغلب امکنه او
کویر و شوره زار است بحدیکه در بعضی جاها در اوقات بارندگی هرگاه سوار از جاده
خارج شود با اسب بکویر فرو رود و از او اثری باقی نماند درین صحرا با ضخامت
بوتهای گون عظیم گیاههای معطر از قبیل مشک ترامشه و افسنطین و گلهای زرد
خوشبو از جنس بو مادران و بعضی نباتات مخصوص که در صحراهای دیگر دیده نشده است
بسیار است طرف دست راست و چپ جاده بفاصله یکفرسنگ کوه و ماهورست

در اول سردهنه خوار کاروانسرای کوچکی از بناهای شاه عباسی است که اگرچه
مخروبه است ولی در ایام زمستان از برای قوافل و عابرین سبیل مأمنی بس مفید است
دهنه خوار که قلعه طبیعی و حد خلقی این بلوک است عبارت از دو شعبه از شعبات
البرز و ضلعی از کوه کنار گرد واقعه در سمت جنوب دارالخلافه است دره که در
میان محل عبور میباشد مشتمل است بر برجها و آثار قلعجات محکم که در سوابق ایام حقیقة
بمنزله بدنه و سنگر بوده استحکاماتیکه درین دره داشته اند و علامات و آثاران باقیست
همه در مکانهای مناسب و موافق هندسه ساخته شده است در جبال اطراف
دره که مانند دیوارهای محکمند بواسطه آنکه سنگ آن کمتر و غالبا در فصل بارندگی
محل تصادف باران است خطوط متوازیه عمیقه بهم رسیده و هیأت آنها را از سایر
جبال امتیاز داده   در اول این دره آب شور کمی است که از طول دره همه جا
سراشیب بجلگه خوار میرود   آبادی راه امروز در قرب جاده منحصر بدهی است
مسمی بکبریه که در طرف دست چپ و نزدیک بقشلاق واقع است

روز شنبه بیست و هشتم

حرکت موکب همایون از قشلاق پیاده یکساعت از روز برآمده صدای زنبورک

اخبار حرکت موکب مسعود در اداد و شاهنشاه دین پناه بر اسب اقبال نشسته
ملتزمین رکاب هر یک بترتیبی که برای ایشان معین بود در رو براه نهادند اوای
نقاره خانه و کوس رسم هر روز غلغله در اطراف افکند انوشیروان خان عضد الدوله
با بابک و قربان بیک طوقمش و ساری بهادر اتمش و سایر کدخدایان طایفه
ضاله را برکاب ظفر انتساب همایون آورده عرایض و پیشکش ایشان ملحوظ نظر مبارک
افتاد و باندازه که فراخور حال ایشان بود بعواطف ملوکانه سرافراز و امیدوار گشتند
چون قدری از راه آمدیم شدت گرد و خاک سواران ملتزمین رکاب اسباب
آن شد که سرکار اعلیحضرت همایونی میل بطرف چپ جاده فرموده تپ و پدق را
در جاده گذاشته شد و خود با چند نفر از خواص از کنار راه طی مسافت میفرمودند تا در دامنه
کوهی عظیم و پرسنگ در محل مسطحی فرود آمده امر بحاضر نمودن نهار فرمودند و خود
با دوربین باطراف صحرا و دشت نظر داشته و حالت و نباتات مختلفه اراضی
و جبال را سیاحت میفرمودند چون وجود مبارک فی الجمله کسالتی داشت در غذا
نهایت تقلیل را فرموده نیم ساعت پس از آن تپ همایون و اسبان کالسکه
سرکاری از برای وصول بمنزل بشتاب آمدند هفت ساعت بغروب مانده

وارد اردوی کیوان پوی شدیم ذات والاصفات همایونی اندکی راحت فرموده

و این بنده بخواندن کتاب و عرض احوالات سلاطین هندوستان و حکما و دانایان

آنسامان مشغول بود و چون از خواب برخواستند و مزاج مبارک همایون را قرین اعتدال

یافتند بصرافت طبع منیر مبارک برآن شدند که موهبتی خاص در حق این ذره بمقدار و

چاکر دربار گیتی مدار فرمایند همت ملوکانه مقتضی اعطای لقب حکیم الممالک شد

و این خانزاد سر افتخار بافلاک سوده و در شکر مراحم خسروانه عاجز ماند از دست و

زبان که برآید   کز عهده شکرش بدرآید   هنگام غروب آفتاب باران

شدید باریدن گرفت و تا نیمه شب امتداد یافته هوا را برودت و صفائی کامل داد

و خاطر دریا مقاطر همایون مسرور گشته تفضلات خداوندی را شکر گفتند

از قشلاق پیاده سه فرسنگ است راه بطرف جنوب و چند درجه بمشرق میرود

همه جا جاده وسیع و نهرهای متعدده عظیمه با او تقاطع کرده و کالسکه با زحمت

عبور میکند کنار راه در سمت چپ اول دهی که بنظر می آید جمال آباد کلبازخان قراچورلو

و بعد قلعه خرابه دیگر متعلق ببرادر کلبازخان پس از آن ارادان و او دهی است بزرگ

و معتبر و قلعه در وسط دارد مانند یک برج با باستیانیکه بقاعده هندسی و مدور ساخته اند

ودیوارها

و تقریباً چهار صد ذرع دور آنست و برجها و باروهای محکم و عمارات تحتانی و فوقانی
دارد که اهالی ده در آنها مسکن دارند و هیچ معلوم نیست که در چه زمان ساخته شده است
پس ازارادان قریهٔ پاده است که از دهات معتبر خوار و او نیز قلعه دارد شبیه بقلعهٔ ارادان
که دهقانان در طبقات فوقانی آن متمکن‌اند ازین قبیل قلعجات و کاروانسراها
از ابنیهٔ قدیمه درین جلکه بسیار است که در عهود سابقه از جهة بی‌نظمی این حدود و تحکمات
عسکریه ساخته‌اند و بمرور ایام بواسطهٔ حصول نظم و امنیت رعیت خانهای خود را
از قلعجات بیرون آورده در خارج آبادی کرده‌اند و چون قلعها محتاج الیه نبوده
روی بانهدام گذاشته است خوار از بلوکات دار الخلافه است سی و پنج الی چهل ده بزرگ
و کوچک آباد و مخروبه دارد که بعضی از آن خالصهٔ دیوان اعلی و برخی مالکین مخصوص
دارد ایل اصانلو و عرب و ایلات متفرقهٔ دیگر در او قشلاق دارند که ییلاق ایشان
دماوند و لار و غیره است آب این بلوک عمده از دو رودخانه بزرگست که یکی از سمت
فیروزکوه جاری و موسوم بنمرود است و دیگر از سمت دریاچهٔ تار و هوج دماوند
ساری و معروف بدلیچای است حاصل این بلوک جو و گندم و شلتوک است
که بدار الخلافه و سمنان و فیروزکوه میبرند

روز یکشنبه سلخ ذیحجه

تشریف فرمائی موکب همایون بده نمک شاهنشاه جمجاه در اول صبح بقاعدهٔ
هر روز بحمام تشریف برده جامهٔ سواری پوشیده واز حرمخانهٔ مبارکه بیرون آمده
عموم اعیان وچاکران درباری در بیرون سراپرده از زیارت جمال مبارک
مبتهج وشادمان گشته اسب کرنک پیشکشی حسام السلطنه که از عربهای شیراز ودر اصلیت
بی نهایت ممتاز است از سواری وجود مسعود همایون امتیازی کلّی حاصل نمود
از آنجا که همه وقت تفضّلات الهی از هر جهة شامل حال ملتزمین رکاب نصرت تکمین است
هوای امروز واین منزل که غالب اوقات بگرمی وبدی معروفست کمال اعتدال را
یافته از اول بارانی ملایم ببارید وچنان طراوت ونظافتی در هوا پیدا شد
که انبساط کلّی در خاطرها پدید گشت وگرد وغبار بالمرّه زایل شد ذات همایونی بواسطهٔ
باران از اسب فرود آمده بکالسکه نشسته وچون باران ایستاد بقصد شکار آ
سوار شده رحمت الله خان سارو صلان را مقرر داشتند که با دسته از سواران
ابوالجمعی خود از بالا دست جادّه روان شده آهو دوانی کنند هنوز سواران
مسافتی طی نکرده یک گله جیر که آهوان کوتاه ظریفند بسمت ما ردیف شدند ولی چون

صحرا با پست و بلندی و کویر و سخت بود تعاقب ایشان امکان نپذیرفت

نصرالله بیک قوشچی خاصه هوبره با قوش شکار کرد و سرکار همایونی در کنار راه

در محلی که نباتات و گیاههای مختلف داشت از برای صرف نهار فرود شدند

اعتضاد الدوله و امین الملک و شاهزاده ملک منصور و آقا علی وغیره در حضور

بودند بعد از نهار یکدسته شکار دیگر از مقابل تپه بیرون آمده سواران در پی

ایشان تاختند حسن خان عمزاده میرشکار بر بعضی سبقت جسته آهوی ماده با یک تیر

دستگیر نموده و از وصول انعام و الطاف همایونی مفتخر گشت یکساعت بغروب

مانده بمنزل رسیدیم و اعلیحضرت همایونی قلیل وقتی استراحت فرموده بقیه روز را

باستماع روزنامجات فرنگستان که حکیم باشی طلزان معروض میداشت

و مطالعه تاریخ ایران وغیره گذراندند نزدیک شام بادی سخت وزیده رعد و

برق آشکار گشته و بارانی شدید تا نیمی از شب گذشته بیارید

از پاده الی ده نمک سه فرسنگ است و از اول منزل قلعه آن نمایان شد

این بیابان با آنکه کویر و شوره زار است درخت زرشک و گیاهها و گلهای

مختلف و متعدد دارد از جمله گل کبر است و او گلی است سفید و بزرگ و چهار پر دارد بوی

شبیه بگل ابریشم   طرف چپ راه بفاصلهٔ یکفرسنگ یا نیم فرسنگ کوههای سنگی
کوچک و از آنها دورتر کوههای بزرگ برف دار نمایان است طرف دست راست
همه جنگل گز و خار شتر است قریهٔ ده نمک قریب صد خانوار رعیت دارد و او را
کاروانسرائیست از بناهای قدیم که حاجی علی اکبر تاجر طهرانی تعمیر نموده و قلعهٔ دارد
شبیه بقلعهٔ پاده با حمام و یخچال و چاپارخانه

دوشنبه غرهٔ محرم الحرام

تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل لاسجرد   شاهنشاه اسلام پناه بواسطه
بعد راه امروز را زودتر از هر روز سوار شدند و همه جا از میان جاده و راه
تشریف فرما گشتند تا سه فرسنگ از مسافت طی شده و در سمت چپ در دامنه
از برای صرف نهار نزول فرمودند حسین خان پسر سپهسالار و حاکم سمنان
و دامغان در اینجا شرف اندوز حضور عطوفت دستور شده مورد الطاف خسروانه
گشت و چون خیام زرین نشان همایون که پیشخانه بود از باران شب قبل رطوبت
کلی داشت خان مشار الیه مأمور بدان شد که در کمال تعجیل بسمنان رفته و عمارت
ارک را از برای تشریف موکب همایون منظف و منقح سازد پنج ساعت بغروب مانده

بپای گردنه لاسجرد رسیدیم کالسکه های حرم جلالت از پای گردنه از راهی که
در سمت راست برای عبور کالسکه ساخته بودند گذشته و سرکار همایون شاهنشاهی
سواره ببالای گردنه تاختند و در آنجا اندکی توقف فرموده دوربین بصحرا انداختند
و فنجانی قهوه میل کرده سه ساعت از روز مانده بمنزل نزول اجلال فرمودند و از آنجا
که امروز اول محرم و هنگام شور و ماتم بود خاطر مبارک از حزن و غم بیاسود و حاجی
قاسم ناظم البکا را امر فرمودند که اسباب تعزیت داری حاضر کنند و بنای سوگواری
گذارند ذاکران که باردوی کیوان نشان همراه بودند و اسامی ایشان باین شرح است
در ایوان همایون حضور بهم رسانند

ملا سید ابو طالب خراسانی — میرزا عبد الجواد واعظ — میرزا ابو القاسم لسان الذاکرین — میرزا آقا جان کاشانی — ملا آقاجان محتشم و جمعی دیگر از ذاکران

و اغلب از خدام دربار سپهر احتشام در مجلس تعزیه جمع شده شوری عظیم برپای کردند
و وجود همایون شاهنشاه اسلام را دعا و ثنا گفتند و هر یک از امنا و اعیان و خدام
و ارکان نیز در منازل خویش مشغول تعزیت داری و دعاگوئی شدند و اصح است
تا شاهنشاه دین پناه را در ترویج شرع مبین و تعظیم خانواده حضرت سید المرسلین صلعم
و حفظ صلاح مسلمین باین شدت مراقبت و تمکین نباشد خداوند متعال قضا و قدر را

مطیع خیالش نکند و سی کرور مخلوق را منقاد مثالش نسازد در صحرائی کویر که بهیچ گونه
تدبیر آب بدست نمی آمد محض راحت همراهیانش رودهای بزرگ جاری نسازد و ابر رحمت
از منزلی تا منزلی سایه بر سر ملازمانش نیندازد فی الحقیقه جز از عقیدهٔ نیک و قصد خیر
اعلیحضرت شاهنشاهی و بفضل الهی دلیلی دیگر مشهود نبود که درین روز باین مخلوق
بدین قسم خوش بگذرد و حال آنکه از پاده الی لاسجرد جز در عبدالله آباد در هیچ محل نزدیک
راه آب نیست و هوای کویر غالبا گرم و با گرد و غبار است و هر هنگام قافله از آن مکان
عبور نماید اکثر بواسطه گرمی هوا شب بگذرد و از منزل قبل آب زیاد با خود بردارد چنانکه
مردم ما نیز وحشت کرده و آنچه ظروف داشتند پر آب نموده بودند غافل از اینکه بواسطهٔ
باران شب گذشته نهرها در اطراف جاده جاریست و غدیرها در هر کنار پر از آب خوشگوار
و هوا را بحدی طراوت و لطافت است که هیچکس حتی ستور از احتیاج بآب نیفتد
بالجمله امروز حکیم باشی طهران و این بنده مدتی از راه را متحیر و متعجب در شدت جمعیت و
ازدحام اهل اردو بودیم که بمراتب زیاده از هر روز بود چه شب گذشته مردم بواسطهٔ
تیرگی شب و آمدن باران از پیش رفتن نتوانسته و همه از پیاده و سوار و بنه و بار از اول
روز بحرکت آمده بودند جاده از پاده الی لاسجرد بازاری شده بود وسیع که عبور در آن

در نهایت دشوار بود و درین مسافت هفت فرسنگ مردان و بارکشان
یکدیگر پیوسته بودند بطوریکه هر کس از مکان مرتفعی سیر مینمود در این بیابان خطی مساوی میدید
که در هفت فرسنگ طول و سی ذرع عرض امتداد دارد بلکه میتوانم عرض کنم ده فرسنگ
طول زیرا که فی الحقیقه ابتدای ردوا زیاده بود ولی نه چنان است که تمام این خط مرکب
از عساکر منصوره و جنود مأموره باشد بلکه در او انواع و اقسام مخلوق از هر قسم و هر نوع
از هر بلد و هر ولایت از زوار هندی و بربری گنجه و قبه و کسبه و ارباب صنایع از هر صنف
و هر سنخ و شحتا و گجا و ها حتی قوجه من سنه قربان اُلوم منه بر غایت الیه که از نود سال
متجاوز دارد و در پیاده روی قدرتی که منتهی نمونه قوت بنی نوع بشر است و مینماید
که هر گاه اعراض روحانیه مانع نیاید و قوی نفسانیه را نکاهد شخص میتواند تا صد سال یکی
بل متجاوز در اغلب قوا و قدرت خود باقی باشد چنانکه مکرر در اهالی قراء و جبال و بادیه
نشینان ملاحظه شده است که در سن نود و صد در جمیع قوه و قدرت طبیعی بدنی باقی
مانده اند حال ازین ملاحظه بگذریم و مشاهده کنیم که خالق متعال در خلقت هر نوع
مخلوق خاصه بنی نوع بشر چه تفنن ها فرموده یکی را چون پهلوان یزدی خلقت فرموده
که درین راه بیدق پیادگان و البته نیم ذرع بلندتر از ایشان بود و در پهلوی او علی کـ

کراجی

که آجری دریای مناری و بوته در مقابل خیاری می‌نمود ولی آنچه حیرت بر حیرت
حکیم باشی طهران می‌افزود بار و بنه اعیان و ارکان بود هرچه می‌شمردیم تمامی نداشت و
جناب حکیم عجب می‌انگاشت که چگونه متحمل اینهمه مصارف و مخارج میشوند هرگاه از مطلب با
خارج نبود و جسارت نمی‌نمود میتوانستم بموجب فرمایش ایشان بسبحی در ینباب و معایب
آن شرح دهم ولی چون مقصود مطلب نویسی و حکایت گوئی فقط است از بعضی تحقیقات
هر قدر هم مفید باشد صرف نظر میکنیم البته اولیای دولت و اعیان حضرت خود از ما
بندگان با بصیرت تر هستند و چاره در ینباب که جز خسارت و مرارت فایده ندارد خواهند
فرمود اگرچه معلوم است آنانکه سالها و قرنها با راحت و اسباب تجمل حرکت نموده اند
و حالت سفر ایشان با حضر چندان فرقی نداشته نمیتوانند از اسباب راحت خود صرف
نظر نمایند و چادرهای پس خانه و پیشخانه و صندوقخانه و بیش خانه نداشته باشند مگر آنکه بمرور
ایام و از توجه خاطر خطیر مبارک شاهنشاهی تغییری و تعدیلی درین امر بشود چنانکه مکرر
درین سفر از لفظ دربار اعلیحضرت همایون شهریاری شنیدم که بحاجب الدوله و سایر
چاکران و صاحب‌منصبان دربار همایون می‌فرمودند که تخفیفی در خیمه و سراپرده و سایر ملزومات
سفر همایونی دهند تا سایرین نیز تأسّی بذات والاصفات شاهنشاهی نموده از شدت

مخارج سفر و زحمت بار و بنه بسیار بپاسایند انشاالله تعالی بمنه و توفیقه

از پاده الی لاسجرد هفت فرسنگ است و راه همه جا جنوب مشرقی است صحرا
کویر و گون زار با بوته و اسفند بسیار است مسافتی از پاده گذشته اول خاک سمنان است
و محدود است بچند بارلقان عمیقی که چون خندق طبیعی در میان خاک خوار و سمنان
واقع اند و عرض هر یک از دو ذرع و نیم الی سه ذرع و عمقاً از ده ذرع الی پانزده ذرع است
که بخط عرضی در دو سه موضع جاده را انقطاع نموده آب این نهرها که آبی گل آلود و سیلابست
در هر یک دو سنگ یا سه سنگ کمتر یا زیادتر از مشرق شمالی بمغرب جنوبی جاری است
پلهای نهرهای مزبور که معروف به پل گرپی و در اصل به زیر گرپی موسوم بوده است پلهای
محکمی است که از عمق نهر بنا شده و بسطح زمین منتهی است و این نکته را خاطر الهام پذیر
ملوکانه مبتادر استنباط فرموده و وجه تسمیه او را به زیر گرپی به نسبت مساوات اینجا بسطح
زمین مقرر داشتند طرف دست چپ بفاصله نیم فرسنگ تپه‌ها و کوههای کوچک
و پس از آن کوههای مرتفع عظیمه است طرف دست راست صحرای کویر بی آب و گیاه است
که بفاصله پنج الی شش فرسنگ او نیز منتهی بجبال شود سه فرسنگ از ده نمک گذشته
قریه عبدالله آباد است که در سابق ایام قلعه بزرگ داشته و آن قلعه منهدم شده در ثانی

این از موقوفات حاجی علی اکبر تاجر طهرانی در صدد آبادی او برآمده کاروانسرا و آب انباری
بنا نهاده و چند خانوار رعیت در او مسکن داده زراعت قلیلی کرده اند و البته قابل آبادی
زیاده براین است دو فرسنگ از عبدالله آباد گذشته گردنهٔ لاسجرد است و او کوه و گردنهٔ
کوچکی است که از بالای آن قلعهٔ عظیم سیاه لاسجرد و جلگهٔ سمنان نمایان است
از گردنه گذشته باز راه هموار و مسطح و بحسب هوا اول ییلاق است قصبهٔ لاسجرد
باغات بسیار و قریب سیصد و پنجاه خانوار رعیت دارد که سیصد آن در قلعه
و پنجاه خانوار در خارج قلعه مسکن دارند اهالی این قریه اغلب مردمان متمول و با بضاعت
و صاحب اغنام و احشام اند و در سال مبالغی پنیر و روغن که معروف و ممتاز است
بفروش میرسانند و حاصل باغات ایشان گوجهٔ بسیار خوب و انگور و غیره است
قلعهٔ لاسجرد قلعه ایست مدور و بزرگ سه مرتبه که بسیار محکم و سخت ساخته شده است
و او را دری کوچک است که از یک پارچه سنگ بنا کرده اند دو مرتبه بالای قلعه
مسکون و مرتبهٔ زیر انبار است و طاقهای قلعه از سمتی بصحرا و از طرفی بدرون قلعه
می نگرد در مرتبه ها مثل در مردروهای قلعه جات بزرگ و طرهای عمارات
عالیه چوبهای بلند ضخیم استوار کرده و روی آنها را پوشانیده اند بنحوی که بمنزلهٔ

ماهی ها

ماه تابی واقع شده ولی بر روی چوبها هنقنا نگذاشته و مدفع خویش قرار داده اند و بانیجهت است که دیوار قلعه همیشه ملوث و کثیف و هوای مجاور قلعه بشدت متعفن است و چون نسیمی بوزد تا یکفرسنگ بل متجاوز زاردی و عفن سازد و حال آنکه هرگاه این کثافت و ناتمیزی نباشد لاسجرد از بهترین مکانهاست با هوائی بس نیکو و زمینی قابل همه گونه زراعت و آبادی

دوشنبه دوم محرم الحرام و ورود موکب مسعود بشهر سمنان

درین روز سرکار اقدس همایون ظل الهی یکساعت و نیم بدسته مانده بر اسب کهر پیشکشی نواب یمین الدوله سوار شده همه جا از خارج جاده با اعتضاد الدوله و امین الدوله و معیر الممالک فرمایش کنان تا نیم فرسنگ از قریه سرخه گذشته تشریف بردند و در سر آسیاهای سرخه کنار بیدستان و نهر آبی از برای صرف نهار فرود شده و پنجساعت از روز برآمده روی بشهر سمنان فرمودند چون دو فرسنگی از آسیاها دور شدیم سواد شهر آشکار گشت حسین خان حاکم سمنان که پسر سپهسالار والی خراسان بود با سادات و اجله و اعیان و عموم اهالی شهر از وضیع و شریف اناث و ذکور از دو صف صفها بر کشیده کوکبهٔ موکب مسعود را پذیره شدند

سرکار اقدس شاهنشاهی با پوشش و لباس مکلل بالماس و کمر و شمشیر مرصع آفتاب
وار از برج کالسکه خاصه مبارکه طالع شده و بر مرکب عربی اقبال راکب گشته
انظار ناظرین را از نظاره تلألؤ رکاب مبارک منور ساختند فوج سمنان
و دامغان بو ابجمعی علیقلی خان سرتیپ از سان حضور مبارک گذشته و سرتیپ
مذکور و افراد سرباز بالطاف همایونی مستسعد و سرافراز شدند خان حاکم اعیان
ولایت را در حضرت همایونی معرفی کرده جمیعا مورد ملاطفات و عنایات خسروانی
گشته زبان بدعا و ثنای وجود مبارک گشودند سه ساعت بغروب مانده
ذات والاصفات شاهنشاهی بمبارکی و اقبال و شوکت و اجلال تمام بارک
سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند و اردوی همایون در نهایت آراستگی
در خارج شهر که به پشت ارک اتصال دارد متوقف شد درینوقت چون هنوز
خادمان حرم عفت توام نرسیده بودند سرکار ظل اللهی با پیشخدمتان و خواص عمارات
حرمخانه و باغ را تفرج فرموده بحیاط کوچکی که از برای دیوانخانه مهیا و آماده شده
بود تشریف فرما شده باحضار ذاکرین امر فرمودند و پس از استماع ذکر مصیبت
و انجام لوازم تعزیت مقربان دربار را رخصت انصراف داده خلوت دیوانخانه

قورق شد

از لاسجرد الی سمنان شش فرسنگ و راه همه جا مسطح و جنوب مشرقی است پس از
نیم فرسنگ از لاسجرد گذشته مزرعه ایست خوش آب و هوا و با سبزه و صفا معروف
بشیرآور و از آنجا الی سرخه دیگر در اطراف راه آبادی و قریه و مزرعه موجود نیست
سرخه در سه فرسنگی سمنان واقع است و از دهات آباد معتبر و قریب چهارصد خانوار
رعیت دارد و خربزهٔ آنجا بحسب شیرینی و لطافت معروفست از سرخه الی سمنان
شهر دیگر در نزدیک راه آبادی نیست ولی در دامنهٔ جبال شمالی مزارع بسیار
و در جلگه جنوبی قراء متعدده است در سمت چپ جادهٔ فی الجمله کویر باطلاق است و الی
نیم فرسنگ بعضی جاها بیشتر و بعضی کمتر منتهی میشود بکوههای پست که در پشت آنها
کوهی است پر سنگ و بزرگ و سیاه رنگ موسوم بکوه قالی باف و وجه تسمیهٔ این
کوه بدین اسم بمناسبت قریهٔ قالی باف است که از قراء فیروزکوه و در دامنهٔ این کوه واقع است
پس از کوه مزبور جبال پر برف و خوش هوای نیزه و است که سنگ سر و شمرزاد
دو بلوک معروف سمنان در دامنهٔ آن واقعند بر طرف راست جاده تا سرخه
جلگه ایست که بفاصله یکفرسنگ منتهی بتپهای کوچک خاکی میشود و در نزدیکی سرخه

پته های مزبور تمام گشته آنطرف الی ماشاءالله صحرا و کویر است و حیمت این کویر
منتهی میگردد بجندق و بیابانک که از بلوکات مشهور سمنانند و از قرار معروف
از آنجا بشهر سمنان هشتاد فرسنگ راه است   جلگه سمنان آهو و شکار بسیار دارد
از آنجمله امروز غلامان نصرت نشان دو آهوی زنده و شش کشته بحضور مبارک آوردند
مورد انعام و احسان ملوکانه شدند و چون بره آهوی زیاد درین راه بدست می آید
سرکار اقدس همایونی بمقتضای رحم و مروت شاهانه و نیت خیر ملکانه امر اکید و حکم
بلیغ فرمودند که کسی متعرض آنها نشود و همه جا آزاد و در پناه عدالت خسروانی بسر کنند
در نزدیکی سمنان امامزاده ایست که بنابر مشهور مقبره یکی از برادر یا برادرزادگان حضرت
امام ثامن ضامن علیه السلام است مرقد ابو المکارم رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد
که از معارف مشایخ سابق و در مدت شانزده سال زیاده از صد اربعین ریاضت
شرعی کشیده در برج احرار خارج شهر است   در بیرون ارک دو کاروانسرا از بناهای
جدید است که بسیار خوب و عالی ساخته اند   ارک شهر از ابنیه مرحوم حاجی بهمن میرزای
بهاء الدوله است و قلعه و باره محکم دارد و در محوطه آن خانهای کوچک متعدد
بوده است که نواب معظم الیه برای مسکن غلامان مخصوص ساخته و حال غلبی از آنها

منهم کنون

منهدم گشته اند   عمارات ارک مشتمل است بر خلوت کوچکی و اندرونی بزرگی و
باغ و دو سه خلوت خراب و حمام وسیع دایری حیاط اندرون از دو طالار بزرگ
رو بجنوب و شمال است و در طرف غربی و شرقی طاقها و بالاخانهای
متعدده است که من حیث المجموع شباهت کلی باندرون باغ قصر قاجار دار الخلافه
دارد غیر انکه حوض این عمارت دو سه حوض کوچک طولانی است که درمیان یکدیگر ساخته اند
در جنب خلوت بیرونی تکیه ایست که بموجب امر همایونی در او همه روزه تعزیه داری
مینمایند   هوای سمنان بی نهایت مسرت آمیز و فرح انگیز و بمراتب از هوای
دار الخلافه سردتر است چنانکه در روز ورود موکب مسعود با آنکه پنجاه روز از تحویل
حمل گذشته بود گل سرخ تازه شکفته و درختان سنجد و سایر فواکه اندک اندک شکوفه
کرده بودند   مردم سمنان گویا مرکب از مازندرانی و خراسانی و عراقی شده اند
زیرا که در آداب و رسوم چون عراقیان و در سیما و بشره مازندرانی و خراسانیان مانند
و فی الحقیقه چون این شهر درمیان این سه مملکت واقع است بعید نیست که اصل مردمان
او نیز از اهالی این ممالک مرکب شده باشند زبان و لهجهٔ سمنانی که درمیان
خودشان معمول است زبان مخصوصی است که فهمیدن آن نهایت اشکال را دارد

بحدیکه اهالی ایران هروقت بخواهند صعوبت تفهیم و تفهّم زبانی را اظهار دارند او را

نسبت بزبان و لهجه سمنانی میدهند شهر سمنان از شهرهای قدیم ایران است

و ارباب تواریخ آنرا از بناهای طهمورث دیوبند دانسته‌اند و در قدیم شهری بسیار

بزرگ و آباد بوده است و اکنون هشت هزار متجاوز مخلوق دارد و در آنجا حمّام و

مساجد و کاروانسرا بسیار است خاصه مسجد شاه و جامع که شرح آن در روز بعد

گفته خواهد شد این شهر را یازده محله است که اسامی آنها بدینموجب است

محله ناسار	محله لتی بار	محله اسفنجان	چوب مسجد	شاه جوق
کودی در	کل شمقان	فرادقان	لیمجی	کودان کوه

چهارشنبه سوّم محرّم الحرام توقف اردوی همایون در سمنان

سرکار همایون شاهنشاهی درین روز هنگام صبح بحمام تشریف برده و از گرد

و رنج راه آسوده در خلوت دیوانخانه جلوس فرموده و پس از صرف نهار با حضار

ذاکرین امر فرمودند و چون از استماع ذکر مصیبت فراغت حاصل شد بقصد تفرج

خارج شهر و بطرف شمال و از جاده که بسمت گل رودبار سنگسر میرود تشریف

فرما گشتند تیمور میرزا و ساری اصلان و سایر چاکران در رکاب بودند

پس از طی مسافت دو فرسنگ بباغات دره کرین رسیدیم این باغات در میان
دره واقع است طولانی و با صفا همه باغهای باثمر و پرمیوه که اشجار آنها را
بطور چوب بست موچشه کرده اند و اغلب درختان آن سنجد و بادام و توت و زردآلو است
از میان دره آبی گل آلود بقدر چهار پنج سنگ جاریست سمت شمال دره
کوههای بزرگ است که در قلّه آنها برف بسیار است سرکار اقدس همایونی
اوّل قدری از میان دره تفرّج کنان رفتند بعد چون ابری عظیم در قلل جبال
مشاهده شده که شروع بباریدن نموده بخاطر الهام پذیر همایون خطور نمود
و معلوم گشت که این باران مورث سیل عظیم خواهد شد و هرگاه هنگام ورود سیل
در میان دره تنگ باشند البتّه آسیبی بملتزمین رکاب خواهد رسید پس بالای
تپه را که مشرف بباغات بود و منظری بس نیکو داشت گرفته و مسافت یکفرسنگ
دیگر تماشاکنان تشریف برده و از همان راه معاودت فرموده در آخر باغات کنار
رود خانه از برای نماز عصر فرود آمدند و در حینیکه مشغول وضو و شست و شوی و
بودند امیرزاده محمد حسین میرزا و اجودان مخصوص و آقا حسن نایب قهوه خانه از سمت
زیر دست یکدفعه فریاد کردند برخیزید که سیل آمد ما غلامان که در حضور بودیم وحشت نمود

و بجا

و سرکار همایونی را بتعجیل در برخواستن و ببالای سنگ چین رهنمون نمودیم و بمحض اینکه
ذات والاصفات شاهنشاهی در بالای سنگ چین آرام گرفتند سیلی عظیم همه اطراف
رودخانه را فرا گرفته اینکه در اول از سه سنگ زیاده بنظر نمی آمد درین قلیل زمان
گویا سیصد سنگ متجاوز شد که در کمال سرعت و قوت جاری بود و درختان
مهیب از ریشه کنده و سنگهای عظیم الجثه از جبال حرکت داده با خود همراه داشت
و تا یکساعت بهمین عظمت و شدت جاری بود و بعد بتدریج کمتر شد سرکار شاهنشاهی
بعد از اتمام نماز و تفرج سیل بدرشکه نشسته بسمت اردو معاودت نمودند و شکر
خداوند یگانه را گفتند از اینکه بحمد الله تعالی از میامن وجود مسعود از چنین سیل عظیمی
آسیبی بدهات و مزارع و بملتزمین رکاب نصرت نشان نرسید بکمال انبساط و فرح
حاصل فرمودند شب پس از صرف شام باحضار بندگان امر فرموده و ساعتی مشغول
خواندن روزنامجات گشته استراحت فرمودند

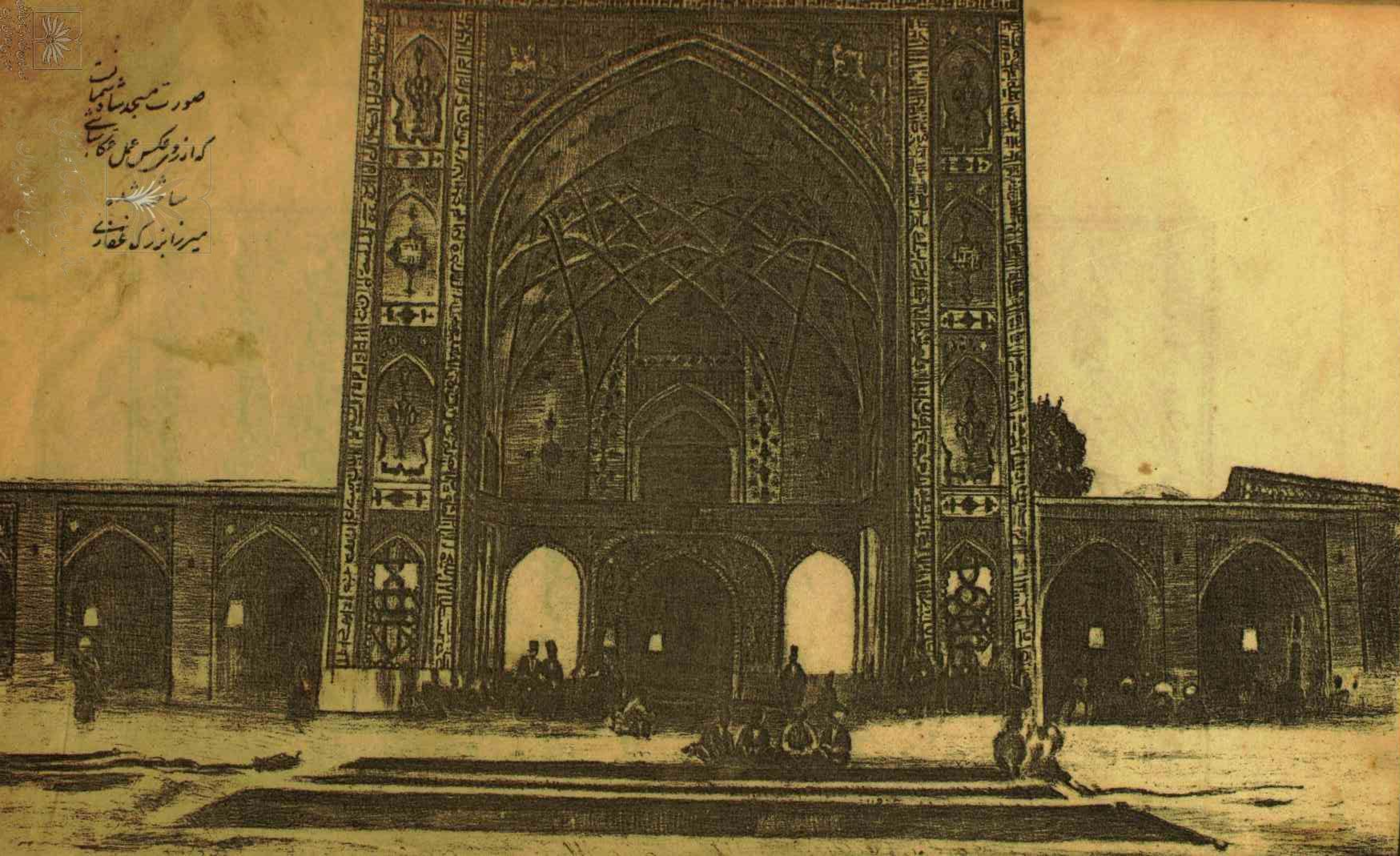
پنجشنبه چهارم محرّم الحرام توقف در سمنان

درین روز چون بعرض عاکفان حضور عدالت دستور همایونی رسیده بود
که از اهالی اردو بعضی بی نظمیهای جزئی صدور یافته خاطر مبارک اقدس شاهنشاهی

بدان سبب متغیر گشته در اول روز با حضار اعیان و سرکردگان و صاحب منصبان
امر مقرر شد و چون بشرف تقبیل آستان عدالت نشان مستسعد آمدند هر یک را
معرض عتاب خسروانه در آورده بقید قسم مقرر داشتند که اگر دیناری از سرکردگان
و تابعین ایشان بالنسبه برعایا و ضعفای بیحسابی و تعدی واقع شود همه را
سیاست فرمایند و یک دینار را هزار دینار از ظالم عوض گرفته بمظلوم عنایت
فرمایند ایشان نیز بالاجماع قرار این معنی را در خاکپای همایون متعهد شده
و در خاکپای مبارک مراقبت کلی و جزئی و نهایت نظم را التزام سپردند
و الحق از آن روز ببعد تا زمانیکه مراجعت کردیم هیچکس ندید و نشنید که از این جمعیت
حبه یا دیناری باحدی ضرر و بیحسابی وارد آید   چون خاطر خطیر همایونی
ازین فقره فراغت حاصل نمود ذاکرین آمده ذکر مصیبت کردند و سرکار
همایون شاهنشاهی مشغول ملاحظه نوشتجات چاپار جمعه شدند چه از روز حرکت
از دار الخلافه امر همایون بدان مقرر است که در هر جمعه از ایام هفته چاپاری
بدار الخلافه رود و امر همایونی و احکام و فرمایشات را در امور مرجوعه بدار الخلافه
و سایر ممالک محروسه مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم و سایر وزرا برسانند

وهم درین روز چاپاری از خراسان و چاپاری از دارالخلافه در رسید عرایض
سپهسالار اعظم و سردار کل و سایر وزرا از لحاظ نظر انور همایون گذشته احکام
سنیه در جواب هر یک شرف نفاذ یافت سه ساعت بغروب مانده ذات
والاصفات شاهنشاهی بعزم تفرج و سیاحت محلات و مساجد وغیره شهر
سمنان تشریف فرما شدند و اول بمسجد شاه توجه فرمودند حاجی سید ابراهیم
متولی مسجد که از نجبا و اجلّه شهر و مردی با مکنت و ثروت است با تمام علماء بلد
در مسجد حاضر شده لوازم پذیرائی را معمول داشتند سرکار اقدس با هر یک
از علما بنحوی خاص اظهار مرحمت فرموده و باتفاق ایشان مسجد جامع را نیز
ملاحظه فرموده حکم بتعمیرات آنجا فرمودند و از محلّه لتی بار عبور کرده کوچه و باغات را
تا سمت دیگر شهر که محلّ خیام نواب علیه عصمت الدوله و معیر الممالک بود تفرج
فرمودند و در اینجا که مکانی بسیار باصفا و استخری پر آب داشت اندک وقتی
محض اظهار التفات بسرکار عصمت الدوله و ملاحظه استخر مکث فرموده بعد
باردو آمدند و از دروازه ارک بمقر سلطنت عظمی تشریف مبارک ارزانی داشتند
مسجد شاه سمنان از بناهای خاقان خلد آشیان و مسجدی بزرگ و عالی بناست

وضع و در



صورت مسجد شاه [illegible]
که از روی عکس عمل عکاسباشی
ساخته شد
میرزا بزرگ غفاری

وضع حجرات وطاقها و شبستانهای آنجا بمسجد شاه دار الخلافه که بهم از ابنیه خاقان مغفور است شباهتی تام دارد مسجد جامع که محتاج بتعمیر کلی است مناره بلند دارد و وضع او بوضع مساجد اهل سنت شبیه است و قطعه این مسجد که در دو محکوک بدیوار نصب است تاریخ بنای مسجد را معلوم میکند که در سنه هزار و یکصد و سیزده بنا شده است شهر سمنان امروز در نظر مبارک پادشاهی بسیار نیکو و مستعد آبادی آمد زیرا که اولا کوچهای آن اغلب وسیع و با نهرها و اشجار و نظیف بودند و در هر فاصله جزئی میدان و تکیه کوچکی بود که اهل محله زینت بسته و منقح کرده بودند واضح است اولا اسباب پاکی و نیکی شهری آب و درخت و وسعت کوچها و پاکیزگی اهالی آنست سمنان اگرچه رودخانه عظیم ندارد ولی همین قدر چند نهر وسیع که در داخل آن جاری هستند اسباب رونق و خوشهوائی شده اند

جمعه پنجم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون بمنزل آهوان

شاهنشاه اسلامیان پناه یکساعت از طلوع گذشته از ارک شهر بیرون تشریف آورده و بکالسکه نشسته با تمام وزرا و اعیان توجه ملوکانه بسمت آهوان فرمودند

چون فرسنگی از راه طی شد در سمت راست جاده در محلی باصفا از برای صرف
نهار فرود آمدند و پس از آن چون راه قدری دره تپه و ماهور و عبور کالسکه عسرت
داشت سواره تشریف فرما شدند تا از قریه چاشچواران که دهی آباد و قنات آبی
بس گوارا دارد گذشتند رحمت الله خان ساری اصلان معروض حضور مبارک
داشت که در دره‌های سمت راست و چپ جاده آرقالی یعنی قوچ و میش وحشی
بسیار است و در اوقات حکومت خود غالبا درین دره‌ها شکارهای بسیار کرده
پس اعلیحضرت شهریاری بقصد صید اندازی پیت و پیدقها را فرمودند که با نظم
و ترتیب از جاده بروند و خود با چند نفر سوار و معدودی از عمله حضور مبارک و
اصحاب شکار بطرف ماهورهای سمت چپ توجه فرمودند ولی چون سواره
شاهسون که بواسطهٔ عبور مکرر بلد راه و عالم شکارگاه بودند هنگام صبح قبل از اردو
حرکت کرده و شکارها را متفرق کرده بودند صیدی بدست نیامد و از آنجا را
که هوا را فی الجمله رطوبت و برودتی بود و وقت گذشته عزم ملوکانه از صید افکنی
منصرف گشته در سایهٔ درخت آورس عظیمی باقتضای لطافت و برودت هوا
و صفای طبیعی مکان قلیل زمانی مکث فرموده علیا نی گشتند و ساری اصلان

ومحمد زمان بیک تفنکدار خاصه را بطلب شکار فرستادند وخود تفرج کنان
تا مزرعه رویان که یکی از مزارع سمنان است وقلعه کوچک خراب وصطح وقنات
آبی دارد تشریف آورده واز برای ادای نماز وصرف ناهار رنج دالار ساعتی در سر آن صطح
فرود آمده بعد براسب پیشکشی اعتضاد الدوله نشسته بطرف اردو راندند وچون راه
قدری زیر دست اردو اتفاق افتاده بود یکساعت بغروب مانده بمنزل رسیدند
ذاکرین بحر منجانه مبارکه رفته ذکر مصیبت کردند وسرکار ظل اللهی شب را
زودتر از رسم سایر لیالی غنودند

از سمنان باهوان شش فرسنک وراه مایل بسمت مشرق است در مقابل سمنان
جلکه ایست که بکمال مشابهت را بجلکه دوشان تپه واقعه در سمت شرقی دار الخلافه دارد
یعنی همان قسم کوههای سنکی کوچک در وسط دارد واطراف ونیز کوهستان است
حتی در سمت راست این جلکه قناتی است که کویا در محل قنات هاشم اباد امین خلوت
واقع شده ودر سر این قنات مرحوم ملا محمد سمنانی آب انباری ساخته وپله ها برا و قرار
داده که باب قنات میرسد واز برای قوافل وعابرین سبیل بسیار مفید است
ازین جلکه باهوان راه همه جا روبه بلندی میرود تا منتهی بکردنه مانند کوچکی میشود که اول

دره ماهور است و قریب سه فرسنگ این دره ها امتداد دارد و راه ناهموار است
تا بجلکه آهوان میرسد زمین صحرا بوته و گون زار است و در جبهای آن ورس که قسمی از کاج
جبلی است بسیار دارد سمت راست جاده از دور اول دهی که مشهود می باشد
قریه کهلا تیول ولاد مرحوم سیف الدوله میرزا است و پس از آن محمد آباد متعلق باولاد
مرحوم ملا محمد سمنانی و از آن پس دیگر آبادی نیست طرف چپ جاده دامنه کوههای
پر برف نیزه و است و قریه چاشتخواران و مزرعه رویان درین سمت راه واقعند
قلعه آهوان قریب نیم فرسنگ پایین جاده واقع و خراب و بلا سکنه است
و در آهوان دو کاروانسرا است یکی از آنها موسوم بکاروانسرا سنکی است بعلت آنکه
همه آنرا با سنک ساخته اند و معروفست که در عهد انوشیروان ساخته شده
سنکهای این سرا و اغلب از بناهای آن بمرور دهور خراب شده است و دیگری
جدید البنا و آباد و قافله انداز است و نیز چاپارخانه دارد که میتوان در او منزل نمود
باد آهوان در بدی و تندی معروفست و اغلب در زمستان و پاییز و اول بهار
اسباب زحمت عابرین میباشد و بحمد الله تعالی زمین اقبال پیروال همایون با اهالی
اردوی کیوان پوی زحمتی از این باد وارد نیامد

دوشنبه

روز شنبه ششم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از آهوان بقوشه

درین روز چون کاروان صبح بفیروزی و اقبال در رسید شاهنشاه بیداربخت
از تخت راحت برخواسته و رخت سفر پوشیده با شکوه و اجلال تمام از سراپردهٔ
مبارکه بیرون خرامیده و با امین الدوله و دبیر الملک و سایر اعیان تماشای
کاروانسرا سنگی تشریف فرما شدند بنای این کاروانسرا در نظر خسروانی پسند افتاده
و تعمیر آن منظور خاطر مرحمت تخمیر گشته از تاریخ بنا استفسار فرمودند دبیر الملک
بعرض حضور رسانید که تاریخی در سنگ پارهٔ ملاحظه کرده و معلوم نموده اند که بنای
این سرا در هزار سال قبل بوده بالاخره موکب مسعود بسمت مقصود در حرکت آمد
چون دو فرسنگ و نیم از راه طی شد و هنگام صرف نهار گشت آفتاب گردان
همایونی را در گلزاری نیکو برپای کردند درین بین سواری از جانب رحمت الله خان
سالار آرسلان و دیگران که هنگام سحر با آهو دوانی رفته بودند در رسید و معروض
داشت که سواران در دامنه حاضر و امر همایون را در نزدیک شدن منتظرند اعلیحضرت
شاهنشاهی تیپ و بید قرا مقرر داشتند که از جاده روان شوند و خود با تفنگداران

واصحاب شکار بسمت چپ رانده و از درهٔ عظیم گذشته در جلگه آن سمت دره
فرود آمده بسمت سواران و شکار دوانان دوربین انداختند و امر فرمودند که
آتش برفروزند تا سواران شعلهٔ آتش را از دور مشاهده کرده از آن سو حرکت کنند
هنوز ایشان نزدیک نگشته و از بود و نابود صید خبری نبود که بادی تند وزیدن
گرفت و بارانی سخت بارید اعلیحضرت همایون از عزم شکار منصرف گشته و حکم
بمراجعت فرمودند مقارن این حال آهوان بسیار از دامنهٔ دشت یکباره بمیان تاختند
و سواران از هر سو بدیشان تاختند بسیاری از آنها را صید نمودند و دو یوز پلنگ قوی
که از مهابت سواران شجاعت سبعی را فراموش کرده و با آهوان در فرار هم دوش
شده بودند از چنگال یوزباشیان پلنگ غیرت نتوانستند بدر روند و هر دو را صید نموده
بحضور مبارک آورده و از انعام و احسان همایون دلگرم و شیرگیر شدند سه ساعت
بغروب مانده سرکار همایونی باردوی همایون تشریف فرما شدند شیخ محمد حسن
پسر مرحوم حاجی ملا محمد جعفر که از زیارت مشهد مقدس مراجعت نموده بود بحضور مبارک
مشرف شده مورد عواطف خسروانی گشت ذاکران برسم هر روزه بسراپرده آمده
ذکر مصیبت کردند از آهوان بقوشه هفت فرسنگ و راه مشرق شمالی است

سمت چپ جادّه بفاصلهٔ یکفرسنک چشمه و درخت بیدیست که بنابر معروف
از اعجاز امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة والثنا ظاهر شده است و هر کس بامید
اجابت مقصودی رشته از ریسمان و امثال آن بدان درخت بسته است
از آهوان بفاصلهٔ اندکی راه بصعود است پس از آن تا قوشه همه جا سرازیر میشود
طرف دست راست و چپ بفاصلهٔ یکفرسنک و نیم فرسنک و بعضی جاها
دو فرسنک کوه است و فاصلهٔ این جبال اغلب گودال است و بلند است
و در او اقسام نباتات و گیاهها روئیده و اکثر از جاها از بوتهای قیچ و گز
و گل زنبق ببستان جنگلی شده که خالی از صفا و استحقاق تماشا نیست بلوک تو درود
در سمت چپ این راه واقع است و بخوبی معروفست قوشه دهی آباد و جمعیتی از
صد خانوار زیاده دارد کاروانسرا و چاپارخانه نیز در آنجا موجود است
روز یکشنبه هفتم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب همایون از قوشه بامیرآباد
امروز اول صبح هوا بسیار سرد بود و بادهای شدید آمیخته با گرد و غبار میوزید
بحدی که دو سه آهوا از شدت برودت هوا و سختی باد میان اردو آمده گرفتار
گماشتگان اعتضادالدوله و ابراهیم خان نایب شدند اعلیحضرت همایونی پس از طی

اندک مسافتی بتیپ و وزرا را مرخص فرمودند خود با چند نفری از سمت شمال جاده سیرکنان بقصد شکار تشریف بردند و در پناه کوهی صرف نهار فرمودند ولی سردی هوا و شدت باد مانع از آن شد که وجود مبارک در هنگام صرف نهار راحت باشند و چون شکاری جز دو سه خرگوش که صید تازیان مهدیقلی غلام بچه باشی بود بدست نیامد سرکار اقدس بکالسکه نشسته بتعجیل عازم اردو شدند و ساعتی استراحت فرموده بقیه روز را باستماع ذکر مصیبت و ملاحظه بعضی نوشتجات و صدور برخی احکام گذراندند

از قوشه الی امیرآباد دو فرسنگ است طرف جنوب جاده کوه کم و دور و اغلب زمین صاف و جلگه و طرف شمال صحرای کم گیاه و مسطح است امیرآباد دهی بزرگست و قلعهٔ محکم دارد سپهسالار اعظم که مالک آنست در او عمارت و باغی نیکو بنا نهاده

روز دوشنبه هشتم شهر محرّم ورود اردوی کیهان پوی بشهر دامغان

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هنگام صبح قبل از عزیمت بجانب مقصد بتماشای قلعهٔ امیرآباد تشریف فرما شدند استحکام بنای قلعه و صفای باغ و طرح عمارت جدیدیکه سپهسالار بنا کرده بود پسند خاطر مبارک آمد و عکاسباشی مامور بدان شد که عکس باغ و خلوتیکه در این عمارت بنا شده و با تمام رسیده بردارد چهار ساعت

از روز برآمده در یک فرسنگی امیرآباد در سر آسیا و کنار نهر آبی باصفا از برای نهار
فرود شدند پیرمردی کهن سال نیکو جمال که از اهل علی آباد و با رعایا باستقبال آمده بود
ملحوظ نظر مبارک افتاده باحضارش اشارت دادند پیر دهقان چون بخاکپای همایون
مشرف شد و آن رافت و مرحمت خسروانی بدید زبان بدعا و ثنای وجود مقدس
اعلی گشوده و گویا سالها مقرب آستان مهر نشان بوده بمصاحبت و مکالمت پرداخت
و شرحی از سابق حال خود معروض داشته می گفت در اوایل سلطنت خاقان مغفور
جز غلامان خاصه و مامور بکرمان بوده و اسبی از جانب ابراهیم خان بایروان
نزد حسن خان سردار بردم و در اواخر سلطنت خاقان مغفور که بسرکشی خانه و عیال
خویش آمده بودم گرفتار ترکمان شده به بخارا رفتم و تا پنجسال قبل در آن سامان
باسیری و غلامی بسر برده تا عاقبت فرار بوطن اصلی عود نموده و در ظل عدالت
و عنایت شاهنشاهی در کمال رافت و آسودگی غنوده ام و از خداوند همی خواستم
که بوسیله بحضور مهر ظهورم رساند تا توسعه در امر معاشم باشد و بتوانم خود را
نیک بخت ترین مخلوق بشمارم و بقیه عمر را بعیش و کامرانی بسر برم چه در زمان
سابق از عهد خاقان شهید تا اوایل این دولت جاوید عدت بخاطر دارم با آنکه

اسباب معیشت خود و عیالم جمع بود هرگز شبی آسوده بسر نبرده و امید آن نداشتم که
در فردا عیالم اسیر ترکمان نشود یا اموال و اثقالم بغارت نرود اکنون بعون الله
تعالی و از بخت بلند پادشاه چنان این حدود در امن و امان است که یکنفر از دهی
بدهی میرود و شبها و روزها آسوده راحت می کنیم بدون آنکه گمان بریم که ممکن است
کسی بر ما بتازد یا دست باموال و عیال ما بیازد بر ماست که قدر این نعمت عظمی بدانیم
و شب و روز مشغول دعای ذات والا صفات شاهنشاه باشیم عرایض پیرمرد
در خاکپای همایون مقبول افتاده بی اختیار شکر کردگار کردند که بحمد الله تعالی
خداوند مسلمانان را در عهد حضرت ایشان بدین نحو در مهد امن و امان محفوظ داشته
و پیر را معاش سالیانه عطا کردند درین ضمن شخصی از دور آمده تعظیم کرده بایستاد
شاهنشاه بعلم قیافه که مخصوص ذات والا صفات است فرمودند این شخص باید
پسر شاطی خان ملک الشعرا و خود شاعر باشد الحق چنان بود و کمالی تخلص داشت
و قصیده که نگاشته بود معروض ساحت نمود انعام و احسان شد و کالسکه زرین
نشان همایون بسمت دامغان روان گشت امین الدوله در پهلوی کالسکه مخاطب
فرمایشات علیه بود و بعرض رسانید که محل شهر قومس که اسم آن در تواریخ عجم مسطور است

در حوالی

در صحرای قوشه واقع بوده و خرابهای آن نظر ایشان و جمعی رسید بالآخره یکساعت
بغروب مانده سواد شهر نمایان گشت و علما و سادات و اصناف شهر باستقبال
آمده بودند منظور نظر ملاطفت اثر همایونی و مورد توجهات خاص خسروانی گشتند
و سرکار همایونی از کنار شهر گذشته باردوی مبارک که در سمت شمال واقع شده بود
تشریف ورود ارزانی داشتند و چون بعضی از خیام زرین نشان و چادر برخی از چاکران
در محل زراعت زده بودند خاطر مهر مآثر همایونی متغیر گشته یورت چیان را بمورد مؤاخذه
و تنبیه آورده و خسارت زارعین را با امین الدوله و ظهیر الدوله مقرر شد که بقیمت آورده
از خزانه خاص عوض دهند و دویست و هشتاد تومان که گویا دو برابر ضرر ایشان
بود عوض دادند

از امیرآباد بدامغان چهار فرسنگ است و راه مشرق شمالی است امیرآباد
از استراباد زیاده از پانزده فرسنگ بعد ندارد و در سوابق ایام غالب اوقات
ترکمان یکشبه از گرگان بدین صفحات آمده و تاخت و تاز کرده مراجعت نموده اند
صحرای سمت راست جاده بکوههای پست سخت که درختان کاج و سرو بسیار دارند
منتهی میشود و سمت شمالی نزدیک است آبشاه کوه و او کوهیست ییلاق که بعضی از نقاط آن

همیشه پر برفست در پشت او بفاصله چند فرسخی اول صحرای گرگان و استراباد است
و در دامنهٔ جنوبی و غربی آن چشمه علی دامغان واقع است و کوه و دامنهٔ آن از دو
نمایان است و نیز در دامنهٔ این جبال قبل از محاذات بدامغان چشمهٔ آبی جاری است
مشهور بچشمه فرخار که قریب دو فرسنگ آب دارد و دهات خالصه و غیره از آن
مشروب میشود از امیرآباد بدامغان اغلب معمور و آباد است و دهات معتبره
دارد چنانکه اسامی آن مندرج میشود

قرا، واقعهٔ در سمت شمال بدین تفصیل است

سعید آباد مخروبه است اسمعیل آباد ملک اولاد مطلب خان و فی الحقیقه
آباد است منصور آباد دهی بزرگ نصف آن خالصه و نصف اربابی و از چشمه
فرخار مشروب است یحیی آباد ایضا بالمناصفه خالصه و اربابی است
شیر آشیان علی آباد ملک حاجی قاسم خان پسر مطلب خان
عوض آباد رضی آباد ملک آقا محمد دائی آهو بانو متعلق بابن عباس
مزرعهٔ شیربند دو فرسنگ از جاده دور و در دامنهٔ کوه واقع است

قرا، واقعهٔ در سمت راست

سعید آباد متعلق بمیرزا عبدالله خوئی اسمعیل آباد مخروبه حجاجی دولت
آباد ملک قاسم خان وسایر ورثهٔ امامویردیخان است وسابقا زیاده بر پانصد
خانوار رعیت وقلعهٔ محکم وخندق وحمام وبازار داشته ولی حال بدان شدت
معمور نیست بلکه اغلب بنای او خرابست درسمت جنوب این قریه باغی است
بسیار بزرگ معروف بباغ پسته که درختان پستهٔ بزرگ کهن بسیار دارد
ورکیان مهدی آباد عبیر آباد ملکی سیف الله میرزا جعفر آباد
ملکی ظهیر الدوله قلعهٔ زرد

روز نهم محرّم توقف اردوی همایون در دامغان

سرکار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بملاحظه آنکه در هیچ وقت وبهیچ قسم تعویق
در ملاحظهٔ عرایض وزرا، وتعطیل در صدور احکام جایز نمیدانند باآنکه امروز روز
تاسوعا بود وبی نهایت محزون وملول بودند بعد از اتمام تعزیت داری عرایض
وزیر امور خارجه ومستوفی الممالک ودیگران را ملاحظه فرموده ودر جواب یک یک
فرمایشات واوامر ملوکانه شرف نفاذ یافته بامین الملک امر شد که چاپار را
بزودی مراجعت دهد از جملهٔ اخباری که از دار الخلافه معروض حضور مبارک گشت

آمدن سیل عظیم و خرابی خانهای بیرون دروازه شاهزاده عبد العظیم و کود
زنبورکخانه وغیره بود و حسب الامر مقرر شد که مستوفی الممالک در حق فقرا و
ضعفائیکه خانه ایشان منهدم گشته اعانتی کنند و معماران و مهندسان از امرنمایند
که در علاج این واقعه کوشند و قسمی نمایند که سال آینده از سیل آسیبی بشهر واطراف
آن نرسد امشب اهل اردو تمام بیدار و سوگوار بودند از هر کناری صدای
افغان و زاری بلند بود و سرکار اقدس همایون شاهنشاهی نیز تا صبح بیدار
مانده و آسوده نبودند

روز دهم محرم توقف اردوی همایون در دامغان

از آنجا که مبنای امور عالم و آدم بافاضه فیض از ائمه هدی و توسل باین سلسله
عظمی است درین روز اعلیحضرت همایونی که توکلی تمام و اخلاصی مالا کلام بخانواده
حضرت سید الانام صلوات الله وعلیه السلام دارند تمام اوقات شریف را
در کمال ملال بلوازم تعزیت داری مصروف فرمودند ساکنان حرم
جلالت و خدام دربار معدلت مدار نیز هر یک فردا فردا تأسی بذات شریف
اقدس همایونی نموده در هر گوشه از صدای گریه و زاری غلغله در اطراف افکندند

هیچ چادری نبود که در او ذکر ماتم نشود یا اطعام مساکین نکنند هر یک از وزرا
تکیهٔ جداگانه برپای کرده سینه زنان و نوحه گران در آنها جمع بودند و هر سنخی از چاکران
اعم از فراش و سرباز حتی از غلام بچه گان و خانه شاگردان و اهالی شهر دسته دسته
و جوقه جوقه گشته هر یک بطریقی کتلها بسته و اوّل سینه زنان و نوحه کنان برسمی که
از قدیم معمول است با خطیب بسراپردهٔ همایونی و حضور عنایت دستور مشرف
گشته بعد بسایر چادرها و اطراف اردو رفته تا شام مشغول ندبه گری و سینه زنی
و دعای وجود مبارک شاهنشاه بودند الحق گویا از زمان شهادت حضرت
خامس آل عبا علیه السلام تا کنون کسی این نوع تعزیت داری بیریا و از روی
اخلاص و صفا ندیده بود

روز یازدهم محرّم و آخر توقف اردوی کیوان شکوه در دامغان

عزم ملوکانه که همواره مایل سیاحت و تفرج و علم و بصیرت بحالت اطراف
و اکناف است امروز مقتضی آن شد که بسیاحت چشمه علی دامغان که از چشمه های
مشهور و از ابنیهٔ معموره است تشریف فرما شوند در اول صبح جمعی از چاکران
خاص چون اعتضاد الدّوله و تیمور میرزا و امین الملک و حاجب الدوله و حکیمباشی

طلزان و آقا علی و ساری اصلان و میرشکار و میرزا علی خان و محمد تقی خان پیشخدمت

افشار و سایر پیشخدمتان سواره حاضر دربار شدند و شاهنشاه با عدل و داد برات

کهر خانه‌زاد سوار شده چون هوا فی الجمله حرارتی داشت بعد از طی اندک مسافتی

بدرشکهٔ کوچکی که در سفر مازندران همراه بود و در راههای صعب و سخت امتحان

شده نشستند محمّد رحیم خان زند سرتیپ و زین العابدین خان سرتیپ شاهسون

با سوارهٔ دوبیرن که روز قبل از دار الخلافه رسیده باردوی همایون ملحق شده

بودند از سان حضور مبارک گذشتند و چون محمد رحیم خان در خاکپای همایون

مانوس است مورد التفات مخصوص شد و سوارهٔ دوبیرن پسند خاطر

مبارک افتاد دیگر فرسنگ از رود گذشته یکی از غلامان مخصوص ابوالجمعی میرشکار

آمده بعرض رسانید که در ماهورهای سمت چپ شکار بسیار است و در چند مکان

آهو خوابانیده ایم نظر باینکه هوا بشدت گرم شده بود و بوجود مبارک زحمت وارد

می آمد از شکار صرف نظر فرموده یکسره بسر چشمه تشریف فرما شدند و پس از تناول

نهار باقتضای نزاهت مکان و خضرت اشجار و صفای نهار هنگام عصر

مشغول صحبت و تفرّج عمارات شدند و هنگام عصر بعد از اتمام نماز و صرف چائی

ساری اصلان
ساری ارسلان است
در اصل ساری ارسلان
و صاری در لغت
ترکی زرد و ارسلان
شیر را گویند چنانچه
قزل ارسلان شیر
سرخ و در سیاق
ایشان شجاعان و
نام آوران را باین قبیل
نام خوانند ولی حال
ارسلان با صاد اصلان
مشهور شده و در
کلمات و مکاتبات
ضبط گشته ما نیز
غلط معروف را
قبول کرده اصلان
ثبت کردیم

دعونه

وعصرانه بارد و معاودت فرمودند و عکاسباشی مامور شد که عکس عمارات
و چشمه را بردارد

از دامغان الی چشمه علی چهار فرسنگ است و راه همه جا رو بشمال مغربی و از کنار
رودخانه ایست که بسمت جنوب می آید منبع این رودخانه چشمه علی است و متدرجا
آبهای دیگر از سیلاب و غیره بدو افزوده شده و اغلب اوقات گل آلود و همه جا
سرازشیب و از میان دره تا جلگهٔ دامغان و بشهر آمده و بعضی از قرا جنوبی و اطراف
شهر از این آب مشروب میشود سمت غربی رودخانه کوهیست مرتفع که بنا
بر معروف میان عوام لندهور بن سعد در قلهٔ آن کوه مدفونست و در قدام آن
کوه دیگریست مرتفع و مخروطی شکل موسوم بشاهد یا شاهبدار کوه و بنا بر قول اهالی
مملکت دو سیخ کباب از قدیم الایام در زیر آن کوه موجود است و آنها سیخهائی
هستند که در زمان تشریف فرمائی حضرت امام ثامن علیه السلام بطرف مشرق
از برای تهیهٔ نهار آنحضرت بکار رفته و تاکنون باقی مانده است در دامنهٔ این جبال
قریهٔ آهوانو است که دهی آباد و معتبر و جزء اعظم آن خالصهٔ دیوان اعلی است
در سمت شرقی رودخانه کوه منصورشاه نمایان است و او کوهیست بزرگ و سیاه

لندهور نام شجاعی
از اهل سیستان بوده
و آنچه از قصه‌های
رموز حمزه [illegible]
معلوم میشود [illegible]
حقیقتی ندارد

زنک و مزرعه در دامنه آن واقع است و نزدیک بجاده نیز کوهی است
موسوم بمهرونکار رواو کوهیست مرتفع و خوش اندام و در قله آن قلعه از بناهای
سلف است که بروج و دیوارهای بسیار محکم آن هنوز باقی است نزدیک بگردنه
چشمه علی که گردنه کوچکی است و عمارت چشمه از آنجا نمایان است قریه آستانه است
و این قریه مشتمل است بر باغات متعدده و اشجار بسیار که همیشه با ثمر و پربارند
در جنوب چشمه تپه خاکی است و قلعه کوچکی بر آن بنا کرده اند که مسکن چند خانوار
سادات متولی چشمه است

عمارت چشمه علی از بناهای خاقان خلد آشیان و موقوفه حضرت قائم آل
محمد صلوات الله و سلامه علیه است این چشمه مابین مغرب و جنوب و از پای تپه خاکی
جاری است و آنچه بنظر رسید درین فصل که اواخر بهار است بیشتر از پیش سنک
آب دارد در مخرج آب تخت کوچکی ساخته و سنکی بر آن نصب است که باعتقاد
عامه محل سم اسب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه است و مردم
اطراف و زوار و قوافل بزیارت این سنک آمده آب در کودی آن ریخته بجهة
صحت بدن و حوائج دیگر مینوشند العلم عند الله خاقان خلد آشیان درین چشمه

آثار عالیه باقی گذاشته است چنانکه عرض میشود در محاذات فوران آب حوضی بزرگ ساخته شده که باب چشمه مملو و باکمال صفا و پاکی جاریست و در میان آن یکنوع ماهی خاصی که خالهای سیاه دارد تولید شده و چون اهالی آن اطراف صید او را مکروه داشته اند ماهیها بسیار عظیم الجثه شده اند اطراف حوض درختهای قوی از بید و صنوبر و چنار و غیره است که بحالت طبیعی شاخها کشاده و از هر طرف در کمال شکوه و صفا سایه افکنده در سمت غربی عمارتی عالی بنا شده مشتمل بتالار دور و جنبین آن اطاقهای متعدده خوش طرز ساخته شده است آب چشمه از دو سمت آن عمارت بجریان دو نهر عمارترا از حیاط جدا کرده است و راه عمارت بدو پل چوبی منحصر است که از حیاط اول دارد این عمارترا خاقان مغفور در سنه دویست و هفده که بسمت ماوراء النهر عزیمت داشته شد بنا کرده اند تاریخ و سبب بنا نظماً و نثراً در دو سنگ محکوک و بدو سمت تالار نصب شده و شرح آن ذکر خواهد شد در سمت جنوبی این حیاط مسجدی بنا کرده اند که عرضاً و طولاً دو طاق و تنها بمحرابی از سایر عمارات ممتاز است در جنبین محراب نیز دو سنگ محکوک متضمن سبب بنا و تاریخ تعمیر منصوبست حیاط دیگر که بسمت شرقی چشمه واقع است مشتمل بدریاچه بزرگیست

شمالا و جنوبا باغچه وسیع دارد و در ضلع سفلای دریاچه که بسمت شرقی و محاذی و مقابل عمارت بالاست تالاری بلند و سردری عالی ساخته شده است که از سمتی منظر آن باغ و دریاچه و از سمت دیگر صحرا و مجرای خروج آب چشمه است و تمام این عمارت و باغ چون زمانی ممتد تعمیر نشده بود سابقا اعلیحضرت همایونی حکم و مقرر فرموده بودند که سپهسالار اعظم در آنها تعمیری شایسته نماید و قبل از تشریف فرمائی موکب همایون بانتصحات مقرر الیه بتعمیر آن کوشیده و در حقیقت خیلی با دقت و اهتمام تعمیر کرده بودند که در انظار چنان معلوم میشد که بنای جدیدی است و چون هوای این مکان و آب این چشمه در خاطر دریا مقاطر زاید الوصف موقع قبول یافته مقرر شد محض اینکه از وجود مسعود مبارک نیز باثار باقیه سابقه اثری ملحق شود در کنار چشمه بنای تخت و عمارتی گذارده شود و تا مراجعت موکب مسعود باتمام رسد

صورت وقفنامه و بنای عمارت

درحینیکه رایات ظفر آیات و الویه نصرت علامات پادشاه عدالت پناه و شاهنشاه گردون بارگاه قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین المؤید بتاییدات الملک الجبار ابو النصر فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه بعزم تسخیر فرقه ضاله اوزبکیه

یکفرسنخ بالاتر از چشمه علی واقع است و شرح او را در ذکر مراجعت موکب مسعود در توقف

در چشمه علی مسطور میداریم

روز دوازدهم محرم تشریف فرمائی و نزول اجلال پادشاهی بقریه مهماندوست و

سرکار اقدس وجود مقدس همایونی صبح که از بستر راحت برخاسته در سراپرده دیوانخانه
مبارکه مشغول تجدید لباس و تنقیح لوازم سراپا مهر اقتباس اقدام داشتند فراشان
و حاملین سراپرده مبارکه محض تعجیل در خدمت محوله بخود اطناب سراپرده را قدری از
استحکام انداخته و غفلت نموده بغتتاً تجیر یکطرف بر زمین افتاده بی پرده اردو نمایان
شد خاطر اقدس شاهنشاهی از این حرکت برآشفته مقرر فرمودند که فراشان مزبور را
تنبیه کامل نمایند تا من بعد بی وقت و موقع اقدام خدمت نکنند و بعد بر اسب
کرنک حسام السلطنه سوار گردیده با اعتضاد الدوله و امین الدوله فرمایش کنان
روان شدند امروز که روز آخر توقف اردوی همایون در حوالی دامغان بود
محض تفرج شهر و زیارت اهالی آنجا جمال میمون مثال را محل عبور را از شهر قرار دادند
و بدان سوی تشریف فرما شدند در خارج شهر در سمت چپ کاروانسرائی است
نیکو بنا و دایر که در زمان سلف در کمال استحکام ساخته اند و از قراریکه امین الدوله

بعرض حضور رسانید از ابنیهٔ شاه سلیمان است و در طرف راست نیز دو بقعه
امامزاده بنظر آمد که یکی از آن بقاع زیاده قدیم و استحکامی کلی دارد و باصفا است
و دیگری بزرگتر و چنان ظاهر و مستفاد میشود که از ابنیهٔ سلاطین صفویه است اگر چه
شهر دامغان از حیثیت جمعیت کم و مردمانش بی بضاعت‌اند ولی بقدر مقدور بلوازم
عیش و سرور کوشیده خورد و بزرگ بزیارت جمال مبارک افتخار حاصل نمودند
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی درب مسجد جامع پیاده شده و داخل مسجد گردیدند جناب
حاجی ملا محمد رضای مجتهد دامغان که از اجلهٔ علما و فضلا و مردم نهایت اعتماد و
وثوق را بدو دارند در مسجد حاضر و بحضور مبارک تشرف یافت و سرکار شاهنشاهی
بعد از ملاطفت با علما بمولود خانهٔ خاقان مغفور تشریف برده و از خرابی آن عمارت
در نهایت دلتنگ شده امر اکید فرمودند که بزودی در تعمیر آن کوشند و مشیر را
جامهٔ آبادی پوشند شهر دامغان از شهرهای قدیم ایران است و قلعهٔ بزرگ
و عالی داشته که اکنون جز آثار آن باقی نیست و از جمله بناهای قدیم این شهر یکی
مسجد جامع است که از مرور دهور خرابی زیاد بدان راه یافته جز منارهٔ محکمی که هنوز
مضبوط و برپاست دیگر مکانیکه تمام آباد باشد ندارد ولی همین قدر که منظور نظر عدالت

گرفته

ماوراء النهر از دار الخلافه طهران شقه گشا گردیده انیمکان دلفروز مخیم خیام ظفر انجام
پادشاهی شد رایت همای پادشاهی تعلق پذیر گردید که درین منزل ارم مماثل عماراتی
ساخته آید که راهروان از تاب آفتاب پناه و از رنج راه آرامگاه باشد و وقف
صحیح شرعی نمودند این عمارت دلگشا را بسرکار فیض آثار حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین فی سنه هزار و دویست و هفده

مادهٔ تاریخ منظومه مرحوم میرزا صادق وقایع نگار مروی متخلّص بهما

خسرو انجم حشم فتحعلی شه آنکه هست | آسمان او را مطیع و روزگار او را دلیل
آن شهنشاهی که در نظم جهانداری ندید | چشم گردونش نظیر و دیدهٔ عقلش عدیل
دولت از عدلست باقی منت ایزد را که هست | بر بقای دولت او عدل او محکم دلیل
شاکی از قسمت نیابی هیچکس را تا بدهر | همت او رزق مخلوقات را آمد کفیل
چون بعزم ماوراء النهر شد از ری سوار | پادشاهی دل قوی از یاری رب جلیل
کرد منزل اندرین فرخنده جای با صفا | شد ز فیض مقدمش این چشمه رشک سلسبیل
گشت بر پا از نکو وقتی و زیبا ساعتی | از همایون حکمش این دلکش بنای بی بدیل

دورنه از خجلت این دلگشا منزل کشد این منقش قصر زنگاری اگر بر چهره نیل

جست اتمام و رقم زد بهر تاریخش هما این بنا قصر جنان وین چشمه آب سلسبیل

تاریخ بنای مسجد را نیز بدینگونه برشته نظم درآورده

شه فرخ لقا فتحعلی شاه آنکه میباشد قضا امر و قدر نهی و سپهر اورنگ و فر افسر

شهنشاهی که می سایند شاهان جهان هر دم براه موکب او روی خاک درگه او سر

ز قهر و مهر او شد باغ اعیان در باغ خار و گل ز بذل و جود او آمد چو خاره خوار سیم و زر

خلاصی تا دهد جمله اسیران مسلمان را بتسخیر بخارا بر کشید از ملک ری لشکر

چو این زیبنده منزل شد مقر موکب شاهی وزان فرخنده آمد طبع شاه معدلت گستر

مقرر داشت تا برپا شود این مسجد عالی چه مسجد همچو باغ خلد روح افزا و جان پرور

قرار از دل برد محراب آن صحاب تقویرا بدان سان کز دل عشاق طاق ابروی دلبر

محقر با علو طاق آن ایوان کسرای نمکدر با جلای سنگ او مرآت اسکندر

ز سقف عالیش کاو فلک را کوه بر کوهان ز حمل پایه اش حوت زمین را لرزه بر پیکر

غرض چون شد تمام از بهر تاریخش هما گفتا ز امر قبله عالم بنا شد کعبه دیگر

چشمه باد خان دامغانست که اثر عجیب آن در آفاق مشهور است و در اوراق مسطور

قریه ایست مخروبه ملکی اولاد نشاطی خان **فیروزاباد** قریه ایست معتبر و با جمعیت که نصف آن خالصه و نیم دیگر رعیتی است **مایان** آباد و خالصهٔ دیوان اعلی است **وامرزان** و **دهنو** هر دو آباد و جزء اعظم آنها متعلق بدولت **حسین آباد** ملکی حسین خان پسر سپهسالار اعظم **ابراهیم آباد** فی الحقیقه آباد و رعیتی است **امام اباد** ملکی سپهسالار اعظم **مهمان دوست** که منزلگاه قوافل و مشتمل است بکاروانسرا و چاپارخانه و باغات بسیار و زیاده از پنجاه خانوار سکنه دارد و در نزدیکی او دو برجی است بزرگ از آثار قدیم شبیه ببرج شهر ری و از قرار معروف است و جنگ نادرشاه با افاغنه و شکست و انهدام ایشان درین قریه واقع شده است و این قریه حد ما بین خاک دامغان و شاهرود است از قراء واقعهٔ در سمت شمال **قصبهٔ جز** ملکی نواب عالیه شاهزاده قمر خانم زوجهٔ سپهسالار اعظم است و او قصبه ایست با دکاکین و مسجد و حمام و زیاده از دویست خانوار سکنه دارد **طاق** ملک اولاد محمد زمانخان و معموره است **بک** خالصهٔ دیوان اعلی و قدری از آن متعلق بالله یارخان است

روز شنبه سیزدهم تشریف فرمائی بقریه ده ملا

اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده بر اسب قزل تیمور میرزائی سوار
شده با امین الدوله و معیر الممالک فرمایش کنان عازم راه شدند و چون باد تند
میوزید و گرد و غبار بسیار بود مقرر شد که وزرا و سواران و پیادگان جمیع از راه
مستقیم بروند و خود با بعضی از عملجات مخصوص از صحرا و خارج راه رانده در کناری
صرف نهار فرمودند باقربیک عمزاده میرشکار بزمجه که از سر تا دم دو ذرع طول داشت
و نیم ذرع قطر آن بود زنده بحضور آورده معروض خاکپای مبارک داشت که میرشکار
گله آهوئی در ماهور خوابانیده و منتظر امر خسروانی است حضرت شاهنشاهی
با چند سوار بسمت ایشان تاختند و چون باصطلاح شکارچیان نسیم موافق نبود
آهوان از نزدیک شدن سواران بیدار شده رو بفرار گذاشتند سواران میرشکار
و غلامان نصرت بموجب امر همایون هر دو را صید کردند و تا مراجعت براه دو آهوی
دیگر بگماشتگان اعتضاد الدوله صید نمودند بالجمله در دو فرسنگی ده ملا جهان سوز میرزا
حاکم شاهرود و بسطام بحضور مهر ظهور انور همایون تشرف جسته مورد الطاف
خسروانی گشته و مأمور بدان شد که پیش رفته مورد اردوی همایون را در بسطام
در محلی که خارج از زرع و کشت باشد قرار دهد نزدیک بده ملا عباس مولوی ده ملای

گسترش دامید هست که در اندک مدتی بصورت اولی عود نماید و نیز از عمارات شهر
ارک قدیم و مخروبه است که از بناهای خاقان مغفور و محل تولد آن شاهنشاه مبرور است
که در سال یکهزار و صد و هشتاد و سه بظهور رسید و این شهر را دو مدرسه است یکی را
سلاطین صفویه بنا کرده اند و طلبه علوم در او سکنی دارند و دیگری کوچکتر و جدید البنا است
که مرحوم مطلب خان بنا نموده و الان خراب و بایر است بنای کاروانسرا
و بازار شهر چندان قابل ذکر نیست مگر اینکه چون دامغان بواسطه قرب استرآباد
و دار الخلافه و راه خراسان یکنوع بندریتی است درین عهد جاوید مهد که بحمد الله طرق
و شوارع امن و محفوظ است از نو در او آبادی بهم رسد و کاروانسراها و دکاکین نیکو در او
بنا نهاده شود بالجمله سرکار شاهنشاه از شهر به بیرون تشریف فرما شده بکالسکه
نشستند و در قریه حسین آباد که سمت جنوب جاده واقع بود در باغ احداثی خان
حاکم نهار صرف فرمودند نوای بلبل و شمیم معطر گل موجب تفریح خاطر مبارک
گردید و با حاجب الدوله و سایر مقربان بتفرج باغ مشغول گشتند و پس از اندک
مدتی بکالسکه نشسته بسمت مقصد عازم شدیم نزدیک مهمان دوست از دور اشجار
و باغات بسیار بنظر آمد سرکار همایون شاهنشاهی عنان اسب را بدان سوی

تسبیل فرمودند که شاید محل نیکوئی که موقتاً در خور نزول آسایش و آرامش ذات
همایون باشد انتخاب فرمایند چون بیاغات نزدیک شدند هیچیک از آنها را
قابل باین سعادت نیافته از میان کوچه باغها عبور فرموده باردوی والا
شرف ورود ارزانی داشته و ساعتی راحت فرموده بقیهٔ روز و شب را
بصدور احکام و بمطالعهٔ تاریخ روضة الصفای ناصری که از تالیف استاد
معظم و دبیر مفخم رضا قلیخان لله باشی متخلص بهدایت است مصروف داشتند
حسین خان حاکم سمنان و دامغان که از سلوک با رعایا و رسم پذیرائی اردوی
همایون و رسانیدن آذوقه خاطر مبارک را خرسند ساخته بود باعطای یکثوب
جبهٔ ترمهٔ حاشیه دار از خانهٔ خاص سرافراز گشته رخصت انصراف یافت درین شب
وزیدن بادهای سخت مانع از راحت وجود مبارک شد

از دامغان الی مهمان دوست پنج فرسنگ و راه مشرقی و بیست درجه مایل
بشمال است سمت راست جاده جلگهٔ وسیع و سمت چپ بفاصلهٔ یکفرسنگ
و نیم فرسنگ منتهی بجبال شمالی میشود درین راه قرا و آبادی بسیار است و آنچه
بجاده اقرب اند بموجبی است که معروض میگردد قرا سمت جنوب حصار

مهمان

که از معارف است باکدخدایان وریش سفیدان موکب مسعود را استقبال نمودند
شاهنشاه عالم پناه مولوی را بخطاب خسروانه ممتاز فرموده و از حقیقت حال رعایا و برایا
سؤال فرمودند و بانی تعمیر کاروانسرای ده ملا را جویا شدند مولوی عروض داشت
که ظهیر الدوله محض آسایش قوافل و زوار و دعای وجود عالیمقدار همایون مبالغی کلی
بجهة صرف تعمیر آن بنا داده و این بنده بمصرف رسانده ام پنجساعت بغروب مانده
نزول اجلال بمنزل شد و سرکار شاهنشاه در سراپردهٔ همایون استقرار یافتند آقا علی
حاکم ساوه و محمّد علی خان و این بنده و عکاسباشی و مهدیقلی خان در حضور موفور السرور
تشرّف داشتیم و سرکار خسروانی بمطالعهٔ کتاب مشغول بودند که بغتتاً غلام بچگان
فریاد کردند که مار آمد چون نظر کردیم ماری دیدیم عظیم الجثّه که دو ذرع طول دارد و در کمال
جرئت و جسارت نزدیک بمسند همایون شده آقا علی فرصت جسارت زیاده از
این نداده و در نهایت چالاکی بدون ملاحظه پیش رفته با قمه که در نیام داشت او را
بدو نیم کرده مورد تحسین و عنایات ملوکانه شد بقیهٔ روز بصحبت و خواندن کتاب
گذشت و شب را سرکار شاهنشاهی پس از صرف شام بسراپردهٔ بیرونی تشریف آوردند
و دیرتر از سایر لیالی میل بخواب فرمودند

از مهمان دوست بده ملا چهار فرسنگ راه و نود درجه مایل بشمال است و جانب راست
جاده دهات معتبر بسیارند و اسامی آنها از اینقرار است ابراهیم آباد ملکی قاجار
زرین آباد ملکی ایضا دولاب رعیتی نعیم آباد ملکی اولاد مرحوم
میرزا مهدیخان قادر آباد ملکی ایضا مؤمن آباد نیز از ایشان است
حسین آباد ملک خوانین قاجار حداده رعیتی و در قرب ده ملا واقع و از جمله
قراء معتبر است کلاته ملا مشترک مابین رعایا و اولاد مطلب خان است مراد آباد
و آخر این دهات نمک زار و کویر است

سمت چپ جاده که شمال مغربی باشد صحرای سنگلاخ و پست و بلند است که
اغلب آنرا آب سیل شسته و دره و دره ها پدید آمده و این صحرا مسافت یکفرسنگ
منتهی میشود بشاه کوه

چهاردهم محرم الحرام تشریف فرمائی اردوی نصرت فرجام به بسطام

در این صبح باقبال بیهمال اعلیحضرت شاهنشاهی مانند روزهای گذشته آوای
کرنا و شیپور اخبار سواری نموده و چاکران دربار گردون مدار در رکاب همایون روان
شدند از بهمه و قیل و قال سواران آهوان بسیار از دشت فرار کرده و از روی وحشت

بطرف اردو

بمیان اردو آمدند یکی از آنها را مهدی قلیخان غلام بچه باشی شکار کرده بحضور
مبارک آورده و بقیه از سمت دیگر اردو راه نجات یافتند و نیز در راه امروز شکار
بیشمار بود و سواران ملتزم رکاب نصرت شعار هر یک بجهت سبقت بر یکدیگر
و ظهور حسن خدمت و جلب منفعت بدیگری فرصت نمیداد و آهوئی صید کرده
و از حصول انعام و الطاف خسروانی تحصیل مزید افتخار مینمودند پس از طی دو فرسنگ
مسافت سرکار همایونی بجانب قلعهٔ ذوالفقار خان که در طرف راست راه بود
مسارعت فرموده در باغ واقعهٔ در حوالی آن قلعه که در نهایت صفا و نزهت
و از انواع گلها آراسته و مخصوصاً بگل سرخ مزین و پیراسته بود نزول اجلال فرمودند
ذوالفقار خان عرب مالک این قریه که از منتسبان حضرت مهد علیا و سترکبری
و شخص نیک روی و صاحب اخلاق پسندیده و حسن خوی است تشریف موکب
مسعود را که از سعادات محموده بود شکر گذارده و باندازهٔ که مرا ایشانرا مقدور
بود در لوازم چاکری و میزبانی پرداخت و از توجهات و تلطفات خسروی
علم مفاخرت برافراخت بعد از صرف نهار سرکار شاهنشاهی بکالسکه نشسته
و بسمت شاهرود روان شدند جهانسوز میرزای حاکم با توپخانه و سواره

و پیاده کوداری بسطام و شیخانچی تردینی تیپ همایون را استقبال کرده از آن حضور مهر ظهور گذشته مورد عواطف پادشاهی شدند نیم فرسنگ بشاهرود مانده علما و معارف قصبهٔ مزبور بموجب تفصیل ذیل برسم استقبال برکاب نصرت اشتمال فایض و از تفقدات ملوکانه بهره یاب گردیدند

جناب شیخ علی اکبر مجتهد شاهرودی	شیخ صالح ایضا	آخوند ملا علی ابیه ایضا	حاجی میرزا احمد بسطامی
آقا عبد الحسین ایضا	ملا حسین ایضا	حاجی ملا نور محمد ایضا	جناب حاجی ملا عباس

حضرت شاهنشاهی از کالسکه باسب سوار شده نواب ملک آرا حاکم استرآباد و عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی که از استراباد بعتبه بوسی حضور مبارک آمده بودند نزدیک طلبیده و از احوالات و امورات استراباد و مازندران و اتخذود استفسار و اظهار لطف و مرحمت بیفرمودند تا آنکه از کوچه باغهای شاهرود بیرون تشریف برده و سه ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایونی که در شمال مغربی بسطام واقع بود شدند و مکان اردو از حیثیت صفای چشمه و اشجار نغز و دلکش و نظافت و نزاهت مطبوع و پسند خاطر مهر مآثر افتاد و حسین خان نایب اول فراشخانهٔ مبارکه که در ترتیب خیام و وضع چادرها اهتمام کلی نموده بود

هوم محمد ملتزم

مورد مرحمت و مکرمت گردید و بافراد فراشان انعام مرحمت شد

از ده ملا بشاهرود چهار فرسنگ و از آنجا به بسطام نیم فرسنگ زیاد تر است

و راه همه جا مایل بشمال است سمت راست جاده بفاصلهٔ دو فرسنگ منتهی

می شود بکوههای پست که دامنهٔ آنها کویر است و درین سمت دهات و مزارع

بسیار است که اسامی هر یک بدینموجب است

باغ زندان از دهات مشهور معتبر و بتیول ظهیر الدوله مقر است و در جبال

واقعه در طرف بالای آن شکار قوچ و میش و بز بسیار است زراهنجان

بتیول ایضاً قلعه نو آباد و خالصهٔ دیوان اعلی کلاته خان ایضاً قلعهٔ

علی اکبر خان خوزیان نصف آن خالصه و نصف دیگر اربابی و به تیول مرتضی

قلیخان عرب مقر است یونس آباد سقاوه اردیان ده آبادی تیول

ظهیر الدوله است رویان درزج سعید اباد دهی معمور و مشترک

مابین رعایا و محمد رحیم خان قاجار شامبیاتی است قلعهٔ نوروز خان

حسین آباد مزرعه ایست بدشت قریهٔ آباد و تیول محمد رحیم خان قاجار است

سمت چپ جاده جلگه و دامنه و سنگلاخ است کوه شاهوار که از جبال معروفست

درین سمت و در محاذی بسطام واقع است و دهات خرقان و مغان و ابریج

که ییلاق و در نهایت خوش آب و هوائی هستند و در دامنهٔ این کوه واقعند

و نیز کوه پربرف ابر درین سمت و از بسطام نمایان است

شاهرود قصبه بسیار معتبر است و زیاده از دو هزار خانوار سکون دارد و تجار

معتبر از خارجه و داخله در او ساکنند و دو سه حمام و کاروانسرا دارد و باغات

او بسیار مرغوب و زیاد مطلوبست آب خالصه مشهور بجلالی که زیاده از پنج شش سنگ

است از وسط قصبهٔ مزبور میگذرد و بدان سبب کوچها همه پر درخت و منظف است

از شاهرود باسترآباد و بجنورد و نزدین راه است و در هنگام ضرورت میتوانند

از اهالی ایشان مدد بخواهند یا برای ایشان مدد بفرستند و چون راه خوفناک خراسان

عمده از شاهرود بمزینان است همیشه در انجا سوار و توپخانه موجود است که قافله

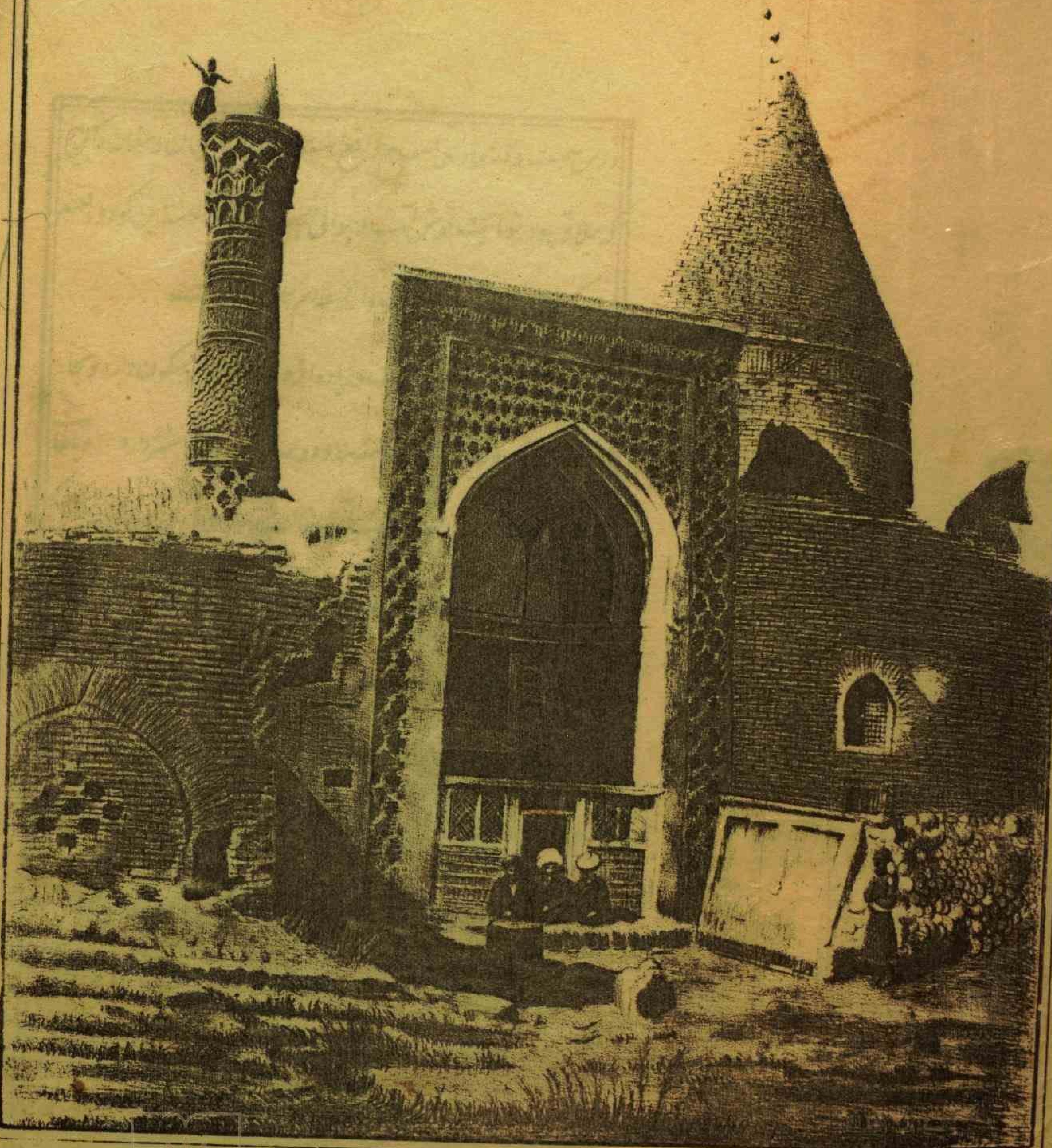
و زوار را بدون آسیب بمزینان میرساند و رجعت میدهد اگرچه بحمد الله تعالی حال

از یمن توجهات اولیای دولت راه در نهایت امن است و احتیاج بسوار و پیاده

نیست ولی محض ملاحظهٔ دزد ترکمان احتیاط را از دست نمیدهند در صحرا

و فاصلهٔ قرا شاهرود چنانکه در تمام مملکت خراسان بفاصلهٔ هر هزار قدم زمان قدم

ابرایی کم



تصویر مقبره سلطان بایزید بسطامی که در بسطام است از روی عکس عمل عکاسباشی کشیده شده

برجها ساخته اند که محض قراولی بوده و حال غیر مسکون و اغلب آنها خراب است
و ان شاء الله در ظل عطوفت همایونی اندک وقت دیگر مردم این نواحی اسم این طایفه
وحشی را فراموش خواهند نمود و احتیاج بقراولخانه و مستحفظ نخواهد افتاد
در جبال شاهرود و بسطام معدن سرب و مس بسیار است   بسطام در دامنه
واقع است که دو طرف او کوه و جمعیت و آبادیش کمتر از شاهرود است ولی
عماراتش نیکوتر و عالی بناتر از شاهرود میباشد و ارکی قدیم دارد که محل نشیمن
حاکم است و آب و هوای او در نهایت اعتدال و نیکوئی است و در خاکش
یکنوع فرحی است که در کمتر بلاد دیده شده است زمینش حاصل خیز و سرور انگیز
مردمانش همه باذوق و خوشحالت و همه وقت عرفا و حکما و صلحا در میان ایشان
بوده اند از جمله سلطان بایزید رحمة الله علیه است که در داخل شهر در مقابل ایوان
و مقبره و گنبد امامزاده محمد پسر حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام مدفونست
و جمعی دیگر از مشایخ و معارف عرفا نیز در جوار ایشان مدفونند
سمت غربی این گنبد مسجد و معبد سلطان بایزید است که گچ بری ایوان و منبت
کاری درب مسجد آن کمال امتیاز را دارد و بنا بر معروف بانی این بنا سلطان محمود

غارانست وجسد خود او نیز در سردابی که در جنب این گنبد است گذاشته شده
و در حق این جسد چیزها میگویند جمعی بر آنند که هنوز اثر جراحت بر سینه اش باقی است
و دیگران چون اعتضاد الدوله و معیر الممالک که خود رفته و مشاهده کرده اند منکر این
معنی هستند آنچه محقق است این است که این جسد بحسب قد و جثه از مردمان حال
بمراتب طویل و عظیم الجثه تر است و از غرایب اینکه در پهلوی این گنبد مناره ایست
که بیست و پنج ذرع طول آنست و مانند منار جنبان معروف اصفهان متحرک است
یعنی چون بر زبر آن روند و بقوت حرکت دهند جنبش و حرکت مناره محسوس
و مرئی شود و سبب این حرکت معلوم نیست العلم عند الله تعالی

دوشنبه پانزدهم محرم الحرام توقف اردوی کیوان شکوه در بسطام

شاهنشاه جمجاه درین روز بعزم تفنن و تفرج قریهٔ ابرسیج که موطن اصلی او ملک
آبا و اجداد معیر الممالک و بخوبی آب و هوا معروف و در شمال مغربی بسطام
واقع است صبح از حرمخانهٔ مبارکه بیرون آمده بمیمنت و کامرانی سوار بر اسب
میمون شده و با اعتضاد الدوله و امین الملک تا دامنهٔ کوه شاهوار فرمایش کنان
رفتند و در آنجا ایشانرا برای معاودت باردو رخصت داده خود اگرچه قصد

صعود بالای کوه شاهوار و صید اندازی در آنمرغزار داشته شد لیکن ارتفاع
کوه و قلت وقت خاطر مبارک را ازین صرافت منصرف ساخته داخل دره شدند
جریان آب و هوای صواب دره باعث تفریح حالت همایونی گردید و از آنجا
مسافتی طی فرموده در حوالی برسیچ در بالای دره در میان سبزه زاری امر
بافراشتن آفتاب گردان و فرود شدن فرمودند معیر الممالک از تشریف وجود همایون
اطلاع یافته دویست تومان وجه نقد با بعضی ما حضر رعیتی بشکرانه ورود موکب
مسعود بحضور مبارک انفاذ داشت بعد از صرف نهار سرکار شاهنشاهی میل
بتفرج بالای دره فرمودند دو میدانی که طی شد میان دره تنگ و سنگهای
بزرگ که سیل کنده در مقابل بود مانع از عبور گردید مراجعت کرده از سمت مشرق
ابرسیچ رو بپائین تشریف فرما شدند درین ضمن کبکی از مکان مرتفع برخاسته
پرواز نمود چون خواست که از بالای سر اسب همایونی بگذرد سرکار شاهنشاهی
با وجود بعد مسافت فرصت نداده با یک تیر تفنگ از هوا بزیرش انداختند
جمیع سواران و تیر اندازان حاضر رکاب تمجید و تحسین کرده وجود مبارک را دعا گفتند
چهار ساعت بغروب مانده وارد اردو شدند ملک آرا و اعتضاد الدوله و دبیر الممالک

و میرزا نصر الله مستوفی و وکیل لشکر جهة انتظام و معاملات و حساب عمل استراباد
بحضور مبارک حاضر شدند و تا هنگام عصر سؤال و جواب نموده اوقات
مبارک را مشغول میداشتند و پس از آن بحرمخانهٔ مبارکه تشریف بردند سه ساعت
از شب گذشته حکیمباشی طلزان و یحیی خان و آقا علی و سایر خدام خاص بحضور آمده
تا ساعتی از فرمایشات ملوکانه بهره یاب شدند از اردو الی ابرسیج دو فرسنگ
راه است و درین جلگه قراء و مزارع متعدد است و آهو و صید زیاد بدست می آید
ابرسیج دهی ییلاق و آباد و مشتمل بر صد خانوار رعیت و حمام است و در دامنهٔ دره
واقع است که سه چهار سنگ آبی در نهایت گوارائی و صافی از میان آن
جاریست و چون مکان این قریه مشرف بر جلگه است شهر بسطام و اردوی همایون
از دور در کمال شکوه پیدا بود و نیز کوههای پر برف و گردنهٔ قوزلق استراباد
در مقابل این ده نمایان است

روز شانزدهم محرم الحرام آخر توقف اردوی همایون در حوالی بسطام

حضرت همایون خلد الله ملکه صبح را بحمام تشریف برده و بسلامتی و اقبال
بیرون آمده و نهار میل فرمودند امرای مفصله روز قبل بحضور مبارک مشرف شده

در اتمام عمل استراباد و انتظام و انتساق کار آن سامان فرمایشات و احکام ملوکانه
عز صدور یافت ملک آرا چند راس اسب ممتاز ترکمانی و قالیچه های اعلای کار استراباد
و کوکلان برسم پیشکش از لحاظ نظر انور گذرانید و چون روز روانه نمودن چاپار بود
امین الملک عرایض مستوفی الممالک وزیر مالیه و استیفای اعظم و سردار کل و وزیر
امور خارجه و وزیر علوم وغیره را بعرض رسانده و جواب هر یک را صادر نموده
با چاپار روانه داشتند میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه خدمات خود را
مشهود خاکپای همایون داشته و بمنصب مستوفی گری سرافراز گشته با خلعت
مهر طلعت بحضور مبارک مستسعد گشته تمام عمل محاسبات اصطبل و قاطرخانه و شترخانه
مبارکه بدو مفوض و مرجوع گشت چهار ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی
بجهة سان قشون ملتزم رکاب ظفر نشان سوار شده بصحرای پائین شاهرود و بسطام
که مجمع عسکر بود تشریف بردند اعیان و ارکان و وزرا که ملتزم رکاب بودند و عساکر
منصوره تماما بموجب شرحی که در اول روزنامه مضبوط است دسته بدسته و
یکان یکان در نهایت آراستگی با لباس و اسلحه نیکو از حضور مبارک گذشتند
الحق امین الدوله و سیرتیپان عرض لشکری نیکو دادند و مجموعه عساکر منصوره در انظار

جز و کل زیاده با نظم و شکوه آمد حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی طایفهٔ شادلو
و حاکم بجنورد و توابع با پانصد سوار از زیارت خاکپای همایون افتخار حاصل
نمودند و از عنایات شاهنشاهانه مستسعد آمدند

روز چهارشنبه هفدهم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی سرکار اقدس و ذات مقدس بمنزل حیرآباد

خدیو بی مثال و شاهنشاه بی همال هنگام صبح چون آفتاب عالمتاب
بر اسب پیشکشی عین الملکی سوار و از کنار شاهرود که معبر است بسمت منزل
ره سپار گردیدند ایلخانی شادلو و سبحانقلی خان و شیر محمد خان برادران
مشار الیه با سوارهٔ شادلو و جوینی و جاجرمی که حاضر رکاب بودند در کنار
راه صف بسته و منظور نظر مبارک شاهنشاهی شدند آراستگی سواران
مزبور از حیثیت اسب و اسلحه و رشادت و جلادت جبلی که از سیمای ایشان
مشهود بود در نظر انور جلوه گر آمده و سرکردگان و سایر آحاد و افراد ایشان بتلطفات
پادشاهی قرین افتخار نامتناهی شدند ملک آرا از خاکپای همایون
مرخصی حاصل نموده با عطای یکثوب کلیجهٔ تن پوش مبارک قرین افتخار گردیده

بنوفارز

بمقر حکومت خود عود نمود عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی نیز بخلعت مهر طلعت مفتخر گردیده با نواب ایشان همراه شد پس از طی فرسنگی سرکار شاهنشاهی در سمت راست در دامنهٔ کوهی فرود آمده صرف نهار فرمودند و تشریف فرمای کالسکه شده باردو شرف ورود ارزانی داشتند و چون سورت و حرارت هوا بوجود مسعود فی الجمله تاثیر نموده بود بیحد دو روز ساعتی راحت فرمودند و بعد از خواب بغور رسی محاسبات محمد ولیخان سردار حاکم سابق استراباد رجوع کردند و از آنجا که کم آبی میان دشت معروض خاکپای همایون شده بود و جمعیت اردو هم زیاد بود محض رفاه و آسایش خلق امر و مقرر شد که اهالی اردو نصف بریاست حاجی شهاب الملک امیر تومان یکروز پیش از موکب مسعود از راه معمول بروند و از میان دشت بگذرند و نصف دیگر با اردوی همایون که از راه ارمیا عازم است همراه باشند از بسطام الی خیر آباد سه فرسنگ است و راه رو بجنوب و مشرق سمت این جاده جلگه و دهات واقعه در آن بدینموجب است دیزج مرو یان سعد آباد بدشت این ده اخیر تیول محمد رحیم خان قاجار است و دهات

معمور و آباد و آب آن از چشمه ایست که یکفرسنک بالای ده واقع است
و قرب دو سنک آب دارد سمت ایسر بمسافت بسیار نزدیک کوهی
سخت است که الی یکفرسنک امتداد دارد و شکار در او بسیار است
خیرآباد مخروبه و بلاسکنه است ولی چون آب خوب دارد و بواسطه وقوع در راه
معبر ترکمان آبادی آن واجب و لازم است از جانب سنی الجوانب بنواب
جهانسوز میرزا امر و مقرر شد که کمال اهتمام را در آبادی و معموری این قریه
معمول دارد

پنجشنبه هجدهم محرم الحرام ورود موکب مسعود بمنزل امیاباد

شاهنشاه اسلامیان پناه چون سه ساعت از روز برآمد بفیروزی و اقبال
بکالسکه نشسته و با امین الملک و جهانسوز میرزا درباب تعمیر و آبادی خیرآباد
و فزودن آب میان دشت و حفظ طرق و شوارع فرمایشات و تاکیدات
ملوکانه میفرمودند تا مسافتی از راه طی شد و آفتاب کردان نهارگاه خادمان
حرم جلالت بدیدار کشت اعلیحضرت همایونی خود لحظه بسرفرازی و دیدار ایشان
شتافتند و نورالدهر میرزای نایب ناظر و آقا ابراهیم آبدارباشی نهار

حاضر ساختند سرکار پادشاهی بعادت یومیه قلیل غذائی میل فرموده و عنان

وارکان و غلامان و پیادکانرا امر دادند که از جاده روان شوند و خود با چند تن

از خواص از کنار راه و میان دره و ماهور عازم شدند و قصد آن داشتند

که شاید از دزدان و راهزنان بنحویکه رسم ایشان است در گوشه و کناری

پنهان باشند و گرفتار آیند ولی واضح است که ایشان نیز از آدمیان نخستین

و در معبر شیران و شیر شکاران نیاسایند چنانکه هرچه در دره و بیغولها تفتیش فرمودند

اثری از آن غولان نیافته تا آنکه قریه ارمیا نمایان گشت و حضرت اقدس را

میل بدان سوی کشید با همان چند سوار مختصر داخل ده شدند این بنده خواست

پیش رفته و مردم را که مشغول خرید و فروش آذوقه بودند از راه کنار کند

فرمودند ایشانرا بحالت خویش بگذار و خود مقدم بر همه از میان جمعیت و ازدحام

اهل ازدو و رعایا عبور فرموده در تختی که موقع چنار ارمیا و بقول عامه مدفن

آنحضرت است فرود آمدند حاجی مطلب خان تفنگدار خاصه که بواسطه حکومت سابقه

این سامان که اطلاعش بیش از دیگران بود بعرض رسانید که مردم این نواحی

بر آنند که ارمیای پیغمبر در وسط این چنار مدفون است و بدان واسطه هر گز شاخی

از این درخت ببرند و از جای دورتر تحفه و نذورات بدین جا آورده فقرا و مساکین را
دهند و این صندوق را که اکنون بنظر می آید وزیر نظام هنگام رفتن به پیشکاری
خراسان تعمیر نموده عظمت و کهنی این چنار از غرایب روزگار است چه هر شاخ
از آن درختی قوی را ماند و از هر طرف زیاده از صد ذرع مسافت را سایه افکند
طول زمان که شاید زیاده از دو هزار سال باشد درون او آتشی افروخته و تمام
مغز استخوانش سوخته است بطوریکه از اصل ساقه درخت جز پوست سطبر قوی باقی
نمانده بالاخره سرکار همایونی لحظهٔ در آنمکان توقف فرموده و از آنجا هم
بالاتر گذشته در سرچشمه که آب او بهترین میاه و اطرافش از سبزه و گیاه آراسته
بود پیاده شده و جمال مبارکرا از گرد و خاک راه شست و شو داده چای و سکنجبین
و خیار خواستند پس از زمانی آقا علی و محمد علیخان و عکاسباشی و محقق نیز رسیده
بمصاحبت مشغول گشته خاطر اقدس والا را مشعوف و مسرور ساختند حضرت
شاهنشاهی ادای فریضه نموده یکساعت بغروب مانده سوار بر اسب کبود عماد الدوله
شده تشریف فرمای سرچشمه گردیدند در آن حوالی کبک زیاد بود و یکی از آنها
صید قوش مخصوص دست مبارک شده هنگام غروب باردو که نیم فرسنگ پایین قلعه

واقع بو

واقع بود تشریف فرما شدند و شب رابعد از شام قورق شده خواص چاکران بحضور مشرف گردیده و از فرمایشات علیه بهره مند و مرخص شدند و سرکار همایونی نیز بخوابگاه تشریف بردند امروز پنجاه نفر از خوانین و ریش سفیدان طایفه گوکلان بتوسط سهام الدوله بعتبه بوسی آستان مبارک اعلی و زیارت جمال آفتاب مثال معلی مشرف گردیدند

از خیرآباد الی ارمیان پنج فرسنگ است و راه مشرق جنوبی بمسافت یکفرسنگ و نیم جلگه و بعد منتهی بدره میشود ولیکن کالسکه بسهولت عبور میکند و این جلگه همه جا سبز و خرم و در او بوته گون و افسنطین وغیره بسیار است

در ارمیان چاپارخانه دولتی ساخته شده و اصل قریه در دهنه دره واقع است و او را قلعه و برجی است که بجهة دفع شر ترکمانان ساخته اند آب این قریه از چشمه ایست که در بالای قریه از دامنه کوهی سخت و پرسنگ جاریست و پشت این کوه بلوک پیکار جمند است که سپرده بجناب معیر الممالک میباشد

جمعه نوزدهم تشریف فرمائی ذات مقدس والا بمنزل ارمیان

چهار ساعت از روز گذشته شاهنشاه دین پناه از درب سراپرده مبارک بیرون

تشریف آوردند و ایشیک آقاسی باشی و سایر مقربان بحضور همایونی تشرف
جستند امین الملک و سهام الدوله خوانین شادلو و ریش سفیدان کوکلانرا
بجهه استرخاص از خاکپای مبارک بحضور معدلت دستور آورده بعواطف
شاهنشاهی مستظهر و امیدوار شده برادران و برادرزادکان ایلخانی چون سبحانقلیخان
و شیر محمد خان وغیره باعطای شال ترمه کشمیری و سرکردکان شادلو برحمت شال
ترمه کرمانی مفتخر و مباهی کشتند وهمچنین خوانین ترکمان ده نفر از رؤسای
ایشان چون صفرعلیخان ارکلی و آیدقدی خان و آق محمد خان وغیره
مستوجب عنایت شالهای کرمانی و بقیه مشمول عنایت انعام نقدی شدند
و دعای وجود مبارک کفته بمقر خویش عود دادند و ذات مقدس خسروانی
بکالسکه تشریف فرما کشتند یکفرسنک که از آنجا میکذرد جلکه منتهی میشود و
دره ماهور پست و بلند نمایان میکردد که از سمت شمال منشعب است بجاده های
کم وسعت کوچک و شعبات مختلفه که اغلب محل عبور سواران طایفه ضاله و کمین کاه
ایشان است

درین صحرا و فراز و نشیب زیادی وحوش و طیور از هرجنس چه آهو و خرکوش

وچه باقری قره و هوبره باعث انبساط خاطر مبارک گشته دو خرگوش در تاخت
بدست مبارک صید فرمودند و قریب به بند مرجان بجهة صرف نهار فرود آمدند
و پس از صرف نهار چون سراپرده نهارگاه حرم سلطنت نزدیک بود شهابدان سوی
تاخته و پس از اندکی بطرف تپه توجه فرموده بکالسکه نشسته شد در یکفرسنگی میامی
چنار بزرگ و نهر آب و اشجاری بنظر آمد و میل خاطر مبارک بدان علاقه گرفت که
ساعتی در آن سایه بیاسایند محقق مشغول کتاب خواندن شد و ملک منصور میرزا
و آقا علی و علیخان گرجی و عکاسباشی و موچول خان و این بنده بمحارست
وجود مبارک مفتخر بودیم چه درین صحرا جانوران موذی از قبیل مارهای سیاه
و غیره بسیار است چون حضرت شاهنشاه از خواب برخواسته شد صیادی
تکه آهوی بزرگی بحضور آورده و از بذل انعام ملوکانه بهره ور گردید و میرشکار
بخاکپای مبارک مشرف شده شخصی را با خود همراه آورده و عرض کرد که از
شکارچیان میامی است و از قرار معروف از احوالات شکاران این صفحات
اطلاع کافی دارد و خود با صیاد مذکور مامور گشت که از تنگه بالا رود و هرگاه صیدی
بنظر آورد شاهنشاه را اطلاع دهد ساعتی بر نیامده میرشکار مراجعت کرده معروض

داشت که منظور نظر عالیه شکاری بیاید ولی شکارچی دیگری بحضور آورده
بعرض رساند که اطلاع کلی در وضع صید گور دارد و میگوید درین صحرا گور بسیار است
امر و مقرر شد که فردا خود با شکارچی مزبور بصحرا روند و صدق و کذب این مسئله را
معلوم نموده معروض دارند دهقانی سبد آلوچه تازه بحضور آورد که نهایت
لطافت و خوش طعمی را داشت و درین صفحات بدان خوبی کمتر دیده شده است
یکساعت بغروب مانده سرکار شاهنشاهی باردوی مبارک شرف ورود ارزانی
داشتند و شب را بعد از شام حاجب الدوله واجودان مخصوص و سایر مقربان
دربار در حضور مبارک تشرف داشتند آقا ابراهیم آبدار باشی بملاحظه کم آبی
منزل فردا از خاکپای همایون مرخص شده شب را از پیش رفت که قبل از
ورود اردو تهیه آب کند و سقایان و مشک داران از برای سوار و سربازان
و سایر ملتزمین رکاب حاضر سازد
از ارمیا الی میامی پنج فرسنگ است و راه مشرقی و جمیع آن از زیادی شک
تراشه و افسنطین و سایر نباتات معطر خوشبوست سمت راست بفاصله
یکفرسنگ منتهی میشود بجبال سخت بزرگ ممتد و دهاتی که در نظر واقع هستند

از ارمیا الی میامی

از اینقرار است مزرعهٔ دباغی متعلق است بمالکین قریهٔ اسرائیلی که در وسط کوه نمایان است محمد آباد جودانه کلاته اسد مزرعهٔ مرجان مشهور به بند مرجان که متعلق بمیامی است این مزارع قریب بجاده واقعند و دورتر از آنها دهات متعدد متصل بهم نمایان است که ایل عرب در آنجا مسکن دارند

میامی وابراهیم آباد یکهزار سنگ یکدیگر مسافت دارند و این دو قریه در وسط اما نزدیکتر بمیامی واقع بود میامی دهی آباد و با قلعه و حمام و چاپارخانه است سمت چپ همه جا صحرا و دره ماهور سخت است در بالای سر میامی کوهی سخت واقع است که از درهٔ وسط آن بقدر دو سنگ آب جاری و میامی از آن مشروب میشود و ایل عجم که اغلب اولاد محمد تقی خان عجم هستند در آن نواحی سکنی دارند

بیستم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی ذات والا صفات همایونی بمنزل میان دشت

درین روز بملاحظهٔ بعد مسافت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از سایر ایام سوار شده و با امین الدوله و اعتضاد الدوله و امین الملک فرمایش کنان

تا ابراهیم آباد تشریف بردند در نزدیکی این قریه قرب راه چناری عظیم
الجثه مشاهده گشت شاهنشاه اندکی در زیر سایه آن درخت ایستاده و چون عظمت
جثه چنار غرابتی داشت مقرر فرمودند دور او را ذرع کردیم دوازده ذرع قطر داشت
پس از سیاحت چنار و ابراهیم آباد و اتمام فرمایشات مخصوص در آبادی
آن قریه بکالسکه نشسته بچشمه که بقدر ربع سنگ آب دارد رسیدیم همراهیان
هر کس باندازه که ظرف داشت برای خود آب برداشت دو فرسنگ از چشمه گذشته
دهنه زید راست و او یکی از گدارهای مخصوص ترکمان و مخوف ترین محل راه
خراسان است حاجی میرزا آقاسی مرحوم در عهد شاهنشاه مبرور قلعه و برجی در این
مکان بنا نهاده و چند خانوار در او سکنی داده که هنوز هستند و قلیل زراعتی دارند
در مقابل این دهنه دره ایست که ببلوک پکارجمند راه دارد و از میان آن نهر آبی
جاریست که قلعه زیدرو مزرعه دستجرد از آن مشروب میشود و گاه نیز جلو آنرا سد
بسته و آبرا ببلوک پکارجمند میبرند سرکار شاهنشاهی در حوالی مزرعه دستجرد
در کنار نهر آب بنهار فرود آمده پس از ساعتی بکالسکه نشسته تشریف فرما شدند
سقایان دیوانی جمیع راویه های خود را که زیاده از پنجاه بار بود پر آب کرده در راه

به پیادگان و سواران میدادند نیم فرسنگ که از دهنه زیدر گذشتیم راه
منتهی بدره ماهورهای سخت مهیب شد که اغلب بسقوگاه ترکمان است و با وجود
پست و بلندی که دارد کالسکه بسهولت از آن عبور مینماید پس از طی این پست و
بلندی یکفرسنگ بمیان دشت مانده بجلگه افتادیم حاجی مصطفی قلیخان حاکم
کلات از ارض اقدس با عریضهٔ سپهسالار اعظم باستقبال رکاب قمرشال آمده
بصحابت امین الملک بحضور مبارک تشرف جسته مورد عواطف ملوکانه گشته
و از جانب سپهسالار و اهالی خراسان ورود موکب مسعود را تهنیت گفت
چهار ساعت بغروب مانده وارد اردوی همایون شدیم اگرچه امروز در عرض
راه بهمراهیان موکب مسعود و قوافل و زوار از برای آب سخت نگذشت ولی
در توقف منزل با آنکه نیمی از اهل اردو دو روز قبل گذشته بودند و تمام مطرح ها
پر آب بود و آقا ابراهیم آبدارباشی راویه ها و مشکها قبل از وقت پر آب
ساخته و بچادرهای چاکران خاصه و فراشان و سربازان داده بودند باز بحدی
از کم آبی وحشت کرده بیتاب بودند که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محض تفضل
کامله آب حوض بلغار که در سراپردهٔ مبارکه بود بسربازان و فراشان عطا کرد

مقرر داشتند بیایند از حضور مبارک ببرند محمد حسن خان محقق در اظهار وحشت

مردم از بی آبی بعرض میرسانید که اهل اردو آب حمام را برده صرف نموده بمصرف

خود میرسانند سرکار همایون ظل اللهی محض ترفیه زوار و عابرین بتاکید تمام

مقرر داشتند که در اندک مدت درین منزل احداث قنوات عدیده نمایند

تا باعث آسایش خلق و مزید دعای وجود مبارک شود

از میامی بمیان دشت شش بلکه هفت فرسنگ است و راه شرقی و از یکفرسنگ

از میامی گذشته الی یکفرسنگ بمیان دشت مانده همه دره ماهور و خوفناک

و پست و بلند است سمت راست جاده بفاصله اندکی کوهی همه جا الی دهنه

زیدر ممتد است و از آنجا بتدریج پست میشود تا بدره ماهور و در یکفرسنگی میان

دشت یکلکه منتهی میگردد سمت چپ جاده کوهی عظیم بفاصله ده فرسنگ

ممتد است و در پنج فرسنگی دهاتی چند در دوربین بنظر مبارک همایونی رسید که

ما وضع و مکانیت آنها را در مراجعت اردوی کیوان پوی مذکور میداریم و درین

صفحه فقط بتذکار اسامی ایشان اکتفا می کنیم **کلاته خیج مغر و کیلان**

رباط سونج رحی آباد میان دشت عبارت از یک کاروانسرای

شاه عباسی است که در جنب آن مرحوم حاجی میرزا آقاسی قلعهٔ ممتازی بنا
کرده و چند خانوار در او یکجا داده و درین عهد جاوید مهد چاپارخانه در جنب
آن ساخته و وثاقی در او حفر کرده اند که آبی در نهایت قلت از آن جاریست

روز یکشنبه بیست و یکم محرم الحرام تشریف فرمائی ذات عالی برکات همایونی از میان دشت بعباس آباد

درین روز بفضل الله تعالی شاهنشاه بهمال بفیروزی و اقبال صبح از خواب
برخواسته سر و بر همایونی را آراسته با سب کرنک پیشکشی حسام السلطنه سوار گشته
و پس از ادای بعضی فرمایشات بخواص و اعیان بکالسکه رجوع فرموده بسمت
مقصد روان گشتند سه فرسنگ گذشته قلعهٔ الهاک نمایان گشت و جمعیتی زیاد
بنظر آمد شاهنشاه از دور ایستاده این مخلوق منظور نظر مبارک بودند که چون ماه
و مور بر سر آب انبار ایستاده یکی اسب خود را آب میداد و یکی خود آب میخورد
و بر میداشت و هیاهوی غریبی داشتند سرکار شاهنشاهی پس از تفرج بجالت
ایشان در سمت راست از برای صرف نهار فرود آمدند تیمور میرزا امیر شکار
شاخدار بزرگی گشته بحضور آورد و محمد تقلی خان غلام بچه باشی بره آهوئی شکار کرد

نیز از لحاظ نظر انور گذرانیده و هر یک مستوجب انعام و احسان شدند و همچنین
نواب ملک منصور میرزا کبکی در حضور صید کرده انعامی موفور گرفت
بالاخره پس از صرف نهار سرکار همایون سوار کالسکه گردیده دو فرسنگ که
طی فرمودند از دره ماهور گذشته داخل جلگه شدند حاجی مصطفی قلیخان
و میرشکار که با سواران خود بطلب شکار رفته بودند در اینجا بحضور مشرف شده
معروض داشتند که گوران دسته دسته از نهیب سواران فرار کرده بجنگل اندر
شده اند و صید ایشان کمال صعوبت را دارد ولی میرشکار و ولی بیک خود
گوری عظیم از پای درآورده شتر فرستاده اند که بار کرده بحضور مبارک بیاورند
شش ساعت بغروب مانده تیپ همایونی شرف اندوز منزل گردید و چون
حرارت هوا و بعد راه فی الجمله اسباب زحمت وجود مبارک شده بود
حضرت شاهنشاهی اندکی بیاسودند ولی از وزیدن باد شدید سخت که اغلب چادرها را
از پای درآورد و تجیرها را درهم شکست وجود مبارک را براحت استراحت ممکن نشد
هنگام عصر میرشکار گور معروضه را بحضور معدلت دستور آورده الحق گوری
عظیم الجثه و خوش رنگ و زیبا و در نهایت فربه بود و تماشای آن خاطر مبارک را

مایل بصید نمود حاجی مصطفی قلیخان و سهام الدوله و میر شکار مامور شدند
که هنگام شب سواران بسیار بفرستد و اسباب شکار گور فراهم آورند
از میان دشت بعباس آباد شش فرسنک است و تمام صحرا شش فرسنک
از میان دشت گذشته زمین و بسیار علفزار است و بوتهای قیچ و گون
و اسفند بسیار دارد و در هر دو طرف با اینکه دره و ماهور است کالسکه بسهولت
میتواند عبور کند سه فرسنک بعباس آباد مانده قریهٔ الهاک واقع است
بنای این قلعه نیز در عهد شاهنشاه مبرور شده است و در جنب قلعه آثار
کاروانسرای بزرگی نمایان است که از ابنیه بسیار قدیمه است و معین نیست
در چه زمان بنا شده در بالای قلعه قنات کوچکی و در زیر دست آن
آب انبار بزرگی است که آب قنات متدرجا در او جمع شده و عابرین
و اهل قلعه بمصرف میرسانند از الهاک تا دو فرسنک نیز دره و ماهور است
و بعد جلگه میشود و از ابتدای جلگه الی عباس آباد دو فرسنگ است سمت
یمین این جلگه کویر و جنگل هیزم طاق و غیره منتهی میگردد که نهایت آن
جنگل کوهیست دوشاخ و گورخر بسیار در دامنهٔ آن چراگاه دارند و سمت

یسار بفاصله نیم فرسنگ منتهی بکوههای کوچک پست میشود که قدری دورتر از آنها کوههای بلند سخت واقع است عباس آباد از بناهای شاه عباس ماضی است و قلعه بسیار محکم دارد که در روی زمین مرتفعی واقع شده و مشتمل است بر باغات و قنات و چاپارخانه و کاروانسرای بزرگ کهنه قدیم که حاجی شهاب الملک امیر تومان و حاجی علینقی تاجر در تعمیر آن اقدام کرده و قریب باتمام است قلعه عباس آباد زیاده بر صد خانوار رعیت دارد و بنا بر معروف اصل ساکنین اینجا از گرجستان است و از ایلاتی هستند که شاه عباس صفوی رحمه الله علیه از سمت تفلیس و قفقازیه کوچ داده بایران آورده است و سیما و هیأت ایشان نیز بگرجیان شباهتی دارد و بترکی و فارسی هردو تکلم میکنند وضع جغرافیائی عباس آباد بقسمی است که ممکن است در آنجا شهری ساخته شود و امید است که انشاء الله الرحمن در ظل عطوفت همایون مجدداً آباد شود که با شهری برابری کند

بیست و دوم شهر محرم الحرام تشریف فرمائی اردوی با احتشام از عباس آباد بباسمنج شد

دربن گرز

درین روز شاهنشاه فیروزبخت در نهایت انبساط و کامرانی بحیاعت از طلوع گذشته سوار شده واندکی از راه را با وزرای عظام و سرکردگان مشغول فرمایشات ملوکانه گشته از اسب فرود آمده بکالسکه نشستند دو فرسنگ از عباس آباد گذشته به پل معروف پل ابریشم رسیدند و در اینجا چون راه منشعب بدو جاده میشود یکی با ستربد میرود و دیگری بصدرآباد دو فرسنگ سرکار همایون شاهنشاهی چون قصد شکار داشتند مقرر فرمودند بنه و اهل اردو و سواران و صاحبمنصبان تماما از راه مستقیم بسمت اردو روان شوند و خود با چند نفر از خواص چون اعتضاد الدوله و ملک منصور میرزا و تیمور میرزا و امین الملک و حاجب الدوله و اجودان مخصوص و محمد رحیم خان سرتیپ و محمد علیخان وغیره از راه فرسنگان تشریف فرما گردیده در حوالی صدرآباد بجهة صرف نهار فرود آمدند و منتظر اخبار سواران میر شکار شدند چون وصول خبر شکارچیان بطول انجامید این بندگان خاطر مبارک را ببعضی لطایف و مطایبات مشغول و مسرور میداشتیم و تیمور میرزا شرحی از سواری و صید افکنی گذشته خویش بعرض میرسانید که در هر حال خالی

از غرابت و تعجب بود بالاخره حرارت آفتاب تشدید یافته سرکار همایون
از آفتاب گردان بیرون تشریف آورده بکالسکه نشستند و بادوربین بسمتیکه
سواران کوردوان بودند نظاره میفرمودند ساعتی برنیامد حبیب الله خان و
چند نفر دیگر از شکارچیان از دامنه آمده معروض داشتند که هرچه جد و جهد
بعمل آمد که شاید گله کور رو باین سمت بیاید امکان نیافت لابد ازپی ایشان رانده
و کره کوری زنده گرفتیم و بقیه فرار کردند چون منزل دور و وقت گذشته
بود حضرت شاهنشاهی دیگر متحمل شکار نگشته و بصدرآباد تشریف فرماشدند
صدرآباد عبارت از قلعه و آب انباری است که مرحوم میرزا آقاخان صدر
اعظم از تنخواه وصایت خسروخان والی مرحوم ساخته و در او چند خانوار
با تفنگچی و مستحفظ سکنی داده و الحق درین راه آبادی این قلعه در نهایت از برای
عابرین فایده کلی دارد خاصه آنکه از عباس آباد بمزینان راه بسیار است
و هنگام زمستان و برف و بوران وجود این قلعه که نزدیک بنصف راه واقعست
فایده کلیه دارد بالاخره سرکار همایونی از صدرآباد بسمت شمال و جانب اردو
توجه فرمودند و سه ساعت بغروب مانده بارد و نزول اجلال فرموده ساعتی

بیاسودند هوای این منزل بالنسبه بسایر منازل گذشته بمراتب گرمتر و فی الجمله اسباب زحمت وجود مبارک شده بود

از عباس آباد دالی استر بد مستقیما پنجفرسنگ است ولی هرگاه از صدرآباد بروند زیاده از هفت فرسنگ میشود سمت راست جاده صحرا و کویر و جنگل طاق است و سمت چپ از عباس آباد دالی نیمفرسنگ تپه های کوچک است که در عقب آنها بفاصله یکفرسنگ و دو فرسنگ کوههای پست خشک واقعند و درین سمت چشمه ایست موسوم بچشمه گزوک که ترکمان در وقت عبور و تاخت و تاز در سر آنچشمه فرود آمده تدارک آب میکنند پل ابریشم که مذکور شد بلی است آجرین یک چشمه که بر روی رودی ساخته اند که هنگام بهار آب آن سیلاب است و در سایر اوقات آبی بسیار اندک و شور و تلخ از آن جاری است استربد جزو میشابور و قریب پنجاه خانوار رعیت و مزارع متعدده دارد

بیست و سیم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل داورزن

شاهنشاه جمجاه خلد الله ملکه درین صبح بقانون معموله پس از استحمام و ادای فریضه باسب قراکهر میشکشی نواب عماد الدوله سوار شده و مقرر داشتند که خانان

حرم و بار و بنه را از راه مسطح معین که راه صدرآباد است روانه سازند و خود
با سواران از راه دیگر که در شمال جاده صدرآباد و دامنه و دره است تشریف فرما شدند
و تا مسافتی بعید با امین الدوله و امین الملک و حیدرقلیخان ایلخانی از فرمایشات
علیه که مشتمل بر آباد کردن مرو و تنبیه طایفه خبیثه بود بهره ور و مفتخر بودند
از آنجا که بملاحظه خیال بدی راه کالسکه های سلطنت را از راه صدرآباد برده بودند
و حال آنکه ازین راه نیز عبور کالسکه امکان داشت و معلوم بود اشخاص بلد نابلدی
کرده اند شاهنشاه با وجود حرارت هوا همه جا سواره تشریف فرما شدند تا یکفرسنگ و
نیم از راه طی شد و جلگه نمایان گشت و در کنار راه مزرعه کوچک و درخت بید
و نارون و چشمه آبی پدیدار گشت و موکب مسعود از برای نهار نزول فرمود
و پس از ساعتی با کسالتی که از حرارت هوا بهم رسیده سوار شده تشریف فرما شدند
بعد از طی اندک مسافتی شاهزاده پرویز میرزا حاکم سبزوار با سواره سبزه واری
شرف اندوز خاکپای مبارک گردید و از مراحم خسروی قرین مفاخرت و اعزاز
گردید یکفرسنگ بمنزل مانده کالسکه مخصوص همایونی رسید و شاهنشاه بکالسکه
نشسته بسرعت تمام چهار ساعت بغروب مانده بمنزل تشریف فرما شدند

حاجی شهاب الملک و حاجی سعد الملک و صفر علیخان سرتیپ و سایر سرکردگان
که از خیرآباد مامور پیش رفتن شده بودند درینجا بخاکپای همایون تشرف جستند
و ذات والاصفات شاهنشاهی ساعتی بیاسودند جهانسوز میرزای حاکم شاهرود
تا این منزل ملتزم رکاب نصرت انتساب بود و چون در منازل متعلقه بحکومت
شاهرود در تشریفات موکب مسعود کمال مراقبت و اهتمام مرعی داشته
و خاطر مبارک از خدمات ایشان خرسند بود باعطای یک قبضه شمشیر کل مرصع
سرافراز گشته از خاکپای مبارک مرخص شد که بشیروان نزد سپهسالار اعظم برود
از انتر بدبداورزن از راهی که موکب مسعود تشریف فرما شدند شش فرسنگ است
راه اول فی الجمله وسعتی دارد و همه جا سراشیب و پست و بلند است و بعد از
دو فرسنگ بدهنه میرسد که دو سمت آن کوههای سیاه بلند خشک است
و یکفرسنگ و نیم مسافت آن دره است سمت شمالی دره ماهور و دامنه
کوه است و دو سه مزرعه که متعلق بسادات است دارد و سمت جنوبی پس از
بیرون آمدن از دره جلگه و با کوه مسافتی بعید دارد و قصبه مزینان که دهی آباد
و معتبر و معموره و باجمعیت است یکی دو قریه آباد دیگر درین سمت واقع دارد و

نمایان است درین راه شکار بسیار است داورزن اول خاک سبزوار است و سی چهل خانوار رعیت دارد

بیست و چهارم محرم الحرام اطراق در داورزن

درین روز چون چاپار دار الخلافه وارد شده عرایض مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم و سردار کل و وزیر امور خارجه را بحضور مبارک همایون رسانید متضمن صدور احکام و جواب بود شاهنشاه جمجاه درین منزل اطراق فرموده از صبح تا شام بخواندن عریضجات و صدور فرمایشات و نوشتن دستخط بوزرا مشغول بودند طرف عصر ملا حسن قاضی و برادر میرزا ابراهیم مجتهد بحضور مبارک مشرف شدند و امین الدوله و ظهیر الدوله بخاکپای همایون احضار شده امر و مقرر شد که هر گاه ضرری و خسارتی از محل چاپارها یا از راه دیگر با هالی استبرق و داورزن وارد آمده باشد عوض دهند و با انکه ضرری معین و یقین نشد محض ازدیاد دعای وجود مبارک همایون و کمک بحال رعایا مبلغی باهالی بر سم انعام بذل فرمودند

بیست و پنجم محرم حرکت موکب همایون از داورزن به منزل مهر

هنگام صبح که مهر عالمتاب طالع شد اعلیحضرت همان ظل اللهی بکالسکه
نشسته و تمام اعیان و ارکان و سواران و صاحبمنصبان در رکاب مبارک پذیره
راه شدند چون هوای امروز بر خلاف سه چهار روز گذشته نسیم و روحی داشت
خاطر مبارک از لطافت هوا خرسند و فرخناک گشته با هر یک از اعیان مشغول
صحبت بودند تا سواد قریهٔ صدخرو یا سودخر که معروف بصدخر است نمایان گشت
قاضی صدخری با رعایای آنقریه باستقبال آمده دعای وجود مبارک گفتند
و قاضی تا مسافتی از ده گذشته در رکاب مبارک پیاده روان بود و از
فرمایشات و مسئولات ملوکانه مفتخر و مباهی گشت اعلیحضرت همایون
در خارج ده در محلی با صفا از برای نهار توقف فرمودند و در اندک زمانی بکالسکه
مراجعت نمودند
نزدیک اردو در سمت چپ مزرعه موسوم بکلاته منظور نظر انور همایون آمده
بدانسوی میل فرمودند و چون راه سنگلاخ بود از کالسکه بزیر آمده سواره تا بالای
باغات کلاته که دره ایست و نهر آبی دارد تشریف برده در کنار نهر فرود آمده
عصرانه و چای خواسته شد و مشغول نماز شدند شخص دهقانی از تعدی و تفر

سرباز که بیا غات و رفته بودند عارض گشته خاطر مبارک همایونی بر آشفته
مقرر شد که سرباز از اما خود داشته تنبیه و سیاست کلی نمایند که عبرت دیگران شود
نیم ساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو گشته و شب بعد از شام قورق
شکسته مقربان دربار از زیارت آستان مبارک بهره ور آمده حکیم باشی
طلزان ساعتی از روزنامجات انگلیس بعرض عاکفان حضور
رسانده و شاهنشاه بآرامگاه خسروانی تشریف بردند

از دوارزن الی مهر شش فرسنگ است راه مشرقی جنوبی و همه جا ملک
مسطح و با روح و بوته زار است سمت راست جاده بفاصلهٔ پنج الی
هفت فرسنگ منتهی بجبال میشود که کوه میش معروف سبز و از شعبات آن جبال
و از دور نمایان است و قرا واقعه درین سمت بدین موجب است ماهیان
بروغن آباد بادقیس شهرآباد مغیثه جوین
خسروآباد چشم کوشک باغ جبال سمت چپ بمراتب
پست تر و نزدیک ترند و از نیم فرسنگ الی دو فرسنگ یا دتر با جاده فاصله
ندارد و قرا و مزارع واقعه درین سمت ازین قرار است بهاردان

تیره کلاته سادات داور زن اباد یکی دو مزرعه دیگر
نیز درین سمت راه از دور نمایان است

روز جمعه بیست و ششم محرم الحرام تشریف فرمائی موکب
فیروزی کوکب پادشاهی از منزل مهر بقریه رسید

شاهنشاه کامکار و شهریار معدلت شعار صبح باقبال خسروی و فر کیخسروی
با میمنت و فیروزی از حرم خانه مبارکه بیرون تشریف آورده بکالسکه
نشستند حیدر قلیخان سهام الدوله دو راس اسب ترکمانی بسیار ممتاز
که کمتر بدان خوبی اسب دیده و شنیده شده بود برسم پیشکش از لحاظ نظر انور
همایون گذرانده هر دو در نظر مبارک جلوه گر و مستحسن آمدند بعد از طی مسافتی
در جلگه شمالی آسیائی که مشتمل بر اشجاری چند و سایه دل پسند بود منظور نظر
همایون افتاد و بجهة صرف نهار میل بدانسوی فرموده فرود آمدند و محض رافت
خسروی و رعایت رعیت پروری پیرمرد صاحب آسیا را بحضور مبارک
خواستند پیر زنده دل از تشرف خاکپای مبارک جوانی از سر گرفته
و در کمال فصاحت بنحویکه رسم سالخوردگان است بعضی عرایض کم خالی از

بنود خاطر مرحمت مظاهر را قرین مسرت داشته و تفقدات و انعام
شاهنشاهی امیدوار و گشوده خاطر گشته بدعای وجود مسعود اشتغال نمود
و سرکار همایون پس از میل فرمودن نهار سوار و تشریف فرمای منزل شدند
و بسراپرده همایونی تشریف برده باقتضای گرمی هوا میوه جات و شربت
آلات طلبیدند و این بنده را بخواندن کتاب روزنامه همایونی امر فرمودند
و آن کتابی است که بخط مبارک نوشته شده است چه حضرت شاهنشاه را
رسم بر آنست که در جمیع اسفار کوچک و بزرگ و شکارگاهها وقایع یومیه و حالت
منازل و هیئات ارضی و جبالی و رودخانها و چشمه سارها و قراء و مزارع آن سامانها را
بالتمام بدون کسر و نقصان بدستخط مبارک ثبت و ضبط میفرمایند و در هنگام
فرصت رجوع بدان نموده و از تجدید حالات گذشته خاطر مبارک را خرسند
میدارند و بر اطلاع ملازمان و بندگان می افزایند و الحق هیچ تاریخی بدین جامعی
و راستی و درستی نیست زیرا که هیچ مورخی به بیغرضی و بصیرت شخص پادشاه
روحنا فداه نخواهد بود بالآخره روز بپایان آمد و شب بعد از شام قورق شکست
و مقربان دربار از امین الملک و حاجب الدوله وغیره بحضور مبارک تشرف جسته

خاطر مبارک را از صحبتهای نیکو و عرضهای پسندیده خوشوقت و مسرور میداشت
عکاسباشی عکس اردو را که در روز برداشته بود بحضور آورده و در نظر انور همایون
شاهنشاهی که درین علم بصیرتی تام دارند موقع قبول و استحسان یافت
از مهرالی رسید سه فرسنگ است هیات ارضی راه امروز نیز شباهت کلی براه
منزل گذشته دارد و بفاصله یکفرسنگ و نیم دور از جاده شعبه کوهی است
در وسط صحرا که دو فرسنگ امتداد دارد وسط حقیقی آن مخروطی
شکل و مرتفع تر است و جنبین آن پست تر و بیکدیگر نهایت شباهت را دارند
پشت این کوه جلگه و کویر است رسید در هزار قدمی جاده واقع است و قریب
سی چهل خانوار رعیت و باغات و مزارع دارد که از آب رودخانه مشروب میشوند
و او را کاروانسرائی خوش طرح و آباد و آب انباری مستحکم از بناهای قدیم است
سمت جنوب جاده بلوک باشتین است و او را دهات متعدده است که اسامی
آنها بدینموجب است قریهٔ مهرآباد متعلق بحاجی میرزا محمد علی برادر حاجی مجتهد و بعضی
کسبه و رعایاست و آب او از قنات و تقریبا یکصد خروار غله عمل کرد دارد
شاهرخ آباد متعلق برعایا و کسبه شهر است و قناتی و قلیل زراعتی دارد

حسین آباد ملکی حاجی مجتهد و شرکاست و در قدیم قناتی داشته که حال مخروبه
و تازه احداث می کنند شهر آئین چندان آبادی ندارد و دو سال است
قنات او مخروبه و از امسال بنای آبادی آنرا دارند غیاث آباد متعلق
بحاجی میرزا ابراهیم مجتهد و حاجی آقا ابراهیم و دیگران است فیض آباد
یکی از معتبرترین قرا بلوک باشتین است و قنات آبی نیکو دارد و متعلق است
بحاجی سید رضا و سایر رعایا تاج آباد ملکی حاجی باباخان و رعایای
او نیز از قنات است باشتین قصبه این بلوک است قریب صد خانوار
رعیت دارد و از زمان بسیار قدیم تاکنون آباد است نامن این قریه نیز
بزرگ و آباد است بفره آب این مزرعه آب کوه است که از شمال آمده بجنوب
میرود و در دور فیض آباد زراعت می شود سرشته قلعه کوچکی است
یحیی آباد مخروبه است و تازه در صدد آبادی آن برآمده اند خیر آباد
قلعه محقر و سه چهار خانوار رعیت دارد و سمت شمال سه قریه است
قریه فشتنق دو فرسخ از جاده دور است مالکین آنجا رعایا هستند زراعتش
اندک و باغاتش منحصر است بانار ترش سارق دو فرسنگ و نیم بالا

فهلادو

فاصله دارد و در نهایت خوش هوا و ییلاق و زراعتش کم و باغاتش
محصر است رسید که منزلگاه است و مذکور شد

شنبه بیست و هشتم تشریف فرمائی شاهنشاه آسمان جاه از رسید بشهر سبزوار

حضرت شهریار و خدیو تاجدار هنگام صبح که خسرو سیارکان از خطهٔ مشرق
باستقبال موکب مسعودش چهره نمائی کرد چون بخت مقبلان از تخت راحت
برخواسته پس از ادای فریضه سرو بر خسروانی را بجبقهٔ الماس و قبای مغول
دوز و حمایل مروارید و الماس آراسته و شمشیر تمام مرصع در میان بسته از حرمخانهٔ
مبارکه بیرون آمده بکالسکه نشسته شد و تمام اعیان و ارکان و چاکران
نظامی و غیر نظام با شکوه مالا کلام و لباسهای الوان و حمایل و نشان در
رکاب ظفر توامان در نهایت نظم و ترتیب عازم شدند و چون سه فرسنگ از راه
بگذشت سمت یمین جاده آبادی ملحوظ افتاد موسوم به پیراستر که مدفن یکی
از اولادان کمیل ابن زیاد علیه الرحمه است شاهنشاه بدانسوی تاختند
و چون مکانرا قابل فرود شدن نیافتند بفاتحه اکتفا فرموده بگذشتند

تا بنهر آبی که دو سنگ آب از آن جریان داشت رسیده از برای صرف نهار
فرود آمدند ولیکن حرارت هوا مانع از آن شد که وجود مبارک بغذائی رغبت شود
پس در انجا اندک وقتی توقف فرموده و بر اسب تحفه جیران پیشکشی ایلخانی سوار شده
با اعتضاد الدوله و تیمور میرزا فرمایش کنان روان شدند اندکی گذشته
سراپردهای زرنگار پدیدار گشت که مورد و رود پردگیان حرم سلطنت بود سرکار
همایونی بالانفراد بسمت ایشان توجه کرده و دوباره براه معاودت فرموده
بکالسکه نشسته قریب بقریه خسروجرد سپهسالار اعظم حکمران مملکت خراسان
و امیر حسین خان ایلخانی زعفرانلو و الله یار خان حاکم دره جز و یوسف خان
هزاره با سرکردکان و سواره خراسانی و ترکمانان سارق و تکه وغیره که زیاده
از سه هزار بودند موکب فیروزی کوکب را استقبال کرده از زیارت رکاب
نصرت انتساب مستعد و مباهی گشتند سپهسالار اعظم بتوجهات خاطر خطیر
ملوکانه مستظهر و بفرمایشات و عواطفات شاهنشاهانه مفتخر گردیده و حسب الامر سوار
شده درکنار کالسکه مخاطب بفرمایشات علیه بود تا آنکه حضرت شاهنشاه
از قریه خسروجرد گذشته به بقعه امامزاده ابراهیم رسیدند حاجی میرزا ابراهیم مجتهد

باعلما و سادات

با علما و سادات شهر که در امامزاده منتظر ورود ذات خجسته صفات بودند بیرون آمده و بحضور مبارک شرفیاب شده مورد عواطف خاص شدند اندکی از امامزاده گذشته جمعیت بسیار و مخلوق بیشمار از اهالی شهر از مرد و زن از کوی و برزن بزیارت جمال مبارک و باستقبال رکاب قمر مثال مجتمع و غبار راه شاهنشاه عالم پناه را کحل الجواهر دیده امیدواری کرده و زبان بدعای بقای دولت ابد توامان گشودند از تراکم مستقبلین و تلاطم امواج سواران ملتزمین بحدی گرد و غبار شد که دو نفر آشنا در شناسائی یکدیگر عسرت داشتند و تمیز آسمان و زمین امکان نداشت تیپ همایونی از جنب شهر عبور فرموده رو بشمال بطرف فوقانی شهر که مقر اردوی کیوان پوی بود تشریف برده و آوای شلیک توپ و زنبورک نزول اجلال خسرو بیهمال را در باغ حاجی میرزا ابراهیم اعلام داده ملتزمین رکاب هر یک بخیام خویش شدند و شاهنشاه اسلام پناه پس از نشست و شوی جمال مبارک و صرف شربت آلات و میوجات ساعتی در حوضخانهٔ باغ غنودند و هنگام عصر ببالا خانهٔ باغ رفته با دوربین بتماشای اطراف شهر مشغول گشتند مقارن غروب قورق شد و شب را برنهج لیالی قبل خواص چاکران بحضور عطوفت نشان احضار گشتند

از زیبد الی سبزوار پنج فرسنک وراه مشرقی و جلکه و صحرا است و در زمین آن جز
از خار شتر و نبات شیرین پان نشانی نیست و تمام صحرا خانه موش و اسب تا چشن
در آن دو از شرایط احتیاط و هوش است سمت راست این جلکه بمسافت
پنج فرسنک منتهی بکوه میش میشود و سمت چپ بفاصله نیم فرسنک کمتر یا بیشتر
کوه شور و کوه سیاه سبزوار است دهات واقعه در سمت یمین جاده بدینموجب است
مسکن سنقر آباد افضل آباد حیات اباد قنقر
برزو کلاته حیدر قلی دهات طرف یسار از این قرار است پیر آستر
صومعه مخروبه است خسروجرد که هم بخته و آباد موسوم است قصبه
معموره و صد و پنجاه خانوار رعیت دارد و بواسطه مناره که در او ساخته شده است
معروف و مشهور است و او مناره ایست بسیار مرتفع و خوش اندام و از ابنیه قدیمه است
چه بنای او را بقسمی نموده اند که از خارج تمام منبت کاری و خاتم سازی بنظر می آید
ولیکن سبب بنای آن معلوم نیست که او را از چه راه و از چه جهت ساخته اند ابار بی
قلعه نو عبد الرحمن کوشک ملک سبزوار ملکی وسیع و معتبر است
و او را هشت بلوک و صد قریه و مزرعه متجاوز است و ما تنها بذکر اسامی بلوکات آن

الکوفانیم

اکتفا نمائیم بلوک مزینان اغلب دهات آن آباد و با جمعیت و خوش هوا است
و باغات بسیار دارد بلوک کاه تیول میرعطاءالله خان ایلخانی است و ییلاقیت
کلی و قراء متعدده دارد بلوک باشتن معمور و ییلاق است بلوک قصبه
تمام رعیتی و قشلاق است بلوک تکاب لنغان کوه از سایر بلوکات
ییلاقیت آن بیشتر است این پنج بلوک جنوبی و شرقی و غربی است
بلوکات دیگر که عبارت از بلوک براکوه و بلوک کراب و بلوک
طبس باشند شمالیند این بلوک اخیر از بلوکات معظم سبزوار است و بسیار
خوش آب و هواست اما حدود خاک سبزوار مغربی بهمن آباد و مزینان
و مشرقی دهنه سنک کلیدر است شمال آن جبال دو برادر و سبزوار و کوه سیاه
و کوه ریوند و غیره است که محال جوین در سمت شمالی آنها واقع است و در شمال
غربی این جبال ری آباد و مغر و کیلان و کلاتهاست که معبر عمده تراکمه و منتهی
بچهار ده سن خاص میشود حد جنوبی کوه میش است حاصل این املاک ابریشم
و فواکه و جو و گندم است
شهر سبزوار از شهرهای قدیم ایران است و او را ارک و حصاری محکم و کاروانسرا

وبازار

وبازار و ده و محله و دو مسجد و دو مدرسه و تکایای بسیار است یکی از آن مدارس
مدرسه فصیحیه است که مدرس جناب حاجی ملاهادی و مسکن طلاب است و موقوفات
بسیار دارد و بواسطه بی مبالاتی متولیان نقصان کلی در بنای آن راه یافت
و مخصوصا از جانب سنی الجوانب همایون امر رسید که عمل موقوفه و تعمیر آن شرف صدور
یافت   از جمله مساجد مسجد جامع است که بنا بر معروف از ابنیه سلاطین سربداریه است
و بنای بسیار عالی است و جناب حاجی میرزا ابراهیم او را تعمیری کافی نموده در جنب
شهر کاروانسرائی است که از بناهای قدیم بوده و در اوقات حکومت و طغیان
الله‌یارخان قلیچی خراب گشته و در عهد شاهنشاه جمجاه حاجی مجتهد بقیه او را لباس
آبادی پوشیده و اکنون در نهایت معمور و منقح است   و نیز یک میدان
از شهر گذشته مصلای شهر است که عمارتی عالی دارد و از توجهات جناب
حاجی دایر و آباد مانده است   جمعیت شهر سبزوار اگرچه بتحقیق تعداد نشد ولی
زیاده از پانزده هزار بنظر نیامد و آن نیز در زمان سلطنت شاهنشاه رو بازدیاد
گذاشته مخروبه‌اش عمارت یافته است و مورد امید است که انشاءالله در ظل
عدالت و عطوفت شهریاری در اندک مدت جمعیتش بیشتر گردد و آبادیش

بیش از بود

بمراتب معمورتر از پیش

یکشنبه بیست و هشتم شهر محرم توقف شهریار کامکار در بلده ورامین

چون درین روز اطراق بود اغلب اوقات مبارک همایون شاهنشاهی بتنظیم و تنسیق امورات مملکت و آسایش حال لشکری و رعیت موقوف و مصروف گشت در اول روز سپهسالار اعظم بارخاسته و سران و بزرگان مملکت خراسان را بدربار معدلت مدار آورده یکان یکان ایشانرا بحضور مبارک معرفی نموده هر یک بفراخور حال و شایستگی خدمت و مقدار مورد الطاف حضرت شهریاری شده خرم و خندان و سرافراز و شادان بمنازل خویش شدند و از آنجا که جنود منصوره و ملتزمین حضور خجسته دستور را بعد از خروج از دار الخلافه وجوه مکاثره که از خزانه عامره داده شده بود بمخارج لازمه مصروف داشته بودند درینجا نیز مقرر گشت که مبلغ بیست هزار تومان از بابت مواجب و جیره در میان ایشان علی قدر مراتبهم تقسیم نمایند شاهنشاه پس از صرف نهار بیاسودند و محمد حسنخان محقق و این بنده بخواندن کتاب و زنامجات قدیم که حاوی احوالات خیرت علامات همایون بود مشغول شدیم تا سرکار اقدس از خواب بیدار گشته ساعتی

زیاده بغروب مانده بود درینوقت جناب حاجی ملاهادی سبزواری بهمراهی
سپهسالار اعظم بحضور مبارک آمدند و از آنجاکه جناب حاجی از جمله حکما و از جمیع
صفات غیر حسنه عاری و مبرا و در حکمت آلهی بحریست بی پایان و نامتناهی
و در سایر علوم صاحب بصیرت و آگاهی و الحق شخصی مرتاض و بهمه جهة ممتاز است
بندگان حضرت اقدس وجود مقدس معظم الیه را محترم و ملاقات ایشانرا مغتنم
شمرده و با ایشان از هر مقوله صحبت داشته شد و ضمنا خواهشمند تصنیف کتابی که محتوی
اغلب علوم و مواعظ چند باشد شدند جناب ایشان نیز اطاعت امر همایون را
متقبل و موقوف بزمان مستقبل داشته دعای وجود مبارک را گفته رخصت معاودت
جستند و بعد از ایشان جناب علامی حاجی میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری و جناب محمد هاشم میرزا
پسر مرحوم محمد رضا میرزا که قریب پانزده سال است در سبزوار محض ارادت
جناب حاجی ملاهادی منزوی و مسکون و از جمله تلامذهٔ خاص آنجناب است فیض
حضور را درک آمده و مورد توقیر و مراحم خاص شده مرخص شدند و سرکار
همایونی تشریف فرمای اندرون گشتند

دوشنبه بیست و نهم شهر محرم و روز دوم توقف اردوی کیوان پوی در سبزوار



شبیه جناب فضایل و معارف اکتساب قدسی و قدوسی انتساب حقایق و دقایق آداب حاجی ملا هادی سبزواری [illegible] تعالی



هنگام طلوع نیر اعظم شاهنشاه معظم بر تکیه گاه سلطنت تمکن و هریک از مقربان
درگاه بلا اشتباه نیک و بد امور محوله بخود را در حضور باهر النور حاکی بودند و اعلیحضرت
همایون بجرح و تعدیل و تغییر و تبدیل امورات هریک غور و تدبر فرموده
و احکام مطاعه در اصلاح مطالب و مقاصد ایشان شرف صدور می یافت
قریب بظهر سیف الدوله میرزای حاکم سابق اصفهان که در مشهد مقدس حضرت
رضوی علیه السلام مشرف بود بزیارت حضور مبارک مستعد گشت و ایضاً الله
میرزا مسیح وزیر مازندران و میرزا هدایت مستوفی و رضاقلیخان سرتیپ
کلبادی و محمد خان و نجفقلی خان هزارجریبی و غلامحسین خان اشرفی و عبدالله
میرزای نظام العلماء و سایر بزرگان و اعیان مازندران را که بعتبه بوسی آستان
مبارک آمده بودند بحضور باهر النور اقدس اعلی مشرف ساخته و هریک را معرفی
بسزا نموده و علی قدر مراتبهم بالطاف خسروی بهره ور و از استسعاد حضور
همایون مفتخر گردیدند و پس از حصول مرخصی ایشان ذات والا صفات همایونی
بحوضخانه باغ تشریف برده و استراحت فرمودند و اجودان مخصوص شرح
احوال یکی از سیاحان فرانسه را که بسمت افریقیه سفر کرده بود معروض داشت

و حاجب الدوله و این بندگان از مستمعان بودیم عصر این روز امین الملک مطالب و عرایض جهانسوز میرزا و صورت تشخیص منازل مراجعت اردوی همایون را که سپهسالار اعظم معین نموده بود بحضور آورده از لحاظ انور همایون گذرانده در تغییر و تعدیل آنها اوامر ملوکانه شرف صدور یافت و هم درین روز جهانسوز میرزا از خاکپای مبارک مرخصی حاصل نموده بمقر حکومت خویش رفت آقارضای عکاسباشی که حسب الامر با نداختن عکس جناب حاجی ملاهادی مأمور بود انجام خدمت مرجوعه را نموده بحضور مشرف شده و شیشهٔ عکس جناب معزی الیه را که بسیار ممتاز برداشته بود از نظر انور مبارک گذرانیده مورد تحسین و مرحمت شد و بخاکپای همایون معروض داشت که چون جناب حاجی تاکنون اسباب و آلات این فن را ندیده و انعکاس و انطباع هیکل اشیا را در صفحهٔ خارج مشاهده نموده بودند از ملاحظهٔ آن کمال تحیر را پیدا کرده متفکر شدند و چون بر حقیقت آن فی الجمله بصیر گشتند او را در استدلال علوم مناظر و مرایا استاد نیکو شمردند خلاصه مقارن غروب هوا منقلب شده و رعد و برقی شدید آشکار گشته دو ساعت متواتر باران متکاثر آمده سورت حرارت هوا شکست و خاطر دریا مقاطر

بدان سبب تفرجی کامل حاصل گشت

غره شهر صفر المظفر تشریف فرمائی خدیو عدل گستر از سبزوار برباط زعفرانی

ازآنجا که حضرت شهریار و شاهنشاه تاجدار درین دو روز ایام توقف سبزوار موقعی از برای تفرج شهر و بازدید جناب حکمت مآب و جناب مجتهد نیافته بودند امروز که روز عزیمت حرکت بود عبور موکب مسعود را از داخل شهر قرار فرمودند تا آن مقصود نیز حاصل شود پس چون دو ساعت از روز برآمد و وزرا و اعیان و سایر چاکران بدرب سراپرده همایونی حاضر شدند شاهنشاه اسلامیان پناه با سرداری الماس نشان بیرون آمده و بمبارکی و اقبال سوار شده با سپهسالار اعظم و امین الدوله و امین الملک و سایر وزرا بسمت شهر تشریف فرما گشته و از کنار ارک عبور فرموده از دروازهٔ آن وارد شدند استحکام بنای ارک در نظر انور جلوه گر آمده و چون از مرور دهور در بنای آن خرابی بسیار راه یافته بود بسپهسالار اعظم امر و مقرر شد که در تعمیرش سعی مشکور و جهد موفور بظهور رساند اهالی شهر که در تمام ایام و سال آرزومند

زیارت جمال عدیم المثال بودند شکرانهٔ وصول باین نعمت عظمی با وجد و شوق ما فوق آن متصور نیست بترانهٔ دعای ذات اقدس معلی شور و شر بملاء اعلی افکندند حضرت شاهنشاه از میان بازار تا خانهٔ حاجی میرزا ابراهیم مجتهد تشریف بردند و در آنجا نزول اجلال فرموده بودند جناب حاجی و علمای بلد که در درب خانه حضور داشتند در کمال ادب و احترام بلوازم پذیرائی اقدام کرده وجود مبارک را دعا گفتند و اعلیحضرت اقدس همایونی از آنجا بخانهٔ جناب حاجی ملا هادی تشریف فرما گشتند حالت درویشی و اثاث البیت مختصر و خانهٔ محقر جناب حاجی که تمام بنای آن منحصر با طاقی از خشت و گل بود در خاطر مشکل پسند مبارک بسیار پسندیده آمد و پسران جناب ایشان که الحق اصل معرفت را بزر و شاخ حکمت را ثمرند مقبول خاطر مرحمت اثر آمده مورد احسان و تشویق شدند اخلاق دلجو و تحقیقات نیکوی جناب حاجی مایهٔ آن شد که حضرت شاهنشاهی علاوه از رسم معموله در خانهٔ ایشان توقف فرموده و در هنگام برخواستن اظهار تأسف از مفارقت کردند جناب حاجی نیز با چشم گریان حضرت ظل سبحانی را تا خارج خانه مشایعت کرده با نیت خاص و نهایت اخلاص زبان بدعا و ثنای وجود مبارک

گشودند سرکار همایونی از دروازهٔ نیشابور بیرون تشریف برده با سپهسالار
اعظم و حیدرقلیخان ایلخانی فرمایش کنان روان شدند سواره خراسانی و غیره
در آن صحرا با شکوه و نظمی تمام صف بسته و در نظر انور همایونی جلوه گر آمدند و چون
بنا بر رسم خود ترک زیادی بر اسبان داشتند و همین مایهٔ عسرت حیوانات
در تاخت و تاز بود امر همایونی شرف نفاذ یافت که از جانب دیوان اعلی
هر ده نفر سوار را یکنفر شتر بارکش دهند تا اسبان ایشان سبکبار رود در تعاقب
دشمن بی خیار باشند پس از آن سوار شاهنشاه کامکار بکالسکه تشریف فرما گشته
مسافتی بعید که از راه طی شد قدری بالاتر از رباط سرپوشیده در طرف چپ جاده
بجهة صرف نهار فرود آمدند و اندک غذائی میل فرموده سوار شدند و با کالسکه
درین صحرا هر نوع شکار از هوبره و آهو بسیار بود بواسطه گرمی هوا صرف نظر
از صید ایشان فرموده و تعجیل بوصول منزل کرده پنج ساعت بغروب مانده
باردوی همایون نزول اجلال فرمودند
از سبزوار الی زعفرانی شش فرسنگ است و راه مشرقی و همه جا جلگه و سطح
و گیاه آن تمام خار شتر و اسپند و اصل السوس یعنی شیرین بیان است

جبال شمالی دو فرسنگ از راه فاصله دارد ولی فاصله جبال جنوبی بتدریج
زیاد میشود تا بنظر مسافت ده فرسنگ می آید درین راه آبادی بسیار و قرا
واقعه در آن ازین قرار است سمت راست جاده **صالح آباد** ملکی
میرزا حسین وغیره **دلقند** ملکی حاجی محمّد رضای مستوفی **باغان**
ملکی حاجی فرامرز خان یوزباشی **آزاد منجیر** ملکی حاجی میرزا ابراهیم
وسادات **نزل آباد** ملکی حاجی محمد رضا **زید آباد** ملک ایضاً
جلیس ملک ایضا واقوام حاجی میرزا ابراهیم **رباط سرپوشیده**
ملکی ایضاً **هاشم اباد حاجی شمسی** سمت چپ جاده دو قریه
بشتر ملحوظ نیفتاد که یکی از آنها **سر بنام ده** و دیگری **عوض است**
تمام این قراء را قنوات متعدده است که از هر یک آنها یک سنگ سنگ دو
بل متجاوز آب جاریست ولی اغلب آنها مایل بشوری وگوارا نیست و در هر یک
ازین دهات باغات واشجار بسیار است غیر از رباط سرپوشیده که او را
یک باغ مشجر پیش نیست وغالب محصول این قراء پنبه وجو وگندم است
رباط زعفرانی که هم بزعفرانیه معروفست رباطی بود و دست از ابنیه بسیار قدیم

که بالمره منهدم و مخروبه شده و از او جز آثاری باقی نیست و آنچه امروز برباط زعفرانی مشهور است رباطی است که بموجب امر اقدس همایون شاهنشاهی حاجی مصطفی قلیخان نوری در ایام حکومت سبزوار بنا نهاده و هنوز اندکی ازین بنای عالی که مقابل بهترین بناهای سلاطین صفویه است باقی است و انشاء الله باقی نیز امسال سمت اتمام خواهد یافت در جنب این رباط چاپارخانه دولتی و مهمانخانه و آب انبار و یخچالی است که نواب حسام السلطنه زمان فرمانفرمائی مملکت خراسان بنا نهاده اند و در همه وقت خاصه تابستان زوار و قوافل را محل راحت و امان است

چهارشنبه دویم شهر صفر المظفر تشریف فرمائی خسرو عدالت پرور از زعفرانی بزمان آباد

درین روز اول طلوع فجر که سه ساعت بدسته مانده بود شاهنشاه روحنا فداه از بستر راحت برخاسته و دو ساعت بدسته مانده بکالسکه مبارکه نشستند و سپهسالار اعظم را کنار کالسکه طلبیده مشغول صحبت شدند و مخصوصا از دیاد میل خاطر مبارک را در آبادی خراسان و انتظام امور آن سامان بیان میفرمودند

تا نزهت هوا و حضرت صحرا خاطر همایون را مایل بدان ساخت که از سمت جنوب
جاده شکارگنان تشریف فرما شوند پس از طی مسافت یکفرسنگ رباط مخروبه
ملحوظ افتاد مشهور برباط غلامان که در سوابق زمان مامن راه زنان ایلات عمارلوی
نیشابور بوده است و حال بالمره منهدم است یکفرسنگ از آن رباط گذشته
قلعه سنگ کلید راست محاذی آن قلعه دو نفر شکارچی که با امیر شکار از پیش رفته بودند
بحضور مشرف شده معروض داشتند که یکدسته قوچ و میش دیده اند سرکار همایونی
با اعتضاد الدوله و امین الملک و سایر مقربان خاص با معدودی قلیلی از تفنگداران
و شکارچیان بقصد شکار بسمت دره های شمالی روان شدند قریب دو سه فرسنگ
رسیدیم و از امیر شکار اثری پدید نیست تا سرکار اقدس دره را منظور نظر مبارک فرمودند
و از دامنه آن صعود فرمودند ولی بیک رحمت الله بیک شکارچی نمود از گذشته
معروض داشت که شکاران از مکان خود تجاوز کرده و باید متعاقب ایشان
رفت ولیکن چون از روز زیاد برآمده و هوا گرم و منزل دور بود سرکار شاهنشاهی
از تعاقب نمودن شکار گذشته و در دامنه و کنار چشمه آبی فرود آمده امر بحاضر
ساختن نهار فرمودند و پس از آن بکالسکه نشسته بسمت شواب تشریف فرما شدند

وچون راه بسیار سخت بود و پست و بلند بسیار داشت تکرکالسکه مبارکه عیب نمود حضرت شاهنشاهی نیم فرسنک سواره تشریف آوردند تا آنکه در شکه اعتضاد الدوله رسید و بدو نقل فرموده اندکی از زحمت حرارت هوا و کرد و غبار آسوده شدند مقارن شو لب حاجی سلیمان خان قاجار حاکم نیشابور بزیارت رکاب قمر مثال مشرف آمده مورد عواطف ملوکانه کشت سه ساعت بغروب مانده موکب مسعود شرف ورود بزمان آباد ارزانی داشت حضرت همایونی اندکی بیاسودند و از خواب برخاسته نماز خوانده و اندکی میوجات و مشروبات صرف نموده بحرمخانه مبارکه تشریف بردند هنگام مغرب بارانی شدید ابتدا نموده تا زمان صبح ببارید و هوا را لطافت و طراوت کلی بدید کشت

از زعفرانی بزمان آباد شش فرسنک است و راه شرقی و تا دهنه سنک کلید همه جا رو بصعود است و از آنجا دره ماهور و رو به نشیب میشود تا یکفرسنک بزمان آباد مانده سمت شمال کوهستان است و بلوک تکاب طغان کوه در این سمت واقع و او را قراء و مزارع متعدد است که اغلب آنها رعیتی و خوش هوا و اسامی بعضی از ایشان از اینقرار است کرماب شوروزد شوروزدو

دشت جرد سلیمانی کلاته بید در وسط راه اول قلعه سنگ کلید راست و او قلعه ایست که در دامنه واقع و در دولت شاهنشاه غازی ساخته شده بقدر یک سنگ آب و چند خانوار و قلیل زراعتی دارد و جد طبیعی خاک نیشابور و سبزوار است بعد از آن شوراب است که منزلگاه کاروانهاست و سی چهل خانوار رعیت و چند قطعه باغ و چاپارخانه دارد

سمت جنوبی تا اول جلگه نیشابور آبادی نیست در اول جلگه بلوکات نیشابور است که در موقع خود مذکور خواهیم داشت زمان آباد و سرده دو قریه اند سرده بالاتر واقع است بفاصله یک میدان و جمله موقوفات حضرت فیض آثار است زمان آباد فی الحقیقه آباد و چند سهم است سهمی رعیتی سهمی متعلق باقا محمد تقی تاجر طهرانی و مالک سهم اخیر خانبابا سلطان است

روز پنجشنبه سوم شهر صفر تشریف فرمائی شاهنشاه مؤید و مظفر بساحت نیشابور

علی الصباح که خسرو گیتی نورد خاوری علم بر کوهساران زد شاهنشاه انوشیروان نشان معدلت بنیان و خاقان چون صبح امیدواران از افق سراپرده همایونی

طالع گشته و بکالسکه مبارکه جلوس فرمودند نسیم اهتزاز بر پرچم شوکت و اعزاز
وزیدن گرفت و خنگ سواران در جلگه نیشابور در تکاپوی آمد دماغها از هوای
روح افزای این جلگه تر شد و زحمت گرد و غبار و هوای خشک و حارت
منازل از خاطرها محو گشت در سه فرسنگی شهر چمنی نیکو و صحرائی دلجو منظور نظر
خسروانی گشته از برای صرف نهار در آنجا فرود آمدند در نیوقت شبنم و ترشح
هوا بارانی سخت و شد تبدیل یافت و موکب مسعود زود تر از رسم معهود در حرکت
شد یکفرسنگ بمنزل مانده علماء و اعیان و اجله و ارکان شهر بزیارت رکاب
قمر انتساب تشرف جسته مورد الطاف خسروانی گشتند
اعلیحضرت شاهنشاهی سپهسالار اعظم را مخاطب فرموده از آبادی و هوا و
صفای جلگه نیشابور فرمایش میفرمودند حاجی سلیمانخان حاکم قراء و مزارع را
در خاکپای همایون معرفی مینمود و از جبال و معادن فیروزه معروض میداشت
از جمله کوه پر برفی را در بالای سر نیشابور نشان داده معروض داشت که در او
چشمه ایست معروف بچشمه سبز و او چشمه ایست که در فضائی وسیع مانند دریاچه
واقع شده و آبی زیاده از چهار سنگ از میان دریاچه جوشش نمود

هم درخود آن فرو میرود و در حوالی آن مرغزار کاهی نیکو و چمن زاری بس لطیف دارد خاطر همایونی مایل بسیاحت چشمه گشته و از مسافت آن تحقیق فرمودند چون زیاده از شش فرسنگ معروض افتاد محض بعد راه قرار سیاحت و تفرج آن مکان بهنگام مراجعت موکب همایون از راه کلمکان که هم بر آن سامان اقربست مقرر داشتند بالاخره چون سواد شهر پدیدار گشت اهالی بلد از مرد و زن خورد و بزرگ که سعادت چنین روز را از بخت فیروز میخواستند در معبر موکب فیروزی اثر صف کشیده در نهایت وجد و شعف هر یک بزبانی بدعای وجود مسعود مترنم و بقای دولت جاوید عدت را از خداوند خواستار آمدند سرکار همایون ظل اللهی از کنار قلعه عبور فرموده و بسمت غربی شهر بباغ رضوان که فی الحقیقه از جنت نشان میداد و از بناهای امامویردی خان نیشابوریست نزول اجلال فرمودند حاجی سلیمانخان حاکم تشریف قدوم مبارک همایون را از نقد و شال کشمیری و حلویات و غیره پیشکشهای شایسته تقدیم نمود مقربان دربار گردون اشتباه و سران سپاه هر یک بمنازل خویش شدند و حضرت شاهنشاهی لحظه بیاسودند هنگام عصر بادی شدید و سخت بوزید

وسرکار همایونی از سراپرده بعمارت پایین باغ تشریف فرما شدند حاجی
میرزا علی مشکوة الملک که حامل خلعت شاهنشاهزاده افخم جلال الدوله و سپهسالار
اعظم بود و قبل از حرکت اردوی همایون بمشهد مقدس مشرف گشته درینجا
بعتبه بوسی آستان اعلی تشرف جسته واز الطاف بی نهایات شاهنشاهی
کامیاب و مباهی گردید شب بعد از شام قورق شکست حکیمباشی طلزان
وسایر خواص ومقربان بحضور مبارک شرفیاب شدند ساعتی حکیمباشی
از روزنامهای فرنگستان معروض میداشت وحضرت شاهنشاه بلفظ
شریف مبارک ترجمه میفرمودند وحاضرین جمیعاً متعجب بودند که سرکار
پادشاهی چگونه بیزحمت تعلم بسیار واشتغال لیل ونهار در بمدت قلیل بدین
زبان غریب آشنا شده اند وبدین سهولت مطالب مشکله را ترجمه می فرمایند
بعد از اتمام روزنامه باقتضای لطافت وخنکی هوا اربابان طرب خاص چون
آقا علی وحاجی حکیم وآقا صادق وآقا غلام حسین احضار بزم حضور شده
ساعتی تغنی نموده وازآوازهای خوش وسازهای دلکش خاطر مبارک را مسرور
داشته مرخص شدند وسرکار شاهنشاه بآرامگاه تشریف برده براحت مشغول گشتند

از زمان آباد به نیشابور چهار فرسنگ است و راه شمال مغربی و تمام جلگه
از قلاع بلوک عشق آباد و قراء بلوک تحت جلگه آباد و معمور است جلگه نیشابور
که بحسب هوا و مکانیت و قنوات و انهار و اشجار و خضارت و نضارت معروف
و مشهور آفاق است از سه سمت خاصه شمالی بجبال سبز پر علف محدود است
و در قلل جبال شمالی که از همه مرتفع ترند برف بسیار است و فی الحقیقه روح مخصوصی
دارد که در کمتر بلدی دیده شده است چنانکه در کتب متقدمین و شعرای سلف نیز
روح جلگه نیشابور مذکور و مضبوط است جبال نیشابور معادن مس و سرب
و غیره بسیار دارد خاصه معادن فیروزج که گویا در تمام روی زمین مشابه بدانها
یافت نشود این معادن در جبال شمال مغربی واقعند و آنچه از آنها کار شده است
موسوم بکان سیاه است که در او حال کمتر کار می کنند دیگری کان کمری است که
از خود معدن آب بیرون آمده مانع از کار کردنست دو معدن دیگر که از همه بهترند
کان قارزاک بالا و قارزاک پایین است خاک نیشابور حاصل خیز و پر فواید که
و قابل هر نوع محصولات و محدود است از سمت مغربی بخاک سبزوار که حد
آن قلعه سنگ کلید است از سمت مشرق بخاک مشهد و جام از سمت جنوب

بزاوه

بتربت سالاری و شاه بخش و خاک نرماشیر و ترشیز و از سمت شمالی بتربت و لات
قوچان و سلطان آباد ایالت نیشابور چند بلوکست که اسامی آنها بدینموجب است
طغان کوه ازبقائی بار معدن تحت جلکه ریوند
درب قاضی اردرقش ماذول زبرخان محسن آباد
بار و تحت جلکه مار و سک باغ رضوان که مخیم خیام کیوان
مقام بود باغی است در نهایت خوش طرح و وصفا مشتمل بر خیابانهای متعدده
و چند حوض و جداول و انهار و گلستان و اشجار و در او دو عمارت است یکی
در ابتدای باغ که بالاخانه سردر و اطاقهای تحتانی و فوقانی دارد و دیگری
در انتهای باغ واقع است که او را تالاری و دو اطاق جنبین است از جمله
چیزها که بر صفای این باغ افزوده و کمتر جائی دیده شده است وضع غرس
رزهای آنست و آن بدین قسم است که زمین باغ را مرتبه بمرتبه مسطح کرده خیابانها
در او قرار داده اند و از طرفین خیابانها دیوارها کشیده اند و پشت دیوارها را
بطور پشت ماهی مالیده ساخته و درخت مو را بطوری کاشته اند که تمام
مسطح محدب دیوار را گرفته و شاخهای آن از سوراخها که در دیوار کرده اند بیرون

آمده روی دیوار را پوشانیده و بهمین نهج تمام مراتب یک پارچه سبز بنظر

می آید و زیاده از حد بر صفای باغ افزوده است

جمعه چهارم شهر صفر دوم توقف حضرت شهریاری در نیشابور

بحمد الله تعالی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی در اول صبح در نهایت

انبساط و خرمی سوار گشته بقصد تفرج اطراف شهر اخبار سواری فرمودند ساعتی

برنیامد که هوا بشدت سرد شد و بارانی شدید برودت و رطوبت هوا افزود

و حضرت شاهنشاه فسخ عزیمت فرموده بعمارت آخر باغ تشریف آورده مشغول

مطالعه عرایض و نوشتجات وزرا شدند تا شش ساعت از روز برآمد و باران

بایستاد و هوا در نهایت معتدل و مقتضی سواری گشت پس بر اسب عضد الدوله

سوار و با امین خلوت و حاجب الدوله و جمعی از چاکران از کنار اردو بازار گذشته

و همه جا از کوچه باغهای نیشابور عبور فرموده مزرعه که موسوم است بشرف ریز

و در دامنه کوه شمالی واقع منظور نظر مبارک گشته براه نمائی میرشکار و سلطان

حسین میرزای پسر پرویز میرزا بدانسوی تشریف فرما شدند و در کنار چشمه که اطراف

که چشم اندازی نیکو داشت و مشرف بجلگه و شهر بود پیاده شدند و تا هنگام عصر

درآنمکان تشریف داشتند یکساعت بغروب مانده بقریه صومعه آمده در چلکه

بدر شکه نشسته هنگام غروب معاودت بمنزل فرمودند

برف ریز مزرعه ایست که سه چهار خانوار بیش ندارد و در سمت مغربی آن مزار

مرحوم شیخ ابو الحسن است که یکی از اقطاب و بزرگان عرفاست قریه صومعه زیاده

برصد خانوار رعیت و باغات بسیار دارد و اهالی آن جمیعا از ایلات ترکند

که از سوابق ایام در آنجا مسکن گزیده اند

شنبه پنجم شهر صفر توقف شاهنشاه معدلت گستر در نیشابور

درین روز هنگام صبح که نیر اعظم طلوع نمود شاهنشاه معظم بحمام تشریف بردند

و دو ساعت از روز بر آمده در نهایت شوکت و اجلال جلوس بر تکیه گاه

سلطنت فرمودند سپهسالار اعظم شرف اندوز حضور مبارک گردیده و عرایض

حاکم و خوانین سیستان را از لحاظ نظر مهر اثر گذرانیده معروض داشت که چون

سابقا ترکمانان بی عدالی و خودسری نموده جمعی از رعایای سیستانی را اسیر

و دستگیر کرده بودند خوانین و سرکردگان آن سامان در مقام تلافی بر آمده اسرای

خویش را مسترد ساخته و اسیر و سر زیاد از آن دزدان گرفته اند خاطر مبارک قهرمانی

ازین خبر قرین مسرت و شادکامی گشته بسپهسالار اعظم امر و مقرر شد که
در جواب عرایض ایشان از الطاف بی پایان خسروانی شرحی مندرج دارد
که مایهٔ امیدواری و دلگرمی در خدمتگذاری باشد سپهسالار مرخص شد و حضرت
شاهنشاه دستخط متعدده با فتخار وزیر مالیهٔ اعظم و وزیر امور خارجه در انتظام
و اتساق امور مملکتی و ملتی صادر فرموده بامین الملک سپردند که با چاپاری
مخصوص روانه دارد و خود تشریف فرمای حرمخانهٔ مبارکه شده هنگام عصر
بیرون تشریف آورده بعد از صرف عصرانه و ادای نماز ظهر و عصر قورق فرمودند
درین شب چون شب عید مولود مسعود همایون بود اسباب آتش بازی
اعم از ایرانی و فرنگی در میدان خارج باغ فراهم آورده بودند حضرت شاهنشاهی
دو ساعت از شب رفته بباغ دیوانخانه تشریف آورده در بالاخانه که مشرف
بمیدان بود نشستند متصدیان امر آتشبازی از قبیل آقا یوسف نایب سرایدار
که هم درین کار مهارتی تام دارد با سایر توپخانچیان و خدام مشغول آتشبازی
و شلیک شدند و پس از اتمام مغنیان خاص از نغمات تار و طنبور در وجد و
سرور بخاطرها گشودند و تا ساعت چهار هر یک در فن خود نهایت مهارت را بکار برده

دو وزیر علوم و سه دار کل ٤

و بهذا اللائم

و بیذل انعام مفتخر شدند و حضرت شاهنشاهی بحرمخانه خسروانه توجه ملوکانه ارزانی
داشتند

یکشنبه ششم شهر صفر و چهارم توقف اردوی مبارک در بلده نیشابور

درین روز که روز عید مولود پادشاهی بود و در قلوب و خاطر شادی و سرور
نامحدود جای داشت سرکار شاهنشاه فیروزبخت سه ساعت از روز برآمده
برتخت کامرانی و فرخت جلوس فرموده در ایوان سراپرده مبارکه فرشهای زرتار و
دیبا و حریر بگسترانیدند و صلای بار خاص و عام دادند وزراء و اعیان و سرکردگان
و مقربان و صاحبمنصبان ذیشان از عراقی و خراسانی و سیستانی و مازندرانی
و افغان و غیره در حضور مبارک صف زدند سپهسالار اعظم در ابتدای
صفوف بایستاد و دیگران هر یک بفراخور شان بمقامی که در خور ایشان بود
قیام نمودند و چون حاجی آقا اسمعیل پیشخدمت باشی سلام پدر این بنده درگاه
شاهنشاهی درین سفر بجهة ضعف مزاج از التزام رکاب همایونی محروم بود بر حسب
نیابت این غلام قلیان مرصع به پیشگاه تخت اعلی بگذاشت و سلام انعقاد یافت
امین الدوله مخاطب فرمایشات علیه بودند و حضرت شاهنشاه از نکوئی هوای

نیشابور و قصد آبادی و معموری صفحات خراسان و رفاه رعیت و امنیت آن سامان
فرمایشات ملوکانه میفرمودند
خطیب خطبهٔ غرا باسم مبارک حضرت ختمی مآبی صلی الله علیه و آله و وصی برحق و اولاد
و آل آنحضرت و شاهنشاه ممالک ایران انشا نموده سلامیان رخصت انصراف
یافتند و پس از انجام سلام قاضی و علمای نیشابور بفیض حضور استسعاد حاصل
نموده مورد عواطف و الطاف شاهنشاهی گشتند نواب ملک منصور میرزا
بنا بر رسم همه ساله باعطای یکطاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای زری اعلی
سرافراز و مفتخر گشت امیر حسینخان ایلخانی اسبی در نهایت رعنا و زیبا
که از هر جهة بکمال امتیاز را داشت از پیشگاه حضور مهر ظهور مبارک گذرانیده در نظر
ملاطفت اثر پسندیده و مقبول افتاد و اعلیحضرت شهریاری بقیه روز را بمطالعه
کتاب و صحبت با خواص دربار کردون اساس گذرانیدند

روز هفتم شهر صفر و پنجم توقف اردوی مبارک در نیشابور

هنگام صبح سپهسالار اعظم و اعتضاد الدوله و امین الملک و میرزا نصرالله
مستوفی بحضور مبارک احضار شده مقرر گشت که در چادر دار الشورای کبری

مجتمع گشته بجناب میرزا مسیح پیشکار مملکت با زندران عور رسی نموده حقیقت از آنرا بعرض برسانند سردار تاج محمد خان و محمد علی خان شهرکی و کهن دلخان سیستانی بحضور باهر النور مشرف شده و از تفقدات ملوکانه امیدوار و بهره یاب گشتند و چون امروز تفرج شهر و سیاحت اطراف منظور نظر خسروانی بود از عمارت مبارکه بیرون آمده با وزراء درباری و سایر خدام حضرت شهریاری بسمت شهر توجه فرمودند و اولا تشریف فرمای مسجد علی گرخی که مسجد عالی بنیان و از آثار زمان قدیم است شدند علماء و اجله بلد که اسامی ایشان بدین موجب است از تشریف وجود مبارک را در مسجد پذیره گشتند جناب ملا صادق حاجی ملا ابوالقاسم امام جمعه میرزا ابوالقاسم قاضی ملا هاشم صدر حاجی ملا حسین شمس العلماء شیخ عبدالغفور ملا روح الامین شیخ الاسلام ملا عبدالحسین ملا محمد رضا ملا موسی ملا محمد باقر ملا آقا بابای خطیب ملا غلامرضای پیشنماز آقا سید اسمعیل محض الله حاجی ملا محمد تقی واعظ آقا سید اسمعیل پیشنماز سرکار اقدس شهریاری بعد از اظهار ملاطفت و مهربانی بسیار بعلماء و حکم بتعمیر مسجد و مراقبت در عمل موقوفات آن و محافظت درختان

آورس و چنار قوی الجثه کهن که علامت قدمت مسجد است بیازار شهر تشریف
آورده از چهارسوق و بعضی محلات بخارج قلعه گذشته و بقصد تفرج قریه
قوشنجان که قصبهٔ معموره و در نهایت خوش هوا و باصفاست توجه فرمودند
بعد از طی یکفرسنگ و نیم بقصبهٔ مزبوره وارد شده مسجد رعیتی آن قریه که
از بناهای مرحوم حسنعلی میرزاست و خیابانها و درختان چنار بسیار کهن
و باغات و اشجار و انهار قریه بنظر مبارک رسیده و از آنجا گذشته در قرا
یوچ آباد و حصار که هوای آنها در نهایت ییلاقیت وارد عبور فرموده
دره که مشتمل بر رود آب و چشمه سارهای جاری و درختان و باغات بود
پیاده شدند و اندکی از میوه جات آن باغات خاصه گیلاس و گوجه و غیره
که کمال امتیاز را داشت تناول فرموده نزاهت و بداعت و صفا و هوای
دره زیاده از حد وصف در نظر انور جلوه گر آمده هنگام عصر در آن جایگاه
بماندند شکارچیان خراسانی یکراس میش کوهی صید کرده بحضور آورده
مورد انعام و احسان گشته معروض داشتند که در قلل این جبال شکار قوچ و میش
بسیار است ولیکن سرکار شاهنشاه بواسطهٔ بعد راه میل بصید افکنی نفرمودند

و محقق را مقرر داشتند که بخواندن کتاب روضة الصفا و ذکر احوالات امام

ثامن ضامن علیه السلام خاطر مبارک را مشغول دارد بالجمله از آثار سلف درین

دره سدی است غریب که از آهک و ریگ ساخته شده عرضا قریب شش ذرع

و ارتفاعا تخمینا پنجاه ذرع و ازین سد چیزیکه باقی است دو سمت رودخانه است

که ارتفاع و حد سد را مینماید و پارچه عظیم است که از سد در میانه رودخانه افتاده

و معلوم میکند که بنای سد چه قدر سخت و محکم بوده از اینجا آشکار امیکرد

که ابنیه محکمه که امروز در فرنگستان با ریگ و آهک میسازند و سختی آنها مثل

سنگ صلب است در سوابق ایام نیز در مملکت ایران شایع بوده و بمرور دهور

متروک گشته است خلاصه سه ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی باسب

کهر احمد خانی سوار شده بطرف منزل عطف عنان فرمودند درین راه شخصی

قوی جثه و سیاه چرده دسته علفی در دست گرفته بی محابا و متهورانه بطرف شاهنشاه

دویدن گرفت هر قدر فراشان و سواران خواستند او را ازین حرکت منع کنند

یا سبب دویدن را معلوم سازند بهیچ قسم حرفی نمیگفت و برین جسارت میفزود

تا عاقبت دستگیرش نمودند ولی چون مقصود و منظورش معلوم نگشت مقرر

عطوفت و رافت خسروانه رهائی حاصل نمود قریب بقریهٔ حصار میرزا ابو القاسم
قاضی که همه جا در رکاب بود بعرض حضور مبارک رسانید که در جنب این قریه
درهٔ و مغارهٔ و چشمهٔ آبی است که بنا بر معروف مکان معبد ابراهیم ادهم
علیه الرحمه و قابل دیدن است خاطر همایونی مایل بتفرج آنمکان شد ولی چون
وقت کافی و مقتضی نبود ازین خیال منصرف گشته هنگام غروب از جنب
شهر گذشته بمنزل شرف نزول ارزانی داشتند

نیشابور یکی از شهرهای بسیار قدیم ایران است که قبل از بعثت حضرت رسالت
پناهی صلوات الله و سلامه علیه معمور و دایر بوده و بنا بر معروف از ابنیهٔ شاپور است
و در آبادی این شهر و نواحی آن اغراقها گفته‌اند و میگویند از جمله آنکه دوازده هزار
قنات رو بقبله داشته هرگاه دوازده هزار اغراق باشد البته دو سه هزار را
نمیتوان انکار کرد زیرا که آثار اکثر آنها هنوز باقی است و در تعریف آن همین قدر
کافی که مکرر او را ویران و اهالیش را پراکنده ساخته‌اند و مجدداً در قلیل زمانی آباد
و معمور و پر جمعیت شده و نیز یکی از صفات اوست که همواره مولد و موطن و
موقف حکما و ادبا و عرفا بوده و خاکش تربیت ارباب ذوق و محبت نموده امروز

اگرچه ما بتحقیق نرسیدیم ولی تقریباً و تخمیناً جمعیت او را زیاده از دوازده هزار
خانوار ندیدیم که در چهار محله آباد موسوم به سعید شاه و خواجه روشنائی
و سرسنگ و محلهٔ علیا مسکونند مخلوق این بلد را مدنیت زیاده
از اهالی شهرهائی است که درین راه مشاهده شد و از جملهٔ آثار آن چادرهای نسوان است
که در شهرهای گذشته همه جا بطور دهاتیان چادر شبهای ریسمانی و اکثر
ایشان بی روی بند و حال اینکه زنهای نیشابور همه چون زنهای شهرهای
بزرگ چادر نیلی و روبند و چاقچور دارند و همچنین بازار و کاروانسرا و دکاکین
و حمام و چهارسوق آن مشابه شهرهای بزرگ و آباد و از هر نحو اقمشه و امتعه دارد
مخلوق این بلد اکثر عجزه و صاحب امراض مزمنه اند و بر حسب هیئات و هیکل صباحت
و وجاهتی ندارند نیشابور را باغات بسیار است که در هر یک برجی چهار
مرتبه ساخته اند که در حقیقت مسکن صاحب باغ است در سمت شرقی شهر
کاروانسرائیست عالی که اصل آن از ابنیهٔ سلف است و حاجی قاسم تاجر اساس
او را لباس نوی پوشانیده چنانکه گویا جدید البنیان است و آب انبار بزرگی
در حوالی آن است که تجار بلد احداث نموده اند در حوالی شهر مقبرهٔ امامزاده محمد

محروق ولاد حضرت علی بن الحسین صلوات الله وسلامه علیه و امامزاده ابراهیم اولاد حضرت امام موسی کاظم صلوات الله وسلامه علیه ومقبره عمر خیام وشیخ فریدالدین محمد عطار است وهر یک در طرفی واقع وبقعه وعلامتی رفیع دارند ووجه تسمیه محمد محروق آنست که آنحضرت را مخالفین دین مبین زنده سوزاندند وشهید کردند ٤ در مقبره مرحوم شیخ سنک سیاهی است محکوک که از قرار مشهور هفت ذرع طول آنست ولی زیاده از یکذرع ونیم آن از خاک بیرون نیست یکی از امرا که در حفظ ظاهر شرع جدی داشت وقتی بمقبره مرحوم شیخ آمد نزدیکان او شیخ را بصوفیت عیب شمردند امیر را غضب مستولی شده بضرب کلوله تفنک کوشه از آن سنک را بشکست در جبال نیشابور ریواس بسیار است وریوندی که از ریشه آن حاصل میشود کاه میتواند که با ریوند چینی مقابلی کند ونیز درین کوهها کل کورو سایر کلهای معطر بسیار است

روز سه شنبه هشتم صفر تشریف فرمائی اردوی همایون رفیع از نیشابور بقدمکاه

شاهنشاه جمجاه بهنکام صبح که خورشید تابان بایوان سپهر خرامان شد از باغ الهویردیخان به بیرون خرامیده واز اشعهٔ نور جمال عدیم المثال پرتو افکن بساحت

جهان و دیده ناظران گردیدند و ایلخانی شادلو و زعفرانلو چنانکه ذکر یافت
با سواران خویش موکب مسعود را استقبال نمودند و تا نیشابور ملتزم رکاب
بودند تدارک و تهیه اردوی کیوان پوی را از خاکپای همایون رخصت انصراف
و انعطاف یافته بمقر حکومت و اوطان خویش عود دادند و سرکار شاهنشاهی
امین الدوله و اعتماد السلطنه را در جنب کالسکه احضار فرموده و بفرمایشات
ملوکانه قرین افتخار و اعزاز ساخته و از جنب خندق شهر عبور نموده راه مشرق را
پیش گرفته شدند و در قریهٔ پوژمهران که آب روان و خضرت مکان داشت امر
بحاضر ساختن نهار و افراختن آفتاب گردان فرمودند ملتزمین حضور مهر ظهور
چون اعتضاد الدوله و امین الملک و امین خلوت و حکیمباشی طهران و اجودان
مخصوص و دیگران خاطر مبارک را در حین نهار بلطایف صحبت و ظرایف
حکمت مشغول داشتند تا آنکه حضرت شاهنشاه دوباره بکالسکه رجوع فرموده
و پنجساعت بغروب مانده قدمگاه را بقدوم مبارک تاج افتخار تبارک نهادند
محقق و این بندهٔ درگاه مشغول خواندن کتاب روزنامهٔ همایونی شدیم
و از آنجا که هوا و صفای اینمکان مطبوع خاطر مهر نشان گشت بزرگان اردو را

مقرر داشته که سه روز در آن سامان اطراق کنند

از نیشابور بقدمگاه بخفر سنگ و راه مسطح و مشرقی و معمور است و قرا، واقعه

در یمین و یسار جاده از اینقرار است سمت راست جاده **ده شیخ لکزیه**

و وجه تسمیهٔ این قریهٔ معموره بدین اسم بدان سبب است که در زمان سلف

چند خانوار از طایفهٔ لکزیهٔ قفقاز کوچ داده و در آن مسکن متوطن ساخته اند

شاه آباد ایضا **سعد آباد** ملکی ملاموسی **ابوسعدی**

ایضا **عشرت آباد** ملکی شمس العلما، **عباس آباد** ازدوقش

که محل سکنای ایروانیهای نادری است **برج دولت آباد**

ملکی محمدولیخان سردار **معموری خالصهٔ دیوان اعلی**

سمت چپ جاده **تقی آباد** ایروانیها **خسرو** ملکی مصطفی قلیخان

خروشید علیخان **آدک دشت پوژمهران**

پیش فروش محمدولیخان سردار **قدمگاه** در دامنهٔ

کوهی واقع است که از نیشابور امتداد دارد الی مشهد مقدس اصل قدمگاه

عبارت از بقعهٔ کوچکی است از ابنیهٔ سلاطین صفویه رحمة الله علیهم که گنبدی

عالی دارد

عالی دارد و تمام آنرا با کاشی معرق بسیار اعلی زینت داده اند در دیوار
این بقعه تخته سنگ سیاهی نصب نموده اند که بر آن نقش پای جای گرفته است
و مردم آنرا جای پای مبارک حضرت امیر مؤمنان علیه السلام یا حضرت
رضوی صلوات الله علیه میدانند و از اطراف بزیارت آن مقام مبارک آمده
تحصیل سعادت مینمایند و در سمت شرقی این بقعه چشمه ایست که آبی سلسبیل
که از قرار مشهور بحضرت امام ثامن صلوات الله و سلامه علیه منسوبست و بنا
بر معروف از زمین دست معجز اثر آنحضرت جاری شده است و عابرین
و زوار و قوافل از آب آن استشفا حاصل می کنند و در منبع و مخرج چشمه
چهار صفه مسقف بنا کرده اند که دو سه پله پائین میروند و در آنجا حوض کوچکی است
که آبی در نهایت صاف و گوارا از جنب آن بیرون آمده داخل حوض گشته
و از آنجا بباغ و صحرا میرود باغ قدمگاه متصل ببقعه و گنبد است باغی است
وسیع مشتمل بر مراتب چند و حوضها و جداول و آبشارها که تمام آنرا با آجر و گچ
بنا نموده اند و درختان قوی قدیم کهن خاصه در خیابان مطول خارج باغ
که اگر چه اکثر اشجار آنرا مرور ایام کنده و بریده اند ولی هنوز بعضی از درختان

کاج او باقی است که زیاده از پنج ذرع و شش ذرع قطر دارد و از ازمنهٔ قدیمه
خبر میدهد و چون درین آثار بزرگ از گنبد و باغ و خیابان خرابی بسیار راه
یافته بود سرکار همایون شاهنشاهی تاکیدات بلیغ در تعمیر آن فرموده مقرر داشتند
که بزودی تمام آنرا تعمیر کنند در پایین باغ و اول خیابان کاروانسرای
بزرگ عالی از بناهای صفویه باقی و دایر است و در مقابل آن در عصر شاهنشاه
جمجاه چاپارخانه بنا کرده اند که عمارت فوقانی مختصر باروحی دارد قصبهٔ
قدمگاه بالای تپه واقع است و قریب پنجاه خانوار رعیت دارد که اکثر آن
سادات هستند از قدمگاه بشهر مشهد مقدس دو راه است یکی راه دررود
که از میان درهٔ دررود و گلستان و ترقبه میرود و راه ییلاق و سایه واقع است
ولی عبور کالسکه و عراده و تخت بواسطه گردنه و پست و بلندیهائی که در او است
امکان ندارد دیگری راه معمول طرق و دیزآباد است که ابعد و گرمسیر است
ولی چون راه آنرا ساخته اند و خاصه امسال سپهسالار اعظم تعمیر نموده کالسکه
و عراده میتواند از او عبور نماید و معبر دائمی قوافل و زوار است

روز چهارشنبه نهم شهر صفر توقف اردوی پادشاهی در قدمگاه

شاهنشاه گیتی پناه خلد الله ملکه و دولته درین روز هنگام صبح بمقصد تفرج و
سیاحت دره دررود توجه فرمودند اعتضاد الدوله و دبیر الممالک و امین الملک
و امین خلوت و میرزا نصر الله مستوفی و میرزا علی خان منشی خاصهٔ حضور
و حاجی محمد حسن خان و علی خان کرجی پیشخدمت ملتزم رکاب نصرت انتساب
شدند در اول دره دررود که حضرت شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب سوار
شدند محمد طاهر خان دررودی که از جملهٔ نجبا و صاحبان قریه دررود و شخصی با ثروت
و مکنت است با تمام رعایا بخاکپای مبارک مشرف آمده از زیارت رکاب
میمنت انتساب مفتخر و مباهی گشت از میان دره دررود رودخانه جاریست
که زیاده از هفت سنگ آب دارد سرکار همایونی از رشته رود در محل عبور قرار داده
ببالا روان شدند و بعد از طی اندک مسافتی فضائی با صفا و خضرت بی انتها
بنظر مبارک جلوه گر آمده بجهة میل نهار نزول اجلال فرمودند و اعتضاد الدوله
و دبیر الممالک و امین الملک و میرزا نصر الله مستوفی و میرزا مسیح وزیر مازندران
بجهة اتمام محاسبهٔ آن مملکت بحضور مبارک احضار شده میرزا نصر الله کتابچهٔ
حساب را از لحاظ انور گذرانیده و سایرین نیز اطلاعات خود را در آن باب معروض داشتند

تا حساب جرح و تعدیل یافته و کتابچه بصحه مبارک مزین آمد بعد از اتمام حساب وزرا مرخص شدند و حضرت شاهنشاه رو ببالای دره تشریف فرما شدند تا دو فرسنگ همه جا از کنار رود و زیر درختان بید و فواکه رفته تا محلی که راه منشعب بدو شعبه میگردد یکی بجاقرق و شهر میرود و دیگری بدره که در سمت شمال واقع است و از آن نیز رود آبی جریان دارد اعلیحضرت همایونی از این دره اخیر گاه سواره و گاه پیاده صعود فرمودند تا بید ستانهای دره تمام شد و از دو سه درخت آورس بزرگ پدیدار گشت حضرت ظل اللهی در سایه آنها فرود آمده براحت مشغول شدند حبیب الله خان برادر میرشکار معروض داشت که در قله کوه مقابل شکار بسیار ملحوظ افتاده است حضرت شاهنشاه دوربین خواسته دوازده قوچ و میش منظور نظر مبارک گشت و چون راه دور و سخت و صعب بود خود از شکار فرمودن صرف نظر فرموده و حبیب الله خان را امر فرمودند که هر گاه بتوانند با شکارچیان بالا رفته شکاری بیفکنند پس از رفتن آنها چهار ساعت امتداد یافت که آواز تفنگی برخواست و حبیب الله خان لنگ لنگان مراجعت نموده و معلوم شد که بواسطه صعوبت راه نتوانسته اند نزدیک شوند همین قدر از دور تیری انداخته

و قوچها از صدای تفنگ وحشت کرده و از کوه سرازیر شده و از رودخانه گذشته
بکوه مغربی دره بدر رفتند بالاخره سرکار پادشاهی از خواب برخواسته تا سه ساعت
بغروب مانده تشریف فرمای اردوی کیوان پوی گردیدند ولدی الورود بزیارت
قدمگاه مبارک اقدام نموده بحرمخانهٔ مبارکه رفتند شب را چون در بالای تپه
آتشبازی زیاد چیده بودند بعد از شام بیرون آمده ساعتی بتماشای آتشبازی
و ملاحظهٔ عرایض صندوق عدالت و صدور احکام مشغول گشتند سپهسالار
اعظم امشب مرخص شده بشهر رفت و محمد رحیم خان سرتیپ نیز بملازمت حضرت
ایشان گشت

پنجشنبه دهم صفر المظفر و سوم توقف اردوی همایونی در قدمگاه

از آنجا که دره دررود در روز قبل بالتمام ملحوظ و مشهود نظر انور نگشته و زیارت
گنبد منور مطهر از دور منظور خاطر همایون بود امروز نیز در اول صبح اختیار
سواری فرمودند دو ساعت از روز برآمده اعتضاد الدوله و ملک منصور میرزا
و تیمور میرزا و امین خلوت و سایر مقربان خاص و غلامان و شکارچیان در رکاب
مبارک ملتزم گشتند بسمت دررود تشریف فرما شدند و چون بدو آب رسیدند

دره سمت چپ را که دیروز مسیر موکب سعادت قرین بود از پی گذاشته
و از دره دیگر که راه مشهد مقدس است پی سپر گشتند تا بپای کوه رسیدند و از گردنه
ببالا رفته در قله کوه خارج از جاده نزول اجلال فرمودند و از مقصود کلی که
زیارت گنبد مطهر بود فیض یاب گشته و شکر این نعمت در حضرت خداوندی
بجای آورده در کمال فرح و سرور با وجد و شعف موفور بصرف نهار
مشغول گشته و مصطفی قلیخان امیرشکار مامور بیافتن شکار شد خود سرکار
پادشاهی نیز پس از اندک زمانی با معدود قلیلی از تفنگداران خاصه چون آقا
کشی خان و قهرمان خان وغیره بسمتی که میرشکار رفته بود توجه فرمودند و چون
نزدیک شدند مصطفی قلیخان باشاره از یافتن یکدسته قوچ و میش بشارت داد
ولی این جانوران وحشی محض فراست فطری که مخصوص بدانها است بمحض آنکه
شمیم نسیم اجل بمشام ایشان رسید باصطلاح اهل شکار باد برداشته و از چراگاه
خویش با سرعتی از اندازه بیش فرار اختیار کردند با اینحال مجال نیافته دو تای
ایشان در دست نبی بیک و سایر شکارچیان که در دامنه کوه بودند گرفتار گشتند
و بره قوچ دیگر بدست قراچادر نشینان بالای کوه دستگیر آمده هر سه را بحضور مبارک

آورده انعام شایان گرفتند و سرکار پادشاهی همه جا از سر کوه تفرج کنان
مراجعت فرموده مجدداً داخل دره شدند در آنسمت دره چوپانان در رودی
که ذکور او اناثاً هر یک سبدی و ظرفی از میوه‌های ممتاز دره و ماست و کشک چوپانی
در دست گرفته در معبر همایونی ایستاده بودند از زیارت نعل سمند خسروانی
بهره‌مند گشته و دعای وجود مبارک گفتند شاهنشاه گیتی پناه بحسن خلق و رعیت
پروری که مخصوص وجود مبارک است با هر یک اظهار مرحمت فرموده و ایشانرا
انعام بسیار دادند و در چمن زاریکه نزدیک در رود بود فرود آمده نماز بگذاردند
و اندکی میوه جات میل فرموده بکالسکه نشسته نیمساعت بغروب مانده بمنزل
مراجعت فرمودند ولی بیک شکارچی که آهوئی صید نموده بحضور آورده
معروض داشت که در قله حقیقی این کوه شکار بسیار است ولی بواسطه سختی کوه
وصول بدیشان در نهایت دشوار مینماید شب بعد از شام قورق بیگست و
اجودانباشی و حاجب الدوله بحضور مبارک احضار گشته و در نظم و تنسیق اردو
تاکیدات بلیغه و فرمایشات حسنه بدیشان مقرر گشت تا اگر کسی با کسی نزاع کند
و فحش و جوئی نماید یا بوقت آتش بازی با تفنگ بیرون کند فوراً مودّب نشده

وشپش آرند و در نهایت سیاست و تادیبش کنند

گردنه در رود شباهت کلی بگردنه و کوه البرز دارد و کوههای آن بمانند کوههای شکراب البرز است و حتی گل و گیاهی که در آن نشو و نما یافته چون گلها و نباتات آن کوه عظیم است در اشهای این گردنه که بسمت جاقرغ سراشیب میشود جلگه شهر مشهد و خود شهر و آبادیهای گلستان و جاقرغ و شاندیز حتی جبال کلات آشکار و هویداست و در آن سمت گردنه کاروانسرای سنگی کوچکی است که اطراف و نواحی آن در کمال خضارت و نزاهت و بداعت است الحق در ایام تابستان عبور از این راه بمراتب براه شریف آباد ترجیح دارد

روز جمعه یازدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب نصرت اثر شاهنشاهی بمنزل دیزآباد

درین روز هنگام صبح برسم معهود صلای کوچ دادند و موکب مسعود مستعد حرکت شد وزرای ملتزم رکاب و عساکر نصرت مآب در مقابل دیوانخانه همایونی صف زده بایستادند تا اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف آورده بکالسکه مبارکه نشستند و امواج افواج سواره و پیاده روی براه نهادند امین الدوله و ظهیرالدوله

دوبیر الملک در کنار کالسکه مبارک که مخاطب بفرمایشات علیه شدند تا سه فرسنگ از راه
طی شد و نهر آبی صاف و گوارا پدید گشت که از سمت مشرق جریان داشت
اعلیحضرت شاهنشاه را کنار نهر آب مطبوع طبع مبارک گشته از کالسکه مبارکه
بزیر آمده بر اسب نشسته شده و بمسافتی خارج جاده از برای صرف نهار فرود آمدند
و چون از صرف غذا فراغت حاصل شد مجددا بکالسکه رجوع فرمودند و از گردنه
و تپه ماهور راه عبور فرموده بجلگه رسیده پنج ساعت بغروب مانده بمنزل شرف
ورود دارزانی داشته شد شب بعد از شام باحضار اعضاد الدوله و دبیر الملک
اشارت رفت جنابان معظم الیهما بخاکپای همایون مشرف شده و تا پنج از شب
رفته خلاصه عرایض میرزا مسیح وزیر مازندرانرا از لحاظ نظر انور همایون گذرانده
احکامات لازمه در آنباب شرف صدور یافت و چون سمت چپ پهلوی
مبارک را اندک دردی عارض شده بود این بنده باشاره حکیمباشی طلا
بادهان مرحنیه اندک تدهین نموده و شاهنشاه بآرامگاه خرامیدند هوای امروز
چون خالی از حدت حرارت نبود فی الجمله اسباب زحمت و کسالت وجود
مبارک شده بود و بحمد الله تعالی درین شب بصحت و راحت مبدل گشت

محمد حسن خان تفنگدار خاصه پدر محمد علیخان پیشخدمت خاصه که در قدمگاه
به تب مطبقه مبتلا شده بود بر حسب امر همایون او را بر تخت نشانده بدین منزل
کوچ داده و با طبای ملتزم رکاب امر شد که مساعی جمیله و اهتمام کامل
در علاج او مرعی دارند حاجی سلیمان خان حاکم که بمحاسن خدمتگذاری
خاطر خطیر همایونی را قرین مسرت داشته بود درین منزل که آخر خاک نیشابور بود
بشمول عواطف ملوکانه و اعطای یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار ممتاز
قرین مباهات و امتیاز آمد

از قدمگاه الی دیزآباد چهار فرسنک است و راه جنوب مایل بمشرق کوه در رود
و قدمگاه تا مسافتی از سمت شرقی همراهی دارد و پس از آن تمام راه جلگه میشود
و در او کوه و کتلی نیست و چون از خط مستقیم خارج و بسمت تربت واقع است
از راه در رود بفرسنکها دورتر است آب رودخانه که این منزل با آن
مشروب است اول آبی است که بحسب سبکی و سلامت و خوشی و عذوبت
در تمامی مملکت خراسان اشتهار یافته در مجاری این آب گاه گاه سنگ
یاقوت یافته اند ولی سنگ درشت مرغوب پیدا نکرده اند و محتمل است که هر گاه

ابتدای این محل

ابتدای این معدن را بیابند از این سنگ منافع زیاد توانند حاصل نمود
دهات واقعه بسمت راست بدینموجب است دولت آباد اسحق آباد
حسین آباد کلاته دوشیر جهان آباد فخرآباد
احمدآباد دیزاباد سفلی این قراء تمام آباد و معمور و جزء
نیشابور بوده و درین قریه اخیر چمن زار و مرتعی نیکو است و نیز درین سمت
غربی مایل بجنوب سه قریه از محال تربت بمسافت سه چهار فرسنگ نمایانست
که عبارت از برس و بلوهر و کذکن باشد دهات واقعه در سمت
چپ راه ازین قرار است تخت و ربقیشن سوشان
دامن کرمین گردنه چناران دیزآباد علیا

دوازدهم شهر صفر تشریف فرمائی اردوی همایون بشریف آباد

درین روز دو ساعت از طلوع آفتاب برآمده کوکبهٔ اجلال الغر ایزد متعال
با شوکت و اقبال تمام بسمت شریف آباد پی سپر شد امین الدوله
حاجی سلیمانخان قاجار در اول سواری مورد فرمایشات و اوامر ملوکانه

بودند تا قریهٔ فخرداود که منزلگاه زوار و قوافل است یکفرسنگ و نیم
از این قریه گذشته در دامنهٔ کوه در رود که بسمت شمال جاده بود جلگهٔ نیکو منظور نظر
مبارک گشته باسب سمند ترکمانی عظیم الجثه پیشکشی سپهسالار که یکی از اسبهای
ممتاز بی مانند است سوار شده ساعتی با آیین خلوت ببازی نیزه و تاختن
اسب مشغول گشتند سواران و پردلان ازین جلدی و چابکی و قوت و قدرت
و مهارت حضرت شاهنشاهی در حیرت و تعجب مانده بترانهٔ توصیف و تعریف
و دعای ذات والاصفات همایونی مترنم گشتند و شاهنشاه عالم پناه
در سمت شمال در درهٔ پیوه ژن در کنار رقات و بیدستانی که در نهایت
با روح و صفا بود بنهار فرود آمدند مهدیقلی خان غلام بچه باشی بره آهوئی
صید کرده بحضور معدلت دستور آورده و بانعام ملوکانه کامیاب گردید
و اعلیحضرت پادشاهی از راه پیوه ژن عازم منزل شدند چون از کتل پیوه ژن
گذشتیم در پای کتل ایلات تیموری مشهد که در پای کتل مسکن دارند برسم الیّت
دعای وجود مبارک گفته و ظروف دوغ و کره تقدیم کردند سرکار همایونی
محض رعیت پروری جرعهٔ تناول فرموده و باحاد و افراد ایشان بذل

انعام واحسان نمودند و با حاجب الدوله و امین خلوت صحبت کنان از کنار
قریه ده سرخ گذشته دو ساعت و نیم بغروب مانده بشریف آباد که مخیم خیام
همایونی بود تشریف ورود ارزانی داشتند درینوقت چاپار دار الخلافه در رسیده
عرایض وزیر مالیه اعظم و سایر وزراء و امیر آخور را بعرض پیشگاه حضور باهر النور
تبلیغ نمود از جمله وقایعی که امیر آخور بعرض حضور مبارک رسانده بود آن بود
که در چهارم صفر که اول تابستان بود برفی شدید آمده و تا قریه دربند شمیران را
فرا گرفته و نیز تگرگی موفور و درشت در دار الخلافه آمده و باغلب زراعات خسارت
کلی وارد آورده و این معنی مایه تعجب شد چه تاکنون رسم نبود که درین فصل برفی
شدید ببارد بالاخره حضرت شاهنشاهی بعضی از عرایض را جواب مرحمت فرمودند
و چون وقت کافی نبود صدور جواب بقیه را بروز آینده گذاشته بحرمخانه
مبارک تشریف بردند شب بعد از شام قورق بگشت خواص چاکران بدربار
معدلت بنیان آمدند و در تپه مقابل باغ سرکاری آقا یوسف نایب سرایدار
و دیگران باتشبازی ایرانی و فرنگی مشغول شدند پنج از شب رفته شاهنشاه
جمجاه بآرامگاه تشریف بردند

از دیرآباد الی شریف آباد چهار فرسنگ راه مایل بمشرق شمالی است
یکفرسنگ و نیم که از شریف آباد میگذرد قلعهٔ فخرداود است و او قلعه ایست
محکم که قریب صد خانوار رعیت دارد و در کنار قلعه کاروانسرائی است از ابنیهٔ
سلف که زوار و قوافل از قدمگاه بدانجا آیند و شب را توقف نمایند اهالی این قلعه
اناثاً و ذکوراً بدیع الجمال و خوش اندام و زراعت ایشان اغلب دیمی
و محتاج باب نیست

قصبهٔ بیوه ژن در میان درهٔ طولانی پرآب و اشجار واقع است و قریب
پانصد خانوار رعیت دارد و متعلق است بحاجی مصطفی قلی بیک دربان باشی حضرت
فیض آثار رواورا مسجدی است که با چوب و سنگ ساخته شده از رودخانه بارتفاع
پانزده ذرع واقع و از دو سمت آن دو چشمه جاری است از سقف بنیان تا ساق
بنیاد آن بشاخهای سبز و نباتات الوان طراحی شده بجز ایوان و مقصوره
از خاک و سنگ جائی نمودار نیست بی شک اگر ملحد عنود و مشرک جهود درا
این خانه مشهود شدی بمجرد عیان بی حاجت حجت و بیان اسرار وحدت و
آثار قدرت را مبرهن و مسجل دیدی   یکفرسنگ از بیوه ژن گذشته دهی است

موسوم بده سرخ که در روی تپه واقع و خانهای دهقانی او را دو مرتبه و سه مرتبه
بروی یکدیگر ساخته اند بنحویکه از دور کمال شکوه و نمایندگی دارد و در دامنه این
قریه چمن و بیدستان و اصطرخ آبی در نهایت باصفا و روح است این قریه
نیز متعلق بدربان باشی است

قریه شریف آباد از دهات آباد معتبر است و او را قلعه و کاروانسرای سر پوشیده ایست
که اسحق خان قرائی ساخته و قریه را وقف تعمیر کاروانسرا نموده است شریف آباد را
باغات متعدده و یک قنات آبست که زیاده از یک سنگ آب دارد

یکشنبه سیزدهم شهر صفر تشریف فرمائی موکب مظفر بطرق

درین روز هنگام صبح چون خسرو خاوری باستقبال موکب منصور خسروانی
روی زمین را از اشعه نور جمال خویش بیاراست شاهنشاه ایران پناه از تکیه گاه
سلطنت به بیرون توجه نموده و بر اسب عربی تیمور میرزائی طلوع اجلال فرموده
با مخصوصان درگاه و ملتزمین رکاب جهان پناه از هر مقوله فرمایشات ملوکانه
و صحبت شاهنشاهانه درمیان آورده بتخصیص امین الدوله و اعتضاد الدوله و برادر امین الملک
و امین الملک را قرین افتخار فرمودند و از آنجا که راه امروز با وجود تعمیر زیاد

سپهسالار راهی سخت و پرسنگ و باپست و بلندی بسیار بود و عبور
کالسکه و تخت اشکال داشت خواجه سرایان امر و مقرر شد که خادمان
حرم جلالت را سواره عبور دهند و کالسکه و تختها را با توپخانه مبارکه از راه
زیردست شریف آباد که قدری طولانی و لی مسطح تر است حمل نمایند و ذات
والا صفات همایونی خود نیز از کالسکه باسب رجوع فرموده و از راه شریف
آباد تشریف فرما شدند دو فرسنگ گذشته رباط خرابه موسوم برباط
کُلُمبه در کنار راه نمایان گشت که در حوالی آن دو سه نهر جاری و چمنی سبز و نیکو
بود چون این مکان قابل تعمیر بنظر آمد از جانب سنی الجوانب امر بعمارت و
تجدید آبادی رباط مزبور شرف صدور یافت اندکی فاصله از این چمن زار
چادرهای نهارگاه حرم واقع شده بود حضرت شاهنشاهی از اینجا نیز نزول
فرموده در صحرا بجهة صرف نهار فرود آمدند و چون هوا فی الجمله حرارت
و سُخُونَت داشت اندک زمانی مکث فرموده و براه عود فرمودند در بین راه
بعضی از طلاب و شیوخ دهقانان چنانکه رسم اهالی خراسان است در هر چند
قدم فاصله این سمت و آن سمت جاده چوبی برپا کرده و ریسمانی بر آنها کشیده

کلام بر

کلام الله مجید را از وسط آن آویخته بودند شاهنشاه اسلامیان پناه همه جا
با نیت خالص و قصد صافی از زیر قرآن عبور فرموده و متصدیان این امر خیر را
جزای جزیل عنایت فرمودند تا به تپه سلام رسیدیم و گنبد منور مبارک شاهنشاه
کشور امامت و نتیجه دوحه رسالت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف
التحیة والثنا نمودار گشت و غلغله وجد و سرور در خاطرها افکند حضرت شهریار
والاتبار را بمحض اینکه نظر بگنبد مطهر افتاد فی الحقیقه حالت همایونی دگرگون شده
بی اختیار از اسب بزیر آمده و از دور آن مرقد پر نور را زیارت فرموده از شکر
بوصول این نعمت عظمی و حصول این سعادت کبری در حضرت کبریائی ثنا سودند
در اینجا شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله حکمران مملکت خراسان و حاجی بهاء الدوله
و حاجی شریف خان بیگلربیگی و حاجی میرزا محمد رضای مستوفی با سواره
شاهسون افشار و غیره که برسم استقبال و بزیارت رکاب قمر مثال آمده بودند
بحضور مهر ظهور حضرت شاهنشاهی تشرف جسته هر یک بفراخور حال خاصه
شاهنشاهزاده بیهمال بتلطفات و مراحم خدیو بیمثال مفتخر و مستعد آمدند
و هم ملک منصور میرزا که دو روز قبل با سپهسالار اعظم بشهر رفته بود بزیارت

خاکپای همایون مشرف گشته شاهنشاهزاده افخم و سایر همراهیان رخصت انصراف یافته بشهر رفتند تا پذیرائی موکب مسعود را مهیا و آماده شوند سه ساعت بغروب مانده نزول اجلال بطرق شد و حضرت شاهنشاه از رنج راه و حرارت هوا بیاسودند و شب را در کمال صحت و سلامت باستراحت مشغول شدند

از شریف آباد الی طرق چهار فرسنگ است طرق عبارت از قریه معظمی است که متعلق است بحضرت فیض آثار و دراو دو باب کاروانسرای بزرگ است که یکی از آنها رو بانهدام گذاشته و بموجب امر همایون شاهنشاهی مقرر است تا در محل آن رباط سرپوشیده بنا کنند آب طرق آب رودیست و از محال اردمه از جبال شمال مغربی می آید از شریف آباد بطرق در جوانب راه جز قلعهٔ رمضان خان که در سمت چپ است قریه و قصبهٔ ملحوظ نمی باشد

دوشنبه چهاردهم شهر صفر روز ورود شاهنشاه با عدل و جود بمقصد موعود و وصول بمقصود بعون الله الکریم الودود

درین روز که بعون الله تعالی روزی فیروز بود شاهنشاه بیدار بخت هنگام

صبح بحمام تشریف برده سرو اندام مبارک را چون قلب شریف خویش

مصفی و از کدورت هر گرد و غباری معری ساخته دوگانهٔ شکرانهٔ حضرت

یگانه را بجای آورده و رخت تمام مرصع پوشیده بسرا پردهٔ دیوانخانهٔ مبارک که

تشریف فرما گشتند حاجی ملا نصر الله مجتهد که از اجلهٔ علماء مشهد و شخصی با علم

و فضل و زهد و ورع است با جمعی از علماء و اعیان شهر بحضور مبارک شاهنشاهی

مشرف گشته و از جانب خویش و وضیع و شریف مشهد حضرت همایونی را

تهنیت گفته و دعای وجود مبارک بجای آورده معاودت نمودند و شاهنشاه

با فر و جاه بیکساعت بظهر مانده بسمت شهر کوچ دادند یکی از غلامان شاهسون

اینانلو پلنگی عظیم الجثه صید کرده بخاکپای همایون آورد و رشادت و شجاعت

او منظور نظر ملاطفت اثر گشته از انعامی شایان بهره ور و مفتخر گردید

شاهنشاه عالم پناه بکالسکه نشسته و از زمان حرکت موکب مسعود که از اردو

شلیک نمودند نمودند تا ورود شهر علی الاتصال در خارج خیابان توپچیان

بشلیک توپ مشغول گشتند و از طرق تا شهر که یکفرسنگ و نیم است

مستقبلین از سواره و پیاده صف زده بایستادند در ابتدای مستقبلین شاهزاده

اعظم جلال الدوله وهمراهیان ایشان بزیارت رکاب مبارک کامیاب
گردیده و در مقابل عسکریه امام جمعه سپهسالار اعظم باین سعادت مستسعد گشته
ردیف تیپ همایون شد سواره و پیاده شهر بومی و غریب اعلی وادنی
مرد و زن دسته دسته فوج فوج از آن سعادت با نصیب گشته بطوری اصوات
بذکر صلوات بر پیغمبر آخر الزمان و دعای شاهنشاه اسلامیان پناه بلند بود
که تاکنون در هیچ زمان هیچ گوشی نشنیده و هیچ دیده چنین وجد و شوری
در مخلوق ندیده از ابتدای خیابان خارج شهر تا درب دروازه سربازان
ملتزم رکاب از دو سمت ایستاده از دروازه تا درب صحن مقدس افواج
متوقف ارض اقدس حاضر شده بودند در اول دروازه پایین خیابان حضرت
اقدس شهریاری باسب کرنک حسام السلطنه که رخت ویراق تمام الماس
زده بودند سوار شده با شکوه و شوکت مالاکلام بمبارکی واقبال وارد شهر
شدند دکاکین واطراف خیابانرا کسبه واصناف بقدر میسور زینت کرده
و مرد و زن شهری چنان دو سمت خیابانرا فوقانی و تحتانی فرا گرفته بودند
که عبور موکب منصور اشکال کلی داشت ونقاره خانه حضرت فیض آثار

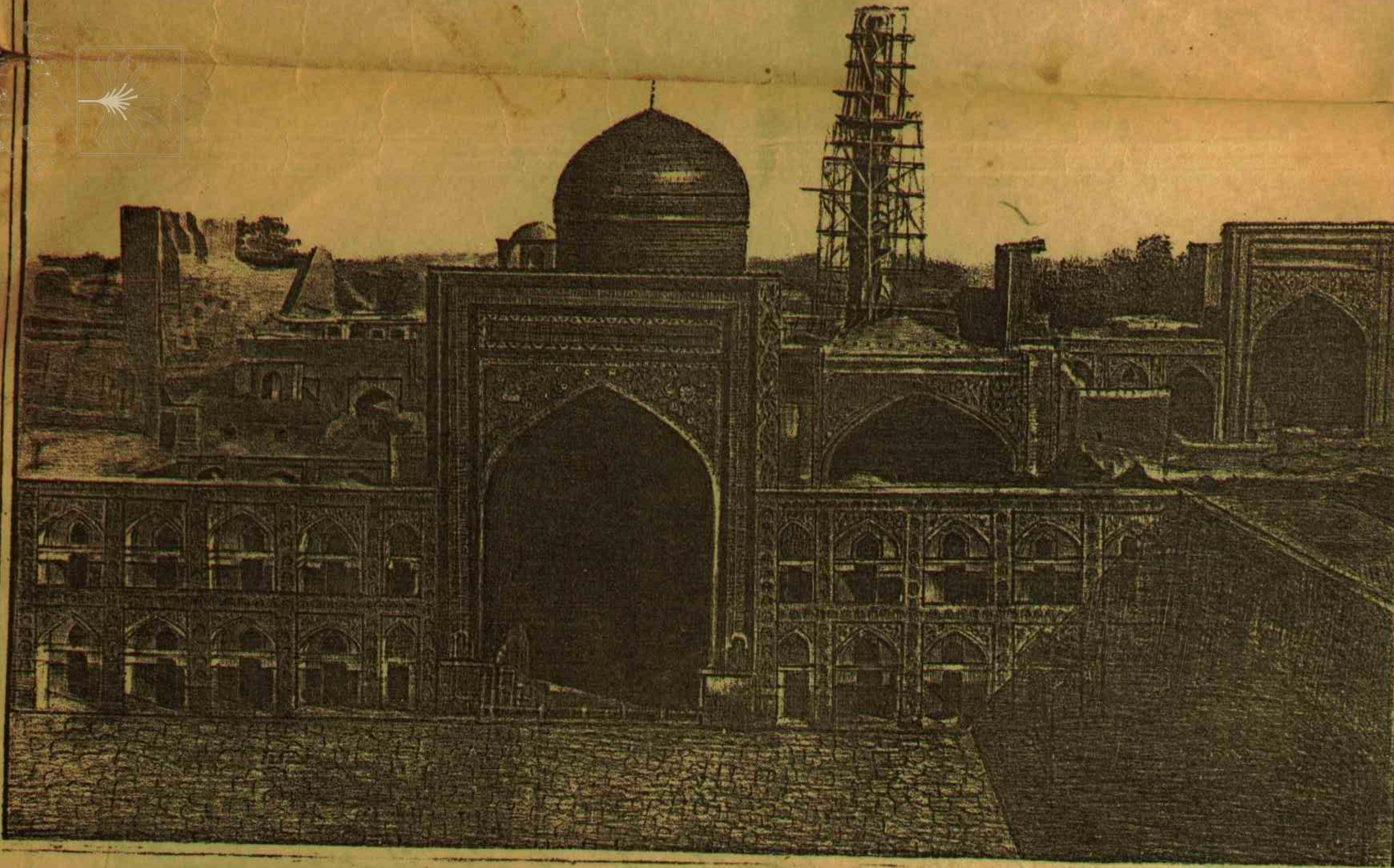
بتشریف مقدم ملوکانه غلغله افکن طارم اعلی بود در خارج بست جناب میرزای
ناظر و تمام عمال و اعیان و خدام حضرت رضوی علیه السلام با علمها و بیدقهای
زرنگار سرکار فیض آثار شاهنشاه را استقبال کرده در کمال آراستگی رسم خدمت
و ادب و دعاگوئی بجای آوردند شاهنشاه نیز در نهایت تعظیم و توقیر از اسب
فرود آمده علمهای مبارک را بوسیده و با صاحبمنصبان دربار حضرت یکان
یکان اظهار ملاطفت و مهربانی کرده وارد صحن مبارک شدند و از آنجا که
احترام خانواده فضل و مکرمت و سلسله علیه عدل و امامت که از لوازم
دین مبین است همواره منظور خاطر مبارک همایون شاهنشاه مسلمین است
محض خلوص نیت و پاس شان و مرتبت حضرت امام علیه السلام در اول
ورود بصحن متبرکه جیقه مکلل بالماس که از اساس سلطنت است از تارک مبارک
برداشته برسم پیشکش در آستان حضرت خلافت تقدیم فرمودند و اکنون
همان جیقه بضریح مطهر منصوبست و خود با کلاه ساده چون سایر زایرین در نهایت
ادب و حرمت و کمال خضوع و خشوع از صحن شریفه گذشته داخل روضه
منوره شدند و چون جبهه مبارک را که تاج تارک آسمان هشتم بود بخاک آستان

این قبله هشتم مشرف ساخته چنان حالت و رقتی بوجود مبارک دست داد
که قلم از تحریر و توصیف آن عاجز است چنانکه خود حضرت شاهنشاهی در روزنامهٔ
مخصوص همایونی که بدستخط شریف مرقوم فرموده میفرمایند

بعد از برداشتن جقه و تقدیم آن داخل صحن
شدیم یعنی داخل بهشت گشتیم از آنجا صحن
بصحن اطاق باطاق تا برواق و روضهٔ مطهره
مشرف شدیم حالتی روی داد که بوصف نمی آید
خداوند انشاء الله نصیب همه مسلمین فرماید

ازین حکایت خسروانه که مخصوص یادداشت خود مرقوم فرموده اند معلوم
میشود که زیارت حضرت امام تا چه اندازه در وجود همایون ظل اللهی تأثیر نمود
بالاخره چون لوازم زیارت و دعا با تمام آمد سرکار شاهنشاه بتفرج مسجد
گوهرشاد تشریف برده و بسر مقبرهٔ مرحوم مغفور ولیعهد مبرور طاب الله
ثراه آمده و فاتحه خوانده از در بالاخیابان بیرون آمده سوار شدند اعیان
و ارکان چاکران درباری پیاده ملازم رکاب حضرت اشتاب شده

از باب نو



از باغات محلهٔ سراب گذشته بمبارکی واقبال بارک همایونی تشریف ورود

ارزانی داشتند حاجی قاسم تاجر طهرانی وحاجی جبار تاجر تبریزی که از اعاظم تجار

متوقف مشهدند با تمام تجار از در ب ارک تا داخل عمارت مخصوص همایونی در معبر

شاهنشاهی زر چپ وراست شالهای کشمیری مشهدی که هر ذبد عای وجود مبارک

اقدام نموده مورد توجهات شاهنشاهانه گشتند وآردوی کیوان پوی در خارج

ارک در کمال نظم وآراستکی متوقف ومسکون گشت وزراء واعیان در داخل

شهر منزل کرفتند وفرخ خان امین الدوله از برای انتساق وانتظام اردو

بموجب امر قدر قدر در بیرون شهر مسکن کزید ذات والا صفات همایونی که

در حوضخانهٔ عمارت استراحت فرموده وتا هنگام غروب مشغول صدور احکام

وجواب عرایض جناب مستوفی الممالک شده وبحرمخانه مبارکه

تشریف فرما گشتند

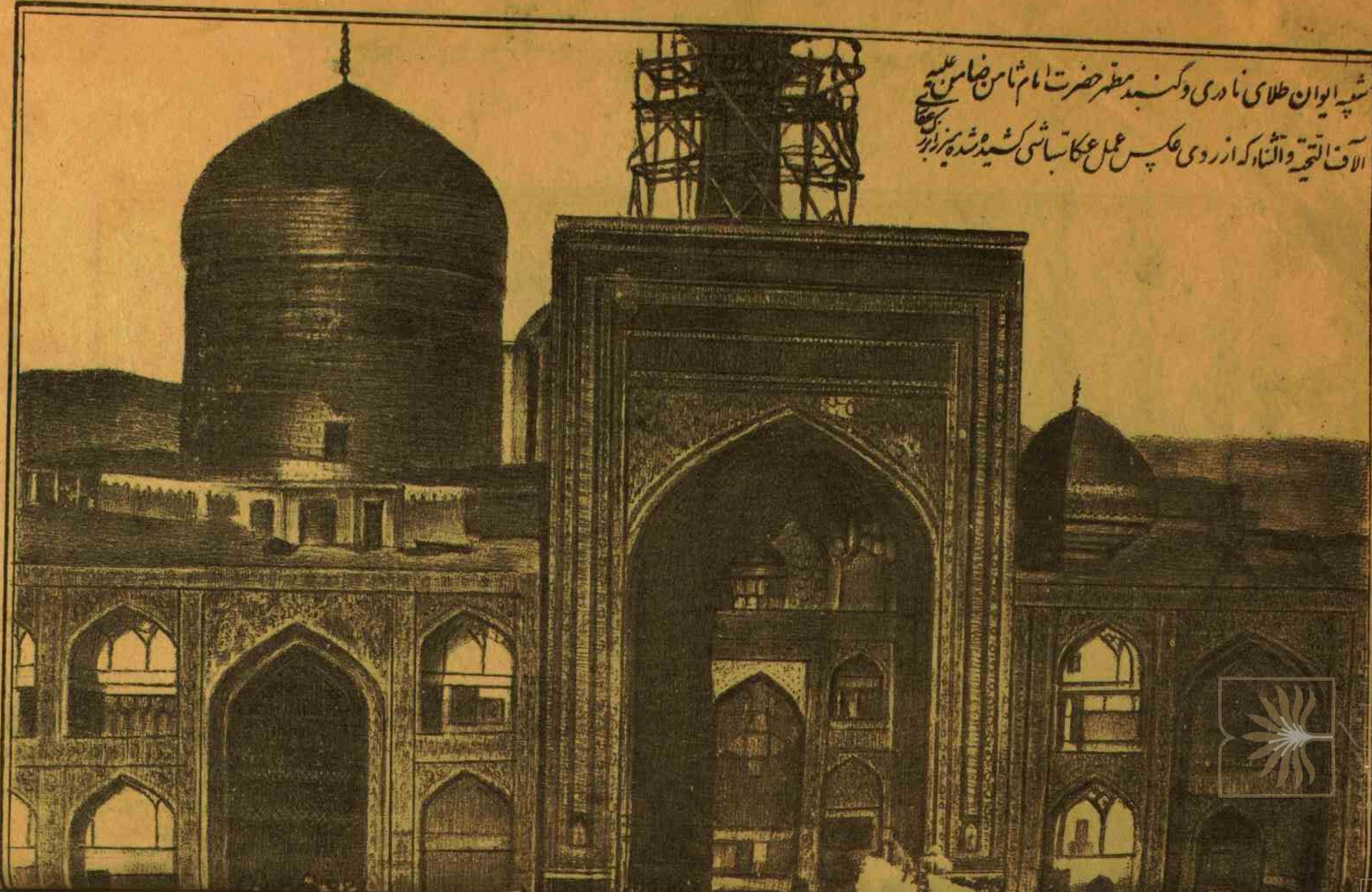
از طرق الی شهر یکفرسنگ ونیم است در اطراف راه از دور قراء ومزارع

متعدده نمایان است ولی در نزدیکی جاده جز عسکریه امام جمعهٔ مرحوم که نیم فرسنگی

شهر است وکاروانسرای باباقدرت که در جوار شهر واقع گشته وقافله انداز است

قریه و قصبه ملحوظ میشود

شهر مشهد که امروز از زمین بقعه منوره مبارکه امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة و الثناء رشک بهشت برین و نیکوترین شهرهای روی زمین است از شهرهای بسیار قدیم نیست بلکه مدنیت و اعتبار آبادی آن از زمانی است که قبر منور و روضه مطهر جناب امام علیه السلام در او واقع شده است چه در زمان قبل بر آن پای تخت مملکت خراسان شهر طوس بوده و او چهار فرسنگ با شهر مشهد فاصله دارد و این شهر از آن زمان تاکنون نیز مکرر مورد تاخت و تاز طایفه ضاله تراکمه و افغان و نهب و غارت ایشان شد و بدین سبب آبادی آن همواره بتاخیر افتاده است درین عصر که از میامن توجهات همایون خسروانی از اغلب ازمنه آبادتر است مشتمل بر هفت هزار و ششصد خانه و قریب شصت هزار مسکون دارد از آثار صنایع بنائی و معماری قدیم که در او مشاهده می شود منحصر است بصحون مبارکه و مساجد متبرکه و مناره های منوره که انشاء الله تعالی تفصیل هر یک مذکور خواهد شد از این ابنیه عالیه گذشته عمارات و بناهای شهر چندان تعریف و توصیفی ندارد و شرح صحون مبارکه و عمارات آن روضه



شبیه ایوان طلای نادری و گنبد مطهر حضرت امام ثامن ضامن علیه
آلاف التحیة والثنا که از روی عکس عمل عکاسباشی کشیده شده [illegible]

مطهره وغیره بدین موجب است

صحنهای مبارکه

صحن بزرگ که در طرف شمال وپشت سر حضرت واقع است معروف بصحن عتیق نصف آن که در سمت گنبد طلاست از بناهای امیر علی شیر وزیر شاه سلطان حسین بایقراست ونصف دیگر که سمت ایوان شاه عباسی است بنا بقاء مدارس اهل سنت بوده مرحوم شاه عباس ثانی بر صحن افزوده واین صحن را چند دراست دری بخیابان بالا ودری بپایین خیابان دری ببازار بزرگ دری ببازار بزازان که از ابنیهٔ میرزا فضل الله وزیر نظام است دری بسمت قتلگاه که ببازار آقاچه معروفست حجرات واقعهٔ درین صحن فوقانی وتحتانی است وآنچه از بناهای آن که باسم ورسم است ازین قرار است

ایوان طلای نادری که بنای آن از امیر علی شیر است وطلای آن | ایوان شاه عباس مقابل ایوان طلاست که کاشی کاری آن نهایت امتیاز دارد

ازنادرشاه از این ایوان در بدار استاده
ودری بتوحیدخانه میرود وکتابخانه
مبارکه درین ایوان است ودرجنبین این
ایوان دوکفشکن است یکی کفشکن بالاکه
بسقاخانه ودارالسیاده میرود ودیگری
بگلدسته طلای عباسی دارد ودیگر
کفشکن پائین گنبد الله ویردی خانی
که درب دوم بجای کریاس روضه مطهره بوده است
منتهی میشود

ودر پشت سر آن محل مدرسه ملاتاج است
که در آن مدرسه جز گلدسته طلای
نادری آثاری باقی نیست تعمیر این
گلدسته را بعد از نادرشاه
والده خاقان خلد آشیان
کرده است

مدرسه میرزا جعفر که از بناهای بسیار
عالیه و در عهد اوزبکیان ساخته
شده است و در کتیبه ایوان قبلی آن
اسم شاه سلطان حسین ضبط است
ولی معلوم نیست که مرحوم سلطان حسین معمار یا
بانی این بنا بوده

حجره میرزای ناظر

کشیکخانه سودمان

کشیکخانه دربانان

حجره میرزا حسین وزیر

دار التولیه عضد الملک

شمعخانه حضرت

مکتب خانه ایتام

مجلس خانه حضرت

عمارت وزیر نظام

سمت خیابان پائین بالای درپائین سقاخانه وسط صحن موسوم بسقاخانه طلا که
خیابان نقاره خانه حضرت است سنک آب آنرا در عهد نادر آورده اند و
که مرحوم حاجی قوام الملک تمام اصل عمارت و طلای آنرا اسمعیل خان طلائی
نموده در عهد خاقان خلد آشیان ساخته است

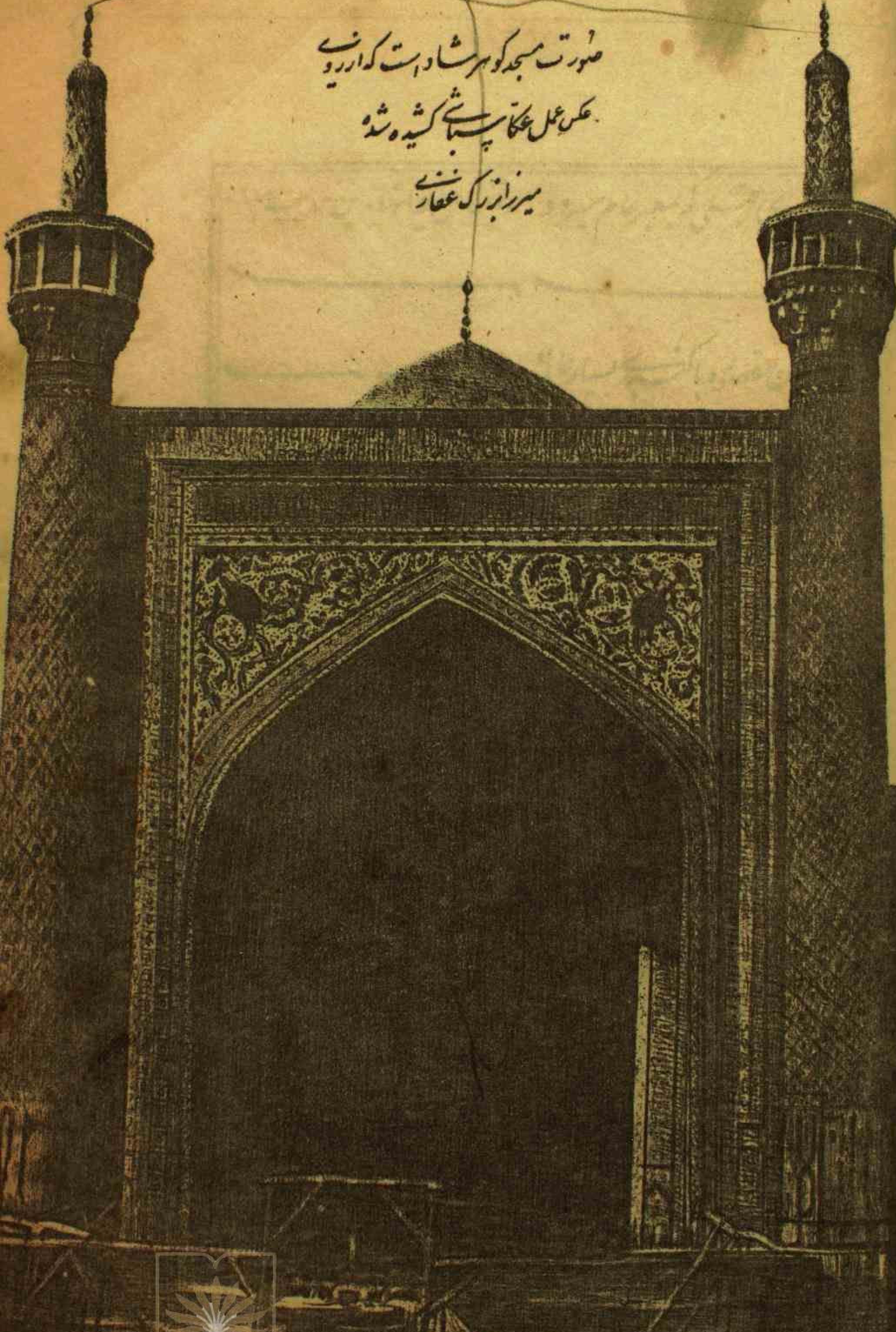
صحن جدید که صحن مشرقی باشد معروف بصحن خاقان که در پائین پای حضرت
واقع است و اصل آن از بناهای خاقان خلد آشیان است کاشی کاری آن که
در کمال امتیاز است از مرحوم حاجی میرزا موسی خان و ازاره سنکهای آن قدری
از مرحوم معزی الیه و قدری از میرزا عبد الباقی منجم باشی و اتمام آن از میرزا
فضل الله وزیر نظام شده حوض وسط نیز از مشار الیه است و آن صحن را
چند در است دری مقابل ایوان موسوم بدر ضرابخانه در خیابان پائین
دری ببازار زرکران دری بطرف مقبرهٔ مرحوم شیخ بهائی عمارات و قبه
در صحن علاوه بر عمارات تحتانی و فوقانی که محل توطن طلاب است از اینقرار است

ایوان

ایوان طلای مبارکه ناصری اصل بنای آن از خاقان مغفور و طلاء آن از حسب امر شاهنشاه جمجاه مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک در ایام حکومت حسام السلطنه از منافع ملکی حضرت فیض آثار ساخته است و ازین ایوان دری بدار السعاده است و در جنبین آن دو کفشکن است که بخود ایوان منتهی میشود	کارخانه و شربت خانه خدام	سقاخانه کاشی کاری وسط از بنای حاجی میرزا محمد رضای مستوفی است

صحن جنوبی که در مقابل حضرت واقع است مسجد گوهرشاد است که یکی از
بناهای بسیار عالیه و معروفست خاصه کاشیهای معرق و غیر معرق آن که
با چینیهای بسیار ممتاز میتواند برابری کند و بانی این بنای عالی گوهرشاد
عروس امیر تیمور گورکان است و درین صحن چهار ایوان و شبستانهاست و
درب آن از اینقرار است دری ببازار بزرگ دری بمحوطه معروف بپایین
پاکه مقبره مرحوم شیخ بهائی است دری بسمت خانه حاجی میرزا موسی خان است

صورت مسجد گوهرشاد است که از روی
عکس عمل عکاسباشی کشیده شده
میرزا بزرگ غفاری



و دری قبلی که بمعبر عام میرود واسامی ایوانها بدین موجب است

ایوان مقصوره با گنبدی بسیار عالی و و دو گلدستهٔ بلند کاشی و دهنهٔ این ایوان دوازده ذرع و ارتفاع آن بیست و پنج ذرع و نیم و طول آن سی و چهار ذرع است و ارتفاع گنبدی که در وسط آن واقع است چهل و یک ذرع و قطر پایهای ایوان پنج ذرع و ارتفاع هر یک از گلدستها چهل و یک ذرع است و نیز از محسنات این ایوان آنکه از سنهٔ هشتصد و بیست که بنای آن شده الی حال هیچوجه محتاج بتعمیر نگشته	ایوان سمت حضرت معروف بایوان دار السیاده که دری مقابل حضرت دارد و در جنبین آن دو کفشکن است	ایوان شرقی
	ایوان غربی	شبستانهای اطراف
	محوطهٔ مسجد معروف بمسجد پیره زن	

عمارات رواق مطهر

سمت غربی که بطول واقع شده دار السیاده است که از سمتی مسجد گوهرشاد و از سمتی بسقاخانه و ایوان طلای نادری منتهی میشود از بناهای گوهرشاد است

سمت شرقی دار السعاده است که از بناهای آصف الدوله است پایین پای حضرت واقع است بالای آن محوطه پایین پا است و سمت پایین آن ایوان طلای ناصری

سمت شمالی توحید خانه

میانه غرب و شمال سقاخانه و راه رو گلدسته طلای شاه عباسی است

سمت جنوبی دار الحفاظ که سمت بالای آن حرم مطهر است و سمت پایین ایوان مسجد گوهرشاد این بنای عالی نیز از گوهرشاد است و آیینه کاری آنرا نواب حسام السلطنه کرده است

میانه شمال و شرق کتابخانه حضرت و گنبد الله ویردیخان است این گنبد قوی الاساس که سابق کریاس حرم مطهر بوده از ابنیه الله ویردی خان بیگلربیگی فارس است که در زمان صفویه ساخته شده و کاشی کاری آن در کمال امتیاز است

میانه مشرق و جنوب مدرسه علینقی میرزا — سمت میان جنوب و مغرب

که در او میرزا علیرضای مستوفی مهمانخانه — تحویلخانه مفقولات و تحویلخانه

محقری ساخته است و در حقیقت این مدرسه — فراشان که در هر دو از دار الحفاظ

حال حیاط کشیکخانه است در پهلوی آن — است

کشیکخانه خدام و قهوه خانه و راه رو کشیکخانه

معروف بکنبد اوّل و پک میرزا و خزانه زرها که

که در آن از دار الحفاظ است

حرم مطهر حضرت امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثناء

محلی است مربع که در وسط اعلای آن ضریح منور حضرت امام علیه السلام است

چهار دیوار این بنای عالیمقدار از قرار معروف از بناهای اسکندر است

گویا روزی از این زمین بهشت آیین عبور کرده و واقعه خارق عادتی مشاهده

فرموده سبب آنرا از برهمنی دانا جویا گشته از اخبار معلوم نموده که در این مکان

مدفن

مدفن یکی از اولاد خاتم پیغمبران خواهد شد پس نذری بخاطر گذرانده و
بعد از وصول مطلب چهار دیواری محکم در آن محل برپا نموده که تا کنون بهمان
اسم باقی است هارون در زمان خلافت که غالبان خراسان و ماوراء النهر را
مقر سلطنت میداشت و مرو و سرخس دار الخلافه بود هوای طوس را
ملائم حالت و مناسب اقامت دیده روزی از طوس بآن محل رفیع آمده
و این بنای منیع را مشاهده نموده از حقیقت آن جویا گشته حکایت گذشته
باز شنید گفت اینک منم آن شخص که از خانواده رسالت و خلیفه پیغمبرانم
و این مکان از برای مدفن من معین شده پس امر نمود که بر آن چهار دیوار گنبدی
عالی بنا کردند و چون بعالم دیگر رفت جسم او را درین محل دفن نمودند از آن
پس در زمان خلافت مامون روح پاک و گوهر تابناک امام علیه السلام در قریه
سناباد که هنوز بعضی از محلات شهر مشهد باب آن قنات مشروب است
بعالم قدس و مرکز اصلی خرامید باشارت مامون الرشید جسد مطهر را درین گنبد
بجائی که بالای سر هارون است بخاک سپردند و غبار آن مکان را توتیای دیده
رضوان کردند و چون مقبره هارون در وسط واقع بود لابد امیدست مرقد مطهر منور

نسبت بنای این چهار دیوار
[illegible] در میان
[illegible] عادت است زیرا که در
سیر و تواریخ چنین
نه دیده نشده
و اینکه معلوم نیست
کدام یک بنا کرده اند
والله اعلم بالصواب

بالا زانوان

بالاتر از آن باشد پس صندوق مبارک بقسمی واقع شده که وسعت سمت بالای سر بسیار کم و نزدیک بدیوار گشت مرحوم مغفور شاه عباس صفوی رحمه الله علیه بالای این گنبد مطهر را طلا نموده و داخل گنبد مبارک را در عهد شاهنشاه جمجاه عالمیان پناه میرزا صادق قایم مقام آینه کاری کرده است کاشی ازاره وسط گنبد که سرکوب چینی فغفور است دو قسم ساخته شده قسمی در کتیبه که خطوط رقاع و اسلیمی برجسته دارد و میتوان دعوی کرد که تا امروز چینی باین صفا و صنعتی باین دقت نشده است دیگر خشتهای مسدس سفید است که با خطوط طلا با آیات و احادیث مزین یافته آنچه بتحقیق پیوست خمیره این کاشی اعلی از معدنی که بالفعل در نواحی مشهد موجود است حاصل میشود حرم مطهر را از دو سمت یکی از سمت پشت سر و دیگری از سمت بالاسر دو فضای شاه نشین مانند است که اولی مسجد زنانه و ثانی را که مرحوم محمد ولی میرزا ساخته است بمسجد بالاسر موسوم و معروفست و از این دو مسجد بیکدیگر راهی است که آینه کاری آن از اعیان سقلی میر پنجه بپایان نموده اکنون محل نشستن قراء کلام الله است ضریح مطهره مربع طولانی است سطح آن از خشتهای بلور مفروش است و او را سه ضریح است

ضریح اول طلاست که مرحوم شاه عباس جنت مکان در سفری که پیاده با آستان ملایک پاسبان آمده بر حسب نذر بمبلغ هفتهزار تومان انجام داده و نادر قلی میرزای نواده نادرشاه آنها را دزدیده و بعد بحکم نادر میرزا بمحل خود عود داده اند ولی طلای بقیمت آن در حمل و نقل مفقود شده است و حال یک سمت آن نقره و سه سمت طلاست ضریح دوم فولاد مرصع است که از قرار معروف نادرشاه برای قبر خود ساخته بوده است و چون چنین ضریحی جز لایق امام نبود بعد از فوت نادرشاه بسعادت مصرف سرکار فیض آثار رسیده است ضریح سوم فولاد است روی شیروانی ضریح فولاد صفحه نقره و بر روی آن صفحه طلا استوار کرده اند حرم مطهر را سه در است درِی بدار الحفاظ و دری پایین پا و دری بتوحید خانه

درِوب طلا و نقره رواق و روضه مطهره

۹ باب

در طلا	درِوب نقره
دو باب	۶ باب

		ایوان نادرشاهی ۵ باب	سایر ۴ باب
در ضریح طلای مرصع که خاقان مغفور خلد آشیان ساخته بودند و سالار طلای آنرا دزدیده بعد بحسب امر خسروانه نواب سلطانزاده میرزا حسام السلطنه دوباره طلا و مرصع کرده است	در دار الحفاظ که مرحوم عضد الملک برحسب امر قدر قدر همایون طلا کرده است	در کتابخانه. در کفشکن اول. در توحیدخانه. در دار السیاده از سمت ایوان طلا	دری که از دار السیاده بدار الحفاظ می‌رود نواب حسام السلطنه سلطانزاده میرزا ساخته است و در چهارچوب آنرا مرحوم عضد الملک طلا کرده. در دار السیاده از ایوان ناصری که مرحوم عضد الملک ساخته است. در پایین پا که طلا و مرصع بوده و در زمان طغیان سالار طلای آنرا برده‌اند و حال النقره زیران باقیست

مقابر اشخاص معروف که در خدمت حضرت فیض آثار مدفون شده

هارون الرشید	مرحوم شاه طهماسب	شیخ بهائی علیه الرحمه بیرون رواق در محوطه معروف بپایین پا	نایب السلطنه مرحوم در دار الحفاظ

حاجی محمد ولی میرزا و بچه خودش	محمد تقی میرزا حسام السلطنه	حاجی قوام الملک	فرمان فرما
آقای حاجی میرزا عسکری امام جمعه	حاجی میرزا موسی خان	ولیخان از جمله قبور قدیم است	مرحوم آقا میرزا احمد
مشیر الدوله	عضد الملک	سپهسالار اعظم	جغتا خان قوچانی
امیر گونه خان قوچانی	شاهزاده ملک قاسم افغان	شاهزاده ملک حسین میرزا	عباسقلی خان میرپنج پسیان
میرزا محمد علی متولی باشی	میرزا ابوطالب		

دار الشفا و مهمانخانه

دار الشفا در خیابان واقع است	مهمانخانه زوار در خیابان بالا	مهمانخانه اعیان در پایین

اسامی عملجات و خدام آستان ملایک پاسبان بغیر از اعیان و ارکان و مقربان دربار اعلیحضرت شاهنشاهی که زیاده از هزار نفر در جزو خدام این آستان مشرف و هر زمان حاضر باشند در کشیک خود مانند سایر خدام از خدمت مستعدند

عمال و اعیان

نفر

جناب میرزا محمد صادق معروف بمیرزا نبی ناظر که از جمله سادات و بقول معروف و مشهور بیست و دو پشت بحضرت امام علیه السلام میرسد

عالیجناب میرزا محمد جعفر صدر

جناب میرزا بدر الدین نایب التولیه

عالیجاه میرزا حسینعلی وزیر اول

عالیجناب حاجی میرزا بابای مستوفی

عالیجناب میرزا داود ضابط

عالیجناب آقا سید ابو الحسن زین آستانه

عالیجناب میرزا ابو القاسم وزیر دوم

نواب شاهزاده محمد هاشم میرزا ولد مرحوم محمد تقی میرزا

آقا میرزا عبد الحسین

میرزا محمد کاظم نایب ناظر

حاجی میرزا کریم نایب وکیل

عالیجاه میرزا شفیع سررشته دار

عالیجاه میرزا ذبیح الله مهردار

عالیجناب میرزا بابا

حاجی میرزا محمد علی ناظم املاک موقوفه

همقلم دفترخانه ۲ نفر

محررین ۵ نفر

حاجی میرزا شفیع منشی

ارباب مناصب و غیره

ارباب مناصب

خدام ضریح ۵ نفر

مدرسین ۵ نفر

کتابخانه ۵ نفر

خزانه و تحویلخانه ۵ نفر

مباشر تعمیرات ۵ نفر

کشیک نویس و مباشر روزنامچه ۵ نفر

نایب الزیاره ۲ نفر

دربان باشی و نایب ۲ نفر

روضه خوان ۳ نفر

معلم اطفال ۱ نفر

عمال دار الشفای مبارکه

نواب شیخ ابو الحسن میرزا ناظر دار الشفا ولد مرحوم حسام السلطنه محمد تقی میرزا

سایر از بابت طبیب و غیره

عمله کارخانه مبارکه

عالیجاه میرزا سید صفی ناظر

سایر

عملجات متفرقه — حفاظ

مستحفظان سایر
۴ نفر

علاقبندهای سایره باشی
۲ نفر

عمله کرناخانه چراغخانه و شمعخانه
۲ نفر

اهالی کشیک خمسه

کشیک اول

عالیجناب میرزا عبدالحسین سرکشیک
خدام
فراشان
دربانان

کشیک دویم

عالیجناب میرزا علاء... حاجی میرزا جعفر سرکشیک
حادم باشی
خدام
فراشان
میرزا رضا باشی سایر
مؤذن کفشدار
میرزا عبدالعلی خادم باشی
میرزا داود فراشباشی سایر
مؤذن کفشدار
۲ نفر ۲ نفر
دربانان

کشیک سیم

عالیجناب میرزا عبدالکریم
خدام
دربانان

کشیک چهارم

میرزا عبدالوهاب خادم باشی میرزا عبدالجواد سرکشیک
فراشان
حاجی میرزا صادق باشی سایر
مؤذن و کفشدار
۲ نفر
خدام
دربانان
میرزا عبدالوهاب خادم باشی
فراشان
حاجی ملا عبدالله فراشباشی سایر
مؤذن کفشدار
۲ نفر ۲ نفر

کشیک پنجم

حاجی میرزا ابو الحسن کشیک‌چی — حاجی میرزا حسین خادم باشی

زیارت نامه خوان

سایر

خدام

فراشان

آقا سید محمد — آقا سید مصطفی — میرزا حسین

دربانان

علماء

علمائیکه در شهر نجا[ت] پای همایون مشرف شده اند

جناب حاجی میرزا فتح الله برادر امام جمعه مرحوم — جناب میرزا هدایت الله امام جمعه — جناب میرزا هیبت الله سلطان العلماء — حاجی میرزا حسن برادر مرحوم امام جمعه

ملا عبد الرحیم شیخ الاسلام — میرزا محمد تقی نواده مرحوم حاجی میرزا حسن مجتهد — حاجی ملا اسد الله پیشنماز — ملا محمد چولائی پیشنماز

علمائی که در طرق مشرف شدند

حاجی میرزا نصر الله مجتهد — آقای میرزا احمد پسر حاجی محمد نصیر — حاجی میرزا محمد جعفر پسر حاجی میرزا هاشم مجتهد

آقای میرزا بابای سبزواری مجتهد — شیخ ابو محمد قریب الاجتهاد — آخوند ملا کاظم همدانی ایضاً

لیه لف

جناب شیخ عبدالرحیم بروجردی مجتهد جلیل القدر که تازه از کربلای معلی آمده بودند	آخوند ملا آقا بزرگ طهرانی مجتهد	شیخ عبدالعزیز لنکرانی
ملا عبدالله کاشی	ملا هاشم صدر نیشابوری	آخوند ملا عبدالرزاق پسر شیخ الاسلام مرحوم
حاجی آخوند قند هاری غفتیه	آقا میرزا حسن بیشمار رضوی	آخوند ملا محمد قاضی هرانی

دروازه های مشهد مقدس

۶ باب

دروازه ارک	دروازه سراب	دروازه بالا خیابان
دروازه پایین خیابان	دروازه نوقان	دروازه عیدگاه

اسامی محلات

۶ محله

محله عیدگاه	محله سرشور و مسجد ذوالفقار	محله سراب و چهارباغ
محله نوغان	خیابان علیا	خیابان سفلی

مساجد و غیره

مساجد

[illegible]

معروف	مساجد محلات
۲ باب	[illegible] باب

مسجد گوهرشاد	مسجد شاه که از بناهای اوزبک و قدیم و حال مخروبه است	

جلد م

حمام — [illegible]

حمام معروف — [illegible] باب — **سایر**

حمام لاجه موقوفه آستانه | حمام شاه بوردیخان علیه الرحمه | حمام شاه ایضا

حمام سرسوق موقوفه مسجد | حمام امام جمعه | حمام باچنار

حمام بازار | حمام حسینقلی | حمام حاجی جعفر — [illegible] باب

حمام سالار | حمام میرزا ابراهیم | حمام عباسقلیخان

خانات — [illegible]

خان عباسقلیخان موقوفه حضرت | خان میر معین الصنایع | خان دار الزوار | خان امام جمعه

خان شاه بوردیخان موقوفه اجداد میرزا بابا مستوفی | خان عبدالله خان | خان دغالچه | خان حسینیه موقوفه آستانه

خان سالار | خان قزوینی | خان سلطان موقوفه حضرت | خان دررودی

خان شیر ریخی | خان کاشانی

مدارس — [illegible] باب

مدرسه نواب | مدرسه حاجی حسین | مدرسه ملا محمد باقر | مدرسه فاضل خان

مدرسه میرزا جعفر | مدرسه پریزاد خان | مدرسه عباسقلیخان | مدرسه بالاسر

مدرسه پریزاد | مدرسه دودر | مدرسه سلیمانخان | مدرسه پایین پا

مدرسه حاجی رضوان

اسواق معتبر

بازار بزرگ بازار بزازان بازار کفاشان بازار کلاه دوزان زرگران حجاران

دکاکین بازار روپس کوچها قالب باب

ارک مشهد محوطه ایست که در سمت غربی شهر واقع است و دو سمت آن بصحرا متصل است
و دو سمت دیگر بشهر اتصال دارد و او را دو دروازه است و چندان وسیع نیست
بلکه ثلث ارک طهران است در او یک سربازخانه و یک قورخانه و میدان مشق
واقع و توپخانه آن بدو متصل ولی از قلعه خارج است و عمارات دیوانی او را
که در زمان حکومت مرحوم محمد ولی میرزا و نایب السلطنه طاب ثراه بنا شده
و سایر حکام نیز هر یک تصرفی کرده اند مشتمل بدو دیوانخانه است یکی دیوانخانه
بزرگ که کمال مشابهت را بدیوانخانه ارک تبریز دارد و چنان مینماید که هر دو را
یک معمار بنا کرده است و دیگری دیوانخانه کوچک که او را نیز بالاری است
باضافه حوضخانه سرپوشیده دارد که در نهایت خوش هواست و درین ایام
سرکار شاهنشاهی روزها در آن حوضخانه تشریف داشتند و همچنین درین

دیوانخانه

دیوانخانه بالاخانهٔ چهارفصل بلندی است که مشرف بعمارات شهر و صحرای خارج شهر است بعد از این دیوانخانه عمارت اندرونی است که عمارات پرپود عالی و دو خلوت و حمام دارد و در جنب او یکدست عمارت اندرونی و بیرونی جداگانه است که درین اوقات سرکار جلال الدوله در او مسکن داشتند و درین عمارت برجی است که کلب حسین خان امین نظام تعمیر نموده و نظراندازی نیکو دارد

بلوکات

بلوک سرجام سمت جنوبی و غربی مشهد واقع است حدی بجام و حدی به پیوه ژن و حدی ببلوک رخ ترتبت این بلوک قلعجات بسیار دارد ولی اکثر آن مخروبه است و بعضی از آنها که دایر و آباد داست از این قرار است

حسن آباد	سرقابه	احمد آباد سرحدات	فرهاد جرد ایضاً
کاریز زنه	رباط سفید	چرم و چمن معروف آن	بزجانی
جهان آباد	کافر قلعه	غور	کلاته خشک
قلعه نو			

بلوک پیوه ژن سمت جنوب شهر واقع است در پشت کوه و محدود است
از سمتی بجبال و محال نیشابور از سمتی ببلوک سرجام و حدی ببلوک آزدَه
رود خانه این بلوک رودخانه کوچکی است که در دره پیوه ژن جاری است
و این بلوک ییلاقیت کلی دارد خاصه در پیوه ژن که قریب یکفرسنگ و نیم
با اشجار و انهار و در نهایت باصفا است در کوهستانات این بلوک
معدن مس و سرب و طلا یافت میشود و معدن سرب آن امروز دویست تومان
نقد و چهل خروار را جاره دارد و دهات معروف این بلوک بدین موجب است

پیوه ژن ملک اولاد الله وردیخان	قاسم آباد	سلطان آباد ده متعلق بسرکار فیض آثار	ده سرخ متعلق بحاجی مصطفی قلیخان
برزشک	شریف آباد	گنبد دراز	ملک آباد
کروج	استاج	فخر داود	دلبران
ده علیا	باغچه	باز حوض علیا و سفلی	سید آباد

بلوک آزدَه واقع در جبال جنوبی مشهد است و او را چهار رود خانه است
دو تای از آنها که عبارت از بار و ازقد باشد به بندگلستان میریزد و دو دیگر

که رود ج

که رود مج و رود مغان باشد بعد از سقایت دهات این بلوک فاصلات
آن بطرق میرسد و از جمله چیزهای غریب که درین بلوک بهم میرسد غاری است
که در نزدیکی قریهٔ مغان در کمر کوه واقع است و دهنه دارد شمالی ده ذرع
ازین دهنه تا کمیدان اسب راه غار بحدی وسیع است که پنجاه سوار بسهولت
عبور میکنند و در انتهای این مسافت از سقف غار آبی میچکد که فوراً منجمد میشود
بنحویکه یک نیم ستون در سطح غار و نیم ستون دیگر در سقف غار از آن آب
بهم رسیده و قلیلی مانده است که این دو نیم ستون بیکدیگر رسند و ستونی استوار
ازین سنگ سفید مایل بزردی در میان غار برقرار شود درین محل فضای
غار شعبهای مختلف پیدا میکند و در هر یک از آن شعبها فضاها و حوضها
و چاه عمیق است از جمله در یکی ازین فضاها که او طاقی وسیع است
دریاچه ایست بسیار عمیق که هر قدر خواسته اند عمق آنرا معین کنند ممکن
نشده است در وسط این دریاچه محلی است پاشویه مانند که یکذرع عرض و
یک چهاریک عمق بیشتر ندارد و اکثر طاقهای این غار را گویا مخصوصاً
حجاری و منقش کرده اند اهالی ولایت در حق این غار تفصیلات عجیب

و غریب میگویند که بنظر افسانه می آید و قابل نوشتن نیست

دهات معتبر این بلوک ازین قرار است

بار	کلاغ آهن	ارقد	مایان	درماغ	مایان سفلی
حصار	مج	سربرج	مغان	خان رود	قصبهٔ اردهٔ که بزقه معروفست

بلوک جاغرق از ییلاقات بسیار خوب مشهد است که درین سمت گردنهٔ دررود واقع است و نزهت مکان و خضرت اشجار و صفای آب و هوای آن معروفست و در او بندی است بسیار بزرگ از بناهای صفویه که آب آن از رودخانهٔ بار بلوک ارده و مایان و خود از جاغرق است و این آب از موقوفهٔ سرکار فیض آثار است و قراء آن ازین قرار است

جاغرق	عنبران	ترقبه	حصار	گلستان

بلوک شاندیز در دامنه واقع است و محدود است از سمتی بکرینه نیشابور از سمتی بقصبهٔ کاهو از سمتی بمیان ولایت و از طرفی بجاغرق متصل است این بلوک بهترین ییلاقات دور مشهد است و قلعجات و دهات معروف آن ازین قرار است

قصبهٔ شاندیز ششصد خانوار است و باغات بسیار دارد

نوقان در ده معتبریست و خالصهٔ دیوان اعلی و تیول مصارف مقبرهٔ مرحوم نایب السلطنه است

خادر — ارده علیا — لنک

کراخ — ابرده سفلی — ویرانی خالصه

حسن آباد — سرآسیا

زشک

قصبات معتبر که درین سمت واقع و جزو هیچیک از بلوکات نیست

قصبهٔ کاهو از جملهٔ قصبات معتبر و میانهٔ گلمکان و شاندیز واقع است و در ملکیت آستان اقدس حضرت فیض آثار و دیوان اعلی مشترکست و بیشتر دارند و به تیول سید ابوالحسن شاه مقرر است

قصبهٔ ابیجیل این قریه نیز در همین حوالی واقع و در ملکیت آستان حضرت فیض آثار و دیوان اعلی مشارکت دارند و او رودخانه است که باین باسم معروف و به تیول مرادعلی خان مقرر است

قصبهٔ دولت آباد رودخانه دارد و خالصهٔ دیوان همایون و بتیول اولاد کامران شاه مقرر است

بلوک گلمکان که از سمتی با ابیجیل و دولت آباد و از سمتی بنجاک چناران متصل است و از طرفی نیشابور و چشمه سبز درین بلوک است و کمال ییلاقیت را دارد و درین بلوک دو طایفه هستند که یکی از آنها را تاجیک گویند و همهٔ آنها فارسی زبانند و در قصبهٔ گلمکان سکنی دارند و طایفهٔ دیگر ایلات کرد هستند که از تیرهٔ کانلو هستند که در سایر قلعجات و مزارع گلمکان متوقفند آب این بلوک از یک رودخانه است

که از چشمه

که از چشمه سبز می آید و از وسط قصبه کل ریز میگذرد و قنات متعدد دارد
و قراء معروف این بلوک از قراریست که نوشته میشود

تلخ آباد	آب قد	معوا	قصر طلال	کورده
عبدل آباد	سلوجرد	پی آباد	حسین آباد	فتح آباد
احمد آباد	ده نو هاشم خان فراشباشی	کترنا		

بلوک چناران محدود است از سمت شمال بخاک قوچان و از سمت جنوب
بمیان ولایت و درزاب سمت غربی و جنوب غربی کلمکان و شاندیز و از سمت
شرقی رادکان رود خانه چناران دو رشته است یکی رودیکه از سمت
نیشابور که منبع آن قریزی است دیگری از سمت نیشابور که منبع آن
خود آخلمد است در ین بلوک از آثار قدیمه خرابه شهر منجان است
که منیجه دختر افراسیاب آباد کرده است

قصبه و قرا سمت نیشابور	سمت قوچان

خلمه در دره کوه پایه واقع و قصبه است که چهار صد خانوار دارد و رعیتی آن سی و شش زوج است

عتیقی و عام شاهی متعلق بسرکار رفیض آثار یک زوج و فرد	ملک رعیتی نیم زوج و فرد
خالصه دیوان اعلی مه زوج	

قصبه چناران مخروبه است و سیصد خانوار از آن باقی مانده و ساکنین آن فارسی زبانند

امیر آباد که مرحوم نایب السلطنه بقهر و غلبه در زمان طغیان رضاقلیخان قوچانی گرفته اند خراب است و آثار قلعه آن باقی است

گنبد	جوکار	قت فاجان
دستجرد غلامان	آصف آباد	خجه خراج
منیجان که بنام منیجه دختر افراسیاب موسوم است و او شهری بوده است	چوب دست	حسن آباد
پیرک	یورد چوپان	چنبر غربال
خیر آباد	آق قلعه عزیز کونه پایک	

فرزی در مقابل خلمه واقع و اول رود خانه چناران است و ملک آن رعیتی است

سمت چولائی که به پیرکی معروف است محل اکراد پیرکی از اکراد زعفرانلو است

خون اباد	وکیل آباد	چوپایان
چشمه باران	پیری اباد	چشمه کیلاس وقف است و زراعت آن با خیار است و آب و را شاه عباس مرحوم نصحن مقدس آورده

رادکان حدی بچناران و حدی بچولانی و حدی بدرزاب و حدی بدره گز

و حدی بقوچان دارد و قرا و قصبات آن از این قرار است

قصبه رادکان	قزل حصار که اول خاک رادکان است	مینکان	مغان	چه چه
سوهان	موچنان	خرج	بترتاکی	قتلو یوسف خان
یاقی	میاب	کوکن	کوباغ چمنی است میانه چناران و رادکان که دو فرسخ طول دارد و سرچشمه کشف رود است	

بلوک درزاب درزیر رادکان واقع است و یکسمت آن چولانی خانه

یک سمت رادکان یک سمت میان ولایت و از یکطرف

بتادکان این بلوک را رودخانه ایست موسوم بهزار مسجد

که آب آن از هزار مسجد جاری است و آن کوهی است

که از یک سمت آن جلگه مشهد است و سمت دیگر دره گز و صوفیان

لاین خاکستر کلات این بلوک را که اغلب دهات آن

متعلق بسرکار فیض آثار است بسه قسمت نموده اند

قسمت اول

قسمت اول بقیع رعیتی و قریب هشتاد خانوار رعیت دارد

قسمت دوم ارداک

قصبه ارداک که مضاف پشتیبان متعلق بسرکار بلوک آنست و سی خانوار رعیت دارد — فیض آثار — پیش ادک ایضاً

میامرغ — ایقد — پس چشمه

شیرین — قلندر حصار خالصه — کوده رعیتی

قسمت سوم

کوارستک سپرده بمحمد خان پسر حاجی محمد خان — کجان — ماریان

زاک — جاقد — آب دوان

امداد — نقاب

بلوک چولائی خانه در کوه پایه واقع است حدی بکلات دارد و حدی بخط آباد تبادکان و حدی بدرزآب و حدی برادکان و او را چند قریه و مزرعه و قلعه است

کارده — اندرخ — ده سرخ — بلغور

سیج — آل — کنش — بهره

بلوک میان ولایت که در سمت مغرب و شمال شهر واقع است ابتدای آن از دروازه بالاخیابان است و انتهای آن در سه فرسخی چناران که من حیث المجموع هشت فرسنگ طول آنست و در او رودخانه عظیمی است موسوم بکشف رود که منبع آن از چشمهای واقعه در جلگه چناران و رادکان است که همه جا تا دو فرسنگی شهر

بسمت جنوب آمده و درین محل از زیر پلی که به پل شاهی معروفست منحرف بسمت
مشرق مایل است و از دربند آق دربند از پل خاتون گذشته برودخانه هرات
متصل شود و بسمت سرخس و شمال رود مالکین این بلوک از اعاظم شهر بند و اکثر
دهاتش معتبر و چهل قریه آن موقوفه حضرت فیض آثار است جاده چناران از
میان این بلوک عبور میکند و او را دو قسمت ساخته قسمتی راست و قسمتی چپ
چنانکه بعرض خواهد رسید منبع رودخانه که بداخل شهر مشهد می آید و عبور آن از بالا خیابان
و صحن کهنه و پائین خیابان است ازین بلوک است یعنی از چشمه گیلاس

قرا و مزارع رو بچناران از دست راست

سرده	نگاه	خالیقان	صفی آباد	کشف
اسمعیل آباد	فریزی	باغ شلواران	لقمانی	اردن
خان عرب	نوری	باقوی مودتها	کوشک	جمه مق
تخم انجیر	کمان کلان	جوتاب	سراسیاب	اسفندیار
شوریاب	قصر مهدی	حسینی	کلاته مشهد قلی	تخم مرز
پرکند آباد	باقوی ملا حسین	قهقهه با چمید معروف است	خارستانک	عاشقان
امرقان	شبان کاره	کاظم آباد حاجی تقی از قرای معتبرات قریه یکفرسخ باغات دارد و تا شهر سه فرسخ است دیگر فواکه شهر از اینجاست	خان چماقی	سعد آباد

چهل حجره	اندرقد	مرغزار	سهران	فتح اباد
حسن خوردو	سلطان آباد	ناظر اباد	دوست اباد	کلاته شترخان
جوفروش	حاجی آباد	کلاته صفرعلی	مهدی اباد	چهار برج
چشمه سفید	سید علی	مقیم آباد	مردارکشان	دهشک
اسلامیه	شهر طوس که اول آباد بود و هنوز علامت شهر آن باقی است نیم فرسنگ از جاده دور و چهار برج شهر دارد	محمد اباد	محمدیه	کلاته علی
عسکریه	قولیان	شقا	زاهیان	بزمرکی
اوچ دفتر	چهچهه	سنگ سیاه	سیرو اباد	پائین ده
دوین	کلاته صفرعلی	تبادکان	توت درخت گویند نظر کرده است	کلاته حسن
ماهی خور	سکران	جناباد قریه ایست بسیار معتبر قناتی دارد که چهار زوج زراعت از آن مشروب میشود	مقابل جناباد در دامنه کوه دره چشمه گیلاس است که منتهای ییلاقی میرزا رضا است و متعلق بسرکار فیض آثار است	ناوخ
کمال آباد	شاه آباد	علی آباد	ولی اباد	موسی آباد
قوشش اباد				

دست چپ

اب کوه	پیلدار	قاسم آباد	سعید اباد	جلدک	ملک
چاهشک	نوجاه	ده نو	منزل آباد	زرکش	ابراهیم آباد
شان قلعه	خراب آبین				

بلوک تبادکان که در سمت شمال شرقی شهر است از سمتی محدود است بجولائی و بلوک درزاب و از سمتی بکلات از سمتی بطرق و از طرفی بشهر و یک سمت آن کوه قراول خانه است و او کوهی که فاصله است میان صحرای خراسان و صحرای ... که آب این بلوک از قنوات متعدده و شعب دو رودخانه است که یکی از آنها رودخانه کشف رود است و شرح آن در بلوک میان ولایت معروض افتاد و دیگری رود اندرخ است قراء این بلوک قریب پانصد پارچه است و چند قریه معتبر آن از این قرار است

قرائیکه زیر کوه و داخل حلکه مشهد است

بنه اندرخ که ورد ... در جولائی واقع است ملکی با تبادکان است و خانواری آن با جولائی	رزان	معین آباد	قاضی قریه	فازند
اخکان	قورچی تول حاجی میرمعصوم خان	فرخه ایضا	کنه کوش محل ایل جمشیدی	قصبه کنه بیس ... چهارصد خانوار ... و از آنجا ... و ملکی حضرت فیض آثار
قورخان محل ایل تیموری	مهرآباد امام جمعه	هدایت آباد افشار	نظریه	عنایت آباد
عیش آباد	حسین آباد	کریم آباد	بدرآباد	ابراهیم آباد

حلوائی	عطار	جو فروش	ورا آباد	پاووا
کلاته	شادکن	میامی	شاویشه	پناه بالا
فیچه زر	رباط ماهی محروبه است	قیاس آباد	سنک در	مرزوران محل قراولست خانوار ندارد
باغ باغان	آق دربند خراب است و سکنه ندارد			

دهات واقعه پشت کوه

کبک	جعفری	قصبه بادکان صدخانوار است	احمد آباد	حنظل آباد

بلوک ناصریه که سابقاً سنک بست گفته می شد و داخل بلوکات جدید است که نواب سلطان زاده میرزای حسام السلطنه عم شاهنشاه آباد نموده و در سمت مشرق واقع است و تا شهر شش فرسنک است اصل قصبه این بلوک قلعه ناصریه است که دارای برج و باره و خندق جدید ساخته شده است و پانصد خانوار رعیت دارد که نصف آنرا از اهل مشهد برده اند و نصف دیگر مهاجرین هراتی هستند آب این بلوک از شش رشته قنات و از بندیست که نواب حسام السلطنه ساخته معروف به بند ناصری که آبهای کوهستان سرجام و تربت در او جمع شده بصحرای جیم آباد در قنه زرع و کشت میشود و این آب شور و ناگوار است قلعجات جدید البنای آن ازین قرار است

جهان ارسلان	کیامی	سنگ شور	جنیم آباد
کله منار	چناک	اره	سلمانی

قصبهٔ طرق در سر راه واقع است و تا شهر یکفرسنگ و نیم است و داخل هیچ بلوک نیست و متعلق بسرکار فیض آثار است و او را قلعه و خانی است که یکمیدان از یکدیگر فاصله دارند

کال یاقوتی در سه و نیم فرسنگی شهر کنار کشف رود و در سر راه مزدوران و آق دربند سرخس واقع است و منزلگاه اردو است و او را چمنی است وسیع و از قرار مشهور در جبال آن یاقوتهای ریزه سیاه بسیار است بعید نیست اگر جستجو کنند معدن یاقوت نیز بیابند در کنار این چمن قلعه ایست معروف بسالار آباد و لان خراب است

پانزدهم شهر صفر ورود موکب مظفر بارض اقدس و توقف اردوی همایونی در آن شهر مقدس

درین روز چون چاپار دار الخلافه در رسیده بود سرکار همایون شاهنشاهی جمیع وقت مبارک را صرف مطالعهٔ عرایض وزراء و صدور دستخط و احکام باشخاص آقای مستوفی الممالک و وزیر امور خارجه فرموده امین الملک مقرر داشتند

که چاپار را در همان روز معاودت دهد و معطل ندارد

هنگام عصر سپهسالار اعظم بحضور شرفیاب شده بعضی از عرایض ولایتی
و مملکتی خویش را معروض داشته جواب صادر نمود و بموجب امر خسروانی
صحن متبرکه حضرت رضوی علیه السلام را قورق نموده اهالی حرم محترم
شاهنشاهی جمیعا بزیارت عتبه بوسی آستان عرش نشان
فایض گردیدند میرزا امینای ملک الشعرای سرکار فیض آثار قصیده
در مدح حضرت و ورود موکب مسعود انشا نموده محمد حسنخان محقق بعرض
حضور مبارک رسانید و چون در نظر مبارک مقبول افتاد و خالی از فصاحت
و شیرینی و لطف نبود آن قصیده را درین اوراق ضبط مینمائیم

قصیدهٔ میرزا امینا

ای خراسان یکجهان جان بادت بهر نثار — در ورود موکب مسعود کیهان شهریار
ای خراسان جهد کن هی جان بغلتان در رکاب — شاه کیهان را که بودی سالها در انتظار
ای خراسان صبح اقبالت دمید آیدون که گشت — رایت شاه آفتاب آسا پدید از کوهسار
ای خراسان باید از ترکان تورانی اسیر — نزد شه چون بختیان بردن قطار اندر قطار

ای خراسان شاعران با بدیهه زرت نغمه سنج — در گلستان ثنای شه چو دستان ان هزار

موکب شاهنشه فزاید خرمی بر خرمی — گرچه خود خرم بهشتی ای روان پرور دیار

تو بهشت جاودانی شاه یک فردوس جان — ای بهشت جاودان خوش دار شه را شادخوار

شاه پوید در تو شاید جبین بندگی — بر در شاهنشه دین شافع روز شمار

خسرو اقلیم امکان مظهر یزدان رضا — کز همایون ذات او فر خدائی آشکار

نور حق طور تجلی زاده موسی که هست — آستانش عرش و جبریل امینش پرده دار

سوده بر پاک آستانش نیر اعظم جبین — رفته از عالی رواقش خازن جنت غبار

ملک امکان بی وجود او نیاید منتظم — حصن ایمان بی ولای او نگردد استوار

پاک یزدان پیش از آن کایجاد هفت اختر کند — کرد جاری حکم او بر خاک و باد و آب و نار

جمله در ملک وجود او طفیل خلقتند — عرش و فرش و جن و انس و وحش و طیر و مور و مار

با تولایش بساحل رفت و با عونش بچرخ — موسی عمران ز دریا عیسی مریم ز دار

هر کرا او غمگسار اندر دو گیتی شادکام — هر کرا او دستگیر اندر دو عالم رستگار

هم در ایوانش شهنشاهان کیهان خاکبوس — هم بدرگاهش خداوندان گیتی خاکسار

او خداوند است و شاهان جهانش بنده اند — خاصه خورشید ملوک و سایه پروردگار

بهمن ما کوثر

شهریار کشور ایران شهنشاه جهان ‌ ‌ ‌ ناصرالدین شاه غازی خسرو خسرو شکار

شاه جم خرگاه و کسری تاج و کیخسرو کمر ‌ ‌ ‌ میر کشورگیر و انجم جیش و گردون اقتدار

قهرمان بحر و بر کشورگشای شرق و غرب ‌ ‌ ‌ شهریار دادگر کیهان خدای تاجدار

ابروی خطبه و خاتم طراز تاج و تخت ‌ ‌ ‌ کز وجودش جاودان باید جهان را افتخار

مشرق و مغرب بسر آید دولتش را عرض و طول ‌ ‌ ‌ شاهی و شوکت قبایی حلقش را پود و تار

در جمالش یک فلک فر است و یک مشرق فروغ ‌ ‌ ‌ در نهادش یک جهان مجد است و یک گردون وقار

بر جلال و شوکت او میخورد گردون یمین ‌ ‌ ‌ از نوال و همت او میبرد دریا یسار

با سموم قهر او گیتی خزان اندر خزان ‌ ‌ ‌ با نسیم لطف او عالم بهار اندر بهار

موج زن دریا بود در آستینش گاه جود ‌ ‌ ‌ بوسه زن دارا بود در آستانش روز بار

در سپهر از سطوتش بهرام راند الحذر ‌ ‌ ‌ در کنام از صولتش ضرغام گوید الفرار

خنگ صرصر سیر او نایب مناب دلدل است ‌ ‌ ‌ تیغ کافرسوز او قایم مقام ذوالفقار

یک سوار از جیش خون آشام او در روز رزم ‌ ‌ ‌ کار صد رستم کند پیکار صد اسفندیار

خرمن نه خوشه پروین بسوزد تیغ او ‌ ‌ ‌ روز کین از وی نخواهد آسمان گر زینهار

دود خشم و ضرب تیغش بدشت دار و گیر ‌ ‌ ‌ روی مه را تیره سازد دشتها [illegible]

چشم

چشم انجم کور سازد گوش گردون کر کند | گرد جیش و غرش کوس شه بوقت کارزار

آیتی از عزم او گر بر زمین گردد رقم | صورتی از حزم او گر بر فلک گردد نگار

تا ابد بینی از آن آیت زمین را بی سکون | جاودان جویی از آن صورت فلک را بی مدار

دست او ابری که بارد روز بار از او درم | تیغ او آبی که خیزد گاه کین از وی شرار

کین او زهریست جان فرسا که در دشمن دوا | مهر او راحیست روح افزا که سکرش بی خمار

فارغ است از فاقه هر مسکین که او را در کنف | ایمن است از جور هر عاجز که او را در جوار

پیکر امن و امان در دور میمونش مبین | ساعد آشوب و شر در عهد مسعودش نزار

گر حدود کشورش جویی برون از شرق و غرب | گر شمار لشکرش خواهی فزون از مور و مار

خدمتش کاری کز و جاوید خیزد فخر و فر | خصمیش کسبی کز و پیوسته زاید عیب و عار

ای طراز تاج و تخت ای خسرو فیروز بخت | ای شهنشاه جهان ای شهریار روزگار

آستان شاه دین را آفتاب آسا ببوس | تا ببوسد آسمان پای سریرت بنده وار

جود کن با خانه زادان ضعیف بو الحسن | خاصه با یغما کمین مدحت سرای هشت و چار

دم فرو بند از ثنا یغما دعا بر گو که نیست | از دعای شه مبارکتر درین در هیچ کار

تا همی در طارم اخضر مدار است و مسیر | تا همی در توده اغبر ثبات است و قرار

با دهر روزنت شکوه و شوکت شاهی قرین   از مدار آسمان و گردش لیل و نهار

روز شانزدهم شهر صفر و سوم طراق اردوی کیوان مقر در ارض اقدس

سرکار پادشاهی محض ظهور مرحمت و عنایت در حق سپهسالار اعظم بتفرج باغ آصف الدوله که منزل ایشان بود عزم فرموده و در اول صبح سپهسالار و سایر اعیان درباری ملتزم رکاب همایون گشته بباغ مزبور تشریف فرما شدند در خیابان بالا که معبر همایونی بود سه نیزه سر و سه نفر ترکمان که در خاف دستگیر شده بودند از نظر مبارک گذرانیده امر همایون شرف نفاذ یافت که سه نفر زنده را نیز بسزای خود برسانند و سپهسالار اعظم در حق دست آورنده ایشان بذل انعام و احسان کرده از الطاف و مراحم خسروانه بهره ور و امیدوارشان کردند بعد از ورود بباغ و صرف نهار سپهسالار خوانین و سردکان و صاحبمنصبان خراسانی را بحضور معدلت بنیان آورده و یکان یکان را بطور شایسته معرفی کامل نموده رای جهان آرا را بصیرت کلی حاصل و بر وثوق شان و مرتبت هر یک را مورد مرحمت و عنایت خاص فرمودند و نیز اعتضاد الدوله میرزا مسیح وزیر مازندران و سایر صاحبمنصبان و بزرگان مازندرانی را بحضور مهر نشان

آورده

آورده در امورات مملکتی و سرحدیه اصغای فرمایشات ملوکانه نموده رخصت
انصراف یافته بمحل مأموریت خویش رفتند و حضرت شاهنشاهی ساعتی درباغ
تفرج فرموده و چهار ساعت بغروب مانده بزیارت آستان عرش بنیان
حضرت امام علیه السلام شتافتند و بعد از زیارت حضرت کامله در سمت بالای
سر مبارک نماز ظهر و عصر گذارده و در صحن جدید ایوان طلای ناصری قهوه از قهوه خانه
خاص حضرتی میل فرموده و گنبد الله وردی خانی را سیاحت فرموده
از درب مسجد گوهرشاد و راه بازار بارک مبارکه شرف ورود ارزانی داشتند
و چون سپهسالار فی الجمله درباغ بخاکپای همایون اظهار افسردگی و دلتنگی و ملال
نموده بود سرکار شاهنشاهی دبیرالملک را مأمور فرمودند که معظم الیه را از مراتب
مراحم خسروانه و التفات کامل شاهنشاهانه اطمینان داده خوشنود و مفتخر سازد
و اظهار دارد که هرگاه میل بفرمان روائی مملکت خراسان ندارد در رکاب مبارک
بدار الخلافه آمده بخدمت دیگر سرافرازی حاصل نماید و الا بخدمت مرجوعه بخود
دلگرمانه مشغول شده و بدون اظهار دلتنگی بلوازم امر حکومت و سرحداری
بپردازد دبیرالملک مرخص شد و حضرت شاهنشاه بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند

باغ آصف الدوله یکی از باغهای نیکوی خوش هوا و پر گل و گیاه است
درختان میوه دار از هر قسم و هر جور بسیار و گلهای الوان بیشمار دارد اصل
باغ را مرحوم آصف الدوله بنا کرده و جزء املاک سالار بوده در اواخر دولت
شاهنشاه مغفور مبرور سالار محض جنون و خبط دماغ بنای طغیان و عصیان
گذاشت و دست تطاول باموال موقوفهٔ حضرت فیض آثار گشوده مبالغ
خطیر از قنادیل طلا و نقره و جواهر آلات خزانهٔ حضرت را بغارت برده صرف
فساد و شرارت نمود در ابتدای این دولت روزافزون که سالار از تیغ شرربار
غازیان جلادت نشان بسزای عمل خود رسید و طعم زهر خودسری و نادانی
چشید این باغ و باغ دیگر را که متعلق بدو بود خدام آستانهٔ متبرکه در عوض
خسارات و ضررهای وارده ضبط نموده و الآن جزء موقوفات است مرحوم
حاجی قوام الملک شیرازی در اوقاتی که بخدمت تولیت حضرت مشرف بود
عمارت کلاه فرنگی ممتازی در وسط باغ بنا نموده که بنهایت بصفا و حسن
باغ افزوده است

هفدهم شهر صفر و چهارم ورود حضرت شاهنشاهی درین ارض میمنت اثر

امروز

امروز صبح در حالتیکه سرکار همایون شاهنشاهی هنوز در بستر راحت تشریف
داشتند میرزا محمد غلام بچه معروف بملیجک بحضور مبارک تشرف جسته و
عریضه سربسته از دبیر الملک بنظر انور رسانید بخاطر خطیر همایونی خطور نمود
که بکر جواب فرمایشات روز قبل است معزی الیه در عریضه مندرج داشته و خود
از شرفیابی متعذر شده چون عریضه را گشودند ابتدای آن همه از بیوفائی دنیای
دنی شرح و نگارش داده بود و در اواخر عریضه معروض داشته که پس از
هنگام نماز صبح با آنکه هیچ آثار ناخوشی و مرضی در او مشاهده نمیشد بغتةً
بمرض سکته مبتلا گشته برحمت ایزدی پیوست حضرت شاهنشاهی بلانهایه ازین
خبر دلتنگ و افسرده شده بی اختیار فرمودند انا لله و انا الیه راجعون و این بیت
بخاطر همایون گذشت هزار نقش برارد زمانه و نبود یکی از آنچه در آیینه تصور ماست
پس بنظر پاس حرمت شان و مرتبت آنمرحوم مقرر فرمودند که جمیع وزراء و اعیان
که در رکاب مبارک آمده بودند با خوانین و اعاظم خراسان بتشییع جنازه حاضر
شده و با احترام تمام جنازهٔ اورا بمحل معتبرهٔ و مدفنی که خود آنمرحوم در صحن مقدس
معین نموده بود حمل نمایند و مجلس فاتحه منعقد ساخته اطعام مساکین کنند

وخود سرکار پادشاهی با تأثر خاطر چهار ساعت از روز بر آمده بدیوانخانهٔ
مبارکه تشریف آوردند مقربان درگاه عظمت نشان ومخصوصان آستان
جلالت بنیان بزیارت خاکپای همایون مستعد گشته هر یک بطریقی اسمالت
خاطر همایون را بجای آورده وسلامتی وجود مقدس را شکرگذار بودند وازآنجا
که تعویق وتاخیر در امور دولتی ومملکتی جایز نمینمود رای بیضا ضیای شاهنشاهی
بر آن قرار گرفت ومصالح دولت بدان اقتضا نمود که پیشکاری مملکت خراسان
بجناب ناصرخان ظهیر الدوله وایشیک آقاسی باشی که هم از قدیمی چاکران دولت
جاوید عدت ومقربان خاص دربار گردون بسطت واعیان ایل جلیل
قاجاریه است ومکرر در مملکت خراسان حکمرانی نموده مفوض ومرجوع آید
ومیرزا محمد خان دبیر مهام خارجه ووزیر وظایف سابق که سالهای تمام
در داخله وخارجه حسن صداقت وامانت وکفایت ودرایت خود را مشهود
خاطر مبارک نموده بود بشغل جلیل متولی باشی گری آستان ملایک پاسبان
شاهنشاه سریر ارتضا علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثنا ولقب مبنیل
مجد الملکی مفتخر گشت ودر حق هر یک خلعتی عالی از جبهٔ شمسه دار وغیره مرحمت شد

در پی خدمات مرجوعه شتافتند و چون زیاده از حد فوت مرحوم سپهسالار
در خاطر مبارک متأثر آمده بود چهار ساعت بغروب مانده بقصد تفرج خارج شهر
سوار شدند و اولا بقورخانه ارک که از بناهای سلطانمراد میرزای حسام السلطنه است
تشریف برده عمارت و باغ قورخانه در نظر مبارک پسندیده آمد و چون اسباب
و آلات و ادوات موجوده در قورخانه را در کمال انتظام و تنقیح نگاه داشته
بودند قربان بیک یاور قورخانه مبارکه که متصدی و مباشر امر قورخانه مبارکه
بود مورد الطاف خسروانی گشته باعطای یکطاقه شال کشمیری سرافراز و مفتخر
آمد و حضرت همایونی از دروازه ارک بیرون رفته بکوه سنگی که در نیم فرسنگی
شهر واقع و مدفن اجداد میرزای ناظر و تفرجگاه اهل شهر است تشریف بردند
از آنجا بمزرعه موسومه بندکیا توجه فرموده در بیدستان این مزرعه که مکانی با صفا
و خوش هوا بود فرود آمدند پیرمرد مستاجر مزرعه که از ایل تیموری و پیری
زنده دل و با ادب و حسن خلق بود مقداری زغوا که صیفی کار خود تقدیم
حضور مهر ظهور نموده و خاطر مبارک را از صحبتهای دهقانی خرسند داشته
انعامی شایان یافت و تا مقارن غروب میرزا هاشم خان امین خلوت و یحیی خان

اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و محمد علی خان واین بنده
در حضور مبارک بودیم و عمدهٔ فرمایشات ملوکانه در طرز و طور و سبک و سلوک
مرحوم سپهسالار بود و حضرت شاهنشاه از فوت آنمرحوم اظهار تاسف میفرمودند
واضح است نوکر صدیق خدمتگذار و چاکر تربیت شده حقیقت شعار دیر از خاطر
ولینعمت خود محو شود خاصه چنین ولینعمتی مهربان و شاهنشاهی قدردان
که در مقابل اندک خدمتی هزار گونه نعمت دهد و پاس صداقت و حقیقت را
بر شان و منزلت افزاید چنانکه مرحوم سپهسالار با انیکه بطور منظور و مقصود
همایون از عهدهٔ کفایت و کفالت وزارت عظمی بر نیامد محض آنکه سالها
خدمت کرده و از رجوع خدمت کشیکچی باشی گری و سرداری و وزارت
جنگ صداقت و درایت خویش را مشهود خاطر خطیر خسروانی نموده بود
پس از خلع از صدارت عظمی بایالت و حکومت تمام مملکت شرقی مفتخر و سرافراز
آمد و همه وقت با شان و احترام بزیست تا جهان فانی را بدرود کرد
بالجمله سرکار پادشاهی هنگام غروب سوار شده و ببالای کوهی که در آن
حوالی بود تشریف برده و اندک وقتی با دوربین باطراف و حول و حوش

شهر خاصه قرار و مزارع بلوک تبادکان را که در سمت شمال شهر واقع بود نظر فرموده

و از فراز کوه نزول نموده و بدرگه نشسته نمیساعت از شب رفته تشریف

فرمای دیوانخانهٔ مبارکه شدند و امین الملک را مقرر داشتند که در حفظ

اموال و اثقال مرحوم سپهسالار کمال اهتمام و جد و جهد را مرعی دارد که

بهیچوجه تفریط نشود تا بعد از مراجعت همایون بمقر سلطنت عظمی در میان

اولاد و احفاد موافق شرع انور تقسیم شود

هجدهم شهر صفر و پنجم توقف اردوی همایون در ارض فیض نمون

سرکار اقدس شاهنشاهی امروز پس از تشریف فرمائی بحمام تا سه ساعت

بشام مانده در دیوانخانهٔ مبارکه بصدور احکام و اصلاح امور مملکت و

حال لشکری و رعیت مشغول گشته محمد صالح خان کردبچه سرتیپ که از

سیستان بزیارت رکاب مبارک آمده بتوسط دبیر الملک شرف اندوز

حضور مهر ظهور گردید و خاطر مبارک را از اخبار امنیت و آسودگی

آن سامان مسرور ساخته مورد مراحم و الطاف شاهنشاهانه گشت

هنگام عصر بعزم شرفیابی آستانه مقدسه عزم فرمودند و ابتدا بمدرسه
میرزا جعفر که در جنب صحن واقع است و از بناهای سابقه و عالیه است تشریف
فرما شدند چون بنای مدرسه را رو بانهدام یافتند بمجد الملک مقرر داشت
که موقوفه مدرسه را معین نموده ما حصل وقفیات را بمصرف تعمیر رساند و هر قدر
کسر باشد از دیوان همایون دریافت دارد و از آنجا بحرم محترم مبارک
تشریف برده و از زیارت آستان قدس نشان فایض و بهره یاب گردیده
و از درب مسجد گوهرشاد بارک مبارکه تشریف فرما شدند و چون این بازار جنب
صحن که معبر همایون بود سقف محکم نداشت و تمام آنها را با تیرهای کوچک و نی
پوشیده بودند و از برای مترددین خالی از مخاطره نبود و نیز از رونق بازار
کاسته امر همایونی بدان شرف نفاذ یافت که بتدریج سقف بازارها را آجری
نمایند و تیرپوش را موقوف دارند و چونکه درب خانهای مشهد خیلی پست
و کوچک و بدترکیب است از جانب سنی الجوانب امر شد که درهای خانها را
مانند خانهای شهرهای بزرگ پای تخت بلند و عالی بنا کنند و در هر جا
ممکن است جلو خانها قرار داده برونق و تمیزی کوچها بیفزایند

سیونا تال فرانسوی چهل چراغی که از مفرق ریخته و نهایت استادی در او

بکار برده مشابه بنقره ساخته بود تقدیم حضور مبارک نموده و بانعامی کلی مفتخر آمد

مقرر گشت آن چهل چراغ را با لاله های کار مشهد که بکمال امتیاز داشت

پیشکش چراغخانه مبارکه حضرت سازند

نوزدهم شهر صفر وشنبه ورود موکب مسعود

درین روز جناب میرزا هدایت الله امام جمعه و حاجی ملا عبد الکریم واعظ

و سایر علماء مشهد بحضور مهر ظهور مشرف شده مورد توجهات خاص و

مراحم حضرت شاهنشاهی شدند و هنگام ظهر شاهنشاهزادهٔ اعظم جلال الدوله

امر و مقرر شد که تشریف برده مجلس فاتحهٔ مرحوم سپهسالار را ختم نمایند

اقارب و بازماندگان آنمرحوم که در مشهد مقدس شرف حضور داشتند

مانند حاجی شریف خان بگلربگی و سلطان احمد میرزای عضد الدوله و سلطان

محمد میرزای پسر معزی الیه مصطفی خان امیر تومان شرف اندوز خاکپای

مبارک شده از الطاف مرحمت اتصاف همایون مفتخر و امیدوار گردیدند

رئوسای تراکمه یموت و گوکلان وغیره که بعزم عتبه بوسی و زیارت خاکپای

همایون آمده

همایون آمده بودند بتوسط ظهیرالدوله بدین سعادت عظمی فیض یاب و مباهی گشتند دو ساعت بغروب مانده حضرت فلک رفعت همایونی بفیض زیارت مایل گشته از راه خیابان عازم کعبه مقصود گردیدند خان سوار خان هزاره و پسر رحیم داد خان هزاره در خیابان بفرّ رکاب بوسی مستسعد آمده و هفت نفر اسیر ترکمان تکه و یک نیزه سر که در جنگل تومان آغا دستگیر نموده بودند از لحاظ نظر انور گذرانیده بعنایت خسروانه مفتخر شدند حضرت شاهنشاهی در دم بست پیاده شده ابتدا تشریف فرمای کتابخانه مبارکه شدند و کتابهای خطی ممتاز حضرت را که از هر علم و فن در سالهای دراز سلاطین و خواقین و بزرگان نیاز آستانه متبرکه کرده اند ملاحظه فرموده در خاطر مبارک خطی و افر داشت خاصه از زیارت قرآن مجیدی که بنا بر معروف خط مبارک حضرت ولایتمآب صلوات الله و سلامه علیه است و نیز قرآن دیگر که از هند برسم هدیه آورده اند و در تزیین و ترهیب او فروگذاشت نشده زیاده از حد وصف در نظر انور جلوه گر آمد و الحق قابل هزار گونه توصیف و تمجید است بالاخره بعد از فراغت از ملاحظه کتابها مجدالملک امر مقرر شد که در نگاهداری و محافظت آنها

در نهایت دقیق و ساعی باشند و از کتابخانهٔ سرکاری باحدی برسم امانت ندهند
و موافق ثبت هر کس کتابی برده باشد مسترد سازد و آنان را که بمطالعهٔ نسخه از
نسخ علوم احتیاج افتد بکتابخانهٔ مبارکه آمده و هر قدر بخواهند مطالعه و درک
مطلب نموده نسخه را از مکان خود حرکت ندهند چون از تنظیم و تنسیق کتابخانه
فراغت حاصل شد سرکار همایونی بزیارت فایض گردیده و نماز ظهر و عصر را
در بالای سر حضرت بگذارند و از آنجا بکشیکخانهٔ مبارکه تشریف برده
از جای مخصوص قهوه خانهٔ مبارکه میل فرموده با میرزای ناظر و ظهیر الدوله و
مجد الملک مشغول صحبت بودند تا وقت شام و زمان خدمت خدام
و گذاشتن چراغ در رسید سرکار شاهنشاهی محض خلوص نیت و پاکی عقیدت
خواستند از این فیض بی بهره نمانند و مانند سایر خدام در جرگ ایشان داخل صف
شده بایستادند بعضی از مقربان حضرت و اعیان دولت چون معیر الممالک
و اجودان مخصوص و آقا علی و عکاسباشی و میرزا صادق خان سرتیپ و دیگران
که جز خدام سرکار فیض آثار بخدمت حاضر شدند همینکه خادم باشی چراغ ها را
روشن نموده یکیک برداشته چنانکه رسم معمولهٔ خدمه است دست بدست گرفته

ملکان بود

بمکان خود می‌نهادند و سرکار همایونی نیز در گرفتن چراغ از خادمی رسانیدن بخادم دیگر در نهایت خضوع و خشوع بدانها تأسی داشتند تا تمام چراغها را بگذاردند و هر یک شمعی روشن در دست گرفته ردیف یکدیگر بایستادند خطیب با شیئی خطبه غرا با مهابت و شوکت تمام باسم مبارک حضرت امام و شاهنشاه اسلام تقریر نمود بعد از ادای خطبه یکبار تماما بسجده افتادند و سرکار پادشاهی نیز در عین نیاز شکر وصول باین سعادت عظمی را در حضرت معبود بی نیاز بگذاردند و نماز مغرب و عشا را خوانده از راه بازار مراجعت فرمودند

بستم شهر صفر و هشتم ورود حضرت شاهنشاهی بارض عرش منزلت

از آنجا که امروز روز اربعین بود و جز سوگواری و تعزیت داری را نمی‌شایست سرکار همایون شاهنشاهی نیز از جمیع مشاغل صرف نظر فرموده و خاطر مبارک را قرین تألم مید اشتند و از مصائب وارده بخانوادهٔ رسالت صلوات و سلامه علیه یاد آورده در نهایت افسرده خاطر بودند و محض اینکه مردم باآسودگی و فراغت مشغول زیارت و دعاگوئی باشند

بحاجب الدوله مقرر شد که صحن مقدس را قورق نکنند و خادمان حرم
سلطنت نیز خود را امروز از فیض زیارت محروم دارند تا تمام روز و شب
مخصوص فیض یابی عامه باشد و چون فساد و شرارت و خیانت ترکمانان
که بدست خانسوار خان گرفتار گشته بودند معلوم گشت و محقق شد که
از جمله قطاع الطریق بودند و مال و جان مسلمین را حلال و مباح میدانستند
برحسب امر شاهنشاهانه ایشان را در بالا خیابان که محل ازدحام خلق بود
بپاداش عمل خود رسانیدند تا عبرت دیگران شود و تشفیه قلب مسلمانان گردد
و نیز چون یکی از اعیان مقیم مشهد مکرر در جوار روضهٔ مطهره مرتکب شرب شده
و از جادهٔ شرع انور تجاوز کرده و تجاهر بفسق را بجرئت مینمود امر همایونی
شرف نفاذ یافت که او را گرفته مغلولا و مقهورا بدار الخلافه برند و در میان
همگنان خفت دهند تا دیگری بدین نحو بر خلاف شرع انور و حرمت
امام اطهر جسارت ننماید

بیست و یکم شهر صفر و نهم ورود موکب نصرت اثر

چون یکساعت از روز بر آمد اعلیحضرت شاهنشاهی بر اورنگ پادشاهی

جلوس فرموده و خاصان و نزدیکان درباری بار حضور یافتند میرزا محمد رضای مستوفی وزیر خراسان برحسب امر علیهٔ آحاد و افراد خدام و چاکران مخصوص شاهنشاهزاده اعظم را از ساحت حضور مهر لمعان همایون گذرانیده آنان که بواسطه معقولیت و درستی و نجابت و اصالت مستوجب این سعادت و شایسته اینخدمت بودند مورد مرحمت و عطوفت ملوکانه گشتند و آنها که بخلاف این معنی از ناصیه و رفتار ایشان مشهود بود بذلت معزولی گرفتار آمدند چون از این کار فراغت حاصل شد پسر وکیل طبس و امیر حسینعلی خان خافی و برادرش که مدتی بود از خراسان فراری و بصفحات هرات و آنسامان متواری شده بودند بتوسط ظهیر الدوله بحضور عطوفت دستور مشرف شده و از تلطفات ملوکانه خرسند و نهال آمالشان برومند گردیده با امیدواری تمام متعهد خدمت و چاکری شدند و هم درین روز مرتضی خان قوللر آقاسی باشی برادر مرحوم سپهسالار که از دار الخلافهٔ الباهره بعزم زیارت رکاب همایون آمده بود بدین سعادت مستسعد گشته از عواطف ملوکانه کامیاب گردید و سرکار همایون چهار ساعت بغروب مانده بملاقات علیا حضرت علیهٔ عالیه مهد علیا

وستر کبری تشریف فرما گشته و از آنجا بزیارت آستان عرش نشان مشرف شده
و هنگام مغرب بدیوانخانه همایونی معاودت فرمودند و از آنجا که هوای
شهر فی الجمله از حد اعتدال بیرون و حرارتش افزون شده بود و باین معنی باعث
زحمت وجود مسعود گردیده میل خاطر مبارک بر آن شد که چند روزی بجهت
تغییر آب و هوا بسمت ییلاق گلستان تشریف فرما شوند پس حاجب الدوله را
امر و مقرر شد که خیمه و خرگاه مختصری بدانسوی فرستد و معدود قلیلی از
چاکران دربار سپهر نشان را اعلام دهد که در این سفر ملتزم رکاب مهر لمعان گردند
و وزراء و اعاظم چون امین الدوله و دبیر الملک و معیر الممالک و امین الملک
و سرکردگان افواج و غیره را از این سفر معاف دارد که در شهر مشغول دعاگوئی
وجود مبارک و انجام خدمات محوله باشند و هم آقا رضای عکاسباشی را مقرر گشت
که در ایام غیبت وجود مسعود همایون مشغول برداشتن عکس حرم محترم و صحون
و عمارات مقدسه باشد مقرب الخاقان مشار الیه نیز بموجب امر خسروانه بدینخدمت
اشتغال ورزیده از هر مکانی که ممکن بود صفحه عکسی نیکو برداشت که
مقبول خاطر مبارک ملوکانه گشت



دورنمای مسجد گوهرشاد و نصف از ایوان طلای ناصری
و قدری از شهر مشهد مقدس که از روی عکس عمل عکاسباشی
کشیده شده میرزا بزرگ غفاری

بیست و دوم شهر صفر و تشریف فرمائی شاهنشاه معدلت گستر به ییلاق گلستان

چون هنگام صبح و طلوع آفتاب جهانتاب در رسید حضرت خسروانی
با لباس سواری بدیوانخانهٔ مبارکه تشریف فرما گشته ظهیر الدوله و اعتضاد الدوله
و معیر الممالک بحضور مبارک تشرف جسته و از احکام و فرمایشات ملوکانه
مفتخر و مباهی گشتند و ذات والاصفات شاهنشاهی با اسب کهر پیشکشی
عماد الدوله نشسته از دروازه ارک بیرون رفته از جاده دروازه دوشان تپه رو
بمغرب توجه فرمودند اندکی گذشته محض اجتناب از حرارت و سورت هوا
از اسب بزیر آمده بدرشکه نشسته شدند و اعتضاد الدوله تا یکفرسنگی شهر گذشته
ملتزم رکاب بوده از آنجا رخصت انصراف یافت و حکیمباشی طهران و
آجودان مخصوص در کنار کالسکه مشغول خواندن و ترجمه و عرض روزنامجات
فرانسوی و اخبار دول خارجه شدند تا موکب مسعود از گردنهٔ مختصر کوچکی که
در نزدیکی گلستان است عبور فرموده وارد گلستان شده و در سراپرده مبارکه
که در مکانی باصفا برپای کرده بودند نزول اجلال فرمودند و صرف نهار کرده

باستراحت مشغول شدند و ساعت بعد از آن تمام اهالی حرم خانه مبارکه از شهر
رسیده در سراپردها و خیام خویش فرود آمدند

از گلستان تا شهر سه فرسنگ است و این قریه مشتمل است بر چهل خانوار رعیت
و رودخانه آبی و باغات مشجر بسیار که در آنها از هر گونه فواکه بیشمار است
و هوای آن در لطافت و نیکوئی معروف و مشهور است ولی از آنجا که
در سر راه عابرین واقع است و منزلگاه قوافل است فی الجمله ناتمیز است
در طرف دست راست جاده گلستان قریه معظمی است موسوم باب کوه
که از جمله موقوفه حضرت فیض آثار است

چهارشنبه بیست و سیم شهر صفر و توقف اردوی مظفر در ییلاق گلستان

درین روز سرکار همایون شاهنشاهی بملاحظه سیاحت و تفرج جاعزق
بهنگام صبح امر بسواری نمودند و خود بر اسب غزل دیوزاد نشسته و کنار
رودخانه گلستان از نظر آورده بسمت بالای رود توجه فرمودند و چون قدری
از راه طی شد بواسطه دهاقین معلوم گشت که این راه منتهی میگردد بقریه بار

که متعلق است باولاد میرزا حسینعلی زغنه وجاده جاغرق بغیر از این است پس دهقانی برسم بلدی بجلو افتاده وموکب همایون از گردنه گذشت بدرهٔ درود جاغرق رسیدند طرقبه وعنبران منظور نظر مبارک گشته واز آنجا بقریهٔ جاغرق تشریف فرما شدند و یک فرسنگ و نیم از جاغرق گذشتند در سبزه زاری که درختان قوی وهوائی نیکو داشت فرود آمدند وپس از صرف نهار محقق بخواندن کتاب روزنامهٔ همایون مأمور شد وشاهنشاه باستراحت مشغول گشتند سه ساعت و نیم بغروب مانده بعد از صرف عصرانه وچای سوار شدند محمد خان کنه بلیسه بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که در یک فرسنگی گلستان شکار قوچ ومیش دیده اند چون وقت از برای اینکار کافی نبود سرکار همایون قرار تشریف فرمائی شکار را بروز بعد موقوف داشته واز همان راهی که تشریف آورده بودند بطرف منزل معاودت فرمودند واز قریهٔ عنبران گذشته دست چپ راهی بود بدان راه متوجه شده از سمت بالای طرقبه عبور نموده واز وسط قریهٔ گلستان گذشته وارد سراپردهٔ همایونی شدند دو ساعت از شب گذشته قورق شکسته وخواص چاکران از زیارت حضور مبارک بهره یاب گشتند محمد تقی خان

پیشخدمت افشار قدری از اشعار تذکرهٔ حاجی لطفعلی بیک معروض داشت و
بمیرشکار امر شد که در اول روز باشکارچیان تفحص وتجسس شکار رفته اخبار نمود
منتظر تشریف فرمائی سرکار پادشاهی باشند و آقا یوسف نایب سرایدار
در حضور آتش بازی بسیار از فرنگی وغیره روشن کرده و حضرت خسروانی تا مکان
ملوکانه تشریف برده آقا محمد علی نقیب الممالک که در فن سخنوری ونقالی مهارتی
تام دارد برسم هر شب خاطر مبارک را باستماع حکایات شیرین وروایات
دلنشین مشغول داشت **طرقبه وعنبران** که هر دو قرای معمور و آباد
متعلق اند بمحمد رضا خان برادر ظهیر الدوله قریهٔ جاغرق از ین دو آبادتر است و دارد
عمارات عالیه واماکن مسکونه ممتاز بسیار است خاک این دهات تماما سنگ
وآبهای ایشان ناگوارا وغلیظ است وخرماهیان سیاه نامأکول تربیت
میکند ولی بحسب فواکه این بلوک نیز مانند سایر بلوک خراسان معروفست
و در هر دره وقریه جنگلها وباغات از اشجار میوه جات نیکو چون گیلاس وآلو بالو
وغیره بحدیست که بوصف نمی آید واز جمله حاصل این دهات موسیر است که
بسیار خوب میشود وآبدار باشی برحسب الامر سنیه مقدار کثیری از آن میوه اخذ نمود

که در هر که

که در سرکه بپرورانند و هنگام شام و نهار حاضر کند

روز پنجشنبه بیست و چهارم شهر صفر المظفر

چون سه ساعت از روز برآمد فرستادهٔ از نزد مصطفی قلیخان امیر شکار آمده
معروض داشت که هنوز شکاری نیافته و گمان آن است که یافت نشود
سرکار همایونی نیز قصد شکار را موقوف داشته و تفنّناً بطرح دورنمای جلگه
گلستان که در نظر مبارک پسندیده آمده بود مشغول گشتند و در اندک مدت
دو صفحه دورنما از صفحه خاطر جهان نما بصفحه سفید انتقال دادند بطوری آن جلگه
و درهٔ وسیع را در آن سطح نمودند که هر کس او را ملاحظه نماید از تماشای گلستان
مستغنی خواهد بود مقارن آن زمان چاپار دار الخلافه در رسید و عرایض مستوفی
الممالک اعظم و مطالب دولتی از خارجه و داخله از لحاظ
انور گذشته جواب هر یک بدستخط مبارک موشّح گشته و باز فرستاده شد
بهنگام عصر میرشکار مراجعت نموده معروض داشت که هر قدر درین جبال تجسس نمودم از شکار
آثاری نیافتم یکساعت بغروب مانده قورق شد

روز جمعه بیست و پنجم و آخر توقف موکب منصور در گلستان

خدیو گردون اقتدار در اول روز که خورشید تابان از کنار افق نمودار گشت
بعزم تفنن دره بار کمر خسروانی استوار بسته و باریافتگان مخصوص دربار را
امر بسواری و التزام رکاب نصرت شعار فرمودند چون ملتزمین حاضر شدند
اسب کهر احمد خانی از سواری ذات والاصفات همایونی ممتاز آمده چون
شیرغران راه دره بار و آن سامان پیش گرفت و چون راه امروز که صفای
آن در حقیقت از حد وصف بیرون است بنحوی بود که در طرفین جاده اشجار
باردار و بی بار از قبیل زردآلو و گیلاس و چنار و سفیدار و غیره شاخ
بر شاخ یکدیگر نهاده و سایه افکن جاده شده بودند و معبریکه از زیر آنها بود مانند
خیابان باغهای عالی در نهایت تمیز و بی گرد و غبار بود چنانکه با وجود جمعیت
ملتزمین رکاب ابداً غباری تصاعد نداشت و بدینواسطه خاطر مبارک قرین مسرت
و انبساط بود و با میرزا هاشم خان امین خلوت و دیگران صحبتهای نیکو و مفرح
میداشتند تا از قریه کلاغی که در وسط راه بود گذشته در سایه بیدستان فرود
آمدند بعد از صرف نهار میرشکار را مقرر داشته که از جلو رفته در جبال اطراف
در جستجوی شکار باشد و خود سرکار پادشاهی از قریه بار گذشته بپای گردنه صعب

المسلکی رسیدند

سنجی رسیدند جمیع سواران را در پای گردنه گذاشته و با امین خلوت و مهدی
قلیخان و آقا علی گرجی و آبدار باشی و با چند نفر تفنگدار از بالای گردنه تشریف
فرما شدند در اینجا راه کوه منشعب بدو شعبه میشد و معلوم نبود که میرشکار
از کدام سمت رفته پس سرکار پادشاهی پیاده شده و اندکی از فواکه
میل فرموده از بالای دره بسمت منزل معاودت فرمودند و در قریه کلاغ
نماز گذارده چای میل نموده تشریف فرمای اردوی مبارکه شدند
آنانکه در پای گردنه مانده بودند ساعتی بعد باردو ملحق شدند میرشکار نیز
معاودت نموده شکاری نیافته بود از گلستان به بار پنج فرسنگ است
و جمیع این راه دو خیابانی است مسقّف از اشجار پر ثمر و گلهای ملمع و درختان
ارغوان جنگلی و سنگهای اطراف دره اغلب سنگ سماق است و در وسط
جاده تا بار جز قریه کلاغی دهی نیست

شنبه بیست و ششم و بازگشت اردوی کیوان پوی از ییلاق گلستان بشهر مشهد

در این روز که روز کوچ بود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زودتر از سایر ارام

سوار شده بسر بند گلستان تشریف فرما گشتند و در آنجا پیاده شده بدقت
بند مزبور را سیاحت فرموده و بکالسکه نشسته بسمت شهر عطف عنان نمودند
سمت ایسر جاده دهی موسوم بقاسم آباد و باغی بنظر مبارک آمده بدان جانب
توجه فرمودند که شاید سزاوار توقف موقتی باشد و چون لایق استعداد
بدین شرف نبود از فرود شدن در او صرف نظر کرده باغ و قلعهٔ امامیه
مرحوم امام جمعه که در نهایت با صفا بود نهارگاه همایونی گشته پنج ساعت
بغروب مانده امین الدوله و ظهیر الدوله و دبیر الملک و سایر وزرا و اعیان
در درب دروازه ارک بزیارت رکاب قمر انتساب مشرف شده بعواطف
ملوکانه مفتخر و مباهی گشتند پس از ورود بعمارت مبارکه چاپار دار الخلافه در رسید
و عرایض مستوفی الممالک و سایر وزرا ملحوظ نظر مبارک گشت هنگام
غروب بر نهج معمول قورق شد و خادمان حرم جلالت بزیارت خاکپای
همایون تشرف یافتند بند گلستان بندی در نهایت محکم و استوار است
که تمام آنرا با آجر و گچ و آهک در زمان قدیم بنا کرده اند و در پهلوی بند چاهی است
مشتمل بر پله های متعدد که در انتهای آن زیر آب بنا است آب این بند

از جمله موقوفات حضرت رضوی علیه السلام است و طرق و غیره از آن

مشروب میگردد

بیست و هشتم شهر صفر و چهاردهم ورود موکب نصرت اثر بارض اقدس

در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی تمام اوقات شریف را

از صبح الی شام بغور رسی امورات دولتی و صدور اوامر و نواهی مصروف

داشتند ابتدا ظهیر الدوله و میرزا محمد رضای وزیر کتابچه جمع و خرج خراسانرا

بعرض حضور مبارک رسانیده و اعلیحضرت شاهنشاهی یکان یکان در مفردات

و من ذلک آن توجه نموده مخارج بمصرفه را نقصان داده و مصارف لازمه را

فرودند تا جمع و خرج یکسان گشت و حصول اینمعنی کاری در نهایت صعب و

دشوار بود زیرا که در سوابق ایام همه ساله رسم بر آن بود که مبالغی خطیر از خزانهٔ عامره

از برای کسر جمع خراسان و مصارف قشونی آن سامان حمل میدادند و در این کتابچه

جدید با وجود آنکه بر مواجب و مرسوم اغلبی از اهالی عسکریه افزوده گشت میزان

جمع و خرج مساوی آمده و مبلغی جمع بر خرج فاضل آمده مقرر گشت که حاکم خراسان

از قرار قسط بدار الخلافه الباهره فرستند چون از این امر خطیر فراغت حاصل

گشت محمد حسین خان مامور بکلات گشت و در انتظام امور سواره هزاره و از صدور

احکام خسروانه شرف صدور یافته یوسف خان هزاره و پسر او که در استفراین

مرتکب بی حسابی و بی نظمی و در انتظام امور سوار و رساندن مواجب و مرسوم ایشان

بی مبالاتی کرده بود مورد غضب و سخط ملوکانه شده از شغل و منصب خود

معزول گشته تنبیه و تادیب شدند و محمد خان هزاره که براستی و درستی موصوف

بود بایل بیگی گری ایل هزاره مامور و سرافراز آمد و هم درین روز حیدر قلیخان

سهام الدوله که بر ترکمانان تاخته بود شصت نفر اسیر و سی نیزه سر و گوسفندی

بیرون از حساب و مصحوب سواران و کسان خویش به پیشگاه حضور عطوفت

دستور فرستاده الطاف مهر اتصاف همایونی شامل حال وی شده

بصدور فرمان و احکام قضا جریان و خلعت آفتاب نشان بر شأن و مرتبه اش

بیفزودند و نیز فرستادگان حکام کرمان و طبس تهنیت ورود موکب مسعود را

پیشکشهای لایقه از شالهای اعلی و نقود و سایر اقمشه آن ولایات تقدیم

نموده مورد مراحم خسروانی گشته بجماعت بعزوب مانده از امورات مزبوره

فراغت حاصل شده و اعلیحضرت شاهنشاهی شکرانه نعمات الهی را در آستان عرش نشان حضرت سلطان امامت و اختر برج خلافت بجای آورده نماز مغرب و عشا گذارده بارک مبارکه معاودت فرمودند

بیست و هشتم صفر و پانزدهم توقف مشهد مقدس

درین روز چاپار دار الخلافه در رسید و عرایض وزارت علوم و وزارت عدلیه اعظم و وزیر امور خارجه را در آستان مهر نشان تبلیغ نموده از قراریکه میرزا بزرگ خان کارپرداز دولت علیه مقیم بغداد بوزارت امور خارجه اطلاع داده بود علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه همایونی که حامل خشتهای طلا از برای امامین همامین عسکریین علیهما السلام بود در پانزدهم شهر محرم الحرام بشهر بغداد وارد گشته و از جانب حکومت بغداد و کارپردازخانه دولت علیه و علما و تجار و تبعه ایندولت قوی شوکت در تشریفات ورود خان معظم الیه و رعایت احترام هدایای شاهنشاه ایران بکمال اهتمام و دقت را مرعی داشته در شرایط استقبال از هیچ چیز فروگذاشت نکرده اند بنحویکه تاکنون در ان صفحات عالی برکات چنین تشریفات و پذیرائی از برای احدی صورت تیسر نپذیرفته

بالاخره سرکار اقدس شاهنشاهی با وجود شدت حرارت و گرمی هوا که اسباب زحمت وجود مبارک همایون بود تا هنگام عصر بمطالعهٔ عرایض وزراء و صدور احکام اشتغال داشتند

بیست و نهم شهر صفر و شانزدهم ورود بارض اقدس

سرکار اقدس همایون شاهنشاهی درین روز اول صبح بصدور بقیهٔ احکام مشغول گشته امر برجعت دادن مسرعان فرمودند بهنگام ظهر چاپاران دیگر از دار الخلافه و استراباد در رسیدند و نوشتجات ایشان متضمن عرض وقایع و حوادث چند بود از جمله از استراباد معروض داشته بودند که مراد نامی از افاغنه که به نیرنج و شعبده بازی متصف است در میان طایفهٔ ضالهٔ جعفربای با دیدگشته و بعضی شعبده و نیرنجات این بی عقلان وحشی را فریفته و بگمان انداخته است که مگر پیغمبر است و اطاعتش لازم و بهمین واسطه بلقب ایشانی که لقب پیشوایان ترکمانست معروف گشته و خلقی انبوه بر دور خود گرد کرده در آن نواحی بنای طغیان و شرارت و تاخت و تاز گذارده اند و نیز از رشت لنگری ولاهیجان معروض افتاده بود که حمزه آقای نشکور بلباس که یکی از اشرار است

غفلتاً تاخت آورده از ایل قسه اپاپاق بسیار بر گشته و زخم دار نموده و سردشت

و یک دو قریه دیگر را غارت کرده بخاک روم گریخته و هم از عربستان و خوزستان

بعرض رسانیده بودند که مرضی مشابه طاعون در صفحات محمره و بصره و نهر هندیه

ظاهر گشته و اسباب اتلاف و وحشت مردم شد بالجمله از این اخبار خاطر مبارک حضرت

خسرو کامکار متألم و متاثر گشته دستخطهای متعدده و احکام شدیده با فتخار

مستوفی الممالک و سردار و دیگر وزرا شرف صدور یافت که در علاج این

وقایع و حوادث ساعی و جاهد باشند ملک آرا حکمران استراباد را سواره و

پیاده زیاد باعانت فرستند و حمزه آقا را از حکام و سرحدداران دولت

علیه عثمانیه مطالبه دارند و حشمة الدوله حمزه میرزا فرمانفرمای خوزستان

و بختیاری وغیره اعلام سازند که هرگاه خدای ناخواسته این مرض

بداخله مملکت سرایت نماید در جمع آوری اطبا و بذل دوا و رعایت حفظ صحت

و التفات و احسان بلشکری و رعیت خودداری ننمایند و حقیقت این مرض

وافده را بعرض رسانند و چون ذات والاصفات همایون را از صدور این

احکام فراغتی حاصل شد بزیارت آستان عرش نشان مشرف گشته و ساعتی بتفرد ا

در آن بقعه منوره بنماز و عرض نیاز مشغول بودند چون از حرم مطهر بیرون
تشریف آوردند با کمال بشاشت و خرمی با قوت قلبی که مخصوص این وجود
مبارک است بعمارات مبارکات رجعت فرمودند

سلخ شهر صفر و روز هفدهم توقف حضرت پادشاهی در مشهد مقدس

درین روز خاطر مبارک بتفرج خارج شهر و فاتحه مزار خواجه ربیع علیه الرحمه
مایل گشته در اول صبح بعد از تشریف فرمائی بحمام سوار شدند ابتدا بباغ
سمرقند که باغی نیکو و از موقوفات حضرت فیض آثار است شرف ورود
ارزانی داشته شد و در آن باغ صرف نهار فرموده بخواجه ربیع تشریف برده
بعد از فاتحه حکم تعمیر عمارات آن بقعه که هم مدفن مرحوم فتحعلی خان قاجار جد
حضرت شاهنشاهی است اندک وقتی استراحت نموده چای و عصرانه میل کرده
و بدبیر الملک که وکالت استراباد محول و مرجوع بدو بود برخی فرمایشات
لازمه را مقرر داشته شد که با سواری مخصوص بملک آرا اطلاع دهد و بعد بکالسکه
نشسته از دروازه نوغان داخل شهر گشته و از میان شهر بارک مبارکه مراجعت

فرمودند

فرمودند در اینوقت اعتضاد الدوله بحضور مبارک آمده معروض داشت
که ایشان ملعون با ترکمانان بسمت آق قلعه تاخته و با ملک آرا جنکی در انداخته
جناب حاجی ملا رضای رئیس العلماء در آن جنک بدرجه شهادت فایز کشته
و خود ملک آرا با معدود قلیلی در خانه آدینه خان که از خدمتگذاران دولت است
متحصن کشته و محمد میرزای پسر نواب معظم الیه را جراحتی از شمشیر و کلوله رسیده
خاطر همایونی ازین خبر بر آشفته و قلع و قمع طایفه ضاله را بر ذمه همت والا
کرفته با اعتضاد الدوله مقرر داشتند که با چاپاران سریع السیر بمازندران و حوالی
آن صفحات اعلام دهد و احکام صادر نماید که عساکر منصوره در استراباد
جمع آیند و چون جمعیت ملک آرا اندک بود و ترکمانان زیاده از شش هفت
هزار و تا رسیدن لشکر مدتی لازم بود سرکار پادشاهی خبر فتح ملک آرا
و استخلاص نواب معظم الیه را از آن بلیه عظیم از خداوند خواستار شدند
دو ساعت از شب رفته چاپاری از دار الخلافه در رسید که سه روزه طی این
منازل نموده و حامل عرایض مستوفی الممالک و سردار و مژده فتح ملک آرا
و کشته شدن ایشان ترکمان بود حاجی آغا یوسف خواجه باشی این مژده را

در حرمخانه مبارکه بعرض عاکفان حضور عطوفت دستور رسانید و باعطای

خلعتی مهر طلعت و پانصد تومان انعام مفتخر و بهره ور گردید

از قراریکه از دار الخلافه و استراباد بعرض آستان مبارک رسانیده بودند

تفصیل این حادثه و وقوع جنگ و گرفتاری ملک آرا و شهادت مرحوم رئیس

و کشتن ملک آرا ایشان بدنشان از بدین نحو است که چون در اوقات

توقف ملک آرا آنحوالی و صفحات در نهایت امن و امان بود و مدتها از طوایف

مختلفه ترکمان سواد بی ملاحظه نشده ملک آرا فوج لاریجانی که مدتها بود

مقیم آق قلعه بود مرخص خانه کرده و مصطفی قلیخان میرپنج قراگوزلو را بجای ایشان

مأمور نموده بود و فوج طهران و عبد الرزاق خان سرهنگ را بکومبار روانه داشته

و خود با سیصد سوار خواجه وند و سوار کتول و صدم رستاقی در داخل شهر توقف

داشت در هفدهم صفر مصطفی قلیخان میرپنج و حسینعلی خان شیخ که یکی از سرکردگان است

از آق قلعه سواری نزد ملک آرا فرستاده اعلام میدهند که ایشان ترکمان

با سیصد سوار قراجی و چاروای آترکی از برای آق قلعه حرکت کرده در آق

زبیل که محل تلاقی دو رودخانه و تا آق قلعه سه فرسنگ است فرود شده اند

وارزای(؟)

وازبرای قلعه کیان آذوقه چند روزه لازم است تا هرگاه ایشان بدشان
بدیشان تازد خودداری تواند نمود چون این خبر معروض ملک آرا گردید
فوراً الیصد بار آذوقه از آرد و جو و برنج وغیره مهیا ساخته وازآنجاکه صاحب منصبی
کاردان و باشان در خدمت نداشت خود با یکصد نفر از سوار خواجه وند و صد کول
وصد دیگر از پیاده صدم رستاقی همراه گرفته بسمت آق قلعه عازم گشت تا با لشکریان
آذوقه رساند و هم آنها را از آسیب ترکمان محفوظ دارد هنگامی که از پل سیاه آب
گذشته بجلگه رسید سواری از جانب قلعه کیان آمده اظهار داشت که ایشان ترکمان
از الم جعفربای گذشته و بالم حاجی آقا که در نیم فرسنگی آق قلعه است نزول کرده اند
ملک آرا بیالای تپه که بنرگس تپه موسوم است برآمده با دوربین سواری زیاد ملاحظه
نمود که بآق قلعه نزدیک شده اند پس درهمانجا توقف نموده سواری بشهر فرستاده
از جناب رئیس توپ و امداد طلب نمود هنوز اندکی نگذشته که سواران ترکمان
بیکدفعه اسب انداز بر سر آق قلعه تاختند مصطفی قلیخان میرپنج و حسینعلیخان شیخ
بیاره قلعه برآمده با گلوله و ساچمه توپ سوار ازا باز پس نشانده و سه نفر از ایشانرا
هدف گلوله توپ ساختند سواران بیکدفعه از دور قلعه پراکنده و منهدم شدند

و پیاده نزد ملک آرا معروض داشت که ایشان و ترکمانان فرار گمیان ایل
دار شدند صحرا و اطراف قلعه را بگذاشتند ساعتی بر نیامد که جناب رئیس با یک
عراده توپ و چهارصد نفر شهری بسواران ملک آرا ملحق گشتند نواب معظم الیه
چون دشمن را فراری دید و میدان را خالی یافت جمعیت شهری را رجعت داده با یک عراده
توپ را همراه گرفته از جناب رئیس نیز ملتمس شدند که بشهر رجعت فرمایند آنجناب
بدین معنی رضا نداده خود با معدودی قلیل بهمراه ملک آرا بقلعه در آمدند و آذوقه را
در میان لشکریان تقسیم نموده توپچیان را بانعامی شایان بنواختند صبح بیست و
یکم سه نفر ترکمان نزدیک قلعه آمده و مذکور داشتند که ایشان ترکمان با هزار سوار
بسرخ کلاده عبد الصمد خان تاخته برادران عبد الصمد خان را مقتول نموده پسر او را
با چهل نفر از دهاقین اسیر کرده با اغنام بسیار در شرف مراجعت اند ملک آرا
فوراً با سواران خود و چهارصد سرباز از قلعه بیرون آمده خواستند تا سر راه بر خصم
بگیرند و اسیرا را مسترد سازند هنوز ملک آرا بکنار رود نرسیده معلوم کردند که ترکمانان
از پل رود شده و از پشت سلطان دوین گذشته اند ملک آرا را از تعاقب
ایشان یاس حاصل گشت و عبد الصمد خان و سواره مقصود لو را بجانبهای خود فرستاده

و در کمال افسردگی بجای آنکه بشهر روند دوباره بآق قلعه رجعت نمود و شب را
در قلعه بماندند صبح بیست و دوم خبر آمد که ترکمان در داراجق بسغو کرده اند
و نواب ملک آرا هر قدر با دوربین باطراف ملاحظه نمود آثاری از ایشان
نیافت و چون رجعت بشهر لازم بود کریم خان ترکمانرا از برای تحقیق حال
از دشمن و تعیین مکان ایشان مامور داشت کریم خان در مراجعت برخلاف
امانت و دیانت مذکور نمود که ترکمانان بمکان و منازل خویش شده اندو یک
صد سوار ایشان بقراولی مانده است ملک آرا بدین حرف مطمئن گشته بصوابدید
جناب رئیس با دویست سوار و دویست پیاده و از آق قلعه بیرون آمده راه شهر
پیش گرفتند هنوز دو هزار قدم از آق قلعه دور نشده بودند که بناگاه سواران
بسقو کرده از هر طرف بیست نفر سی نفر بیرون آمده اطراف ملک آرا احاطه
نمودند مصطفی قلیخان میرپنج از بالای بارهٔ قلعه کثرت سواران دشمن را ملاحظه نمود
شیپور رجعت زد جناب رئیس پیاده شمشیر در دست گرفته برجعت رضا نداده
شروع بجهاد نموده و هر قدر خواستند او را سوار نمایند قبول نکرده و چون شیر
غران بر آن دشمنان اسلام حمله داد در حوالی نرگس تپه تعداد سواران دشمن به سه هزار

رسیده

رسید و کار بر مسلمانان تنگ شد و در آن هنگام آدینه خان با پنجاه غلام ترکمان
در رسید و ملک آرا را متحصن شدن در خانه خود که در هزار قدمی نرگس تپه واقع است
ترغیب و تحریص نمود درین حین جنگ درافتاد و شاهزاده جز رفتن بخانه آدینه خان
چاره نیافت پس خود شمشیر کشیده از مقدم سپاه جنگ کنان بسمت خانه روان
شد و در کنار خندق بایستاد تا تمام سپاه بخانه اندر شده در قلعه را بسته
متحصن گشتند و معلوم گشت که جناب حاجی ملا رضا در آن گیر و دار شربت
شهادت فائز گشته و پسر نواب معظم الیه زخمی منکر برداشته و ملا محمد نصرابادی
اسیر و پانزده نفر از سایر سواران شهید و زخمدار شده اند بالاخره نعش
مرحوم آخوند را از میان دشمن بیرون آورده و تمامی در درون قلعه رفته
از پشت دیوار قلعه بنای تیراندازی گذاشتند معدودی کثری از سواران ترکمان
به نیران شتافتند و دیگران سر از جنگ برتافته بسمت نرگس تپه شدند
و چون در آنحالت ماندن امری در نهایت صعب بود محمود خان قاجار داوطلب
شد که یکتنه بشهر رود و جمعی از اهل شهر باعانت و کمک با خود آرد ملک آرا
اگرچه این معنی را بیفایده میدانست ولی محض قوت قلب قلعگیان محمود خان را

منع نکرد

بشهر گسیل نمود و آن سوار دلیر در کمال جلدی و چالاکی خود را بشهر رسانده مردم را
از ین واقعهٔ عظمی اطلاع داد درین هنگام شام در رسید ملک آرا دو سمت
از داخل خانه را بنوروز خان و نصیر خان کهول و سمتی را بمحمد میرزا سپرده خود بتیر
در سمت مقابل نشسته مشغول محارست شدند ترکمانان جسور در آن ظلمت
شب بهیئت اجتماع بخانهٔ آدینه خان یورش بردند و دلیران و شجعان اسلام
همچنان سخت بایستاده از هر طرف ایشانرا هدف گلوله ساختند تا جمعی کثیر مقتول
شدند و از آن یورش صرفه نبرده رجعت کردند و چون از غلبه مایوس شدند
آدینه خانرا خواسته قرار بر صلح گذاشتند و از ملک آرا درخواست کردند که مبلغ
شش هزار تومان از بابت خون شصت نفر ترکمان مقتول بکسان ایشان بدهد
و یکصد طاقه شال بصد نفر سرکردگان ترکمان برسم خلعت عطا نموده بدون
نزاع بشهر استراباد رود چون آدینه خان این خبر را معروض ملک آرا داشت
شاهزاده محض مصلحت وقت و حفظ جان مسلمانان این مبلغ را قبول نمود
که بعد از رفتن بشهر بفرستد آدینه خان نزد ایشان رجعت نمود که امر مصالحه را
بگذراند و هنوز گفتگو بود که مردم شهری از دور نمایان شدند ترکمانان چون

چنان دیدند حرف مصالحه را گذاشته یکدفعه پنج شش هزار سوار تاخته وآن
بیچاره‌ها را در جنگل و با طلاق محاصره نموده شش هفت نفر کشته سر بقیه را اسیر کرده
نزد ایشان آوردند آن ملعون محض خباثت طبیعت حکم داد تا تمام آنها را
بقتل رسانند ترکمانان بدان رضا نداده گفتند از کشتن ایشان ما را فایده
متصور نیست و از غضب دستخط شاهنشاه ایران رهائی نتوانیم داشت بلکه چون اسیر
باشند از رد کردن آنها منافع کلیه خواهیم برد و راه استخلاص خواهیم داشت
اینک اینان ما را باشند و آنها که در درون قلعه بودند مخصوص تو مانند ایشان
مجبور بدین معنی رضا داده حرف مصالحت پیش آورد در امر مصالحه نیز طایفه
شرف و جونی که دو تیره مختلفند در قبول مصالحه با یکدیگر متنازع شدند و از در خصومت
بر آمده هر طایفه بیکطرف تپه منزل گزیدند آدینه خان مراجعت نموده مراتب را
بمامکت آرا اظهار نمود و معروض داشت که چون شب در رسد طایفه جعفربای
یورش خواهند آورد و خود رخصت حاصل نموده بمیان آتابای رفت سه ساعت
از شب رفته جعفربای قریب هزار سوار بنجانه یورش بودند و همچنان جمعی از ایشان
کشته گشته بی نیل مقصود مراجعت نمودند و از آنجا که ایشان شخصی در نهایت

از در هد ا

مذکور و مدبر بوده اختلاف شرف و چونی را از برای خود مضر دانسته در میان
ایشان اصلاح داد و چون صبح در رسید همه متفق گشته برسم ترکمانی هم عهد
گشتند فاتحه خوانده خود با علم و بیدق و تمام سواران برسر خانه تاختن کردند
ملک آرا از هر طرف مایوس گشته پناه بالطاف حضرت ذو الجلال و اقبال
شاهنشاه بیهمال جسته دست از جان شسته جنگ را آماده شدند چون سواران
نزدیک شدند و چند تیر توپ و تفنگ از جانبین رد و بدل شاهزاده محمد میرزا
علمدار ایشان را بنظر آورده با یک گلوله تفنگ بدار بوار فرستاد و علم نگونسار
گشت ایشان آستین بر زده با شمشیر برهنه در مقدم سوار از برای در خانه روانه شدند
ملک آرا خود او را بنظر آورده گلوله بر شانه چپش زد و هم یکی از غلامان کتول
تیر دیگر بشانه دیگرش رسانید تا بر زمین خورد ناگاه ترکمانی فریاد بر آورد که ایشان
برد و جمیع سواران از این خبر هزیمت شدند ساعتی بر نیامد که جز نعش زیاد
آثاری از آن نابکاران در آن بیابان نماند ملک آرا بسجده افتاده شکر
خداوندگانه بجای آورده و یکساعت بعد با تمام همراهان نعش مرحوم آخوند زاده را
برداشته بشهر استرآباد آمده و مژده این فتح و آمدن رؤسای ترکمانان را

از در

از روی تضرع و خدمتگذاری با جاپاری مخصوص بعرض عاکفان حضور معدلت
دستور همایون رسانید بالاخره چون سرکار شاهنشاهی از وقوع این فتح
که محض از توجه ائمه هدی علیهم السلام و اقبال بیزوال همایون شهریاری صورت
تیسر پذیرفته بود خورسند و دلشاد گشتند شهابدان اکتفا نفرموده و استرداد اسرا
و تنظیم کلیه صفحات استراباد و حدود بحر خضر و تنبیه کامل طایفه ضاله را تصمیم
عزم ملوکانه داده هم دران شب باعتضاد الدوله دراجرای این مهم فرمایشات
لازمه و تاکیدات مؤکده فرمودند

غره ربیع الاولی و هیجدهم توقف موکب همایون اعلی در آستان عرش نشان معلی

از آنجا که تولیت خاص و ریاست خدام آستان عرش اساس باختصاصیه
مخصوص ذات والاصفات همایون شاهنشاهی است بر ذمت همت ملوکانه
لازم و واجب بود که خدام آن آستان مبارک را جزو کل سان دیده
و بحتابچه جمع و خرج موقوفه آستانه امعان نظر و صرف دقت فرمایند
تا چیزی برخلاف واقع بمصرف نرسد و خادمی من غیر استحقاق بدین فیض

علی کمنه

عظمی مستعد نگردد پس در این روز از اول صبح محض اجرای این تکلیف
بزرگ که حق نایب امام و سلطان اسلام است از ارک مبارکه بیرون تشریف
آورده و تشریف فرمای آستانهٔ مقدسهٔ منوره شدند ابتدا بدار الشفای
جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیر الدوله است تشریف برده وضع باغچه‌ها
و حجرات مرضاء و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه جات مریضخانه مقبول
طبع ملوکانه گشته و مبلغی بخدام و مستحقین دار الشفا برسم انعام احسان فرمودند
و از آنجا داخل صحن متبرکه گشته اول بزیارت آستان امامت تشرف جسته و
از آن پس برسم بازدید علمای مشهد که در دار السعاده مجمع بودند اندکی در آنمکان
توقف فرموده و با هر یک از علما اظهار مرحمت و مکرمت نموده و از برای
صرف نهار که از کارخانهٔ مخصوص حضرت فیض آثار آماده و مهیا ساخته بودند بگنبد
الله وردیخان تشریف بردند
اعتضاد الدوله و معیر الممالک و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و هم دیگران
از چاکران را مقرر داشتند که رفته محض تیمن و تبرک از خوانهای نعمت حضرت
امامت که زیاده از اندازه بودند قسمت گیرند و معدودی از چاکران ادنی و اعلی

باقی نماند که در آن روز در آن آستان مبارک تغذیه ننمود حتی قسمتی از برای
بازماندگان و اقربای خویش نگرفت چون سرکار پادشاهی را از صرف نهار
فراغتی حاصل گشت بدار السعاده تشریف برده و بر کرسی تولیت و نیابت
جلوس فرموده میرزای ناظر و جناب صدر را که از جمله سادات و رؤسای قوم بودند
اذن جلوس داده امر باحضار خدام شد مجد الملک سرکشیکباشی از روی ثبت سررشته
دفترخانه مبارکه حضرتی یکان یکان رؤسا و مرئوسین کشیک خمسه را از نظر
آفتاب اثر همایون گذرانده و معرفی نموده تا تمام از سان گذشتند و منظور
نظر مبارک گشتند جمعی کثیر از اعاظم و رجال دولت و چاکران دربار همایونی
نیز مانند اعتضاد الدوله و معیر الممالک و اجودان مخصوص و آقا علی و حاجی محمد
صادق خان سرتیپ و عکاسباشی و امثال ایشان حتی محمد خان که نبیسه و اغلبی
از صاحبمنصبان جزو که در آستانه مقدسه حضرت سمت خدمتگذاری و خادمی داشتند
هر یک در کشیک خود از سان گذشتند پس از سان کتابچه جمع و خرج آستانه
ملحوظ نظر ملوکانه گشت و در جزو کل جمع و خرج آن دقت خسروانه مصروف
آمد تا جمع که معادل پنجاه هزار تومان بود قریب ششهزار بر خرج فزونی نموده مقرر شد

که وجه مزبور

که جناب متولی باشی همه ساله اینمبلغ را باستحضار کارگذاران دیوان اعلی صرف
تعمیر عمارات و توسعه و آبادی موقوفات سازد از جمله مصارف زیاد آستانه
که خارج از قاعده بود و متروک گشت آن بود که بمرور دهور جمعی کثیر از شاهزادگان
عظام و چاکران دربار سپهر احتشام در آستانه مقدسه بخدمتی سرافراز شده
از دیوان حضرت فیض آثار مواجب و مرسوم داشتند و چون خود در سر خدمت
حاضر نبودند آن مبلغ را بنواب خویش واگذار مینمودند و در سال مبلغی گزاف بدین
اسم بخرج منظور می گشت پس سرکار همایون شاهنشاهی محض اجتناب از چنین
مصارف بیمعنی از امروز بموجب حکم صریح مقرر داشتند که من بعد هر کس محض تیمن
و تبرک و حصول افتخار دنیوی و اخروی متمنی آنست که جزء خدام آستان عرش
نشان باشد وصول بدین موهبت عظمی را فرمان افتخار حاصل کند و خود از عهده
مصارف و مخارج نایب خویش برآید و اسراف در مال امام جایز ندارند تا آنچه همه ساله
بدین اسم بخرج میرفت در آینده بمصرف واجب و لازم رسد چون ذات والا
صفات همایون از انتظام و اصلاح این امر مهم بپرداخت با امین الدوله و اعتماد
السلطنه و دبیر الملک بکتابخانه مبارکه تشریف برده بقیه کتب را ملاحظه فرمود

اوراق قرآن عظیم که بخط میرزا بای سنغر است در نظر انور زیاده از حد جلوه گر
آمده و مقرر داشته شد که مخصوصا بهمه جا بسپارند تا هر کس از بقیه اوراق این قرآن
بیابد آورده بکتابخانه مبارکه بدهد مستحق انعام و احسان جزیل شود سه ساعت
بغروب مانده حضرت همایونی در روضه مطهره نماز گذارده تحویلخانه و کشیکخانه
و سایر اماکن آستانه مبارکه را نیز از روی دقت امعان نظر فرموده از راه بازار
بمقر سلطنت عظمی عود دادند و با آنکه مزاج مبارک همایونی را بواسطه اندک درد دل
و تب کسالتی تام بود تا شام مشغول انجام احکام دار الخلافه گشته و نزدیک شب
بکتابخانه نواب جلال الدوله تشریف برده از آنجا بحرمخانه مبارکه رفته بیاسودند
خادمان حرم محترم شاهنشاهی که بزیارت مقبره خواجه ربیع علیه الرحمه مشرف شده
بودند هنگام مغرب بارک مبارکه رجعت نمودند آقا ابراهیم آبدار باشی که چند
روز قبل بمرض ذات الجنب مبتلا شده بود ازین مرض صعب صحت یافته و خاطر
مبارک شاهنشاهی از صحت مزاج این چنین چاکر صدیق جان نثار خورسند گشت
و هم حاجی محمد بیک خان قهوه چی باشی را که حمی مطبقه مستولی گشته بود حکما
و اطبای سرکار پادشاهی مشغول معالجه شدند و نهایت اهتمام را در علاج او مرعی داشتند

دوم ربیع الاول و نوزدهم توقف اردوی کیوان پوی

درین روز سرکار همایون پادشاهی بواسطه بقیه کسالت مزاج روز سابق خود را از مشرف شدن باستانه مقدسه معاف داشته اولا با امین الملک در برخی مطالب دولتی و مملکتی فرمایشات و احکامات لازمه فرموده بعد قلیل غذائی تناول کرده اندک وقتی بغنودند محمد تقی خان افشار و محمد حسن خان محقق بعرض تاریخ روضة الصفا مشغول گشتند تا سرکار پادشاهی از خواب برخواستند و بحمد الله تعالی از برکت توجه امام علیه السلام از کسالت مزاج مبارک همایونی آثاری نمانده بود

حکیمباشی طلزان بحضور مبارک مشرف گشته سرکار شاهنشاهی از نیکوئی و خوبی و اعتدال شبهای مشهد خاصه نایاب بودن جانوران موذی و قلت حشرات الارض بحکیم اظهار تعجب و خوشوقتی میفرمودند حکیمباشی نیز از سلامت هوای این شهر شریف در نهایت توصیف میکرد و معروض میداشت که یکی از محسنات هوای این شهر عدم بادهای سخت سیاه گرد آلود و اعتدال کلیه هوای شبهاست و بهمین جهت یقین میتوان کرد که هر گاه جزئی مراقبت و مواظبت در تنظیف داخله

شهر نمایند اهالی آن از اغلب امراض وافده و غیر وافده مصون و محروس مانند
بالاخره حکیم باشی از روزنامجات فرانسوی بعرض حضور مبارک میرساند که خیال
و گفتگوی جنگ که سابق براین درمیان دول یوروپا بر سر خیال و حرفی
سبقت داشت اکنون من حیث المجموع بگفتگوی صلح و آرامی تبدیل یافته مردم اخر[؟] هوای
تفرج بساط عرض شهر پاریس خیالی نیست و در این بساط که باصطلاح فرنگیان
اکس پزیسیان مینامند جمیع سلاطین یوروپ چون امپراطور روس و پادشاه
پروس و ولیعهد دولت انگلیس و دیگر سلاطین و پادشاهان حتی اعلیحضرت سلطان
آل عثمان نیز حاضر شده اند و از قراریکه روزنامه نویس نوشته بود مردم کمال
افسوس را داشته اند از اینکه شاهنشاه مملکت ایران بواسطه سفر خراسان نتوانسته اند
دعوت اعلیحضرت امپراطور را قبول نموده در اینموقع نیک بدان صفحات تشریف
فرما شده و سیاحت فرنگستان فرمایند یکساعت بغروب مانده حکیمباشی مرخص
شد و سرکار پادشاهی بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شده آقا یوسف نایب سرای
دار را مقرر فرمودند که شب در بالای برج امین نظام که مشرف بعمارات ارگ
و خارج است آتش بازی ایرانی و فرنگی کند موجب فرموده سه ساعت از شب گذشته

آتشبازی بس نیکو کردند که اسباب حیرت اهالی شهر و غربا بود

سوم ربیع الاول و پنجم توقف ارض اقدس

درین روز خاطر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتفرج باغ خلج که در خارج شهر واقع است عزم فرموده و در اول روز بعد از حمام از دیوانخانه مبارک بیرون تشریف آورده از کنار باغ خونی که یکی از باغات معروف مشهد است عبور فرموده بباغ خلج که در سمت جنوبی شهر واقع است تشریف فرما شدند و در باغ مزبور امیرزاده محمد حسین میرزا و حاجی محمد قلی بیک و ابراهیم خان نایب اصطبل خاصه همایونی اسبان عربی و ترکمانی مرحوم سپهسالار را که در حیات خود از برای پیشکش حضور همایون مهیا نموده بود از حضور مبارک گذرانده باصطبل خاصه بردند یکی از آنها که اسب عربی ممتازی بود بمحمد حسن خان محقق مرحمت شد سرکار پادشاهی بعد از تفرج و صرف نهار باستراحت مشغول گشتند و این بنده تا چهار ساعت بغروب مانده بعرض کتاب ناسخ التواریخ اشتغال ورزید درینوقت محمد صادق خان سرتیپ عریضه بحضور مبارک فرستاد متضمن رقعه که حاجی حسین خان شهاب الملک بدو نوشته بود

مبنی بر آنکه فوج زرندی که بر حسب امر اولیای دولت مأمور به خلو کلات بودند
بتحریک چند نفر از مفسدین بانضمام محمد مرادخان سرتیپ خود بنای نافرمانی
گذارده و بی احترامی کرده اند و یکدسته ایشان که اهالی مزدقان چای و معادل
دویست و پنجاه نفر بودند در زاویه مقدسه بستی شده اند خاطر مبارک خسروانی
ازین خبر برآشفته ملک منصور میرزا و آقا علی آشتیانی را مأمور فرمودند که بشهر رفته
تحقیق این مسئله را نمایند و سبب بستی شدن سرباز را معلوم کرده اولیاء
دولت و وزراء حضرت در دیوانخانه مبارکه حاضر زیارت خاکپای همایون
و اصغای فرمایشات ملوکانه سازند و خود سرکار پادشاهی بعد از نهار
سوار شده با میرشکار و محمد علیخان این بنده بر بالای کوهی که در آن حوالی
و در سر راه زغنه و هم بند طرق از آنجا نمایان است برآمده لحظه با دوربین شهر
و اطراف را سیاحت فرموده از کوه بزیر آمده بدرشکه نشسته و نیم ساعت
بغروب مانده بشهر تشریف فرما گشتند امین الدوله و اعتضاد الدوله و دبیر الملک
و اجودان باشی در دیوانخانه درک فیض زیارت خاکپای همایون نمودند
شاهنشاه از واقعه حادثه مستفسر گشته چون معلوم حضور مبارک گشت که این حرکت

بر بار

سربازمحض فساد و نزفش بکلات و بدون حقانیت بوده است مقرر شد
یک فوج رفته دور ایشانرا بگیرد و اولا اولیای دولت ایشانرا به نصیحت و مواعظ
اطمینان دهند و از عواطف ملوکانه امیدوار ساخته درصورت خلف از غضب
دستخط خسروانی بیاکاهانیده و تحریص دربیرون آمدن کنند هرگاه مخالفت
نمودند تمام را گرفته بمعرض عذاب و سیاست آرند امین الدوله واجودانباشی
نیز بموجب فرموده بزاویه مقدسه شتافته و باسربازان از درپند و نصیحت برآمدند
و سرکار شاهنشاهی در نهایت تغیر خاطر بحرم خانه مبارکه تشریف فرما گشتند

چهارم ربیع المولود و بیست و یکم ورود موکب مسعود

بهنگام صبح امین الدوله واجودانباشی بعرض عاکفان حضور عطوفت
دستور رسانیدند که سربازان بستی از غضب ملوکانه آگاه گشته نصایح و مواعظ
اولیای دولت را بگوش قبول اصغا نموده شبانه از بست زاویه مقدسه بیرون
آمده و ازین عمل ناصواب خویش نادم و پشیمان گشته امید عفو و اغماض دارند
سرکار شاهنشاهی نظر بعنایت و گذشت کامله ملوکانه قلم عفو برجرایم اعمال ایشان
کشیده و ازاین جرم عظیم درگذشتند چهار ساعت از روز برآمده ظهیرالدوله

و میرزا

و میرزا نصرالله مستوفی و حاجی میرزا محمد رضای وزیر بحضور عطوفت تخمیر

تشرف جسته کتابچه جمع و خرج خراسان را که در ثانی بموجب امر همایونی نوشته

شده بود از لحاظ انور ملوکانه گذرانده بصحح مبارکه موشح ساختند محمد ابراهیم خان

مظفرالدوله که مدت زمانی مامور خدمت سیستان بود از شهر جدید ناصری

که در آن سامان بنا کرده اند با سواره و پیاده ابواجمعی خویش برکاب همایون

آمده بحضور مبارک مشرف گشته خود و پسرش از مراحم گوناگون ملوکانه کامیاب

و مفتخر گردیدند امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمدخان حاکم هرات

با عبدالله خان برادرش و چند نفر از رؤسای علی کدائی و خزائی و دیگر طوایف

افغان از راه سیستان بهمراه مظفرالدوله بزیارت آستان کیوان پاسبان

مشرف شده مورد الطاف و عنایات بی پایان خسروانی گشتند و چون

ایشان رخصت انصراف یافتند نور محمد خان پیشخدمت خاصه و امین دیوانخانه

مبارکه برسم معهود کتابچه عرایض دادخواهان و متظلمان را بعرض حضور مبارک

رسانیده هر یک از عرایض را بموجب دستخط قضانهمت جواب حاصل نمود

آنانرا که از فقرا و مساکین بودند مقرر گشت اجودان مخصوص تحویلدار وجه صرف

مبارک

حبیب مبارک هریک را بقدر خور حال انعام شایسته دهد و آنانکه از طلاب
و سادات بودند با عطای مستمری و وظایف بهره ور گشتند متظلمین و داد
خواهان را که مظلوم واقع شده بودند از هر مملکت بودند بدیر و وکیل آن مملکت مقرر
گشت که غور رسی در عرض ایشان نموده احقاق حق نمایند و هم نور محمد خان از
امر اکید و بلیغ مقرر آمد که بعد از اجرای احکام ملوکانه عرایض با نجام رسیده
و مطالب تمام شده را در ثانی بعرض خاکپای همایون برسانند تا عرضی بلاجواب
نماند و اتمام مطلبی برخلاف صواب واقع نشود چه سرکار شاهنشاهی را بالطبع در دادرسی
مظلومان و احقاق حق رعایا و برایا رغبت و مراقبتی تمام است و محض آنکه
دران سفر مبارک رعایای جزو و کل هیچیک از زیارت جمال میمون مثال محروم
نباشند و عرض عارضی غیر معروض نماند همت ملوکانه بران قرار گرفت که هم چند روزی
بسیاحت و تفرج ییلاقات شاندیز که از دهات خوش هوا و آباد و پر جمعیت و
پر حاصل مشهد است تشریف فرما شوند و حاجب الدوله و دیگر چاکران مقرر گشت
که پیشخانه بدانجانب فرستند و معدود قلیلی از چاکران خاص چون شیکچی باشی
و ساری اصلان و حاجی سعد الملک و حاجی شهاب الملک از برای

التزام رکاب مبارک اختیار نمایند

پنجم شهر ربیع الاول و بیست و دویم توقف شاهنشاه معدلت گستر

درین صبح که هم از ایام تعطیل بود سرکار پادشاهی بقانون هر هفته ازبرای شست و شوی بدن مبارک بحمام تشریف برده پس از استحمام بخلوت دیوانخانه آمده تا چهار ساعت بغروب مانده بمطالعهٔ نوشتجات مرحوم سپهسالار مشغول بودند میرزا علیخان منشی حضور همایون مختصر روزنامهٔ اردوی کیوان شکوه را که از بدو حرکت موکب منصور همایون در دار الطباعهٔ اردو چاپ می شد متضمن ورود ارض اقدس و بعضی وقایع و اتفاقات بعرض حضور مبارک رسانده مقبول خاطر مبارک همایونی گشت بدین تقریب در حضرت خسروانی سخن از نظم و نثر بمیان آمد طبع منیر مبارک ملوکانه که محیط هر علم و دارای هر گونه کمال است بدان مایل گشت که این ذره بمقدار و غلام جان نثار را مخاطب بفرمایشات علیه فرموده مقرر داشتند حکیم مدتهاست هیچ شعر نگفته ایم و جز صحبت رسمی نداشته ایم هم اکنون خاطر مبارک ما مایل است که بالبداهه قطعه در حق تو انشاد فرمائیم و بدون تامل و تخیل این چند شعر را بالبداهه فرمایش فرموده و بدان تفریح نمودند

و چون این اشعار از برای این عبد مایهٔ کمال افتخار بود و می‌نمود که طبع وقاد شاهنشاهی چه قدر در انشاد اشعار قادر است همان چند بیت فرمایش ملوکانه را که در حقیقت شرح حال ماست آن درین اوراق مندرج ساخت

فرمایش علیه ملوکانه

ای حکیم الممالک سلطان	که بشاگردیت سزد لقمان
ای فلاطون تر کمینه غلام	ای ارسطو بنزد تو نادان
لیکن اوصاف حکمت را من	نکنم بر جهانیان پنهان
نسخهات را چو میبرند بروم	زیره کو می‌برند بر کرمان
گر بگیری تو نبض بیماری	روز محشر بگیردت دامان
گر معالج شوی بمسکینی	ندهی فرق گوش از دندان
زعفران گر دهی بگریه شود	آنکه بودی بصبح و شب خندان
خواهی ار داروی نمائی سحق	جای هاون بیاوری سندان
اثر ملح خواهی از شکر	خشکی معده جوئی از ریحان
صاحب ثقل گر بود نجدی	می‌کنی شاف بر بنی همدان

هر دوائی که میدهی بمریض | واجب است اشتهار قرآن
چون بعجز آئی از علاج کسی | مدد وبخت جوئی از شیطان
گر شفا یافت از تو بیماری | داد عمر دوباره اش یزدان
گر تو باشی طبیب یکدو سه سال | کس نماند بخطه ایران
این چنین بو العجب فلاطون را | شاید ار شه نوازد از احسان

چون قطعه بانجام رسید این بنده شکر این مرحمت خاص بجای آورده در رکاب رفعت اساس بزیارت آستانه مقدسه شتافت ذات والاصفات خسروانی بعد از استفاضه و استسعاد زیارت در روشن کردن چراغها نیز مانند نوبت گذشته رسم خدمت بجای آورده نماز مغرب و عشا گذارده بارک مبارک عودت فرمودند

روز سه شنبه ششم شهر ربیع الاول و تشریف فرمائی موکب مظفر به ییلاقات شاندیز

چون یکساعت از روز بر آمد شاهنشاه عالم پناه از دیوانخانه مبارکه بیرون آمده بعزم قصبه شاندیز از خیابان علیا عبور فرموده بدرشکه نشستند ظهیر الدوله حاجی سلیمانخان حاکم نیشابور را که بملاحظه دادن دعا و رعایای

آن سامان از محل حکومت خویش احضار شده بود بحضور مهر ظهور مشرف شد مقرر گشت که باطلاع امین الدوله و حاجی محمد رضای وزیر چند نفر از ریش سفیدان و بزرگان خراسان در میان ایشان و عارضین غوررسی نموده حقیقت عمل را بعرض عاکفان حضور باهر النور اعلی رسانند تا هرگاه جانب حق مرزبان را و صدق قول ایشان معلوم افتد حاجی خان مشار الیه را معرض عتاب و خطاب آرند و هرگاه اقوال ایشان از روی خودسری و نافرمانی باشد بر عرض ایشان وقعی ننهند و حاجی سلیمان خان را بدار الحکومه خود رجعت دهند و بر اقتدار و اعتبارش بیفزایند بالاخره ظهیر الدوله و دیگران از رکاب مبارک مرخص شده و بنجماعت از روز گذشته موکب مسعود بقریه ویرانه نزدیک گشت حسن خان خورد ایماق که هم این قریه بسیورغال او مقرر است با کسان و سواران خویش باستقبال رکاب مهر انتساب پیش رفته مورد عواطف ملوکانه گشت و سرکار پادشاهی برحسب استدعای مشار الیه از برای صرف نهار در باغیکه دران قریه بود شرف ورود ارزانی داشته شد و بعد از صرف نهار مجدداً در درشکه قرار گرفته از قریه لنگر و سواران و حصار سرخ و سر آسیاب

وشاہی دہ عبور فرمودہ چہار ساعت بغروب ماندہ در قصبۂ شاندیز بباغی خوش آب و ہوا کہ مخیم خیام زرین قباب بود نزول اجلال فرمودند و تا وقتی باستراحت مشغول گشتند تا اہالی حرمخانۂ مبارکہ نیز در رسیدہ و باغ دیوانخانہ قورق شد شب بعد از شام قورق بسخت امین خلوت و اجودان مخصوص و آقا علی و حکیمباشی طهران و میرزا علیخان و محمد علیخان و دیگر مقربان بار یافته خاطر مبارک را بصحبت اشعار و حکایات و اخبار روزنامجات مشغول و مشعوف داشتند

از مشهد بشاندیز پنج فرسنگ است و اغلب آباد و معمورہ است سمت راست بلوک میان ولایت است کہ قراء و مزارع متعددہ آن خاصہ کاظم آباد ملکی حاجی قاسم طهرانی از دور نمایان است سمت چپ نیز دہات متعددہ آباد کہ از آنجملہ امام آباد و صفی آباد و تلکی و قاسم آباد وغیرہ است و در وسط جادہ یکفرسنگ از ویرانہ گذشتہ یارلقان عظیم وسیعی واقع و بعد از آن لنگر و سایر قراء معمورہ فوق است کہ تا شاندیز بیکدیگر پیوستہ قصبۂ شاندیز قریۂ در نہایت آباد و معمور و صاحب یکصد خانہ و باغات و عمارات عالی است از آنجملہ

عمارت ملا صادق صندوق شاندیزی است که مشرف است برودخانه و باغات

چهارشنبه هفتم شهر ربیع الاول

ذات والا صفات همایون شهریاری در این روز از برای تفرج قریهٔ
نوغان در هنگام صبح بر اسب کهر عربی شجاع الملکی سوار گشته با معدودی
چند از خواص از باغ شاندیز بیرون شدند این خانه زاد سرکار شاهنشاهی برسم
معمول با بلدی از اهل بلوک و ابراهیم خان نایب همه جا در مقابل اسب همایونی
بلدی مینمود و اسامی و احوال مزارع و قرا را بعرض میرسانید در این تفرج
اول قریهٔ که بنظر مبارک آمد قریهٔ خادر بود که باغات آن بباغات قصبهٔ شاندیز
وصل است از خادر گذشته دره ایست طولانی که اطراف آن تمام از انهار
صاف گوارا و اشجار بید و چنار و فواکه بیشمار مزین و مغرس است و چنان
مینماید که در هر گوشه باغی است از روضات جنان که پای آدمیان در وی راه
نیافته و نسیم گل و شمیم سنبل او جز از حور و غلمان خبر نمیدهد چون دو فرسنگ
از مسافت آن دره طی شود قریهٔ نوغان در بادید آید که بحیثیت خضارت و صفا
و نضارت و هوا بهشتی را ماند عنبر سرشت همانا مزارع و گشتش از جویبار سلسبیل

آبیاری شده و در صحاری و براری آن باغبان قدرت تخم زندگانی کشته
رود عظیمی از وسط آن قریه چون آب زندگانی در جریان و خانهای دهقانان
از دو سمت رود نمایان در مقابل هر خانه نثار قدم حضرت شهریار دختری پریروی
دسته گلی در دست و جوانی خوش قد و موی سبد میوه بر کف سعادت چنین
روز را مغتنم شمرده و هر یک بزبانی بدعای وجود مسعود مترنم بودند شاهنشاه
رعیت پرور عادل نیز با هر یک از جوان و کامل اعتنایت و توجهی شامل شان
فرموده از میان قریه گذشته با متداد دره در چمن زاری نیکو فرود آمدند
حاجی میرزا علی مشکوة الملک در بهارگاه ملتزمین رکاب مبارک پیوسته
و پیوسته از چنین مکانی شگفت در شگفت مانده اظهار تعجب و حیرت مینمود
و معروض خاکپای همایون میداشت که خداوند متعال این چنین مکانها بدان
خلق فرموده که بنی نوع بشر را از بهشت جاودان نمونه مجسم باشد و انسانرا
از بهترین خلقتهای خویش متنعم سازد بالاخره بعد از صرف نهار شاهنشاه کامکار
بقصد تفرج تمام دره مجددا سوار گشتند و چون مسافت دو میدان از آن
باغ بی پایان طی شد معروض خاکپای همایون افتاد که این دره همچنان

سه فرسنگ دیگر طول دارد تا بقریهٔ کنگ و زشک رسد و از آنجا بجبال
پر برف شمال مغربی منتهی گردد پس از آنجا که وقت برای طی تمام دره کافی
نبود حضرت همایونی در کنار نهر آبی فرود آمدند محمد حسن خان جنرال آجودان
خاصه نسخه از کتاب ناسخ التواریخ میرزای سپهر که بخطی نیکو نوشته بودند و شایستهٔ
حضور مبارک بود بحضرت همایونی تقدیم نمود و هم محمد حسن خان محقق احوالات
شاهنشاه مرحوم مغفور را از آن کتاب مستطاب بمعروض میداشت و حضرت
پادشاهی قدری راحت فرمودند و اندکی از میوه جات گوناگون آن
باغات تناول کرده از راهی که بالادست دره بود مراجعت فرمودند در نیم
فرسنگی شاندیز چشمهٔ صاف و حوضی که اطراف آن درختان چنار کهن و کاج
قوی کاشته شده بود مشهود نظر مبارک گشت و چون مکانی قابل توجه ملوکانه
بود خاطر مبارک بدان مایل شد که در روز آینده بدانجا تشریف فرما شده
تمام روز را بعیش و طرب گذرانند پس آقا ابراهیم آبدارباشی را امر و مقرر شد
که قبل از تشریف فرمائی سرکار همایونی بدانجا آمده آفتاب گردانهای مخملی
زرّین برپای کند و بر طراوت و نظافت اطراف چشمه بیفزاید

وحضرت پادشاهی از آنجا عطف عنان فرموده از بالای قلعهٔ قدیم شاندیز عود بمنزل نموده بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند و شب بعد از شام فارق بجت و آقا علی پیشخدمت خاصه و محمد علیخان و این بنده و دیگر چاکران مشرف اندرون حضور مبارک شدیم

قلعهٔ قدیم شاندیز در بالای تپه واقع است و او را خندقی و حصار و باره محکم و سخت بوده که اکثر اسباب شرارت و جسارت و تحصن اهالی آنجا میشد از آنجمله در اواخر ایام شاهنشاه مرحوم در حادثه طغیان سالار نابکار اهالی این قلعه که علف ایشان از شرار بوده اند بنای نافرمانی گذاشته و در قلعهٔ مذبور متحصن شده بودند چون سلطان مراد میرزای حسام السلطنه فرمانفرما و سردار مملکت خراسان شد هر قدر از در پند و نصیحت بر آمد آن بیخردان و خودسران سودمند نیفتاد پس بناچار عساکر منصوره قلعهٔ مزبوره را محاصره نموده برج و بارهٔ او را بضرب گلوله توپ منهدم ساخته رعایا از در ضراعت و خدمت برآمدند و از قلعه چنین سخت جز آثاری بجای نماند

پنجشنبه هشتم شهر ربیع الاول

اعلیحضرت همایون شهریاری چنانکه در روز قبل مقرر شده بود دو ساعت از روز برآمده
بسر چشمه حاجی غلامعلی قندهاری تشریف فرما شده در کنار حوض و سایه درختان
و آفتاب گردانهای لوان تمکن نموده از حقیقت این چشمه معلوم فرمودند از قراریکه
از پیران و کهنسالان و دانشمندان شاندیز تحقیق شده بود و بعرض عاکفان حضور
رسید حاجی غلامعلی قندهاری در بدو امر مردی بازرگان و جواهرفروش و صاحب
مکنت فراوان بود و در کمال عزت و جلال زندگانی مینمود در اواخر عمر نسیم
سعادت بر پرچم اقبالش وزیده و رایحه محبت و طریقت بمشامش رسیده دست
از تجارت و مکنت شسته در جوار این چشمه منزوی گشته و این درختان و سایبانها را
از برای خویش مهیا ساخته بریاضت و عبادت مشغول گشت تا روزگارش
بپایان آمد و از جمله غرایب آنکه این چشمه یا قنات را که در زیر کوه واقع است ممری
وسیع است بحدیکه شخص میتواند بسهولت ایستاده در او گذر کند تا بفسحتی رسد که
میدانچه را ماند و در وسط آن میدانچه میلی باشد سنگین که آب چشمه از اطراف
آن جریان دارد آقا ابراهیم آبدارباشی تحقیق صحت و سقم این مدعا را چند نفر از
مقنیان و سقایان با هوش با شمع و فانوس باندرون قنات فرستاده

بعد از مدتی که مراجعت کردند همچنین برحسب این مدعا گواهی دادند بالآخره سرکار
همایونی بعد از صرف نهار و ملاحظه عرایض امرا که از مشهد رسیده بود محض مرحمت
مبلغ یکصد تومان بعمله خلوت همایونی انعام فرموده مقرر داشتند در حضور مبارک
بازی نرد اشتغال ورزند و خاطر مبارک را بمصاحبت مشغول دارند بعد از ساعتی
طبع همایونی براحت مایل گشته اندک وقتی بغنودند و مغنیان خاص چون
حاجی حکیم و آقا علی و آقا غلامحسین و آقا محمد صادق با نغمات خوش و دلکش
بساز و نواز مشغول گشتند دو ساعت بغروب مانده حضرت پادشاهی نماز
خوانده و عصرانه میل فرموده سوار شدند سواران و ملتزمین رکاب را در دوره گذاشته
و خود با تیمور میرزا از بالای قلعه همه جا تفرج کنان تشریف فرما شده در بعضی
مزارع نظر کرده بسهولت امر زراعت آن صفحات توجه و تعجب داشتند که از چهار رشته
قنات نیم سنگ آب جریان کند و از یک تخم بیست تخم حاصل آید نیم ساعت
بغروب مانده بشاندیز تشریف فرما شده و شب را در حضور همایون آتش بازی
نیکو کردند و چون منظور خاطر مهر آثار همایون تفرج و سیاحت قصبه اسجیل و چشمه سبز
بود مقرر گشت که چادر مختصری بدانجای برند و خیام پیشخانه و فراشان

وچند دسته از غلامان و سربازان در شاندیز توقف داشته منتظر مراجعت

موکب منصور باشند چه عزم مبارک بدان بود که مراجعت از ابحیل سرشبی در شاندیز

مانده از آنجا بشهر معاودت فرمایند

جمعه نهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بقصبه ابحیل

درین روز سرکار همایون پادشاهی در اول روز از حمام بیرون تشریف آورده

با اسب سرخنک پیشکشی حیدرقلیخان ایلخانی سوار گشته بسمت ابحیل تشریف فرما

شدند کشیکچی باشی و حاجی شهاب الملک و ساری اصلان و حاجی سعدالملک

و دیگر چاکران ملتزم رکاب بودند و چون قدری از شاندیز گذشته راه صاف

و مسطح بود خاطر مبارک میل سواری درشکه فرمود و تا قصبه کاهو که از شاندیز بمسافت

دو فرسنک بعد دارد با درشکه تشریف برده و در ابتدای دره و باغات کاهو

باسب رجوع فرموده سید ابوالحسن خان افغان امین آستانه مقدسه که هم این قریه

به تیول ایشان مقرر بود با تمام اهالی قریه که زیاده بر سیصد نفر بودند قدوم میمنت

لزوم را استقبال کرده و بشکرانه این سعادت پیشکش و قربانی لایق

پیش گذراندند سرکار ظل اللهی سید معزی الیه را مورد نوازشات و عواطف

ملوکانه فرموده و باباناث و ذکور قریه اظهار مکرمت و ملاطفت فرمودند و از جناب
سید احوال آن صفحات را جویا بودند تا از قریه گذشته شد این بنده آستان
شاهنشاهی در خارج قریه و کنار رودخانه باغی دلجو و چمن زاری نیکو بنظر آورده
معروض عاکفان حضور داشت تا هرگاه رای مبارک اقتضا فرماید صرف نهار
در آنجا کنند پس آن مکان مقبول خاطر مهر نشان گشته فرود آمدند امین خلوت
عریضه جات و مطالبی را که امین الدوله از شهر معروض خاکپای همایون داشته
بود از لحاظ انور اقدس گذرانده جواب هر یک را صادر نموده با تفنگداری
مخصوص روانه داشت و حضرت پادشاهی از نهارگاه حرکت فرمودند و همه جا
از میانه باغات و سایه درختان پرثمر و آبهای صاف گوارا گذر میفرمودند تا بقصبه
دولت آباد و از آنجا بقصبه اسحیل که منزلگاه بود تشریف فرما شدند مهدیقلیخان
خرگوشی در راه صید کرده بحضور آورده مورد انعام ملوکانه گشت شب بعد از شام
قورق شکست اجودان مخصوص و میرزا علیخان و آقا علی و محمد حسنخان و محقق و ما
چاکران بحضور مشرف شدیم مغنیان خاص ساعتی تغنی کردند و میرشکار از
چشمه سبز مراجعت کرده از نیکوئی هوا و کثرت شکار شرحی معروض داشت و حاجی

بمبارکی اران

مبارک بدان مایل گشت که فردا بچشمه سبز تشریف فرما شوند صفحات کاهو از
بلوکات بسیار آباد و خوش آب و هوای مشهد است از شاندیز الی کاهو دو فرسنگ و
نیم است دو فرسنگ آن صحرا و سطح و بقیه آن باغات و ابتدای دره است
و این دره و باغات تا قصبه دولت آباد و ابجیل که چهار فرسنگ است امتداد
دارد و همچنین ممتد است تا قصبه کلمکان که در نیم فرسنگی ابجیل واقع است
دولت آباد و ابجیل هر دو دو قصبه بزرگ و هر یک سیصد الی چهار صد خانوار
رعیت دارد و در این خط علاوه بر این قصبه قراء و مزارع چند است که اسامی
بعضی ایشان بدینموجب است کلاته شمع علی گراخ که هم نصر آباد معروفست

شنبه دهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بتفرج چشمه سبز

درین روز سرکار خسروانی باسب کهر احمد خانی سوار گشته از برای سیاحت
چشمه سبز تشریف فرما شدند محمد علی بیک شکارچی و ابراهیم خان نایب و محمد خان
کنه پشته به بلدی در مقابل اسب همایون روان گشته تا یکفرسنگ همه جا از میان
درختان پربار و جنگلهای بسیار گذشتیم و در اول کوه سرکار پادشاهی اسب کهر را

تبدیل فرموده باسب سرخنگ عربی پیشکشی عماد الدوله حکمران کرمانشاهان
که از اسبهای بسیار ممتاز است سوار گشته بقصد شکار ببالای کوه برآمده و چون
مقصود خاطر مبارک شکار قوچ و میش بود بکبک و فره بسیار که درین دامنه بود
اعتنائی نفرموده در قله کوه حاجی شکارچی مشرف شده معروض داشت که شکارگاه
نزدیک است و یک گله قوچ و میش در محلی مشغول چرا هستند که باصطلاح اهل
شکار در نهایت مستعد مارق است سرکار پادشاهی تمام سواران را در آنجا
گذاشته و خود با قهرمانخان و آقا کشی خان و چند تفنگدار دیگر و مهدیقلیخان
بتعجیل تمام بسمت شکار توجه فرمودند چون قدری گذشت باد تند
وزیدن گرفت و میر شکار در خوابگاه شکار اشتباه کرده سرکار شاهنشاهی را
بسمتی اشاره نمود که مخالف جهت مقصود بود و هنوز اعلیحضرت پادشاهی
چند قدمی تشریف نبرده شکار از سمت دیگر در نهایت سرعت و چابکی فرار نمودند
و از آنجا که مقصود اصلی تفرج چشمه سبز بود حضرت همایونی از تعاقب شکار صرف
نظر فرموده و همه جا از قله کوه تشریف فرما شدند تا در حوالی چشمه رو به نشیب فرمودند
و در کنار چشمه در آفتاب گردان همایونی فرود آمدند سه ساعت بغروب مانده

از چشمه سوار شده از میان دره و جاده که بکلمکان میرود بسمت منزل تشریف
فرما شدند و در بین راه دو کبک و یک قمری در روی هوا صید فرمودند
و هم تیمور میرزا و امین خلوت با بازان شکاری کبک وفره زیاد بچنگ آوردند
مقارن غروب موکب مسعود از بالا سر اردو بمنزل شرف ورود ارزانی داشت
در ینوقت چاپار دار الخلافه در رسید عرایض مستوفی الممالک و دیگر وزرا را
در پیشگاه حضور مبارک بگذرانیده از آنجا که سرکار پادشاهی همه وقت توجه
و مراقبت امورات دولتی را بر هر نوع تفرج و لذت راجح میدارند زیاده برین
وقت در ییلاق قارا جایز ندانسته مقرر داشتند که اردوی مسعود فردا بسمت شاندیز
و شهر حرکت کند چشمه سبز عبارت از فضائی است که در دره بسمت شمال
شرقی نیشابور واقع است و از آنجا تا نیشابور هفت فرسنک است این محوطه
تقریبا پنجهزار قدم دور دارد و در وسط آن دریاچه ایست که هزار قدم دور است
و آب چند چشمه کوچک از اطراف در او جمع شده و هم در وسط دریاچه چشمهای
متعدد دارد که آب از آنها غلیان و فوران کند ولی نه بقسمیکه در ظاهر معلوم
گردد و زیاده بر چهار سنک آب از این دریاچه بسمت کلمکان جاری است

که این قریه و مزارع آنرا مشروب میدارد در این دریاچه ماهیهای بزرگ سیاه
و مرغابیان گوناگون بسیار است اطراف او چمن زار و نیستان است راهی
که از چشمه بلبلکان میرود چهار فرسنگ طول دارد همه بیدستان و با گلهای
سرخ و مشکیجه سفید است و کوههای شرقی و مغربی این راه تمام کوههای
سبز پر گیاه و پر علف است خاصه مشک ترامشه و اویشم و گلهای زرد
و زیره معطر اعلی در آنجا بسیار است بنحویکه تمام دره را از شمیم خویش معطر ساخته اند

یکشنبه یازدهم و مراجعت سرکار اقدس شاهنشاهی بشاندیز

در این روز از برای صدور جواب عرایض وزراء سرکار پادشاهی تا مقارن
ظهر در منزل توقف فرموده تمام وقت را مشغول بودند تا عرایض باتمام آمد
امین خلوت چاپار را معاودت داد پس ذات والاصفات شهریاری
بعزم مراجعت بشاندیز سوار شده بعد از گذشتن از قصبه کاهو در اسطرخی که
در آنحوالی واقع و بیدستانی نیکو داشت چای و عصرانه میل فرموده از راه
قریه گراخ تشریف فرمای شاندیز شدند و از آنجا که رعایای این بلوک
عریضجات متعدده بخاکپای همایون داده از جبر و تعدی صاحبان تیول شاکی

بودند و این معنی در نهایت مخالف قصد عادلانه و فتوت شاهنشاهانه بود دستخطی مؤکد با فتخار ظهیر الدوله صادر گشت که هر کس در این بلوک بلکه تمام بلوک خراسان تیول داشته باشد او را از آن تیول خارج دارند و هر قدر زمواجب و مرسوم داشته باشد از خزانه خراسان عاید سازند و نیز مالیات و متوجهات دیوانی هر قریه و قصبه و مزرعه را از روی ثبت دفترخانه مبارکه معین نموده بملاکین و دهقانان فرامین و سرخط دهند تا دیگر کسی نتواند از رعیت شاهنشاه دیناری زیاده مطالبه کند یا مقدار حبه جبر و تعدی نماید این حکم ملوکانه که محض عدل و رعیت پروری صرف بود مایه اسایش و رفاه رعیت و دعای وجود مسعود همایون گشت

دوشنبه دوازدهم ربیع الاول معاودت حضرت همایون بشهر مشهد

چون یکساعت از روز برآمد اعلیحضرت شاهنشاهی بعزم معاودت بارض شده سوار و در قریه ویرانه صرف نهار فرموده یکساعت بغروب مانده تشریف فرمای شهر شدند امین الدوله و اعتضاد الدوله و ظهیر الدوله و معیر الممالک و دبیر الملک و امین الملک در بیرون دروازه ارک بزیارت رکاب مبارک مشرف گشتند

حسنعلیخان فوجردی که از استراباد حامل عرایض ملک آرا بود بتوسط دبیرالملک
شرف اندوز حضور مبارک گشته و عریضجات مصحوبی ملحوظ نظر همایون گشت
ظهیرالدوله معروض خاکپای همایون داشت که سردار یعقوب خان حاکم هرات
با بزرگان افاغنه عتبه بوس آستان ملایک پاسبان شده زیارت حضور عطوفت
دستور را منتظر حکم همایونست و بر حسب الامر سنیه مقرر آمد که در روز آینده بدین سعادت
مستسعد آید و هم چاپاری دیگر از دارالخلافه در رسیده نوشتجات و عرایض متعدده
وزراء و نواب امیرآخور و دیگر چاکران مشهود نظر ملاطفت اثر ساخت اعتضادالدوله
بعرض حضور مبارک رسانید که جمعی از سادات و علماء استراباد بتظلم و دادخواهی
برکاب مبارک می آیند این معنی در خاطر مبارک ناپسند آمده اعتضادالدوله را
مقرر آمد تا شخصی فرستاده ایشانرا از عواطف و مراحم ملوکانه امیدوار و خشنود
مقرر دارد که عرایض و مطالب خود را با دو نفر امین بحضور مبارک فرستد و خود
ایشان بشهر استراباد رجعت نمایند

سه شنبه سیزدهم شهر ربیع الاول و بیست و نهم توقف اردوی کیوان شکوه همایون مشهد مقدس





تصویر سردار یعقوبخان حاکم هرات و افغانستان است

که عکاسباشی عکس برداشته میرزا بزرگ غفاری

درین روز بواسطه امورات متعدده دولتی که انجام آن موقوف بصرف دقت و ذات والا صفات همایونی بود اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی زودتر از سایر ایام بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما گشته اولا عرایض ملک آرا و مطالب حکومتی استراباد ملحوظ نظر مهر اثر گشت و در جواب هر یک باقتضای مصلحت دولت و ملت اوامر ملوکانه شرف صدور یافته دبیر الملک را مقرر گشت که احکام پادشاهی را معجلاً بملک آرا ابلاغ دارد و چون ازین مهم فراغت حاصل آمد امین الدوله و اعتضاد الدوله و دبیر الملک و اجودانباشی با شاهزادگان عظام و جمعی از خدام و غلام پیشخدمتان بزیارت حضور اعلی فیض یاب گشته هر یک در مقام خود بایستادند و ظهیر الدوله بارجسته سردار یعقوب خان والی هرات را که بعتبه بوسی آستان مهر لمعان آمده بود با تمام بزرگان و اعیان هرات و افغانستان بحضور مبارک مشرف ساخت سردار بطلا رخسروانه احضار شده بعد از ادای تعظیم و تکریم زبان بدعا و ثنای وجود عالی جود ملوکانه گشوده معروض عاکفان حضور اقدس شهریاری داشت که سبب ازین شرفیابی اظهار چاکری و اطاعت و انقیاد و ارادت است هر گاه رای بیضا ضیای خسروانی اقتضا فرمایند

که این بنده را در رکاب نور بخت دیگر مفتخر فرمایند در نهایت شاکر و مسرور خواهد بود
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سردار معزی الیه را مورد توجه و تفقد خسروانه
داشته چنین مقرر داشتند سردار خاطر همایون ما همواره از ملاقات امثال شما
چاکرزادگان حقیقی و دولتخواهان صمیمی خورسند و محظوظ هست و در نهایت
مشعوف و مسرور هستیم که سردار امیر شیرعلیخان را مانند شما پسری عاقل و رشید و خیرخواه
و صدیق است که شایسته رجوع هر خدمت و مستحق اعطای هر گونه نعمت باشد
و اگرچه همه وقت طالب آن هستیم که شما را حاضر حضور بینیم و مورد الطاف موفوره
داریم ولیکن از آنجا که ولایت هرات همیشه چون شما والی ذی شان و حاکمی
کامل و کاردان لازم است خاطر خطیر مبارک را بدان راضی میداریم که شما از رکاب
دور باشید و در انتظام امور سرحد و آسودگی رعیت و ملت آن صفحات بکوشید
باعث آسایش دعاگویان و چاکران دولت گردید سردار شکرانه این خطاب
لطف آمیز شکر مراحم و عنایت شاهنشاهانه را بجای آورده و اعلیحضرت پادشاهی
بجانب ظهیرالدوله محمد رحیم خان قاجار توجه فرموده مقرر داشتند خوانین
و اعاظم افاغنه را در خاکپای همایون معرفی نمایند پس ایشیک آقاسی باشی ایشان را

بخو خبر

بدینموجب در حضرت همایونی معرفی نموده هر یک بفراخور حال خویش توجه و عنایت

از اندازه بیش بهره یاب و مفتخر آمدند

اعیان و اعاظم افغان و هرات			خوانین و سرکردگان		
محمد یعقوب خان بیگلربیگی جمشیدی	دلاور خان سردار میمنه	عبد الطاهر خان باریک زائی	منور خان سردار باریک زائی	محمد صدیق خان باریک زائی	عطا محمد خان ایضا
سر محمد خان فوفلزائی	عبد العزیز خان هزاره	یار محمد خان جمشیدی	بهادر خان		

مخصوصان سردار یعقوب خان

بابا خان هزاره	منصور خان تیموری	جهانداد خان قبچاق
حیدر قلی خان جمشیدی	نایب فتح الله فیروزکوهی	حلیم خان باریک زائی
فتی خان ایضا	محمد زمان خان علی کوزائی	محمد عمر خان ایضا
محمد صدیق خان جمشیدی	محمد اکرم خان ایضا	بهرام خان ایضا
عبد اللطیف خان ایضا	میرزا هاشم خان علی کوزائی	محمد عمر خان ایضا
محمد اعظم خان زوری	حاجی عطاء الله خان	فقیر احمد خان
محمود شاه خان اقاچیک زائی	امیر جان کماندان یعنی یاور فوج	

از همراهیان سردار اشخاصیکه بحضور مبارک تشرف جستند از قرار میست که معروض افتاد و اگر در ذکر اسامی ایشان تقدیم و تاخیری واقع شده باشد بدان سبب است که این بنده را چندان معرفتی در حق ایشان نبوده همراهیان سردار اضافه بر آنانیکه معروض افتاده معادل هشتصد نفر سواره و پیاده بودند

که یکصد نفر ایشان سربازهای خوش لباس آراسته ملبس و موضع بلباس

انگلیسی بودند که تعداد اسامی ایشان لزومی نداشت

چون سردار یعقوب خان از حضور مبارک مرخص شده بمنزل خویش رفت سرکار همایونی عصرانه خواسته و نماز گذارده بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند

سردار یعقوب خان جوانی بسن بیست سال آراسته بعقل و کمال است سیمائی نیکو و وضعی مؤدب در وجود دارد مهدیقلی خان بیگلربیگی مردی بسن پنجاه سال و صاحب اخلاق پسندیده و از همه جا آگاه است

چهارشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول

درین ایام چون حرکت موکب مبارک از ارض اقدس نزدیک شد اشتغال خاطر خطیر همایون بزیادت شده همه روزه بی آنکه ساعتی وجود مسعود ملوکانه بیاساید با تمام نواقص مهام اوقات شریف مصروف میشد

درین روز نور محمد خان امین دیوان آنچه از عرایض مظلومان را که حسب الامر انجام داده و اصلاح نموده بود بموجب کتابچه جداگانه بعرض خاکپای همایون داشت و عرایضی که معروض نیفتاده بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ذات والاصفات شاهنشاهی تشرف اندرون

روضه مطهره گشته لوازم زیارت وخدمت بجای آورده بارک مبارک جعت نموده نظر باز دیاد امیدواری وافتخار سردار یعقوب خان یک ثوب سرداری معقول د وزاعلی از جامه خانه خاص درحق ایشان مرحمت شده ومحض عطوفت ملوکانه بتوسط محمد تقی خان پیشخدمت خاصه از مشارالیه احوال پرسی کرده عکاسباشی را مقرر داشتند که عکس سردار وهمراهانش را انداخته بحضور مبارک بیاورد امین الدوله برحسب امر علیه بتوپخانه مبارکه رفته سان توپچی واسبان توپخانه را دیده اهتمام مصطفی قلیخان سرهنگ وانتظام امر توپخانه را معروض خاکپای همایون داشته مقرر گشت سرهنگ وسایر صاحب منصبان از عواطف ملوکانه خورسند وبهره ورسازد

پنجشنبه پانزدهم شهر ربیع الاول وسی ویکم توقف موکب منصور

سرکار اقدس شهریاری امروز را تا شام درخلوت سرپوشیده دیوانخانه تشریف داشته درجزء غالب روزعرضیجات بسیار را که نور محمد خان بحضور عدالت نشان آورده بود این بنده آستان شاهنشاهی بعرض میرساند واین جلوت

در حد

در صدد رهبری حسب الامر حکم آنرا صادر مینمود الحق گویا خداوند متعال تشریف
فرمائی حضرت سایه ذو الجلال را بدین صفحات محض آن مقدر فرمود که جمعی بی
بضاعت صاحب مکنت و ثروت شوند و خلقی تمام از رفع شر ظالمان از خواری
و ذلت بدر آیند چه در این مدت مسکینی نماند که با عریضه عرض حاجت ننمود و مستمری
یا وظیفه یا انعام نیافت و مظلومی در مقام تظلم بر نیامد که بر جابر قادر و قاهر نگشت
حتی عطا و سخای ملوکانه بدان اکتفا نفرموده مبلغ یکهزار تومان وجه نقد نیز
از برای بذل بعموم فقرا و ضعفای مشهد مرحمت فرموده مقرر گشت این بندهٔ
مساکین و محتاجین را اناثا و ذکورا در خارج شهر مجتمع ساخته بتوسط حاجی میرزا علی
مشکوة الملک بدیشان تقسیم نمود بالاخره بهنگام ظهر امین الدوله و ظهیر الدوله
و دبیر الملک با سردار یعقوب خان و بهادر خان درثانی مشرف گشته پیشکش والی
هرات را که ده راس اسبان ترکمانی ممتاز و دو دست یراق تیپ طلا و ده طاقه
شال کشمیری و چند توپ قاری اعلا و غیره بود بخاکپای مبارک تقدیم نمود
مقبول خاطر مرحمت مظاهر ملوکانه گشت و بهادر خان بعواطف خسروانه
مفتخر و سرافراز آمد حاجی میرزا محمد رضای مستوفی خراسان که در این ایام

شرفیاب حضور مبارک گشته چون ایشان مرخص شدند بهادر خان

خاطر مبارک خسروانی را از اهتمامات خویش در خدمات دولت خورسند
داشته بود بلقب مستشار الملکی ممتاز و باعطای یک ثوب جبه کرمانی حاشیه دار
قرین امتیاز گشت ونیز حاجی محمد باقرخان وکیل طبس که بخاکبوسی عتبه اعلی آمده بود
نظر بخدمات سابقه و مراتب خدمتگذاری او که قدیما و جدیدا ظهور یافته بود مشمول
عواطف علیه آمده بلقب عماد الملکی و یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار مباهات
حاصل نمود و محمد حسین خان پسر مشار الیه بمنصب سرهنگی سرافرازی جست و چون
اطبا و مهندسین که بریاست میرزا محمد حسین رئیس الکتاب نایب وزیر علوم از مدرسه
مبارکه دار الفنون مامور و ملتزم رکاب نصرت نمون بودند هر یک در تکالیف
مقرره اعم از معالجه چاکران دربار جهانمدار و رسم نقشه قلاع و مسافت عرض راه
بطور شایسته از عهده برآمده بودند رئیس الکتاب باعطای شال کشمیری و دیگران
از خلاع کرمانی و انعام و احسان شاهنشاهی مفتخر و مباهی گشتند در این شب
امین الدوله برحسب امر علیه والی هرات و سران و بزرگان افغان را میهمان طلبیده
لوازم میزبانی را بنحویکه در خور و در نهایت لایق و سزاوار بود معمول داشت

جمعه شانزدهم ربیع الاول و سی و دوم ورود بارض اقدس

حاجی حیات تاجر تبریزی که از ... بمنصب معاون ... دیوان اعلی و ... بعضی وجوه ... خدمات ... امین الملک توسط امین الملک بار جسته بحضرت همایون با ... مشمول بعضی الطاف و مراحم شده و بعطای عنایات شاهانه قطعه نشان از درجه سیم خارجه و ... شال کشمیری ... مشار الیه مرحمت گردیده

درین روز نیز سرکار همایون شاهنشاهی تا شام مشغول انجام امورات دولتی و ملتی
متعلق بخراسان بودند و با وجود شدت حرارت هوا از صبح تا عصر اندکی نیاسودند
و محض ترویج صناعت و تشویق کسبه و اربابان صنایع مقرر داشتند از هر قسم
اجناس خراسان اعم از حریر یا پشمین بحضور مبارک آورده مقدار کثیری از آنها را
بقیمتهای گزاف خریداری فرموده بظهیر الدوله و مجد الملک مقرر گشت که
شال بافان و سایر صنعتگران را بالطاف و اشفاق همایونی امیدوار ساخته ایشان را
در ترقی صنعت خود و ازدیاد کارخانه جات ترغیب و تحریص نمایند و یکساعت بغروب
مانده حضرت همایونی بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند چون سرکار علیه عالیه انیس
الدوله را تب و سوء مزاجی عارض شده بود حاجی آقا بابای ملک الاطباء را
امر و مقرر شد که در اصلاح مزاج ایشان کوشند و نهایت اهتمام و دقت را
بجای آرند درین شب که شب عید مولود حضرت محبوب خداوند و دود بود دو ... عیش
و جشن را مشایست قربان بکیک و در توپخانه مبارکه آتش بازی بسیار اعلی از
هر جور و هر قسم در ارک همایونی فراهم کرده مورد مرحمت و خلعت گشت و نقاره خانهای
حضرت فیض آثار و شاهنشاه اسلام شعار را تا هنگام صبح ... این عید سعید

صفحه دیگر

غلغله افکن طارم اعلی ساختند و هم امشب اعتضاد الدوله خوانسالار بزرگان هراتی و افغان را میهمانی در نهایت عالی نمود و بر قدر و منزلت ایشان بفزود

شنبه هفدهم ربیع الاول و آخر توقف سرکار شاهنشاهی درین شهر والا و مشهد معلی

درین روز که روز عید سعید مولود حضرت خاتم انبیا و سید اصفیا علیه آلاف التحیة و الثنا بود اعلیحضرت شاهنشاه اسلامیان پناه و خسرو صافی طینت شریعت دستگاه پاس حرمت و رعایت شان و عظمت حضرت امام علیه السلام را چنان مقرر داشتند که سلام این عید را در حرم مطهر برپای دارند و خود سرکار پادشاهی با تمام اعیان و اشراف در مقابل امام علیه السلام تهنیت گویند پس بموجب فرموده ایشیک آقاسی باشی تمام علما و وزرا و شاهزادگان و اعیان و سرکردگان از هراتی و افغان و سیستانی و اهالی خراسان و آنچه از بزرگان ایران که شرف ملازمت رکاب همایون داشتند همه را اخبار نموده بار عام حاضر ساخت و مجلس سلام در دار الحفاظ منعقد گشته شاهنشاه جمجاه هنگام ظهر بدانجا تشریف فرما شدند و درین مجلس که فی الحقیقه محضر امام

و مرجع انام بود و بشکوه و رونقی بیرون از حد قیاس آراسته جلوس فرموده

علما را نیز اذن جلوس داده سلام منعقد گشت نقاره خانه سرکار فیض آثار

بشرافت این عید نواخته گشته و از ابتدای ورود وجود مسعود بصحن مقدس

تا اختتام مجلس توپچیان بشلیک توپ اشتغال داشتند امین الدوله

بمخاطبات سلام که مبنی بر ذکر عظمت و شرافت عید مولود حضرت سید الانام

و اظهار عقاید نیک و مقصودات خیر حضرت شاهنشاهی در نظم صفحات عمران

و آبادی مملکت و رعیت بود مخاطب و مفتخر گشت خطیب خاصه همایونی خطبه

فصیح و بلیغ معروض داشت و میرزا میناای ملک الشعرا قصیده غرا بعرض رسانده

سلام اختتام یافت سردار یعقوبخان و مهدیقلیخان و سایر همراهان ایشان

که درین روز بخلاع مهر شعاع ملوکانه مباهات یافته و در سلام عام شرف اندوزی

حاصل کرده بودند بعد از انجام مجلس و اصغای فرمایشات علیه از خاکپای

مبارک رخصت انصراف یافته با خاطری شاد مصمم عود بمقر حکومت و ولایات

خویش شدند شاهنشاه دین پناه نیز آستان عرش نشان امام همام علیه السلام را

وداع نموده و با جاد و افراد خدام و چاکران آستانه هر یک علی قدر مراتبهم

اعطاء خلاع کشمیری و کرمانی و بذل و انعام و احسان بی پایان فرموده در کمال

ملال از مفارقت چنین آستان فیض بنیان بارک مبارکه رجعت نمودند

و حسب الامر پیشخانه اردوی همایون از شهر چمن قهقهه نقل و تحویل نمود

یکشنبه هجدهم ربیع الاول و تشریف فرمائی اردوی همایون شاهنشاهی بچمن قهقهه

بحمد الله تعالی بالیمن و السعاده اعلیحضرت اقدس شاهنشاه دین پناه

خلد الله ملکه و سلطانه درین روز با بخت فیروز بسعادت و اقبال از ارض

اقدس و مشهد مقدس علی ساکنها الف التحیه و الثنا کوچ داده و اردوی

که زیاده بر یکماه باقامت خو کرده و قبول حالت تمدن نموده بود یکبار در حرکت

آمده و بدان نظم و نسق که سابقا معمول و مسلوک بود با شکوهی کامل عازم شدند

در خارج شهر سردار یعقوب خان که با تمام سواران و همراهان صف کشیده

بودند یکبار دیگر رکاب ظفر انتساب را زیارت کرده و شکر عنایات و مراحم اعلیحضرت

همایون شاهنشاهی را بجای آورده بسمت مقصد و اوطان خویش معاودت نمودند

ظهیر الدوله پیشکار مملکت خراسان تا یکفرسنک ملازم رکاب نصرت توامان

شده در رسم مملکت داری و رعایت حال لشکری و کشوری و روانه داشتن
بعضی از افواج قاهره بدار الخلافه طهران از جانب سنی الجوانب ملوکانه دستور
العمل یافته بشهر مراجعت نمود و هم مقرر گشت که بعضی از خوانین سیستان از افواج
دماوندی بدار الخلافه فرستند شاهنشاهزاده اعظم جلال الدوله فرمانفرمای
خراسان که ملتزم رکاب بود مستدعی آن شد که تا این منزل از خاکپای همایون
دوری نجوید و استدعای وی بدرجه اجابت مقرون گشته مقرر شد که در روز
آینده مراجعت فرماید اعلیحضرت شاهنشاهی در مزرعه موسوم بکلاته حاجی
محمد رضا صرف نهار فرموده و چهار ساعت بغروب مانده تشریف فرمای
چمن قهقهه گشتند هنگام عصر امین الدوله بار یافته در خصوص افواج متوقف
مشهد و غیره فرمایشات علیه شرف صدور یافت که بظهیر الدوله اطلاع دهند
چمن قهقهه در سمت شمال و چهار فرسنگی شهر مشهد واقع و موسوم است باسم
قریه قهقهه که از توابع ارض اقدس و قریب است باراضی شهر طوس که اکنون
از آن بلد جز علامات بنا و قلیلی از آثار عمارات هیچ باقی نمانده و تمامی آن اماکن
مزرع و مرتع قراحول وحوش گشته و آبادی آن بشهر مشهد نقل و تحویل یافته

که سوء نیت و خیانت آنها در خاکپای مبارک سمت وضوح یافته بود

دوشنبه نوزدهم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی بچشمه کیلاس

درین روز چون سرکار پادشاهی باقبال و مبارکی سوار شدند شاهنشاهزاده معظم جلال الدوله از حضور مبارک رخصت معاودت یافته بمقر حکومت خویش تشریف فرما گشتند پرویز میرزا حاکم سبزوار که این اوقات در ارض اقدس و ملتزم رکاب نصرت شعار بود ازین منزل اجازه عزیمت محل حکومت خود یافت و مشمول عطوفت ملوکانه آمده بلقب نیر الدوله سرافرازی جست چون قدری از راه طی شد سرکار اقدس همایون شاهنشاهی درباغیکه در ارض راه واقع است و در نهایت باصفا و شلیلهای ممتاز اعلی داشت از برای نهار فرود آمده بباغبان و صاحب باغ انعامی شایان مرحمت فرموده مقرر داشتند آبدار باشی از شلیلهای باغ مقداری از برای عصرانه همایونی خریداری نماید

سه ساعت بغروب مانده اردوی کیوان پوی بقلعه وکیل خان که قریب بچشمه کیلاس واقع است نزول اجلال نمود امین الملک عرایض و پیشکش ظهیر الدوله را از لحاظ انور همایون گذرانده معروض داشت که فوج امیریه از سر تیب خود شاکی شده

حسب الامر امین الدوله و حاجی شهاب الملک و حاجی مصطفی قلیخان شرفیاب شده

درین باب امر ملوکانه شرف صدور یافت و بحاجی مصطفی قلیخان مقرر گشت احکام

خسروانه را بظهیر الدوله رسانیده در اجرای آن تاخیر جایز نداند

از خمین قهقهه بچشمه کیلاس پنجفرسنگ است و راه مسطح ولی بواسطه انهار و قنوات

بسیار که در آن تقاطع کرده اند عبور کالسکه خالی از اشکال نیست اطراف جاده

همه جا قراء و مزارع متعدده است و در این بیابان زراعت بی پایان میشود و محصول

آن جو و گندم و شلتوک و صیفی است و استعداد این اراضی بدرجه ایست که آنچه را

از قنوات و آب رود مشروب میدارند تخمی چهل الی پنجاه تخم حاصل میدهد و آنچه زراعت

دیم است از یک حبه پنج حبه عاید میگردد سمت راست راه بمسافت چهار فرسنگ

اندک بیشتر یا کمتر منتهی میشود بیک شعبه از جبالیکه متصل بجبال کلات است سمت چپ

با همین قدر فاصله کوههای چشمه سبز و گل مکان وغیره است چشمه کیلاس در فضای

دامنه کوه واقع است و قریب ده سنگ آبی ناگوار و غلیظ از او جریان دارد

که موقوفه حضرت فیض آثار است و در نواحی شهر باب سد گلستان ضمیمه شده

از خیابان داخل صحن مقدس میگذرد و قراء و مزارع بسیار در شمال و جنوب

ارا

از آب آن مشروب میگردد و در چشمه نی زار و از بعضی نباتات آبی پوشیده و قعر آن عمیق و در او ولای بسیار است که هر کس نداند و پای در او نهد فرو رود و بهلاکت رسد چنانکه از قراریکه حاجب الدوله بعرض عاکفان حضور مبارک رساند شخص سارباني از برای استحمام بمیان آب رفته چون عالم بعمق و گل چشمه نبوده فورا ناپدید گشته سه ساعت بعد جسد بیجان او را در روی آب یافته اند

سه شنبه پنجم ربیع الاول و تشریف فرمائی اردوی همایونی بچمن کوباغ

درین صبح یکساعت بدسته مانده اعلیحضرت همایون شهریاری براسب سمند پیشکشی سپهسالار سوار گشته امین الدوله را بغرایبات علیه بلوکات مخاطب فرموده ابتدا بتفرج چشمه کیلاس تشریف بردند و بعد از ملاحظه چشمه بکالسکه رجوع فرموده و در سرچشمه که مشرف باطراف است صرف نهار فرمودند محمد رضا خان حاکم رادکان با اقوام و عشیره و سواران رادکانی بزیارت رکاب قمر انتساب شتافته مورد مراحم و عواطف ملوکانه گشته خاطر مبارک را از اسامی قراء این بلوک و جبال و حدود و ایلات آنسامان مستحضر میداشت یکساعت از روز مانده موکب مسعود

بخیام زرین بود شرف ورود ارزانی داشت حاجی میرزا علی مشکوة الملک و
دیگر چاکران تا مقارن غروب در حضور همایون مشغول صحبت و خواندن کتاب
بوده بچادرهای خویش رفتند

از چشمه گیلاس تا چمن کوباغ چهار فرسنگ است سمت راست شعبهٔ کوهی است
پست و سخت که نیم فرسنگ از راه فاصله و تا سه فرسنگ امتداد یافته پس از آن
کوهی مرتفع و سخت ابتدا میکند و در دامنه این جبال قرائی چند واقعند که از آنجمله
ابتدا قلعه کوچکی است مشهور بخون آباد که در دهنه دره واقع است و از کنار آن
راهی است که از میان دره بمحال درزاب و کوارشک میرود و پس ازین هاشم آباد
متعلق بهاشم خان فراشباشی حسام السلطنه است و از آن گذشته قریه رضا آباد
ملکی محمد رضا خان و اول خاک رادکان است سمت چپ راه که عبارت از سمت
مغربی باشد بلوک چناران است که خاک آن بواسطه قریه کون آباد از میان ولایت
مشهد منفصل گشته قراء و مزارع و باغات پراشجار و اثمار آن از دور نمایان
و پس از پنج فرسنگ سلسله کوهی عظیم منتهی میشود   از چشمه گیلاس تا کوباغ این صحرا
تمام مسطح و سبز و خرم و مرتع و موقف ایلات کیوانلو است که زیاده بر پنجهزار خانه

وسپرده بمحمد رضا خانند و سیاه چادرهای ایشان درین بیابان پراکنده است
چمن کوباغ چمنی است وسیع پر آب و علف که در فاصله خاک رادکان وچناران
واقع و سرچشمه کشف رود است واو رودی است فی الحقیقه زاینده رود که از آن مکان
بقرب شهر مشهد رسد زیاده بر پانزده سنگ آب دراو جمع شود وقرا اپشمار
از آن سیراب کردند

چهارشنبه بیست و یکم ربیع الاول و تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی ببلده رادکان

از آنجا که مسافت ازانمنزل تا رادکان زیاد نبود درین روز دیرتر از سایر ایام
شیپور سواری کشیده و شاهنشاه جمجاه با فر و شکوه هر روزه از سراپرده مبارکه
بیرون تشریف آورده براسب تخت جلوس فرموده ازمیان چمن با امین الدوله
وسایر وزراء فرمایش کنان تشریف فرما شدند نیم فرسنگ برادکان مانده
چون اهالی آن بلد آوای زنبورک ونقاره خانه را استماع نموده نزدیک شدن
موکب همایون را دریافت نمودند اناثاً و ذکوراً از وضیع و شریف صغیر و کبیر بیرون
شتافته درسمت راست وچپ راه با نظمی تمام ایستاده زبان بدعا و ثنای

وجود مبارک گشودند سرکار همایون پادشاهی نیز با نظر ملاطفت و مرحمت
بدیشان نظر فرموده در باغ محمد رضاخان که در خارج شهر واقع است نهضت افزا
گشته شد و وزراء و سایر چاکران رخصت آن دادند که بمکانهای خویش رفته‌اند و
ذات والاصفات همایون شهریاری پس از صرف نهار اندکی استراحت کرده
هنگام عصر بحرمخانهٔ مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد از شام قورق شکست و
معیر الممالک و امین الملک و سایر مقربان حضرت بخدمت شتافتند
از کوه باغ برادکان یکفرسنگ است و راهی مسطح در جوار جاده جز قریهٔ قیس آباد
دهی نیست ولی در سمت غربی قراء و مزارع متعدده است و در وسط راه برجی است
عظیم از آثار قدیم شبیه برج یزید شهری که با آجر و گچ ساخته شده و چون موکب
همایون بدان برج رسید سرکار پادشاهی محض تفرج آن بنا از یک سمت برج بالکه
تشریف برده از سمت دیگر بیرون آمده از کیفیت بنای آن استفسار فرمودند
امین الدوله بعرض رسانید که آنچه از تواریخ معلوم میگردد سلطان سنجر در هنگام مراجعت
از روم درین مرز و بوم اردو زده چندروزی توقف داشته شد و در این ایام برف تو بر تو
چند بارد. آمده و در سرای پردهٔ سلطانی از برای خویش مأمنی مقامی ساخته شد

بفاصلهٔ دو فرسنگ
سه فرسنگ در
دامنهٔ جبال
۴

چون زبان حرکت شد و حالت این جانوران که در روی تخم خفته در شرف بیرون آوردن بچگان بودند معروض حضور گشت محض رافت و مروت مقرر داشتند سرای پرده را همچنان بعد از حرکت اردو در جای بدارند تا آن مرغان بچگان خویش بپرورند و حسب الامر چنان کردند مقارن اینحال خواجه نظام الملک که بصدارت عظمی مفتخر بود از پس اردو برسید و از حقیقت حال جویا گشته بملاحظه آنکه از رحم و عدالت ملوکانه آثاری در آنمکان بماند حکم به بنا و ساختن این برج فرمود والله اعلم بحقایق الامور

قصبه رادکان قلعه بزرک و محکم دارد که هزار خانوار در و مسکن دارند و بازار و دکان و حمام عالی در او بنا شده اطراف این قلعه خندقی است عمیق که غالب پر از آب است در کنار قلعه باغی است متعلق بمحمد رضا خان که خیابانهای منظم و بید ستانها و حوضخانه نیکو دارد هوای رادکان در نهایت معتدل و آب آن بشدت گوارا و از دره شمال شرقی جاری است

پنج شنبه بیست و دوم و اوطراق در رادکان

سرکار همایون پادشاهی محض ملاحظه عرایض وزراء که بتوسط چاپار از دار الخلافه

البد

رسیده بود و صدور جواب و احکام در این روز در رادکان امر باوطراق فرموده
در اول روز از حرمخانه مبارکه بیرون تشریف آورده و تا هنگام عصر مشغول
مطالعه عرایض و صدور احکام بودند تا از انجام آنها فراغت حاصل آمده حکم
پروانه داشتن چاپار فرمودند شاهزاده تیمور میرزا در اطراف قلعه چند فره بلدرچین
با قوش صید کرده بحضور مبارک آورده و معروض داشت که در این دامنه چشمه‌های
بسیار است خاصه در دره مشرقی که آبی در نهایت صاف و گوارا در آن جاری
و بیدستانی بس نضره و با صفا در طول دره امتداد یافته غلامان رادکانی تکه
آهو و تکه بزرگی صید کرده بنجاکپای مبارک آورده انعام و احسان زیاد یافتند
و معلوم عاکفان حضور داشته شد که در این نواحی هرگونه شکار بسیار است ولی چون
وقت کافی و مساعد نبود و گویا حضرت شاهنشاهی صیدی شایسته‌تر منظور نظر داشتند
بصید افکنی در آن ناحیه میل نفرموده و زیاده از دو روز توقف را جایز ندانستند
محمد رضا خان حاکم رادکان که در پذیرائی مقدم مبارک و تشریفات ورود
مسعود و تمهید موجبات راحت ملتزمین رکاب جهدی مشکور ظاهر ساخته بود
مورد مرحمت ملوکانه شد با عطای یکثوب جبه ترمه و دو جعبه تفنگ و طپانچه

سرفخر و مباهات بر آسمان سود دینه اکثری از خواینن کیوانلو که شایسته مراحم

ملوکانه بودند خلاع شایسته یافته قرین اعزاز و افتخار آمدند

جمعه بیست و سیم تشریف فرمائی اردوی همایون از رادکان بمنزل سوهان

درین روز چون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعزم سواری از باغ محمد رضاخان

بیرون تشریف آوردند محمد خان حاکم چناران و محمد رضاخان حاکم رادکان

و خانلرخان رادکانی که مردی سالخورده و وضع لباس و طرز سلوک و هیأت و

حالت او نمونه و آثاری از قدمای قوم بود با تمام سران و خواینن کیوانلو که هر کرا

بفراخور حال خلعتی مرحمت شده بود بزیارت خاکپای همایون تشرف جسته

اعلیحضرت شاهنشاهی با هر یک بنحوی که درخورشان او بود خاصه خانلرخان اظهار

مرحمت و مکرمت فرموده و با سب ترکمانی غوغا که اسبی بی همتاست نشسته و

از جنب قصبه رادکان عبور فرموده تشریف فرمای کالسکه گردیدند و چون در اطراف

راه مکانی که صفای آن مستحسن و شایسته فرود آمدن باشد ملحوظ نظر مبارک نیفتاد

و تا سوهان چندان بعدی نداشت سرکار پادشاهی نهار را در منزل میل فر

خواستند اندکی بیاسایند حرارت هوا مانع شد پس تمام روز را باستماع کتب تواریخ
و نوشتن روزنامه و خواندن روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند حکیمباشی طلزان
دندان حیوانی که در نهایت سطبر و عظیم بود و عجب مینمود بحضور مبارک آورده
معروض داشت که اهالی رادکان در زمانی قبل برین هنگام حفر چاهی دو پارچه
استخوان یافته اند یکی از آنها درین مدت مفقود شده و دیگر که باقی بود نزد امین الدوله
آورده بودند و من چون درست تأمل کرده از آثار علم طبیعی او را دندان یکی از حیوانات
علف خوار عظیم الجثه یافتم که قبل از طوفان نوح درین سمت از کرهٔ ارض متمکن بوده اند
و چون خالی از غرابت نبود بنظر مبارک رساندم و این پارهٔ استخوانها که بندرت
در اراضی معمورهٔ قدیم یافت میشود دلیل بر آنند که در سوابق ایام حیواناتی چند درین
سمت کره بودند که این اوقات ببزرگی آنها هیچ حیوانی دیده نمیشود و حکما و طبیعت
شناسان فرنگی بدین آثار و علامات چنان قیاس می کنند که در میان مخلوقاتی
که در اول خلقت بدرجهٔ شهود رسیده اند با آنانکه امروز در روی زمین نشو و نما مینمایند
بحسب جثه و قوت و قدرت فرقی کلی است بالاخره حضرت همایونی هنگام
شام بحرمخانه مبارکه تشریف فرما گشته و چون برخلاف روز هوای شب را

اعتدالی بود در کمال راحت بیاسودند

از زادکان الی سوهان سه فرسنک است وراه شمال مغربی و در جلکهٔ واقع است که از یمین و یسار آن رشتهٔ کوهی امتداد دارد کوه سمت راست آن نیم فرسنک زیادتر از راه بعد ندارد و قلعهٔ کلات در سمت مشرقی وانتهای شعبهٔ این کوه واقع است و در دامنهٔ آن آسیاهای زیاد نمایان است وکوه دیگر که در سمت چپ است چهار فرسنک از راه دور و اغلب مکانهای آن بدون سنک و سهل المسلک است دهاتیکه درین راه ملاحظه میشوند اول قریهٔ چنبرغربال است که در دامنهٔ کوه واقع کشته و پس از آن قریهٔ خرج که ملک سرکشیکان حضرت فیض آثار است و ده اخیر بهمن کان است قلعهٔ سوهان که از قلاع قدیم است اکنون خراب و بایر مانده و سکنهٔ آن در اندک مسافتی از قلعه مسکن کزیده و آبادی نموده اند و از قراریکه در میان اهل آبادی مذکور است قلعهٔ سوهان در زمان سلف قلعهٔ معمور و پر جمعیت بوده است وطوایف اوزبک ایشانرا کوچ داده بخاک ترکستان برده اند و چند خانوار از آنها فرار کرده پس از مدتی دوباره بوطن خویش عود نموده و در حوالی قلعه تمکن جسته اند والله اعلم

بنه

شنبه بیست و چهارم تشریف فرمائی اردوی همایون بعلی آباد که اول خاک قوچان است

درین روز هوا در نهایت معتدل و نیکو بود و خاطر مبارک خسروانی از این
معنی بکمال مسرت حاصل در اول سواری تیپ همایون را مقرر داشتند که از جاده
روان شوند و خود با معدودی قلیل تفرج کنان و صید افکنان از دامنه کوه تشریف
فرما شدند و ملتزمین رکاب بشکار مشغول گشته هر یک صیدی مینمودند از جمله شاهزاده
تیمور میرزا و محمد تقی خان پیشخدمت هر یک آهوئی صید نموده و از انعام
و احسان شاهنشاهانه بهره ور آمدند چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست
بالای سر قریه موچیان تپه نمودار گشت و در فوق آن مزاری قدیم بنظر آمد
حسب الامر در صدد تحقیق بر آمدند و بعرض حضور همایون رسانیدند که قبر باباسالار است
و او مردی از اهالی ترکستان و طایفه جانی قربانی بوده است که با جمعی از ایل
و الوس خود از ترکستان در زمان قدیم بدین سامان آمده و در سکان و موچیان
منزل گزیده و چون زمان وداع جهان رسید اولاد خویش را که تا کنون نسلاً
بعد نسل بالاکین ساماهانند وصیت نمود که قبر او را در بالای این تپه قرار داده

نمودی

محترمش دارند و اوراد و پسر بوده یکی موسوم بقرا او غلان و دیگری بسبزآو غلان که هم
تاکنون قنوات این قراء باسم ایشان موسوم و معروفست و از قراریکه مذکور میدارند
سواران این طایفه در واقعهٔ عظیم کربلای معلا از آنها بوده اند که با امام همام علیه السلام
مخالفت و معاندت ورزیدند والله اعلم موکب منصور از حوالی تپهٔ مذکور عبور فرمودند
و در سه فرسنگی موچیان درخت آورسی عظیم و کهن نمودار گشت که عوام قوم بتصور
آنکه این درخت نظر کرده است بامید برآوردن حاجات و متمنیات بر هر شاخی
پارچه یا ریسمانی بسته اند بحدیکه چون شخص نظر کند گمان نماید که اوراق این درخت تمام
از ریسمان و پارچهای الوان است بالاخره اندکی از درخت گذشته امیر حسینخان
ایلخانی زعفرانلو با دید گشت که برسم استقبال در کنار جاده با پانصد سوار زعفرانلو صف
بسته و خود با سران سپاه و خوانین زعفرانلو پیاده در جلو صف ایستاده منتظر زیارت
رکاب نصرت انتساب بند حضرت همایون شهریاری ایلخانی را نزدیک طلبیده مورد
الطاف و اشفاق ملوکانه ساخته مقرر داشتند سوار شده ملتزم رکاب گردد
والحق از جلادت و رشادت جبلّی و از آراستگی اسب و یراق سواران مزبوره انظار
خیره شده مایهٔ مزید تلطف حضرت همایونی نسبت بایلخانی مشار الیه گشت امیر حسینخان

نظر

مخاطب بفرمایشات علیه آمده جواب را از روی بصیرت و اطلاع کامل معروض میداشت
از جمله سرکار همایونی از احوال طایفه بغایری و عدد خانوار ایشان سؤال فرمودند
ایلخانی معروض داشت که بغایری دو طایفه اند که در سمت جنوب قوچان بفاصله
هشت فرسنگ در بام و صفی آباد مسکن دارند طایفه که به بغایری فقط معروف است
و هفتصد خانوار ایل دارند در بام سکونت دارند و رئیس ایشان الله یار خان اولاد محمد خان
بغایری است و پانصد خانوار دیگر را که در میان خود جز بغایری مینامند در صفی آباد
متمکن و از جانب دولت علیه لطفعلی خان بسرکردگی و ریاست ایشان سرافراز است
و در میان این دو طایفه اغلب خصومت و عناد است کوه جهان ارقیان که از جبال
معروف خراسان است در میان این طایفه و ایلات زعفرانلو واقع شده و خاک
ایشانرا از یکدیگر منفصل ساخته بدین معنی که شمال آن کوه در تصرف زعفرانلو و جنوب
آن متصرف فیه طایفه بغایری است و هر دو طرف این کوه آباد و حاصل خیز است
بالاخره اعلیحضرت همایونی در کنار راه در مکانی باصفا از برای صرف نهار فرود آمدند
و در ثانی با اسب کهر عربی حاجی قوام الملکی سوار گشته همه جا از دامنه کوه با تمام
سواران و ملتزمان رکاب نصرت نشان از دره ماهبوز و سست و بلند راه عبور فرموده

تا قله

شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و چون امتداد و پست
و بلندی راه بوجود مسعود زحمت داده بود شب را زودتر از سایر لیالی استراحت فرمودند
از سوهان الی علی آباد هفت فرسنک است سمت راست در اول منزل قریب
بکوهی سخت و پر سنک و اندک اندک مسافت راه باصل کوه زیاد گشته و تا جلگه علی آباد
تمام این سمت دره و ماهور و از تپه های خاکی پست و بلند است و قراء و مزارع واقعه
این سمت راه بدینموجب است

مزرعه ابراهیم آباد	موچنان	یاقی	شال باف محمود بیک	دولت آباد یا دوست آباد
داودلو	کلاته قاسملو	دیزوند	کلاته قربان	علی آباد

سمت چپ جاده بمسافت پنج فرسنک اندکی کمتر یا زیادتر رشته کوهی است
که از خراسان گذشته همه جا همراهی دارد از سوهان تا مسافت سه چهار فرسنک
درین سمت آبادی نیست و پس از آن در میان دره ها و دامنه کوه مزارع و دهات چندی از
دور نمایان است که جزء بلوک سرولایت قوچان اند و اسامی آنها بدینموجب است

رضا آباد متعلق بمیرزا محسن وزیر آستانه مقدسه	پیک نظر	سورچه	کلاته قراسور	جعفر آباد

یکشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی اردوی کیوان

بکوه

شکوه همایونی بقوچان

درین روز اول صبح اردوی همایون از علی آباد کوچ کرده و سرکار همایون شاهنشاهی باشوکت و اجلال سوار شده با امین الدوله فرمایش کنان بسمت قوچان توجه فرمودند و پس از طی مسافتی اندک در قلعهٔ فتح آباد که مشهور بقلعهٔ کلب آقاسی است صرف نهار فرمودند پنجساعت از روز برآمده موکب مسعود بشهر قوچان نزدیک شد علمای بلد و اعیان و اشراف و رعایا و برایای شهر وضیع و شریف صغیر او کبیر ابرای زیارت جمال مهر مثال همایونی در خارج شهر در نهایت نظم و آرامی صف بسته زبان بدعا و ثنای وجود مبارک ملوکانه کشودند امیر حسین خان علما و اشراف را در خاکپای همایون معرفی نموده و هر یک از ایشان بفراخور مرتبت و شان خویش مورد الطاف و اشفاق شاهنشاهانه شدند و اعلیحضرت پادشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب یراق الماس سوار گشته از کنار قلعهٔ رضا قلیخان که بقلعهٔ امیر آباد موسوم و بکرد محله اشتهار دارد و در خارج شهر قوچان واقع است عبور فرمودند در سمت غربی شهر بباغ نظر امیر حسین خان که برای تشریف فرمائی ذات والاصفات همایونی معین شده بود بعز ورود ارزانی داشتند الحق آن نثار مقدم مبارک

همایون را پیشکشهای لایقه از نقود و شالهای کشمیری و سایر اقمشه تقدیم نموده هدایای ایشان پسند خاطر مبارک افتاد و از شالها یکطاقه را بمحمد علیخان پیشخدمت خاصه و یکطاقه بمحمد حسن خان محقق مرحمت فرموده بقیه را نیز بدیگران بذل فرمودند از علی آباد بقوچان سه فرسنگ است سمت راست و چپ جاده بفاصله دو فرسنگ الی سه فرسنگ امتداد دو رشته کوه است که در منازل سابق ذکر یافت در وسط این دو کوه جلگه آباد خوش هوای حاصل خیز قوچان واقع است و قراء و مزارع واقعه در یمین و یسار جاده بدینموجب است

قراء سمت راست جاده

ناوخ	قیطاقی	چالکی	حسن آباد	پشترباغان	هی هی
نظر آباد	یزرج	آق کاریز	قرخان	صح آباد که بقلعهٔ کلب آقاسی مشهور است	قیلو
قوچان					

قراء سمت چپ جاده

قلعهٔ شفیع	قلعه سدو	ازون قولی	دوغائی	بنوید	قلعهٔ عباس
قلعهٔ دولو	آب ارک	کبرآباد	کهنه فرود	نوروزی	محب سراج
کلچه	جنود آباد	دربندی	کلاتهٔ میرزا	فیروزآباد	یزدان آباد

قلعهٔ کلب آقاسی که امروز نهارگاه حضرت همایونی واقع شد یکی از قلاع قدیم و بسیار محکم است و بنا بر معروف مرحوم نادرشاه افشار را در سمت شرقی

قلعهٔ مزبور در تپه که موسوم بمروارید تپه شهید کرده اند قلعهٔ امیرآباد در نزدیکی قوچان
واقع و از بناهای مرحوم رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلوست چون در ایام خاقان
مغفور مبرور رضاقلیخان پا از جادهٔ اطاعت بیرون نهاده بنای طغیان و فساد
گذاشت مرحوم عباس میرزای نایب السلطنه جد شاهنشاه غازی که در آن هنگام
از جانب شاهنشاه مغفور فرمانفرمائی ترکستان داشت این قلعهٔ محکم بنیاد را
که مشتمل بر بروج مشید و حصار سخت و خندق عریض عمیق است بقهر و غلبه تصرف
فرموده رضاقلیخانرا باطاعت آورده حکم بویران ساختن قلعه فرمود تا دیگرباره
مأمن و مقر طاغیان نشود

محال قوچان سمت مغرب شمالی مشهد واقع است و از اول خاک آن که ابطاس تپه
و قلعه بیک نظر معروفست تا شهر مشهد پانزده فرسنگ است جلگهٔ قوچان که
صحرائی حاصل خیز و فرح انگیز است در میان دو سلسله کوه واقع شده یکی از سمت
جنوب که معروفست بکوه شاه جهان و جهان ارقیان و میان قوچان و بغایری
و صفی آباد و جلگهٔ اسفراین فاصله است و دیگری شمالی که جلگهٔ قوچانرا از دره گز و صحرای
اتک منفصل و جدا کرده خاک قوچان محدود است از سمت مشرق بخاک مشهد و از مغرب

باژول یورد شادلو از سمت جنوب بچناران و اسفراین و از شمال بدره گز و
صحرای ترکمان طول خاک این محال شانزده فرسنگ و عرض آن نیز از دوازده
الی شانزده فرسنگ است درین وسعت اندک دهات و مزارع و باغات و
کشت زارها بیکدیگر پیوسته خاک آن حاصل خیزترین محالات مشهد است و زراعت
دیمی و آبی این بلد در سال کفیل معاش غالب بلاد خراسان میگردد بنحویکه هرگاه
وقتی بزرع آنجا آفتی وارد آید در تمامی بلاد خراسان تفاوت نرخ حاصل گردد
و عمده تجارت و کسب رعایای قوچان از غلات و حبوبات و فواکه است
این مملکت را دو شهر است یکی شهر قوچان که معروفست و دارا برج و باره
و خندقی عظیم است ولی عمارات داخلی آن اکثر خراب و بتازگی درین عهد جاوید مهد
و ایام حکومت امیر حسین خان رو بآبادی گذاشته درین شهر حمام و مسجد متعدد است
از جمله مسجدی است که در نهایت قدیم است و اگرچه تاریخ بنای آن معلوم نگشت
ولی آنچه از آثار نمایان است گویا زیاده از هشتصد سال است که بنا شده و نیز
قوچانرا بازاری طولانی است که ابتدای آن دروازه مشهد و انتهای آن دروازه
بجنورد است و درین بازار همه نوع متاع یافت میشود و هم این محال را شهری دیگر است

که بشیروان معروفست و تفصیل ملکیت آن در موقع خود ذکر خواهد یافت هوای
قوچان قریب باعتدال و خشک است و آب آن در نهایت گوارا و مردمانش همه
باهوش و ذکاوت و شجاعت و فراست و از طایفه زعفرانلو اغلب آنها صاحب
خانه و املاک و باغات و مزارع هستند و هزار سوار جرار مکمل و مسلح پیوسته
از ایشان برای خدمت دولت حاضر است و در هنگام ضرورت هزار و پانصد
سوار و هزار و پانصد پیاده نیز ممکن است با اسلحه حاضر خدمت شوند
تفصیل بلوکات و رودخانها و قلعجات قوچان بدینموجب است

بلوکات و محالات

بلوک سر ولایت دهات و مزارع بسیار دارد و معتبرین آن از این قرار است

نورچه	علی آباد	قلعه عباس
چالاکی	نوروزی	

بلوک پشت کوه که در فاصله جبال درگز و قوچان واقع است دو سه محال است معروف بدولتخانه و قارو اینچه

بلوک میان ولایت دهات معروف آن از این قرار است

قارج	داعیان	اسفیجر	شیروان	خبوشان	دوالدرم معروف
دویت	گرتو		حسین اباد	زیارت	برادرم

بلوک پائین ولایت

قال

محال کیکانلو سمت شمال وغیره

بلوک شمالی که قلعجات آن هریک علیحده قریه و مزرعه های متعدد دارد و محال محسوب میشود

- دوقاز
- ترخان
- جیفان
- گرم آب
  - فیروره
- خرشتان
  - محال کیکانلو چهارصد خانوار و چند مزرعه دارد
- قوشخانه

بلوک جنوبی او نیز قلعجات متعدده دارد که هریک میتوانند محالی جداگانه محسوب شوند

- قرامانلو و محال شادکانلو
- محال استاد و خرده
- محال جلیبان که آب و هوای ممتاز دارد و رودی عظیم در وسط آن میگذرد و باغات زیاد نامحصور دارد
- محال پیدوار قاسم اباد و دوو آباد که طایفه میلانلو در آنجا میکوشند

رود خانها

- رود بزرگ که از قوچان می آید و منبع آن سمت شمال و کوه دره گز است
  - این رود از قوچان که گذشت بسمت آن سر گذشت
  - بدوا خاک بجنورد که در بجنورد و از بجمع ...
  - سوم ... بشیروان رفت ...
- رود خانه داغیان از جبال جنوبی جاری است
- رود استاد و خرده از جبال جنوبی جاری است
- رود جلیبان ایضا جنوبی است
- رود چری

- رود اسفیر از جبال شمالی جاری است
- رود ذوزم از جبال ... که بشیروان می آید
- رود هونه از بالا رودی است که بشیروان ... می آید
- رود قوچوق اینز بشیروان می آید

قلعجات و قراولخانهای قوچان که در سر راه ترکمان واقع است ابتدا از حد دکان و درگز الی حد شادلو

چودنیلی اول سرحد قوچان و دربند است و قلعه ایست که سی خانوار دارد و سه راه باین قلعه منتهی میشود و در هر یک قراول است

قلعه دربادام او نیز بیست خانوار دارد دو راه بدو منتهی میشود

راه تابان راه چوجان راه کارخانها ترکاولق و نقربولی توختابولی

دربند سال کوه چهار برج فقط دارد

راه کلی بودون قلعه است و سه برج قراولخانه دارد و دیگر بیرون و در آنجا پنج

قلعه بردرکه تا ترکمان سه فرسنگ است و چهار برج قراولخانه دارد

راه زکریا قراولخانه دارد

راه بیدلی ایضاً

راه زیلان ایضاً بیرون قلعه

راه شبانه دو قراولخانه دارد

ره کوه کلیات سه قلعه دارد

زوقر زندین لو ...ل لو

راه جنگل

راه پیاده راه

راه چرستان راهها متعدده دارد که همه از کوه کلیات آید

خالدکبر شهساز شبانه عزیز

راه ترک ترکمان یروالان راه کول

راه ترناب

راه خیرآباد دربند است و امیر حسین خان سدّی بزرگ در برابر آن بسته خود خیرآباد قلعه ایست که سی الی چهل خانوار رعیت دارد و پنج برج در او ساخته اند و راهها که بدو منتهی میشود بسیار است

راهها

راهبهای معروف دیگر که قلعه ندارند

قزجب	برج آق کر	امین تلی
قشلاق	تکه قرکن	راه کنبد دربند است

راهبهای بی قلعه

برج قلعه	چوب بست	زاغ آشیان	ازمان
راه قلعه	راه عربستد	راه تکه شاح	راه قوردباغی
راه قره چنکه			

راهبهای فیروزه که بترکمان ازهمه نزدیکتر است وزیاده ازیکفرسنگ ونیم مسافت ندارد وخود فیروزه دو قلعه است ودرهر قلعه پنجاه خانوار رعیت است وراهها که معبر ترکمان است وبدان وصال میشود ازین قرار است

بازار	دربند نیزفند	راه مندوا	قوشه امام
دربند کله	راه چهار چشمه	راه کار عوض بیک	

راهبهای جیفان خود قلعه جیفان وتوابع آن چهار صد خانوار دارد

اسمعیل بولی	چلبی	کلاته
میان رو	کندرف	امیرآباد
راه حصاره		

راهبهای قوشخانه که بقلعه قوشخانه ومزارع آن منتهی میشود

دربند سرائی کار بلقیس قلعه معتبری دارد	راه سر دو قلعه است بیست خانوار دارد
کار کلاته قلعه است وچند خانوار دارد	راه کچی داغ
راه الله قلی	یادکار بولی

راهبهای تیکمران که در شمال شادلو است

راه شاه تپه	راه کردیولی	راه پسرزنی خاج
راه قزل چشمه		

راه کرباب خود کرباب صد خانوار است ومتصل باو قلعه قلقلو است که سی خانوار رعیت دارد ودو راهبهای متعدد باو منتهی میشود

کودر	ات بولی	کوره
سقر بولی	راه زاب آب	دوده تکیسی
قرشمال دره	قوری چای	راه اوچ تپه
راه باش تپه	راه قزل قیه	راه عرب دره وقره یکان

دوشنبه بیست و ششم توقف موکب منصور در قوچان

درین روز هوا را اعتدالی کامل حاصل شده و از اول بامداد بارانی ملایم کرد
و غبار از روی زمین بستر دو گلها و درختان باغ را صفائی تازه و نظافتی بی
اندازه حاصل گشته خاطرها را قرین مسرت و بشاشت داشت سرکار اقدس همایون
شاهنشاهی هنگام صبح استحمام فرموده و بسرا پرده دیوانخانه مبارکه تشریف
فرما شدند این خانه زاد اعلیحضرت شاهنشاهی که چند روز بود گرفتار تب و نوبه بود
از یمن توجهات ملوکانه و مراحم شاهنشاهانه صحت یافته بزیارت خاکپای همایون
شتافت و صورت اماکن متبرکه و روضه منوره را بعرض عاکفان حضور رسانده
سرکار شاهنشاهی در کتابچه روزنامه مخصوص که اصل این کتاب مستطاب است
ثبت فرمودند مقارن ظهر چاپار دار الخلافه از راه مزدین و جاجرم در رسیده
عرایض وزیر مالیه اعظم و سردار کل عساکر منصوره که مبنی بر احوال مملکت و مطالب
دولتی و وصول مالیات و امنیت بلاد و خوشی حال رعیت و لشکری بود از لحاظ
نظر انور همایون گذشته جواب هر یک شرف صدور یافت و مقرر گشت
چاپار را معجلا عودت دهند یکساعت بغروب مانده اعلیحضرت شاهنشاهی بعزم ملاقات

حضرت مهد علیا و دستر کبری بباغی که منزل سرکار ایشان بود تشریف فرما شده
بعد از صرف عصرانه و چای مراجعت فرموده ند و ساعت از شب رفته مقربان
دربار معدلت مدار بحضور مرحمت ظهور همایونی مشرف گشته تا ساعت چهار قرین
سعادت و افتخار بودند عکاسباشی چند صفحه عکس ایلخانی و قلعه قوچان و غیره را
که حسب الامر برداشته از لحاظ انور همایون گذرانده در نظر مبارک پسند آمد

سه شنبه بیست و هشتم و سوم توقف سرکار پادشاهی در قوچان

از آنجا که طبع منیر حضرت همایون شهریاری همواره بتفرج و سیاحت مایل است
درین روز بعزم سیر و گشت خارج قوچان حکم سواری فرموده ند و محض آنکه سواران
نصرت نشان از راحتی باشد و اسبان ایشان از آسایشی حاصل آید که در هنگام
ضرورت و خدمت از پای نمانند سواران را از التزام رکاب مبارک معاف داشته
تنها بعضی از چاکران خاص چون معیر الممالک و حاجب الدوله و امین خلوت و
اجودان مخصوص و حاجی میرزا علی مشکوة الملک و مهدیقلی خان و میرزا علی خان
و نور محمد خان و ابوالحسن خان پسر ایلخانی و ابراهیم خان نایب اصطبل و معدودی
از تفنگداران و فراشان سوار در رکاب مبارک ملتزم گشته و سرکار اقدس همایونی

نیمه

بسمت جنوب قوچان توجه فرموده و ابوالحسن خان را که عالم محل و بلد بود از پیش روی
و خدمت بلدیت معاف فرموده و خود بنفس نفیس بدون بلد و راه نما چون اقبال
و نصرت پیشرو و ملتزمین رکاب شدند و قدری از صحرا تشریف برده کوهی را منظور
نظر مبارک فرموده و بقیاس و قرینه مرکوز خاطر مبارک گشت که پشت آن کوه
محل آبادی و زراعت خواهد بود پس بجانب آن کوه روان گشتند تا جاده معتبر
وسیعی باز دید گشت همان جاده مسیر موکب گردون سیر گردید و از دره ماهوری
چند عبور فرموده گردنه نمایان شد چون از فراز گردنه به نشیب آمدند صحرا و جلگه وسیعی
نمودار گشت که اطراف آن کوههای نرم پرگیاه و تمام سطح جلگه از کثرت قرا و باغات
و مزارع صیفی و شتوی رشک جنان بود منظر این بوستان باعث سرور خاطر
همایون گشته در کمال شادکامی بصید افکنی مشغول شدند یک قطعه فاخته و چهار
قازالاغ بدست مبارک صید کرده از جوار قلعه پکار آقا گذشته در کنار نهر آب و
بید ستانی از برای صرف نهار فرود آمدند و مقرر شد تا آنچه صید شده بود کباب
سازند و بملاحظه آنکه سرکار شاهنشاهی را در هیچ وقت و هیچ موقع از کارهای دولت
و ملت غفلت نیست معیر الممالک را امر و مقرر شد که افراد جمع و خرج اقساط ممالک

محروسه

محروسه و نوشتجات گیلان را که درین صبح از دار الخلافه رسیده بود مشروحاً بعرض
حضور مبارک رسانده و در جواب هر یک احکام و اوامر ملوکانه صادر نمود و حضرت
همایونی پس از فراغت ازین مهم سواران را در نزدیک قلعه گذاشته و خود با چند نفر از خدام
کوهی سخت را که جنگل بادام تلخ و چشمه سارها و بیدهای تک تک داشت بنظر آورده
بسوی آن روان شدند درین حال دهقانی از اکراد که بلباس مندرس و کلاهی
بزرگ داشت در نهایت آسایش خاطر با تأنی و متانت تمام دستی بر کمر زده
و دستی در پشت سر گرفته رو بآنحضرت روان شد و از آنجا که مبنای امور شاهنشاهی
بر عدالت و رعیت پروریست مقرر داشتند احدی ورا مانع از آمدن نشود
تا مقصود و منظورش معلوم گردد مرد دهقان چون مانع و عایقی نیافت با همان طمأنینه
بدون تکلم نزدیک رکاب همایون گشت سرکار اقدس شاهنشاهی نیز بجانب او
توجه فرموده در کمال ملاطفت فرمودند عمو این کلاه و قبا را از کجا یافته دهقان
جوابی نداده و به پشت سر خویش نظر کرده با زبان کردی چیزی بکسان خود که دور ایستاده
بودند بگفت و مفهوم آن گویا در امر زراعت و آبیاری کشت شلغم بود این حالت
استغنا و بیخبری دهقان که در چنین وقتی کار خود را فراموش نکرده برگشت

از

گزر و شلغم خیالی در سر نداشت در حضرت همایون سخن آمده او را نزدیک خوانده
و از برای مزاح بوی فرمودند کلاه خود را بمن ده تا اسبی ترا دهم دهقان کلاه
از سر گرفته با یکدست پیش برد که بگیر و بده حضرت همایون را اینحالت در نهایت
خوش آمده و تبسم فرموده مبلغی گزاف بدو انعام فرمودند دهقان چون آن
زرهای سرخ بدید در نهایت متعجب مانده در کمال سادگی سؤال نمود که این زرها
از چه راه بمن میرسید پس حضرت شاهنشاه از حالت رعیت و سلوک ایلخانی
جویا شدند دهقان عرض کرد که بحمد الله تعالی در زیر سایه پادشاه بما خوش میگذرد
و سالهاست چنین آسودگی و امنیت از برای خود ندیده بودیم در سابق مدام ارا
بجنگ و جدال و اکنون تمام را بفلاحت و زراعت مشغول هستیم و شکر خداوند
و دعای پادشاه میگذاریم اعلیحضرت همایون در نهایت از این تقریر صادقانه
دهقان مسرور گشته شکر خداوند متعال را از آسوده خاطری رعیت بجای آورده
و بسمت کوه تاحش فرمودند در بالای کوه مزاری بنظر آمد از صاحبان آن جویا
شدند معروض داشته شد قبر پیر عابدی است که اهالی حول و حوش آنجا آنرا
بزرگ میشمارند و نذورات بدانجا برده استمداد می طلبند هر کار پادشاهی از آن مکان

الهمه

گذشته از تفرج چشمه سارها و درختان بید و بادام جنگلی و دورنمای اطراف تفرجی
کامل داشتند تا محلی که از برای اسب صعود از آن ممکن نبود پس از اسب فرود آمده
سایرین نیز پیاده بر سنگهای سخت برآمدند تا غاری پدید آمد و در جوار آن تخته سنگی
ایوان مانند منظور نظر همایون گشت و سرکار پادشاهی در روی تخته سنگ مزبور
نماز خوانده و با دوربین بتماشای اطراف و جبال سرحد آخال که محل عبور
ترکمانان است مشغول گشتند دو ساعت بغروب مانده از کوه بزیر آمده و در کالسکه
بدرشکه نشسته از راه دربند که راهی مسطح است تشریف فرمای منزل شدند
برسم هر شب در ساعت معین قورق شکست و در حضور مبارک آتشبازی بس
نیکو و عالی کردند

چهارشنبه بیست و هشتم و روز آخر توقف موکب همایون در قوچان

درین روز چون فی الجمله کسالتی در مزاج همایون راه داشت میل بسواری و تفرج
نفرموده و همه روز را در باغ دیوانخانه بامورات داخله و صدور احکام توجه داشتند
امیر حسین خان ایلخانی دو راس اسب ممتاز اعلی و دو قطار شتر نر و ماده تقدیم
آستان مبارک نموده از پیشگاه حضور مهر ظهور همایون بگذرانید و چون عنان آسمان

یکی در دست ابو الحسن خان و دیگری در دست خان بابا خان پسر مرحوم سام خان
ایلخانی بود در زمان حضور آوردن آنها اسب شادی بر خان بابا خان که طفل
دوازده ساله عنان ورا در دست داشت حمله برده و برابر زمین افکند ولی از زمین توجه
ملوکانه آسیبی بدو نرسید و این طفل صغیر که شجاعت و جرئت را از پدر خود ارث دارد
همچنان عنان اسب را از دست نداده و هیچ اظهار خوف و بیم نمود این معنی در نظر
مبارک خسروانی در نهایت پسند آمده و او را باعطای یک قبضه کارد مرصع مباهی
و مفتخر فرمودند مقارن اینحال سربازی در خارج باغ بقصد صید طیری تیری بنداخت
و گلوله آن در حضور مبارک بر زمین آمده باعث تغیر خاطر همایون گشته علیقلی خان
اجودان باشی را مقرر داشت شد که او را تنبیهی باندازه کند تا دیگری مرتکب چنین اعمال
ناشایست نشود و از آنجا که خدمات سابق و لاحق امیرحسین خان ایلخانی منظور نظر
و مشهود خاطر مرحمت گستر همایون بود او را بلقب جلیل شجاع الدوله و باعطای
یک قبضه قمه مکلل بالماس سرافراز و مفتخر فرمودند و با بو الحسن خان پسر وی شمشیری
کل مرصع مرحمت شده مقرر گشت قهرمان خان و سایر کسان ایلخانی را نیز
بخلاع مهر شعاع مفتخر و مباهی فرمایند

شجاع الدوله درین سه روز که موکب منصور همایون در قوچان اقامت داشت بشکرانه این شرف که سالیان دراز موجب افتخار و امتیاز او ست توئی داده ملتزمین رکاب را از عالی و دانی میزبانی کرد و با یحتاج اهالی ردو را از قند و عسل تا قوم و بصل کفالت کرد و غالب اعیان حضرترا از اسب و شتر هدیه و یادگار فرستاد

پنجشنبه بیست و نهم ربیع الاولی نهضت اردوی همایون از قوچان بچمن لیلی

اردوی همایون در کمال نظم و آراستگی و با شوکت و عظمت تمام درین روز از قوچان کوچ نموده بسمت چمن لیلی عازم شدند و سرکار همایون شاهنشاهی یکساعت از روز برآمده سوار شده امین الدوله و سایر وزرا را مخاطب بفرمایشات علیه گشته قراخان برادر الله یار خان حاکم دره جزکه باردوی همایون احضار شده بود با دویست سوار مکمل و مسلح دره جزی بالتماس رکاب نصرت انتساب مشرف و مورد عواطف خسروانه آمده بدیگر سواران پیوست و هیچکس را بر مکنونات خاطر دریا مقاطر شاهنشاهی و سبب احضار سواران خراسانی اطلاعی حاصل نگشت هر کسی از ظن خود حدسی میزد و اعلیحضرت شاهنشاه عزم ملوکانه را که بر شبیه و سیاست

طاغیان و سرکشان میوت و کوکلان مصمم بود همواره در پردهٔ اختفا و ضمیر منیر بما بود استتار میسد شد تا دشمن بر هلاک خویش واقف شود و روی بفرار نگذارد بهر وقت بتقریب از سواران خراسانی و احضار ایشان در خاکپای همایون عرضی میشد بسبب احضار راسان سوار و اطلاع بر احوال ایشان میفرمودند و کسی را قدرت آن نبود که جز این تصور کند بالاخره بچباعت از روز بر آمده موکب منصور تشریف فرمای منزل شده و صرف نهار نموده اندک وقتی استراحت فرمودند و هنگام عصر محمد حسین میرزا و ابراهیم خان نایب بعضی از اسبان خاصه اصطبل مبارکه را در فضای سراپردهٔ مبارکه که چمنی وسیع بود بنظر مبارک رسانده یکی از آنها که اسب شمشاد بسیار ممتازی بود باعتضاد الدوله مرحمت شد

از قوچان بچمن لیلی دو فرسنگ و نیم راه است سمت راست جاده بمسافت هفت فرسنگ الی چهار فرسنگ منتهی بکوه میگردد و درین دامنه قرا و مزارع بسیار و اسامی آنها بدین موجب است

استیای چهار باغ	یوسف آباد	او تار آباد	اسها و باغات و املاک امامزاده
تپه حکم آباد	مرغزار	قلعهٔ حاجی تقی	

برج

سمت چپ راه نیز مسافت پنج الی شش فرسنگ کوه است و قرا معروف واقعه درین سمت ازین قرار است

یزدان آباد	قلعه لطفعلی	داغیان	شیرین	جعفر آباد	کلاته متعلق بجعفر آباد که اشجار بسیار دارد	معروف آباد

چمن لیلی که مضرب خیام زرین قباب واقع شد چمنی است بسیار وسیع و سبز و باصفا و روح که از هر سمت آن چشمها و نهرهای آب گوارا جریان دارد و هوا و صفا و خضارت و نضارت آن در نهایت مایهٔ بشاشت و سرور اهالی اردوی همایون گشت

جمعه غرهٔ ربیع الثانی تشریف فرمائی اردوی همایون بمنزل فیض آباد

چون دو ساعت از روز بر آمده اعلیحضرت همایون شهریاری از سراپرده مبارکه بیرون تشریف آورده سوار شدند و اعتضاد الدوله و اعتماد السلطنه را نزدیک طلبیده تا نیم فرسنگ سواره با ایشان فرمایش کنان تشریف برده پس از اتمام فرمایشات بکالسکه نشسته در قرب قصبهٔ خرج که معبر همایون بود قریب پنج هزار مرد و زن از اهالی قصبه بیرون آمده صف بسته در برابر کالسکه علی الرسم قربانیها کرده و دعای وجود مبارک گفتند آبادی این قصبه و زیادی جمعیت آن در خاطر مبارک زیاده از حد پسند افتاده و اندکی از برای تماشای قصبه و هیأت و لباس

اهالی آنجا که بلباس ترکمانان شباهتی تام داشت مکث فرموده و از آنجا کذشته
چهار ساعت از روز برآمده بمنزل تشریف فرما شدند از قراریکه بعرض خاکپای
همایون رسید معیرالممالک از روز قبل بستری شده و هم حاجب الدوله را تب
و نوبه عارض کشته بود سرکار پادشاهی از ناخوشی این دو نوکر بزرک دلتنک شده
حاجی آقا بابای ملک الاطباء را مقرر داشتند تا در علاج ایشان سعی و جهد بلیغ
نماید چون هوای این منزل برخلاف سایر منازل قوچان فی الجمله کرم بود
و بادی پر کرد و غبار وزیدن داشت سرکار شاهنشاهی میل باستراحت نفرموده
تا عصر مشغول مطالعه نوشتجات مرحوم سپهسالار بودند و هنکام عصر قورق شده
بعد از شام قورق شکست و تا ساعت چهار اعتضاد الدوله و امین الملک و ما
چاکران در حضور مبارک مشرف بودیم   از چمن لیلی تا فیض آباد سه فرسنک است
و راهی پست و بلند که عبور کالسکه از آنجا خالی از اشکال نیست سمت یمین و یسار امتداد
رشته‌های جبال سابق الذکر است که بعضی جاها سه فرسنک و در برخی چهار فرسنک از
راه بعد دارند و درین فاصله همه جا آبادی و دهات و باغات و زراعت است
از جمله قصبهٔ خریج ملکی امیر حسین خان شجاع الدوله است که قریب بهزار و پانصد خانوار

رعیت دارد و باغات توت بسیار که از برای ابریشم کاری آباد نموده‌اند

اسامی قراء و مزارعیکه در دست راست جاده دیده میشد بدینموجب است

پام	دوین	برکر	کلاته برازان در دامنه کوه است	نی نی کار بو ایضاً در دامنه است
توجه کنبدی ایضاً	آقا باغ ایضاً	حصار ایضاً	نجف آباد	علی آباد

اسامی دهات طرف چپ از این قرار است

حصار قارج در وسط جاده است	سیاه دشت	فیض آباد	میوان در دامنه است
سنکی ایضاً	استی ایضاً	حرده ایضاً	کیکلیان ایضاً

قریه فیض آباد قلعه محکم بزرکی و قریب سیصد سکون دارد

شنبه دویم ربیع الثانی و نزول موکب مسعود بشهر شیروان

درین روز برسم هر روزه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بعد از حمام سوار شده مسافتی از راه راسواره با وزرا صحبت کنان طی فرموده بعد بکالسکه نشستند و در نیم فرسنگی شیروان در کنار جاده در مکانی سبز و خرم از برای نهار فرود آمدند و بعد از نهار مجدداً بکالسکه نشسته بشیروان تشریف فرما شدند در حوالی شهر امیر کونه خان برادر شجاع الدوله که حاکم شیروان است با اعیان و علما و تمام خلق بلد بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته مورد مراحم ملوکانه آمدند

وحضرت شاهنشاه درباغی که مخیم سراپردهای همایونی بود تشریف ورود ارزانی داشتند دبیرالملک بحضور همایون مشرف گشته عرایض و مطالب استراباد را بعرض رسانیده جواب از مصدر جلالت صادر نمود از قراریکه جمعی از چاکران صدیق بعرض عاکفان حضور رسانیدند شخصی مجهول الاصل و قوی الجثه که معلوم نبود از چه طایفه وصاحب چه پیشه است از اول حرکت موکب مسعود از دار الخلافه همه جا با اردو همراهی کرده و در کوهها و شکارگاهها از نزدیک و دور منتهز فرصتی بوده که خود را بباب همایون رساند و هر قدر از او سؤال نموده بودند که چه منظور و مقصود دارد جوابی درست نداده و هر وقت بعذری ناموجه متعذر شده بود حتی در شب قبل قراولان خاصه او را در گلخن حمام مخصوص شاهنشاهی یافته با خودش داشته بودند چون معلوم و محقق شد که خیال شر و قصد ضرر داشت حسب الامر بسزای خود رسید

از فیض آباد بشیروان چهار فرسنگ راه مغربی و سطح و تمام جلگه قراء و مزارع و باغات و محل حاصل است سمت راست تا نیم فرسنگی شیروان بفاصله دو فرسنگ سه فرسنگ امتداد سلسله کوه قوچان است و چهار فرسنگی شهر تپه بدیداست

که هست در جانا نزدیک شهر امتداد و عظمت یافته کوهی بلند و سخت میشود که بلدهٔ شیروان
در دامنهٔ آن واقع است سنگهای این کوه سفید و خاک آن سرخ است و در پشت آن
قلل جبال دیگر که بمراتب مرتفع‌ترند از دور نمایان است
قرا و مزارع واقعه درین راه ازین قرار است

قرا شمالی

- برزوآباد در کنار راه واقع است
- سولدر در دامنهٔ کوه واقع است
- الله‌آباد قصبهٔ معتبری است در کنار راه واقع است و در آن امامزاده‌ایست موسوم بشیخ مقدم
- قلندرآباد در دامنه واقع است
- قولجوق
- خانق

از قرا جنوبی آنچه در کنار راه است قریهٔ سرچشمه است بقیهٔ قرا و مزارع در پشت
کوه واقع هستند و تعداد اسامی آنها لازم نیست
بلدهٔ شیروان شهر دوم قوچان است ولی بحسب بنا شهر اول است زیرا که قبل از
آبادی شهر قوچان این بلد مسکن آبا و اجداد رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلو بوده
امروز این شهر را هزار و پانصد خانوار مسکون است و دور او قلعه‌ایست که از روی
قاعدهٔ هندسی و بهیات هشت غیر منظم ساخته شده و خندق و خاکریز محکم دارد
و در درون قلعه در مکانی که مرتفع‌تر از سایر امکنهٔ شهر است ارک بلد واقع شده است
که او را نیز برج و باره محکم بوده که اکنون رو بانهدام و ویرانی گذاشته است

رودی از وسط شهر جریان دارد که اسباب نزهت و نظافت آن است سمت
شمال این قلعه دو فرسنگ باغات دهتوالی است که فواکه بسیار دارد خاصه انگور
و سیبی در نهایت ممتاز اطراف شیروان شل قوچان تمام صحرای حاصل خیز است
که از قرار معروف بذری صد الی صد و بیست تخم ارتفاع محصول آن میشود هوای
روز شیروان از هوای قوچان گرم تر است ولی در شبها چندان فرقی ندارد

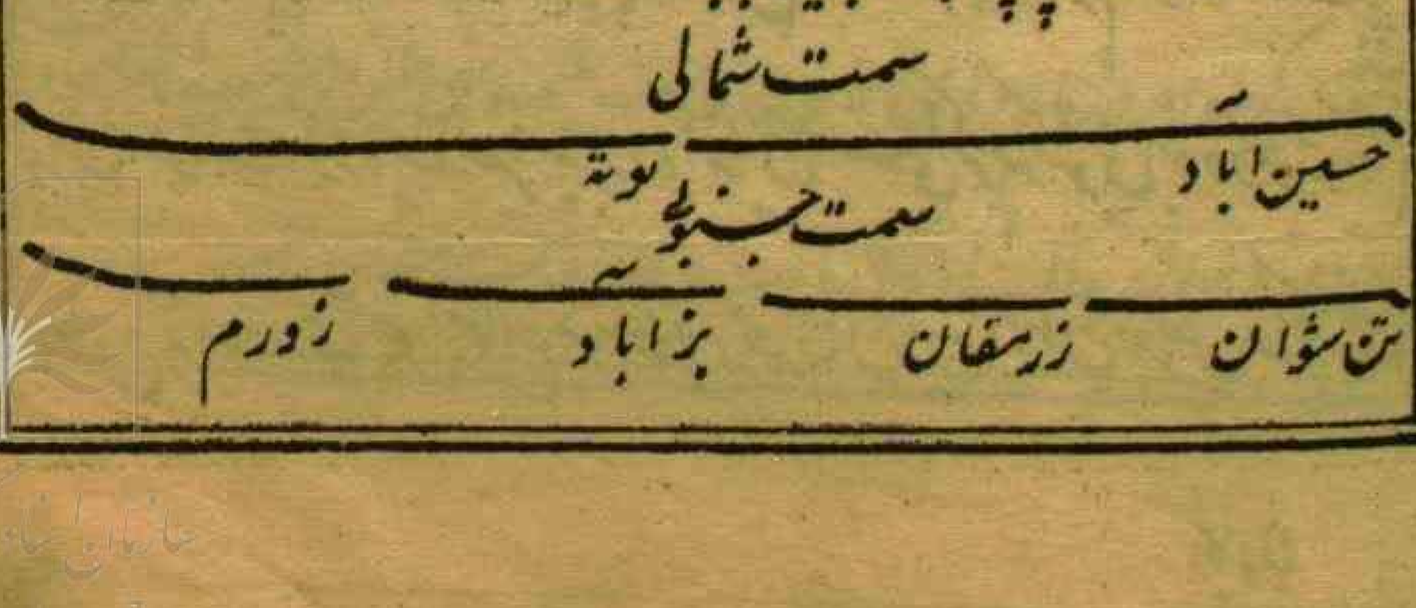
یکشنبه سوم تشریف فرمائی سرکار پادشاهی بمنزل عبد آباد

سرکار اقدس همایون شهریاری یکساعت بدسته مانده سوار شده تپه مرتفعی را که در
مقابل شیروان بود منظور نظر ملوکانه فرموده و ببالای تپه که موسوم بچماق است رفته
ساعتی با دوربین بمساحت شهر و قراء و مزارع اطراف نظر افکندند بعد از تفرج و مشاهده
حالت این شهر از تپه بزیر آمده بکالسکه نشسته شد و چهار ساعت از روز بر آمده تشریف
فرمای منزل شدند نهار را در سراپرده میل فرموده اندک زمانی استراحت فرمودند
و محمد حسن خان محقق بعرض کتاب تاریخ روضة الصفا مشغول گشت چهار ساعت بغروب
مانده انقلابی شدید حادث شده رعد و برق و طوفانی در هوا بدید شد سرکار
اقدس همایون از خواب برخواسته ساعتی در چمنیکه سراپرده همایون بر آن واقع بود

نهر ادهم

تفرج فرموده و بعد از نماز و صرف چای بحرمخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب
بعد از شام حکیمباشی طلزان و دیگران بحضور مبارک احضار شدند حکیمباشی از
روزنامجات فرانسوی بعرض میرساند و شاهنشاه خود بنفس نفیس همایون ترجمه میفرمودند
تا پنجساعت از شب بگذشت مقربان دربار رخصت انصراف یافتند و سرکار همایون
در آرامگاه خسروانی براحت مشغول گشتند هوای این منزل در نهایت سرد و ییلاق
بود بنحویکه شخص محتاج ببالاپوش خز و سنجاب میشد

از شیروان بعید آباد ده فرسنگ است و راه تا یکفرسنگ مایل بجنوب و پس از آن
مجدداً مایل بمغرب میگردد تمام این مسافت از دو طرف دره و ماهور است تا از مزرعهٔ
مشدرقی گذشته گردنه بدید آید که قریهٔ زورم و عید آباد در سمت غربی آن و بفاصلهٔ
اندکی واقع است ورود اردوی همایون در فاصلهٔ این دو قریه در چمنیکه در درهٔ عریضی است
واقع شده بود در رشتهٔ جبال از دو سمت درین راه بسیار نزدیک است و دهات واقعه
در سمت راست و چپ جاده بدینموجب است



مزرعهٔ مشدرقی که در وسط جاده واقع است قلعهٔ خراب و چهار خانوار کهنه و سه درخت

و امامزادهٔ دارد موسوم بسلطان محمد که بنا بر معروف برادر حضرت امام ثامن علیه السلام است

دوشنبه چهارم تشریف فرمائی سرکار همایونی بقریهٔ نوده

شاهنشاه اسلامیان پناه درین روز اول صبح بحمام تشریف بردند و یکساعت

از روز برامده از سراپردهٔ مبارکه بیرون تشریف آورده بر اسب سفید پیشکشی حیدر قلیخان

ایلخانی سوار شده دبیر الملک و امین الملک را مخاطب بفرمایشات علیه نموده

بسمت نوده توجه فرمودند چون یکفرسنک از راه طی شد محمد خان بیگلربیگی

و خانسوار خان سرکردهٔ هزاره با هشتصد و پنجاه نفر سواران جرار مکمل و مسلح با

اسبان ترکمانی آلاقایش دار برکاب مبارک پیوسته و صف بسته در کنار

راه بایستادند آراستکی سواران پسند طبع همایون کشته بزرکان و سرکردگان اشرار

بعواطف ملوکانه بنواختند و درینوقت پیادهٔ از قوشخانه قوچان آمده مذکور

داشت که طایفهٔ ضاله ترکمان غیبت شجاع الدوله را مغتنم شمرده دست بردی

بدان صفحات زده چند نفر اسیر برده اند این معنی اگرچه مکتوبی نبود و صحت و سقم آن

بوضوح نه پیوست محض اطلاع بتوسط نور محمد خان امین دیوان بعرض خاکپای

همایون

همایون رسید در ثانی معلوم شد که ترکمانان چنین تصوری کرده ولی این جسارت را
جرئت ننموده اند یکفرسنگ نبوده مانده سهام الدوله ایلخانی با هزار سوار شادلو
که هر یک با ده سوار برابری داشت در کنار راه ایستاده بزیارت مقدم توسن
همایون مشرف گشتند اعلیحضرت شاهنشاهی سهام الدوله را نزدیک طلبیده
مورد مراحم خسروانه داشتند و تا ورود بمنزل مخاطب بفرمایشات علیه بود چون
موکب مسعود بنوده شرف ورود ارزانی داشت سرکار پادشاهی نهار میل فرموده
اندک زمانی باستراحت مشغول شدند هنگام عصر مجدداً سهام الدوله را احضار
فرموده از مکنونات ضمیر منیر مبارک که مبنی بر تادیب و تنبیه طایفه ضاله بود او را
آگاهی داده مقرر داشتند که قصد ملوکانه را در پرده اخفا محفوظ داشته در تهیه و
تدارک این مهم کوشد و هم چاپار خراسان وارد شده عرایض ظهیر الدوله که مبنی بر مطالب
مملکتی و امنیت سرحدات بود ملحوظ نظر مبارک گشته احکام لازمه در جواب هر یک
شرف صدور یافت معیر الممالک بواسطه شدت مرض یک روز در شیروان
توقف کرده امروز باردوی همایون پیوست حکیمباشی طلوزان حسب الامر بعیادت
وی رفته مرض را در حالت ازدیاد یافت و خاطر مرحمت مظاهر اقدس شاهنشاهی

از

از یمینی در نهایت افسرده گشت سه ساعت از شب گذشته قورق شکست

و مقربان حضرت گردون بسطت بخدمت شتافتند حاجی میرزا علی مشکوة الملک

منظور نظر ملوکانه گشته تا ساعت چهار با او بمطایبه و صحبت اخبار و اشعار مشغول بودند

از عبدآباد بنوده چهار فرسنگ است و راه همه جا معربی و در دره واقع است

که طرفین آن جمیعا دره ماهور و تپه ها متکی بشعب جبال عظیم میگردد و درین راه

آبادی و قریه ملحوظ نیست

قریه نوده اول خاک بجنورد و قریه آباد و دویست و پنجاه الی سیصد خانوار سکنه دارد

سه شنبه پنجم شهر ربیع الثانی ورود موکب مسعود ببلده بجنورد

صبح این روز سرکار شاهنشاهی زودتر از سایر ایام برخاسته و استحمام فرموده

سوار شدند حیدرقلیخان ایلخانی حسب الامر ملازم رکاب گشته جزء اعظم از راه را

از اصغای فرمایشات علیه مفتخر و سرافراز بود و از قراریکه بعد معلوم شد سرکار

شاهنشاهی در آن روز سهام الدوله را ماموریت صریح داده و از وضع خیال و

حرکت ایشان در انجام این خدمت جویا شده بودند سهام الدوله چون تخصیص از

امور آن ساحات استحضاری وافی داشت بطرزی که همیشه متداول و معمول قشون

ظفر نمون است بخیال خود ترتیبی معین کرده معروض داشته بود بدین نحو که از
جاجرم و نردین سواره مامور از اردوی همایون جدا نشود و با ملاحظه اطراف و
آداب حرب حرکت کرده مسکن و مامن طوایف ضاله تاخت نماید رای مبارک
باقتضای الهامات غیبی و تاییدات الهی و علم وافی این عقیده را امضا نفرموده مقرر
داشتند که طوایف ضاله قومی اشرار و دزدند که در غفلت غارت کنند و در مقابل
و مقاتله فرار و غیبت گزینند تا بنظم و رعایت رسوم و آداب تا حشی شود آنها خود را
بکناری کشیده و بسقناقی گزیده اند پس بهتر آن باشد که تا از عزم ملوکانه و عزیمت
قشون مطلع نشده اند قشونی منتخب و معین شود که بدون انتظار پیاده و توپ ایلغار
کرده جزای عمل را محسوس و مشهود بر در کار ایشان عاید دارند و هم حرکت قشون
از دهنه اولی و طریق اقرب باشد که تاخیر موجب آفت است و بعد مسافت مستلزم
ماندگی و زحمت سهام الدوله ازین نوع اطلاع و علم اعلیحضرت شاهنشاهی در شگفت
مانده رای مبارک را تحسین گفت و بر همین رای و عزم بماندند ولی همچنین نیت
ملوکانه وضوحی نداشت و مکنون خاطر مبارک در پرده اخفا باقی بود بالاخره
چون موکب مسعود از کلیکه در دو فرسنگی بجنورد واقع است کذشته سراپرده را

نهار خوری سرکار مهد علیا منور گشت که در خارج جاده برپا کرده بودند علیحضرت
همایون شاهنشاهی محض اظهار مرحمت و احوال پرسی بسمتیکه علیاحضرت ایشان
فرود آمده بودند توجه فرموده و اندک زمانی توقف نموده براه معاودت فرمودند
و در اول دره ماهور راه از برای صرف نهار فرود آمدند در حین نهار چاپار دارالخلافه
در رسید و عرایض مستوفی الممالک و سردار کل و دیگر وزراء را در خاکپای همایون
تبلیغ نمود چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور زینت افزای جلگه بجنورد شده
تمام صحرا و دشت از سواران و پیادگان پر گشت و از صدای شیپور و نقاره خانه
و شهیق اسبان و غلغله سواران شورشی عظیم دران بیابان پدیدار شد در نیم فرسنگی
شهر قریب بباغ ایلخانی که محل نزول موکب همایون بود اهالی بلد بزرگ و کوچک
صف بسته بزیارت رکاب مبارک مشرف گشتند و باواز بلند دعای وجود همایون
گفتند و سرکار شاهنشاهی اظهار مرحمت و عنایت بعلماء و اعاظم شهر فرموده
در باغ مزبور شرف ورود ارزانی داشتند ایلخانی نثار مقدم همایون را پیشکشهای
لایق گذرانیده مقبول طبع ملوکانه گشت و از اعطای یکراس اسب عربی ممتاز از
اسبان خاصه سواری همایون با یراق تیپ طلا قرین افتخار و اعزاز آمد اعتضاد الدوله

که در اول

که در اول صبح برحسب اجازهٔ علیه بصید افکنی رفته بود چند قطعه کبک و تیهو
و یکدسته گل سرخ تازه بحضور مبارک آورده خاطر همایون از مشاهدهٔ گلها شکفته
گشته معلوم فرمودند که در حوالی بجنورد بفاصلهٔ دو فرسنگ ییلاقاتی است که در ماه
اوّل و دوم تابستان گل سرخ آنجا تازه بظهور رسد و در هنگام شدت حرارت
توقف در آمکانها در نهایت دلپذیر باشد بیکساعت بغروب مانده دیوانخانه مبارکه
قورق شد و دو ساعت و نیم از شب گذشته آقا علی و عکاسباشی و میرزا علیخان
و این بنده شرفیاب حضور ساطع النور اعلی شدیم عکاسباشی را امر و فرمایش شد
که عکس سهام الدوله و پسرش و شهر بجنورد در ابر داشته بنظر مبارک برساند و هم
مصطفی قلیخان میرشکار احضار گشته مقرر گشت که در اول صبح از برای تفحص و
تجسس شکار سوار شده و هر جا شکاری یابد بعرض عاکفان حضور مبارک برساند
از نوده الی بجنورد پنج فرسنگ است راه تا یکفرسنگ دره و ماهور و پست و بلند است
که در جنبین آن کوههای سخت کشیده است بعد از یکفرسنگ وارد دره عریض میشود
که مابین مغرب و شمال واقع و پانصد ذرع عرض آن و در دو سمت بدو جبال مرتفع
منتهی گشته دامنهٔ این جبال تمام زراعت دیم و در میان دره محصول شلتوک است

وسیعی است نیم فرسنگ از دره گذشته قریهٔ چناران است این قریه در دامنهٔ کوهی
موسوم باق مشهد واقع و دهی معتبر و آباد و باغات و اشجار بسیار دارد و نیم و اراراً
چشمه ایست که قریب پنج سنگ آب از او جریان نماید این آب با آبیکه از سمت
نوده می آید جمع شده همه جا از امتداد دره بمحال کرم خان رفته و در آنجا موسوم
برود سُوم ار میشود کوه آق مشهد در میان بجنورد و اسفراین واقع است سمت جنوبی
آن قریهٔ رویمین و اوّل خاک اسفراین است و سمت شمالی خاک بجنورد پس از قریهٔ
چناران بمسافت نیم فرسنگ در سمت چپ قریهٔ بغو واقع است و این قریه
در دامنهٔ کوهی است که او را درختان اُرس و کاج خیلی بسیار است از بغو گذشته
بفاصلهٔ اندک در سمت راست قریهٔ کوک کمر است و چون از باغات کوک کمر
بگذرد بفاصلهٔ یک میدان راه مایل بجنوب مغربی شود و از دره که بسمت محال
کرم خانه امتداد دارد منحرف گشته بکتل کوچکی منتهی میگردد و از این کتل تا نیم فرسنگ
در دره ماهور عبور کرده بجلگهٔ بجنورد متصل گردد جلگهٔ بجنورد جلگه ایست مدوّر مستطیل
اطراف آن تمام کوه و در دامنه و وسط جلگه قرا و مزارع متعدد واقع است
بنحویکه این جلگه را شباهتی تام بجلگهٔ کلاردشت مازندران دارد و فقط در آن جلگه

کوههای اطراف تمام جنگل است و در این جلگه جز در خلف جبال مغربی که مانند
جبال مازندران پر درخت است جنگلی نیست و کمتر از اشجار جنگل مزبور در جلگه نمایانست
باغ ایلخانی که در نیم فرسنگی شهر بجنورد و تشریف ورود موکب همایون هم در این
بود باغی است آراسته مشتمل بر اندرونی و بیرونی در باغ بیرونی حوضخانه بنا کرده‌اند
دو مرتبه با چهار صفه و حوضی خوش قطع و ماهتابی و بالاخانه باروح و منظری عالی
باغ اندرونی فقط کلاه فرنگی ظریف کوچکی دارد
بجنورد که در تواریخ به بزنجرد مضبوط است در سمت شمال کوه البرز و در فاصله
دو سلسلهٔ این کوه واقع است شعبهٔ شمالی که بنجیره کوه موسوم است و شعبهٔ جنوبی او
نیز بدو شعبهٔ منشعب گشته شعبه‌ای بالاداق و شعبه دیگر بسهلوک معروفست آلاداغ
کوهی است مرتفع و سبز و خوش هوا که قوش طرلان در او مسکن کرده‌اند و این مرغ
شکاری که مطبوع طبع سلاطین است در کمتر کوهها یافت گردد بعد بجنورد از دریای
خضر بخط مستقیم تخمیناً چهل فرسنگ و بخط منحنی از راه گرگان شصت فرسنگ است
و تا صحرای اتک که مسکن طایفه تراکمه است از اقرب طرق دوازده فرسنگ و از ابعد
زیاده از بیست فرسنگ مسافت ندارد و خاک بجنورد که دوازده فرسنگ طول

و عرض

و دشت و سنک عرض دارد و محدود است از سمت مشرق بخاک قوچان و از
مغرب بدشتی بایر و غیر مسکون که فاصله مابین کرکان و بجنورد است و کوهستان
معبر ترکمان بسمت عباس آباد وغیره و رباط عشق و انچه سوقی و شاباد
و کتری و قارنقلعه درین دشت واقعند سمت شمال صحرای اتک و سمت جنوب
جاجرم و اسفراین است

بلده بجنورد شهری کوچک با قلعه و حصاری محکم مشتمل بر چهار هزار خانوار و بازار
و حمام و مسجد و خیابانی راست و مسطح و عریض که ابتدای آن از دروازه ارک تا
انتهای شهر است و ارک آن حصاری است کوچک با برج و باره که زمین آن از
سطح شهر مرتفع تر و اکنون موقف سهام الدوله و کسان ایشان است

بلوکات و رودخانها و قراولخانهای بجنورد بدینموجب است

بلوکات

بلوک چهارده چناران که سمت مشرق بجنورد واقع است		
چناران	نوده	اسفندان
ترمه	بیغو	کوکر

بلوک سیمبار خانه از بنارسی ساب تا کلاتین که بکرمخانه معروفست و مابین شمال و مشرق بجنورد واقع			
کرمخانه	اغلو	دوتخل	قوردامو
نجف اباد	سوروک	عبدل آباد	اق تپه
قارلوق	قراخان هندی	بندیعنور	قوچ قلعه
سی ساب			

بلوک جول و جوشش اطراف بجنورد — بلوک کسه بار که مابین مانه و سملقان و بجنورد واقع است

بابا امان — ایجور — حمید — ینگی قلعه — حسن بو — ده کاه — ترکلو — بدرانلو

ضمرانلو — رشوانلو — بارخانه — پای قلعه — عرب شیخ بجنوردی — کلاه دار — خنده قلو — سیمجه

ترقی — کی کی — امامویردیها — مهتابان — تاتار — قراجه — سرریوان علیا — سرریوان سفلی

فیروزه — ارک محمدخان — قلعه اسد ریزنجیان — قلعه عزیز — کلاته — کودری — سلاخ — قره قانلو

حصار شیرعلی بیک — ارکان — نوده — خان باغ — قلعه ممو — فخرالدین — قلعه بربر — آق قیه

باغچق — علی آباد — قلعه باقرخان — کلاته — قراجنگل — دراقانلو — قره چای

لنله

بلوک مابین مغرب و شمال بجنورد واقع است — بلوک سمسکان که سملقان نیز گویند سمت مغرب بجنورد واقع و جنگل بجنورد در این بلوک است که منتهی بجنگل استراباد میشود

برج زنگانلو — پس قلعه — چشمه کاو — الله داد — قلعه خان — حیدرآباد — شهرآباد — غازی

حصه کام — قلعه جلو — کلاتر — اسفندان — لنگر — کت تک — مهمانک — شاه آباد

اینچانلو — بازاره — سامان دره — لشکرآباد — قلعه ملاحسن — قرامصلی — قلعه نجف — اشخانه

چوبلو — قلعه اچه‌ها — قلعه اوشادها — کلاتن — بیار — ارک — دربند

بلوک رخشیان و حصار — محال راز دو قصبه است میانه شمال مغرب بجنورد و کنار اترک واقع است

زیوان — درتو — بیستانه — راز چهارصد خانوار است — قاتلیش یکصد خانوار است

حصار — رخشیان — تخته باشقه و چشمه خان

بلوک شوغان مابین جنوب و مغرب بجنورد واقع است — بلوک چاروه که سمت جنوب بجنورد واقع است

قصبه شوغان — طور — برزانلو — چاربند — حسن خاص — خود آشا — اندخان

کوشغان — پشت بان — بامی — دوبرجه — حربه — کرنه — قتل

حصار — چپه — جعفری — دربند — جعفرآباد — قلعه سعید

رباط بجی مخروبه است و اهالی کار عبور تراکمه است

رود خانه‌ها

رود خانه عین اللطف رود خانه ایست که منبعش کوه سهلوک از ما بین سفراین و بجنورد بسمت شمال جاری و در جلگه بجنورد صرف میشود

رود خانه چهار مغان منبعش از پشت قارداش از جنوب بسمت بجنورد جاری و از شرق بشمال رفته برود خانه سمار داخل میشود که سیمبار نیز مینامند

رود بار خانه منبعش ما بین جنوب و شرق از کوه آق مشهد جاری و بسمت بجنورد آمده از شرق بجنورد گذشته بسیمبار داخل میشود

رود خانه چناران که از سمت مشرق بمغرب جاری و منبعش از جنوب است داخل سیمبار میشود

رود خانه سیمبار منبعش از شیروان قوچان از پشت کوه شمالی بجنورد جاری است

رود خانه مانه منبعش از قوشخانه زعفرانلو است از شیرین دره و شمال بجنورد بسمت جنوب جاری و ملحق بسیمبار میشود

رود خانه سملقان از جنوب و کوه آلاداغ بشمال جاری و داخل سیمبار میشود

رود خانه درکش از آلاداغ جاری و بسمت جنوب آمده و داخل سیمبار میشود

رود خانه شاه آباد منبعش از آلاداغ بسمت مغرب آمده و بعد بشمال مایل شده بسیمبار و مانه داخل میشود

رود خانه اینچه که آب و بهترین آبها است منبعش از کوه قورخد که جنوب سملقان است از آنجا رو بشمال میریزد و با اینچه میرود اینچه خراب است سملقانی از او زراعت می‌کنند

قراولخانهائیکه در خاک بجنورد و در معابر عبور تراکمه ساخته شده است و اغلب با مستحفظ و قراولند بدینموجب است

راهها و قراولخانهها که در سمت مشرق و شمال بجنورد مابین خاک زعفرانلو و شادلو واقعند

خاتونک سفلی	میان راز و قریب بقاباشرات	پسندر	باش تپه	دهنه کلیدر قریب راز
رزندر قریب راز	باجیدر سمت راز	جلفدر ایضاً	کوینک ایضاً	تنگه
شاه یولی	کوتو اورولان	قشقه علیا و سفلی	دشتک	جوریز
مه یولی	چاتاق	علازوی	درکش	قرابیل
چارچوبه	تنگه اجاجرم			

این معابر اغلب مخصوص طوایف تکه است که هرگاه قراول و مستحفظ نداشته باشند میتوانند بدزدی بخاک بجنورد وارد شوند و هرگاه از خاک بجنورد بخواهند بگذرند لابد باید از آنها عبور نمایند

معابر ترکمان بصحرای شوغان از سمت شمال مغربی و مغرب جنوبی که بعضی از جلگه و کوهستان فاصله گرکان و سملقان میگذرند

دیزکند در فاصله سملقان و شوغان واقع است	آق زو	درنبابید	چالباشر	آق بابا
یاقوتکلن	الوچلکو	جند عباس	قرانیکان	تنگران
قراول				

معابر مسطوره که از شمال تا جنوب خاک بجنورد امتداد یافته قراولخانهای مغربی و
مغرب جنوبی آن در صحرای مابین بجنورد و جاجرم و نردین است و عبور طایفه ضاله
بسمت استراباد و عباس آباد و غیره لابد باید ازین قراولخانها باشد و طایفه
یموت را عبور ازین معابر ممکن نگردد مگر هنگامیکه با کوکلان معیت داشته باشند

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی و دوم تشریف فرمائی سرکار شاهنشاهی به بجنورد

درین روز تمام اوقات مبارک سرکار همایونی مصروف صدور احکام و امورات
دولتی بود در اول و جواب عرایض وزراء را اصدار فرموده امر برجعت دادن
چاپار فرمودند و پس از آن سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردگان را
با حضور امین الدوله و اعتضاد الدوله احضار فرموده و همه را از مکنون خاطر مبارک
اطلاع داده نظر ببصیرت و علم و اطلاع سهام الدوله مشارالیه را در انجام این
خدمت بریاست کل مامورین معین فرمودند که بلد راه و مراقب نظم سوار باشد
و سرکردگان و صاحبمنصبان مفصله را مقرر داشتند درین خدمت و ماموریت
از صوابدید ایشان غفلت ننمایند و هر یک سواران ابواجمعی خود را حاضر ساخته
بدون آنکه احدی از اصل مقصود اطلاع یابد در شب ششم هنگام سحر باقبال

بزوال همایون از صحرای شوغان بسمت مقصود روان شوند

رؤسا و سرکردگان و صاحب‌منصبان — سواره مأموره

سهام‌الدوله حیدرقلیخان ایلخانی سردار قشون مأموره	شجاع‌الدوله امیرحسین‌خان ایلخانی	کلب‌حسین‌خان امین نظام و سرکردگان نظر	سواره ملتزم رکاب: غلامان مخصوص	غلامان نصرت
حسینقلیخان سوار مخصوص	صفرعلیخان سرتیپ	زین‌العابدین‌خان سرتیپ	سواره مهاجر	سواره دوران
صادقخان سرتیپ	عباداللّه‌خان غلام پیشخدمت	حسنعلیخان سرتیپ قورت بیگلوئی	سواره اینانلو	سواره قورت بیگلو
			سواره خراسانی	
سبحانقلیخان برادر سهام‌الدوله	شیرمحمدخان برادر ایضاً	علیقلیخان یوزباشی غلامان مخصوص	شادلو	زعفرانلو
قراخان سرکرده سواره دره‌جزی	محمدخان بیگلربیگی هزاره	خانسوار سرکرده هزاره	دره‌جزی	هزاره
			جوینی	جاجرمی

چون سرکار همایون شاهنشاهی را ازین مهم عظیم فراغت حاصل آمد و صاحب‌منصبان
و سواران در پی اجرای امر ملوکانه شدند هنگام عصر محض تفنن بدست مبارک چند
شیشه عکس انداختند میرشکاران از سواری رجعت نموده معروض خاکپای همایون داشتند
که در کوه بالاسر بجنورد شکار دیده اند حسب الامر مقرر آمد که در روز آینده قبل از سواری
سرکار همایونی بطرف خوابگاه شکار رفته منتظر تشریف فرمائی سرکار شاهنشاهی
باشند مقارن غروب دیوانخانه مبارکه قورق شده و علیاحضرت مهد علیا

مبارک شتافتند و چون موکب مسعود در خانه ایلخانی که از بناهای اجداد ایشان است تشرف ورود ارزانی داشت ایلخانی سر افتخار بطارم افلاک سود و حتی المقدور از شالهای کشمیری و نقود و اسبان ترکمانی و کنیزان خوب روی و بازان شکاری تقدیم خاکپای همایون نمود و اعلیحضرت پادشاهی را طرز ادب و خدمت ایلخانی پسندیده آمده و خان باباخان پسر صغیر الیه را که بسن دوازده سال و آثار رشادت و صداقت از ناصیه اش پیدا بود بالطاف ملوکانه نواخته و با عطای یک قطعه کل کمر مکلل بالماس سرافرازش فرمودند و ساعتی در باغچه و اطاقهای ایلخانی تفرج فرموده سلیقه او را در تجمیع اسبابهای نیکو از قبیل تفنگهای اعلی و شمشیرها و ساعتهای مجلسی و حتی برمتر و تصویرهای فرنگی در نهایت پسندیده و از این مقوله فرمایشات فرموده و ایلخانی را بعواطف ملوکانه امیدوار ساخته مقارن غروب از خیابان وسط شهر تشریف فرمای منزل شدند از قراریکه بعرض خاکپای همایون رسید حالت مرض معیر الممالک و بازدیاد گذاشته بود و خاطر مرحمت مظاهر همایونی از این معنی در نهایت افسرده گشته یحیی خان اجودان مخصوص و این بنده را مقرر آمد که حکیم باشی طهران و سایر اطبای رکاب مبارک را در بالین مریض

حاضر نموده کنکاشش نمایند و قراری در امر معالجه داده هر کس را سزاوار دانند
در نزد ایشان بگذارند ما ملازمان نیز حسب الامر به باغ منزل معزی الیه رفته و در حضور
حاجی رشید خان مستوفی که از دوستان مخصوص مریض مشار الیه بود با حکیمباشی
طهران و ملک الاطبا و میرزا محمد حسین دکتر و آقا میرزا سید علی مجلس کرده مشاوره
نمودیم عاقبت بصوابدید همه چنان قرار شد که ملک الاطبا و آقا میرزا سید علی متفقاً
در بجنورد مانده و بعون الله تعالی مشغول معالجه شوند و حکیمباشی طهران سید مشار الیه را
که طبیب عالم و مخصوص شخص معیر الممالک بود از جانب خود بر نگاه داشت و معنی را
اجوادان مخصوص بعرض عاکفان حضور رسانده از جانب سنی الجوانب ملوکانه
بملک الاطبا و سید حکیم و غیرهما الثقات و نوید مرحمت داده خاطر مبارک را
از اهتمام و مراقبت ایشان مطمئن ساخت و هم درین شب یکساعت بصبح مانده
اردوی سهام الدوله و شجاع الدوله از بجنورد بسمت شوغان حرکت نمود

جمعه هشتم ربیع الثانی حرکت موکب منصور از بجنورد بفیروزه

درین روز سرکار اقدس شاهنشاهی یکساعت از طلوع آفتاب گذشته با نصرت
و اقبال همعنان گشته قبل از عزیمت از جلگه بجنورد محض شمول مرحمت در باره معیر الممالک

وبهبودی حال ایشان از فیض قدوم مرحمت لزوم خسروانی بباغیکه منزل مشار الیه
بود شرف ورود ارزانی داشت امیر دوست محمد خان و حاجی رشید خان
وسایر کسان ایشان در خارج باغ بتقبیل رکاب مبارک شتافته و شاهنشاه با رحم
چاکرپرور به بستر مریض توجه فرمودند حکیمباشی طهران و ملک الاطباء که در بالین
معزی الیه حاضر بودند ابتدا هر قدر خواستند او را ازین مرحمت خاص خسروانی
اطلاع دهند شدت مرض واغما و بیهوشی مانع آمد تا بعد از اندکی که توجهات خاطر خطیر
شاهنشاهانه مؤثر آمده و دیده گشوده سعادت و عزت وصحت را در بالین خود دید طبیعت
مقهور را قوتی تازه پدید گشته و برمرض منصور آمده آثار صحت در سیمای مریض شاهد
گشت و با شارات و کلمات چند شکر اینمرحمت و مکرمت عظمی را بجای آورد و خاطر
خطیر همایون شاهنشاهی ازین معنی خرسند گشته و چون حرکت دادن مشار الیه
با این حالت بر خلاف حکمت بود مقرر داشتند چند روزی با عیال و متابعان
در بجنورد متوقف باشند و ملک الاطباء و سید حکیم در کمال دقت در استعلاج ایشان
کوشند تا انشاءالله صحت حاصل شده باردوی همایون ملحق شوند و هم محمد قلیخان
شاطرباشی را که مردی با کفایت و موثق اعتماد همایون بود مامور گشت

ابا دکنه

که با دو دسته سرباز و چند نفر از غلامان خاصه به پرستاری و نگاهبانی معیرالممالک
مشغول باشد و جمیع لوازم صحت و راحت ایشان را فراهم آورد و چون خاطر
مبارک را از امور معیرالممالک آسودگی حاصل گشت بکالسکه نشسته و بتیب
همایون رو بمقصد راه نمون شد و بجماعت از روز بر آمده در حوالی قلعه فیروزه نزول
اجلال گشت سرکار همایون شاهنشاهی نهار میل فرموده ساعتی باستراحت مشغول
شد و چون از خواب برخاستند دبیرالملک احضار شده عرایض و مطالب
استراباد را معروض داشته در جواب احکام صادر نمود

از بجنورد بفیروزه دو فرسنگ و راه مایل بجنوب در میان دو سلسله کوه
سخت واقع و اغلب دره و ماهور و پست و بلند است و رودخانه از وسط آن
جاری است مشهور بعین اللطف که سرکار همایون شاهنشاهی در روزنامه همایون
بعین اللطف یا عین اللطیف تصریح فرموده اند چه این اسم عربی مینماید و از عین اللطف
معنی مفهوم نمیگردد علی ای حال رود مزبور از کوه آلاداغ جاری است و آبی
در نهایت صاف و گوارا دارد و یک نوع ماهی سفید تربیت میکند که ظاهرا خالی
از لطافت نمینماید ولی چندان ماکول نیست قلعه فیروزه قلعه مستحکم

وقریب هفتاد خانوار رعیت دارد

دهات واقعهٔ در عرض راه ازین قرار است

سمت راست جاده

باغات زیاد هم در کنار راه موجود است	ارل محمدخان در وسط جاده واقع است	ارکان در دامنه است

سمت چپ جاده

مهمان قریه ایست بزرگ و باغات بسیار دارد	قلعه الله ویردیخان و باغ بزرگ سبحانقلی خان

شنبه نهم شهر ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود از فیروزه بچهار بید

هنگام

درین روز چون سرکار همایون شاهنشاهی علی الرسم قبل از عزیمت بحمام تشریف فرما شدند فرستادهٔ از نزد سهام الدوله در رسیده حرکت اردوی ایشان را از شوغان معروض خاکپای همایون داشت و نیز بعرض عاکفان حضور مبارک رسانید که سهام الدوله فرستادهٔ میر علی نقی خان قندرسکی را بموجب دستخط همایون ماخوذ داشته با خود همراه دارد خاطر خطیر همایونی ازین معنی در نهایت خرسند گشته و این کار را بفال نیکو گرفتند چه بعضی از اهالی قندرسک را بواسطه قرب جوار با طوایف ترکمان دوستی

و یکجهتی

وخصوصیتی در میان است و از آنجا که این شخص فندرسکی بدون اطلاع
از اردوی همایون هجرت نموده بود خاطر خطیر همایون شاهنشاهی که محیط
برنکات جمیع امور است بر این معنی ملهم گشت که ممکن است طوایف ضاله را از عزم
ملوکانه آگاهی دهد و اسباب فرار ایشان شود پس دستخطی بافتخار سهام الدوله
صادر نموده معجلاً روانه نمودند که هر کجا او را بیابند باردوی خود همراه دارند سهام الدوله
نیز در اطراف راه قراول گذاشته و شخص مزبور را که همه جا از قلل جبال سیر مینمود
دستگیر نموده بعرض رسانید بالاخره ذات والاصفات شاهنشاهی
بجماعت از دسته گذشته باسب رخش پیشکشی امیر حسین خان سوار گشته
از کنار رودخانهٔ عین اللطیف تشریف فرما گشتند تا یکفرسنگ که تمام راه
از زیر سایهٔ درختان و کنار رود بود امین الدوله و اعتماد السلطنه را بفرمایشات
علیه مخاطب داشتند تا مجرای رود بدره سمت چپ منحرف گشته و از
از درهٔ مغربی شد همچنان سرکار همایون از این دره که از حیثیت کوههای
بلند شباهتی تام براه توچال مابین دار الخلافه و جاجرود داشت تشریف فرما
بودند تا کتلی نمودار گشت و موکب منصور از کتل مزبور صعود و نزول فرمود

راه را اندک وسعتی بهم رسیده و آورس و کاج جبال اطراف زیاده گشت
و حضرت همایون از برای صرف نهار بکوه سمت چپ که درختان سرو
و کاج کهن داشت توجه فرمودند و در روی پارچه سنگی که منظری عالی داشت
فرود آمدند و بعد از صرف نهار با دوربین تماشای راه میفرمودند تا تمام اهالی
حرم با سواران و غلامان با نظم و ترتیب از راه گذشتند و حضرت پادشاهی
سوار شده از میان جنگل کاج و از بالای کوه بسمت راه مایل گشتند بمعبر سنگ
گذشته محاذی قلعهٔ تتلی اردو و جلگه نمودار گشت و قراء طورو شوغان
و چهار بید که درین جلگه واقعند از دور و نزدیک ملحوظ گشته موکب مسعود
بچهار بید شرف ورود ارزانی داشت و مقارن این حال چاپار استراباد
در رسیده عرایض ملک آرا معروض خاکپای همایون گشت و هم پاشاخان
مظفر الدوله باردوی ظفرنمون ملحق گشته از زیارت حضور همایون بهره یاب
و مفتخر آمد شب بعد از شام برسم معمول قورق گشت و پیشخدمتان خاصه
بحضور فیض گنجور شرفیاب شده اجودان مخصوص و حکیمباشی طلزان
بعرض روزنامجات فرانسوی مشغول گشتند

از فروزه

از فیروزه الی چهار بید چهار فرسنگ است و راه چنانچه ذکر شد از میان دره و فاصله دو شعبه جبال است که بعضی از ایلات شادلو در آنجا مسکن و ییلاق دارند

روز یکشنبه دهم تشریف فرمائی اردوی انجم شکوه از چهار بید بچهار ده سنخاص

درین روز چون خاطر خطیر همایون شاهنشاهی مایل بصید افکنی و شکار گور بود و رحمت الله خان ساری اصلان با جمعی از سواران هزاره و شکارچیان خاصه در شب گذشته بموجب امر قدر قدر بطلب و تفحص شکار و گور دوانی رفته بودند بهنگام صبح که اردوی کیوان پوی از چهار بید کوچ نمود حضرت همایون شاهنشاهی وزرا و اغلب ملتزمین رکاب را امر و مقرر داشتند که از جاده روان شوند و خود با معدودی قلیل از ملازمان خاص سمت شمال شرقی که جلگه و شکارگاه بود توجه فرمودند پس از طی اندک مسافتی از گردنه کوچکی بزیر آمده داخل جلگه شدند و درین صحرای مسطح که سمت شمالی آن صحرای شوغان و معبر ترکمان است خاطر خطیر همایونی با سب تازی

مایل گشته و همچنانکه اسب کنج‌آور در تک و پوی بود با قرقرائی که مرغی شد پرت
در هوا منظور نظر مبارک گشته با یک تیر از اوج آسمان بزمین افکندند
سواران ازین تیراندازی در شگفت مانده وجود همایون شاهنشاه را دعا گفتند
مقارن اینحال روباهی محاذی سم اسب همایون بیرون آمده از سمتی
بسمتی رفت و چنانکه از قدیم‌ترین ایام تا کنون رسم است و مکرر تجربه شده است
حرکت روباه دلیل بر آن شد که مأمورین نصرت نشان بر آن روباه صفتان
و دشمنان دولت و دین غالب خواهند آمد و چون این تفأل سالخوردگان
و بزرگان سپاه بعرض خاکپای همایون معروض افتاد بفال نیک گرفته
و خاطر مبارک را مسروری حاصل آمد و هم در آن صحرا آهوئی از چراگاه
خویش رمیده سرکار همایون شاهنشاهی با میرشکار وی را تعاقب کرده تیری
بدو انداختند و چون فاصله بسیار بود و تفنگ از چهارپاره پر شده بود کارگر بود
نیامده آهو متخلص شده و سرکار پادشاهی از تعاقبش صرف نظر فرمودند
درین حال سوارانیکه بهنگام شب مأمور شده بودند ملحوظ نظر همایون
گشتند که بطور صف از دامنه کوه می‌آیند و از وضع و سیر ایشان معلوم گشت

که هر قدر جد و جهد کرده بودند مر ایشان را ممکن نشده بود که گوری بدو اند
یا باصطلاح شکارچیان شکاری بچرانند پس حضرت همایون شاهنشاهی را
که بواسطهٔ اسب تاختن و حرارت هوا عطش مستولی شده بود در صحرا فرود آمدند
و بصرف هندوانه مشغول گشتند و هنوز اندکی از این میوه که در طبع ملوکانه
در نهایت مطبوع و سازگار است میل نفرموده بودند که میرشکار مستعجلاً مشرف
شده معروض داشت که گوری از دور نمایان است سرکار پادشاهی بلاتأمل اسب
خواسته و بشتاب در پی وی تاختن کردند گور چون چنین دید که در پی خود دید در نهایت سرعت
بجست و خیز آمده و خود را در دره و ماهور دامنهٔ کوه پنهان کرد و هر قدر
تفحص کردند او را نیافتند پس حضرت همایونی با آفتاب گردان نهار خوری
معاودت فرموده بعد از صرف نهار سمت جنوب که روی بمنزل بود
عطف عنان فرمودند تا بقریهٔ دربند که در میان دو سلسله کوه عظیم واقع
و فی الحقیقه دربند است تشریف فرما گشته قریب نیم فرسنگ از این معبر تنگ
عبور فرموده تا راه را وسعتی بدید گشت و ارتفاع جبال سمت راست روی
به پستی گذاشته درهٔ مزبور بجلگه سنخاص که جلگه ایست وسیع منتهی گشت

و اعلیحضرت همایون شهریاری پس از ملاحظه معابر و مسالک این جلگه
که یکی از معابر معروف الامان طوایف ترکمان است و تعیین مکانی مخصوص
برای بنای قراولخانه که میتواند راهی را که غالبا باعث زحمت
رعیت و عابرین سبیل است مسدود و محفوظ نماید بکالسکه نشسته باردوی
سنخاص شرف ورود ارزانی داشتند درین روز بعد از ظهر
بادی سخت برخاست و طوفانی شدید در هوا حادث شد چنانکه
چادرها از جای کنده میشد و دیده ها بخاک آگنده می گشت همانا طوفانی
که از ان طرف ظهور کرد علامتی از صرصر قهر ملوکانه بود که در ان سمت وزیدن
داشت چه قشون ظفرنمون درین روز مشرف بورود و قریب بتحصیل مقصود
بودند بالاخره چون از شدت باد اغلب از خیام حتی بعضی از تجیرهای
سراپرده همایون از پای درافتاد حاجی محمد خان حاجب الدوله
و محمد حسین خان نایب محض آسایش وجود مسعود همایون الاچیقی برپا
کرده و اطراف آنرا با تجیرهای بلند و طنابهای محکم حیاطی کوچک
مهیا ساختند و سرکار پادشاهی شام را بیرون میل فرمود

شب را در میان لاچیق بغنودند

از چهار بید الی چهارده پنج فرسنگ است و شاهراه تا جلگه سنخاص در میان دره و فاصله دو سلسله جبال واقع است که جبال سمت راست آن تا دهنه قراول امتداد دارد و مشتمل است بر جنگلهای آورس وغیره و جبال سمت چپ نیز جنگلهای آورس دارد ولی متدرجا مماثل به تپهای خاکی بوته دار میگردد

محال اسفراین در دامنه این جبال واقع و اکثر قراء و مزارع آن از دور نمایان است

دهات واقعه بسمت راست

شوغان	چیته	یامی	پشت بان	دوبرجه
لوشقان	طور	برزانلو	دربند	قلع

از آنجا که یکی از معابر حقیقی ترکمان که بسمت عباس آباد و بسطام وغیره میرود از دهنه سنخاص و ازین بیابان فاصله جاجرم و اسفراین است که منتهی به کبانها و کلاتها گشته از دهنه زید بسمت بیار جمند میرود

و یا از دهنه ایازد و کلن بمیان دشت و عباس آباد و یا از شیخ مرتضی علی

میدان عبور نموده بمغز و کیلان و از آنجا بخیر آباد و دهات زیرستاق

میرود چنانکه ما اسامی اکثر از گدارهای اولیه آنهارا در شرح بجنورد و غیره

مذکور داشته ایم که متدرجا در تمام آن گذرها قراولخانها و قلعه جات

بنا نمایند خاصه در سه دربند و گذر معروف که بصحرای شوغان می آید

و عبارتند از دشت و رباط عشق و آرمدلو مقرر آمد که در عهده ایشان قلاع

و قراولخانهای معتبر بنا نموده خانواری چند در آنها مسکون سازند

تا متدرجا بقیه قلعجات ساخته شود و البته زمانیکه در ظل عطوفت شاهنشاهی

این قلاع و قراولخانها باتمام رسند تمام راه خراسان از شر طایفه ضاله

مصون و محروس خواهد ماند

چهارده سنخاص عبارت از چهار قلعه بزرگ است که بفاصله اندک

در حلکه سنخاص واقع گشته یکی از آنها قریب الانهدام و سه قلعه دیگر آباد

و در هر یک پنجاه الی شصت خانوار رعیت دارد و اسامی ایشان در روز

اینده مذکور خواهد گشت

از جانب سنی الجوانب همایون مقرر گشت

روز دوشنبه یازدهم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از چهارده بجاجرم

درین روز اگرچه خاطر خطیر همایون اعلیحضرت شهریاری مایل بتوقف چهارده و صید افکنی و شکار گور در آن اطراف بود شدّت باد بطوری بملازمان رکاب نصرت نشان زحمت داد که سرکار پادشاهی فسخ عزیمت فرموده در اوّل بامداد حکم بشیپور کوچ دادند و از آنجا که از چهارده الی جاجرم راه هشت فرسنگ طول دارد و اغلب کویر و بی آبست محض آنکه ملتزمین رکاب از پیاده و سواره بواسطهٔ قلّت آب سخت نگذرد و آقا ابراهیم آبدارباشی را مقرّر شد که از برای ایشان تدارک آب نماید مشارالیه نیز علاوه بر چهل قاطر راویه کش که با سقایان با هر دسته و فوجی همراه نمود مشکهای بسیار پرآب کرده و بر شتران حمل داده با خود همراه داشت که هر هنگام سقّایان را آب تمام شود راویهای خویش را از بار شتران پرآب کرده بمردم رسانند و نیز چون راه امروز راهی طولانی و دزدگاه بود بملاحظهٔ آنکه شاید از دزدان ترکمانی یکی یا دو نفر از جلورفتگان یا پس ماندگان اردو آسیبی رسد

محض حزم و احتیاط رحمت الله خان ساری صلانز امقرر شد که با یک
فوج در مقدمه اردو باشد و فرخ خان امین الدوله را مقرر آمد که بعد از حرکت
تمام اهالی اردو با یک فوج بر سم چنداولی حرکت نمایند و خود سرکار همایون
شاهنشاهی بر خلاف معمول بعد از رفتن حرمخانه مبارکه سوار شده
با تیپ و تفنگ بسمت جاجرم تشریف فرما شدند دو فرسنگ از چهار ده گذشته
میرزا رحیم سرکرده سوار جاجرمی و میرزا فتحعلی نایب الحکومه جاجرم و یکصد نفر
سوار جاجرمی به تقبیل رکاب مهر انتساب مشرف گشته و مورد الطاف
ملوکانه آمده مقرر گشت بسمتی که مهدیقلیخان غلام بچه باشی و میرشکار بطلب
گور رفته اند رفته بدیشان ملحق شوند و خود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در کویر
از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار چون هوا بسیار گرم
و مسافت بعید بود از خیال شکار منصرف گشته کس بطلب مهدیقلی خان
و میرشکار و سایر سواران فرستادند یک فرسنگ بمنزل مانده سواری
از امین الدوله در رسیده معروض داشت که آب تمام شده
آبدار باشی را اشارت رفت که اعانت نماید مشار الیه فوراً بمنزل رفته

وسقایان پیش خانه را با راویهای متعدده معجلا بسرباز و سوار چندول

رسانند و تمام را سیراب نموده احدیرا از قلت آب زحمتی وارد نیاید

چهار ساعت بغروب مانده ذات والاصفات شاهنشاهی تشریف فرمای

جاجرم شدند و چاکران و ملازمان هریک در خیام خویش بیاسودند

جهانسوز میرزا حاکم شاهرود که درینوقت در نزدین بود بزیارت

آستان همایون مشرف گشته مورد الطاف خسروانه آمده مقرر شد

شب با اعتماد السلطنه که وکالت ایالت شاهرود و بسطام و نزدین

و جاجرم بدو مرجوع بود بحضور مهرظهور مشرف شده در خصوص انتظام

امور آن ساحات و سرحدات اصغای فرمایشات علیه نمایند

یکساعت بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد شب در هنگامیکه

سرکار پادشاهی مشغول صرف شام بودند صدای شلیک توپی

از دور برخواست حضرت همایون محض استفسار از واقعه امین الملک را

حکم دادند که از شلیک اطلاعی حاصل نموده بعرض رسانند جناب معزی الیه

نیز محمد نظر خانرا با چند سوار به تجسس فرستاده هم میرشکار را با چند نفر سوار

از سگارچیان خاصه که هر یک در جرئت و رشادت با ده سوار برابری
دارند در کمال شتاب روان شدند بعد از صرف شام قورق شکست
اعتماد السلطنه و امین الملک و جهانسوز میرزا و سایر چاکران بحضور همایون
شاهنشاهی مشرف شدند در تنظیم امور التصفحات و ساختن بعضی قلعجات
فرمایشات لازمه علیه بعهدهٔ اعتماد السلطنه و جهانسوز میرزا شرف صدور
یافت محمد نظر خان مراجعت نموده معروض داشت که چون بمسافت
نیم فرسنگ پیش رفته چند نفر از سواران چنداول رسیده مذکور داشته
بودند که شلیک توپ از توپچیان خاصه بوده است که هنگام شب
بجهة اخبار اردو انداخته بودند و هم میرشکار معاودت نموده بعرض عاکفان
حضور مبارک رسانید که تمام اهالی اردو با امین الدوله وارد شده و از حقیقت
شلیک خبری معلوم نشد بعد آقا ابراهیم ابدارباشی معروض داشت که حاجی حسن
ده باشی سقاخانهٔ مبارکه و سایر سقایان که متعاقب اردو می آمدند در دامنهٔ شمالی
چند تیر شلیک تفنگ شنیده اند و هیچ استبعاد نداشت که دزدان طایفهٔ ضاله
که اغلب اوقات در دره های آن نواحی پنهانند شلیکی کرده و جرئت نزدیک شدن

نیافته اند میرشکار امروز هنگامیکه با مهدیقلیخان در جنگلهای سمت

کلاتها و رباط سونج در تفحص شکار بود خورجینی مشتمل بر سه شب کلاه و دو

آستر پوست و جعبه استکان بلور و اسباب چای و دوازده طاقه شال مشهدی و سیب

و سرداری و دیگر یافته بود از لحاظ نظر انور ملوکانه گذرانید معلوم شد که اولجه سارقین

ترکمان بوده که در آن جنگل مفقود داشته اند و چون سوار از امشاهده کرده اولجه خود را

گذاشته فرار نموده اند بالاخره پنج ساعت از شب گذشته سرکار همایون پادشاهی

بیاسودند و مقربان حضور رخصت انصراف یافتند

از چهارده بجاجرم هشت فرسنگ بلکه نه فرسنگ راه مایل بمغرب و تمام صحرای مسطح و کویر

و جنگل گز و طاق است سمت راست بفاصله یکفرسنگ و نیم فرسنگ سلسله کوهی

واقع است پست و سخت و مهیب و درین کوه راه ها و دربندها است که طوایف تکه

و یموت پس از گذشتن از رباط عشق و غیره و ورود بصحرای شوغان از برای گذشتن

بجلگه سنخاص و صحرای فاصله مابین جاجرم و اسفراین و رفتن بسمت شاهرود ولابد

ازین معابر عبور نمایند و اسامی آنها بدینموجب است ابتدا از سمت چهارده

راه نشوه | راه رفته رفته اسم قریه بوده است که حال منهدم گشته | راه کلاته خان از بالای مزرعه جرمد میگذرد

اجنابان

گدار گزی	راه خیابان
در دو فرسنگی جاجرم واقع است و آبخور این گدار زمان آباد خرابه است که آب قلیلی دارد	بجلگو منتهی میشود و جلگو چشمه ایست که آبخور زنگان است

قراء و قلعجات مابین سنخاص و جاجرم بدینموجب است

سمت راست نیم فرسنگ از دهنهٔ سنخاص گذشته قلعهٔ اندغان و بفاصلهٔ اندکی
قریهٔ خوداشا است این دو قریه هر دو از دهات چهارده اند دو فرسنگ گذشته
مزرعهٔ جُربُد است که در دامنه واقع و موسوم است باسم شهری که در زمان سلف
درین جلگه واقع و جُربُد نام داشته است و اکنون از عمارات آن جز ارکی باقی نیست
چنانکه در شرح قراء سمت چپ خواهیم دید پس از مزرعهٔ جُربُد زمان آباد خرابه است
که در او جز دو برج و چشمه آبی قلیل آثاری نیست از زمان آباد گذشته درین سمت راه
جاجرم قریه و مزرعهٔ نیست مگر در نیم فرسنگی جاجرم که قلعه و کاریز آبی و چند درخت
توت و غیره است   سمت چپ اولاً در ابتدای قریهٔ سنخاص است و او قصبهٔ
معتبر و باسکنه و باغات است   نیم فرسنگ از سنخاص گذشته قلعهٔ جعفرآباد است
و او قلعه ایست محکم با باره و خندق که سابقاً ارک شهر جُربُد بوده حیدر قلیخان ایلخانی
شادلو او را تعمیر نموده باسم خود موسوم ساخته است و سه چهار خانوار رعیت

در او

در او سکنا داده اندک زراعتی دارند که از آب سنخاص مشروب میشود و در حوالی

خود این قلعه دو رشته قنات است که این اوقات حیدر قلیخان سهام الدوله

یکی از آنها را تنقیه نموده آبی اندک دارد و محتمل است که پس از چندی از این دو رشته

قنات دو سنگ آب جاری شده باعث ازدیاد آبادی و معموریت قلعه شود و نیز

در نزدیکی قلعه چشمه ایست که از آب آن یک بنه الی دو بنه زراعت میشود و چون

هرگاه درین قلعه همواره پنجاه سوار باشد میتواند مانع از ورود و عبور ترکمان شود از جانب

سنی الجوانب همایون شاهنشاهی حکمی بعهده سهام الدوله شرف صدور یافت که حتی الامکان

در صدد آبادی این قلعه کوشیده پنجاه خانوار در او سکنی دهد پس از جعفر آباد بفاصله

یک فرسنگ در زیر دست جاده قلعه بلا سکنه است موسوم بقلعه سفید این قلعه

در تواریخ به دز سفید معروف است و چون از محاذات او بگذرند تا جاجرم دیگر

آبادی و قلعه مشهود نیست ولی این صحرا خیلی مستعد است که در او حفر قنوات و

بنای کشت و زرع گذارند قصبه جاجرم قلعه بزرگ و شباهت بقلعه ارادان

خوار دارد که در وسط واقع و اطراف آن تمام باغات و زراعت است اهالی این قصبه

که قریب چهار صد خانوار هستند تماماً در میان قلعه ساکن و اغلب مردمان آن

یقشلچی قابلند   محال جاجرم مشتمل بدین قصبه و سه قریه دیگر است که عبارتند
از گرمه و ایور و دره و در هر یک از آنها نیز پنجاه الی صد خانوار رعیت مسکون است
هوای جاجرم گرم و محصول آن جو و گندم و اندکی شلتوک است و بهمین سبب هم
اسم جاجرم جای گرم بوده جاجرم معرّب است

روز سه شنبه دوازدهم توقف موکب منصور در جاجرم

از آنجاکه در روز گذشته بواسطه بعد مسافت و شدّت و سورت حرارت
هوا مشقّتی بابالی اردو و ملتزمین رکاب نصرت انتساب وارد آمده بود محض آسایش
چاکران درین روز از جانب سنّی الجوانب همایون ملوکانه در جاجرم امر باطراق
شد تا ملازمان راحتی باشد و بندگان اقدس همایون را در مطالعه عرایض مختلفه که از
طهران و سیستان و خراسان به پیشگاه حضور مهر ظهور رسیده و در صدور احکام ملوکانه
و اصدار جواب مطالب فرصتی بدست آید پس در اول بامداد شاهنشاه باعدل
و داد از حرم خانه مبارکه بسرای پرده دیوانخانه تشریف فرماشده ابتدا عرایض
مستوفی الممالک وزیر مالیه اعظم ملحوظ نظر مرحمت اثر گشته در جواب هر یک
از مطالب آن دستخط مهر لمعان شرف صدور یافت و هم جناب معظم الیه را از

بهبودی

از بهبودی حالت معیرالممالک که درین روز با چاپار از بجنورد اخبار شده بود اطلاع
دادند و هم صورت عرایض سیستان و خراسان را از برای آگاهی جناب ایشان
بدار الخلافه فرستاده و مراجعت اردوی همایون را از راه چشمه علی دامغان و فیروز
کوه اخبار نمودند تا از جانب حکومت دار الخلافه در مسیر موکب گردون سپهر هر کجا
لازم دانند قبل از وقت تهیه و تدارک آذوقه و سیورسات نمایند و مراقبتی تمام
در این کار داشته باشند که از رعایا دیناری وجه گرفته نشود بلکه تمام سیورسات
و آذوقه را در هر شهر و قصبه خریداری نموده انبار نمایند و چون احکام دار الخلافه
با تمام رسید عرایض حکمران خراسان و سیستان از لحاظ نظر انور گذشته احکام
قضا نشان در جواب هر یک شرف صدور یافت و مسرعان فوراً مراجعت نمودند
مبلغ ده هزار تومان وجه نقد و یک بوقچه شال کشمیری که مرحوم سپه سالار در
امام آباد دامغان بدست شخص امینی سپرده بود شخص مزبور چون از وفات آنمرحوم
اطلاع یافته نقد و شال مزبور را بتوسط امین الملک بحضور باهر النور همایون تقدیم
نمود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تمام آنها را با مین الملک سپردند که چون موکب
مسعود بدار الخلافه شرف ورود ارزانی دارد تمام پول و شال را بوراث و کسان

ایشان

ایشان تقسیم نمایند و هم بیست راس اسبان تازی از اسبان مرحوم مزبور که در دامغان گذاشته بود بحضور آوردند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تماما را با جلوداری بدار الخلافه الباهره نزد میرزا مهدیخان کشیکچی باشی که پسر ارشد مرحوم معظم الیه بود فرستاده مقرر داشتند که از روی قانون شرع مطاع با سایر املاک و اوضاع در میان خود و سایر وراث تقسیم نمایند چهار ساعت بغروب مانده ذات والاصفات همایونی ازین مهمات بیاسودند و یحیی خان اجودان مخصوص بترجمه روزنامهای فرانسوی مشغول گشت و سرکار شاهنشاهی عصرانه میل فرموده نماز گذارده دیوانخانه مبارکه قورق شد دو ساعت از شب رفته ما چاکران و ملازمان بزیارت حضور مبارک شتافتیم و تا ساعت پنج از شب رفته بدین فیض عظمی مستعد بودیم

روز چهارشنبه سیزدهم تشریف فرمائی اردوی همایون از جاجرم بقریه ایور و دره

درین روز برخلاف رسم هر روزه اراده سنیه ملوکانه بر آن اقتضا نمود که اهالی حرمخانه مبارکه قبل از عزیمت موکب مسعود عازم شوند پس در اول روز حاجی

آغا

آغا یوسف آغا باشی و سایر خواجه سرایان کالسکه و اسباب حرم را حاضر ساخته
و اطراف سراپردهٔ مبارکه را قورق نموده تپه بالای حرم عازم شد و سرکار همایون
شاهنشاهی تا سه ساعت از روز برآمده در سراپرده مبارکه تشریف داشته حاجب
الدوله و سایر مقربان خاص خاطر خطیر همایون را ببعضی عرایض بدیع مشغول میداشتند
تا ذات والاصفات ملوکانه بکالسکه نشسته بسمت شمال مغرب تشریف فرما شدند و
پنج ساعت از روز برآمده موکب مسعود بمنزل شرف ورود ارزانی داشت و حضرت
شاهنشاهی نهار میل فرموده باستراحت مشغول شدند و محمد تقی خان پیشخدمت فراش
بعرض کتاب تاریخ روضة الصفا اشتغال نمود بهنگام عصر سوارهٔ نزدینی که برکاب
همایون احضار شده بودند در مقابل سراپردهٔ مبارکه سان داده امر و مقرر شد که بریاست
محمد صالح خان سرتیپ کرد بچه چنداول اردوی همایون باشند و هم علینقی خان که
از ماموریت کرمان مراجعت نموده بود بتوسط امین الدوله شرفیاب و از آستان
مهر لمعان شده خاطر مبارک را از احوالات آنساحات مستحضر ساخت یکساعت
بغروب مانده دیوانخانه مبارکه قورق شد و شب بعد از شام قورق شکسته ما
چاکران بخاکپای همایون مشرف گشتیم و از آنجا که شدت و سورت حرارت

هوای روز مزاحم وجود مبارک شد زودتر از سایر شبها بارامگاه تشریف فرما
شدند از جاجرم الی درّه دو فرسنگ راه مابین شمال و مغرب است سمت راست
جاده تمام دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله دو فرسنگ اندک کمتر یا زیادتر سلسله
کوهی است بلند و سخت که بسمت مغرب امتداد یافته درین سمت مزارع چند
و دو قریه است که اولی به کرَنَه و ثانی که اردوی همایون در قرب آن واقع بود به آیوَر
معروف و موسوم است و هم درین سمت تپه ایست که در فوق ان از زمان
سلف قلعه بنا کرده اند موسوم بقلعهٔ جلال الدین که تاکنون از بنای محکم آن آثاری کلی
باقیست و از قراریکه حکیمباشی طهران که بسیاحت قلعه رفته بود در آستان همایون
مذکور میداشت درمیان این قلعه آب انباریست مشابه چاهی که در قعر آن آبیست بس
گوارا که بواسطه پله های چند که درمیان چاه قرار داده اند وصول بدان در نهایت
آسان است

اما سمت چپ راه نیز دره و ماهور و پست و بلند و بفاصله نیم فرسنگ منتهی بکوهی میگردد
که در دامنه آن مزارعی چند است و هم درین سمت در مقابل قریه آیوَر کوهی سخت و بلند
متکون میشود که بسمت مغرب امتداد می یابد در اکمنه سخت خود بز کوهی و دیگر جانوران

وحشی

وحشی مسکن میدهد

پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی تشریف فرمائی اعلیحضرت شهریاری بزردین

بندگان اقدس همایون شهریاری درین روز یکساعت از طلوع گذشته بکالسکه نشسته

واز کنار قریه ذره گذشته با اعتضاد الدوله فرمایشات میفرمودند و مقرر میداشتند که امروز

باید از اردوی سهام الدوله خبری برسد چون فرسنگی بدینمنوال طی شد شدت گرد و غبار

بوجود مبارک زحمت داده و حضرت شاهنشاهی از کالسکه باسب رجوع فرموده پیش

و یدق و جمعیت ملتزمین رکاب پی سپر راه شدند و ذات والاصفات ملوکانه از خارج

جاده تشریف فرما شده در جلگه ینکو صرف نهار فرمودند و در اینمکان از دور درختهائی

چند ملحوظ نظر مبارک گشته از حقیقت آن سؤال فرمودند معروض افتاد که درختان

مزبور در دور چشمه واقع شده است که بکور چشمه معروف و آبخور ترکمانست بالاخره

بعد از صرف نهار در ثانی حضرت پادشاهی بکالسکه نشسته و تا ابتدای گردنه با کالسکه

تشریف برده چون دیگر صعود کالسکه امکان نداشت سواره ببالای گردنه آمده

ایستاده مقرر داشتند تا خادمان حرم نیز با اسب بگذرند و تمام کالسکه ها را از راه

کبابها بکلانه خنج برده منتظر حکم باشند زیرا عبور کالسکه ازین گردنه اشکال کلی داشت

وچون

و چون سرکار شاهنشاهی از گردنه بز آمده وارد جلگه نردین شدند ابراهیم خان نایب اصطبل معروض خاکپای همایون داشت که در این دم غلامی از گرکان از نزد صادق خان سرتیپ رسیده و حامل مژده فتح برای شهاب الملک بود خاطر مبارک حضرت شهریاری از این بهجت خرسند گشته مقرر داشتند شخصی نزد شهاب الملک رفته حقیقت حال را بعرض برساند چون موکب مسعود بنردین شرف ورود ارزانی داشت شهاب الملک بحضور مهر لمعان شاهنشاه معروض داشت که بحمد الله از میامن اقبال بیزوال همایون قشون مأمور فتحی نمایان کرده و هزار و پانصد خانوار از شش طایفه یموت چاپیده مردان ایشانرا کشته و اسیر و زنانرا کلاً دستگیر نموده احمال و اموال ایشانرا تماماً بغارت برده بنحویکه منظور نظر مبارک همایون ملوکانه بود در کمال جسارت و خودسریهای طایفه ضاله داد مردی و مردانگی داده‌اند و هم در این شب محمد قلیخان برادر سهام الدوله با عرایض هر دو ایلخانی و سایر سرکردگان و تفصیل فتح و صورت سر و اسیر باردوی همایون پیوسته‌اند بارت خاکپای همایون و مراحم و الطاف ملوکانه مفتخر گشته شرح حرکت اردوی نصرت نمون را از بجنورد تا مراجعت از تاختن ترکمان بدین تفصیل

معروض

معروض خاکپای همایون داشت سواران نصرت توامان شب اول بشوغان
که در نه فرسنگی بجنورد است نقل مکان نموده روز دوم برباط عشق که شش
فرسنگی شوغان و در راه کاروانسرا خرابه و دو چشمه است رفته و روز را
در پناه تپه که در جنب کاروانسرا و امن و راحت گاه سوار ترکمان است
آرام گرفته شب سوم به ارمودلی رفته اند که هم شش فرسنگ و در راه چشمه آب و باغی
بی دیوار و جدار و چند برج قراولخانه است شب چهارم هفت فرسنگ
طی کرده و بکالپوش رسیده اند شب پنجم نیز هفت فرسنگ طی کرده و از مقابل
فرنگ و فارسیان گذشته در دهنه گرگان منزل کرده اند در این شب تمام
سرکردگان و روسا در یک محل جمع شده با حضور علی خان پشندمت بخدا و نان
و نمک شاهنشاه هم قسم شدند که باتفاق کلی شب دیگر بسر دشمن تاخت آورند
و هیچ از غیرت و شجاعت فروگذاشت نکنند و ختم سخن نموده بعد از نماز مغرب
و عشا سوار شده اند و هم در آن تاریکی شب از چهار فرسنگ جنگل گذشته وارد
صحرای گرگان گشته از محاذی گنبد قابوس عبور نموده هنگام نماز صبح باوبهای
ترکمان نزدیک شده از اسب فرود آمده نماز گذارده در حینی که شیاطین [illegible] وارد

بعضه

گنبد قابوس بن وشمگیر شمس المعالی [illegible]

بعقیدهٔ فاسد خود را از پاداش عمل فارغ فرض کرده و در خواب غفلت
گرفتار بودند یکباره جان نثاران دولت و سواران شجاع با غیرت بر سر
ایشان تاختن آوردند و همچنان در خواب بودند که سوار با لاچیقهای ایشان
ریخته مشغول اسر و نهب و غارت شدند جمعی از مردان ایشان از میان اُبهاپیرون
رفته و بر اسبان خویش نشسته در وقتیکه تمام عساکر منصوره هر یک پیاده
یک یا دو اسیر گرفته و مشغول تاراج و یغما بودند چهار صد سوار از ین فراریها
و از سوار انیکه بتاخت و تاز رفته مراجعت نموده بودند مجتمع گشته بر سر ایشان
تاختن آوردند سهام الدوله و شجاع الدوله چون چنین دیدند خود با سرکردگان
و چند سوار قلیل که در زیر بیدق بودند بر ترکمانان تاخته و مردم را نهیب داده
فریاد کردند که دست از غارت برداشته و از اوبها بیرون آمده در حفظ جان
کوشند همچنان سواران ترکمان زورآور شده و دلیران و شجعان اسلام
خودداری مینمودند که ناگاه از دور تیپی نمایان شد علیخان پیشخدمت بسمت
تیپ تاخته معلوم نمود که کلب حسین خان امین نظام با سواران نصر شد
که در ظلمت شب راه را گم کرده و یک ساعت فاصله رسیده اند پس علی خان

امین نظام را از حادثه مطلع ساخته این سرکردهٔ غیور با سواران دلیر خود بدون
مکث و تحمل بجنگ دوالیخانی شتافته تا چهار و نیم از آفتاب برآمده مشغول جنگ
و کشش و کوشش بودند تا از سواران ترکمان مردی و از آثار او به والاچیقهای ایشان
خبر کردی نماند سهام الدوله ابتدا اسیر و اولجه را از دربند گذرانده و خود با
سواران متعاقب ایشان نبوده رسید و بحمدالله تعالی از هر آسیبی ایمن
مانده صورت فتح را بعرض سانید معروض عاکفان حضور همایون داشته بود
که از چند طایفه قوچوق و تاتار و قان یخمز و چاروا و جمور زیاده
از هزار اسیر و دویست نیزه سر با خود باردوی همایون خواهند آورد خاطر دریا
مقاطر همایون از این مژده فتح در نهایت مسرور و مشعوف گشته و شکر حضرت
خداوندی بجای آورده در کمال راحت و فراغت بحرم خانه مبارکه تشریف فرما شدند
از دره بنزدین هشت فرسنگ است شش فرسنگ اول گردنه و دو فرسنگ
از گردنه بنزدین در سمت شرقی گردنه در راست و چپ جاده قریه و آبادی جز
آب انبار خرابه نیست و از هر دو سمت کوهها که یکفرسنگ الی دو فرسنگ فاصله
دارند در یکفرسنگی دو فرسنگی راه در حلکه تمام میشود و در انتهای ایشان کوهی

دیگر دور تر و پست تر ابتدا میکند و همچنان آن سلسله تبر در جلگه یا زمین یکسان

شده در پشت سر شعبهٔ دیگر میرود که تا گردنه امتداد دارد در پای گردنه چشمه ایست

موسوم بسنگ سوراخ و از ابتدای گردنه که ببالا میرود بمسافت نیم و سنگ

دره ایست که در سمت راست آن چشمه و مزرعه کوچکی واقعست از دره گذشتن

سمت غربی گردنه جلگهٔ نردین است و او جلگه ایست پر بوته و گیاه و با روح و صفا

که قلعه نردین در وسط او واقع و در اطراف آن سه قریه دیگر است بدین ترتیب

اوّل نانیک که در ابتدای کالپوش و سمت چپ واقع است ثانی

گلستان وسوّمی پولیتین

قلعهٔ نردین قلعه ایست محکم و طولانی که چهار صد خانوار در او مسکن دارند و نیم

سنگ آب دارد که در خارج قلعه زراعت میشود

جمعهٔ پانزدهم توقف موکب منصور در نردین و سیاحت

کالپوش

از آنجاکه شدت صفا و نیکوئی هوای چمن کالپوش مکرر بعرض حضور همایون

رسیده بود خاطر خطیر مبارک ملوکانه که همواره طالب سیاحت اکنه تازه ایست

بتفرج

بتفرج این چمن که در تمام ممالک ایران مانند و نظیر ندارد مایل گشته درین
روز جمعی از مقربان خاص بدون سوار و جمعیت زیاد بسمت شمال توجه فرمودند
یکفرسنگ از نزدین گذشته گردنه کالپوش پدید شد که گردنه کوچک و سهل المسلک
بود ذات والاصفات همایونی از گردنه گذشته بابتدای جلگه کالپوش رسیدند
درین مکان هنوز تمام چمن نمودار نبود و تپهٔ در میان چمن و گردنه حایل ولی چون
سرکار پادشاهی ازین تپه گذشتند جلگه کالپوش نمودار گشت که گویا قطعهٔ از
بهشت بود سوارانرا یکدفعه فرح غالب آمده و بی اختیار بنای اسب تازی و بازی
گذاردند از هر سو چشمه ساری چون سلسبیل روان و نهرآبی چون ماء معین در جریان
پای آدمی گویا بر صفحه اش نرسیدهٔ و طیور و وحوش جز از سایه درختانش نرمیده
در هر طرف خرمنی از گل رسته و شدت سبزه و گیاه راه حرکت بر سواران بسته
درها سبز و خرم و در سطح ها انواع گلها با فواکه جنگلی درهم تمشک و چیالک از اندازه
فزون و طیور و وحوش از قوه وهم بیرون در هر گوشه نغمه سازان چمن در آواز
و در هر کناری دسته دسته مرغان عجیب و غریب در پرواز گله های آهو و مرال در
جست و خیز و دسته های گور و غزال از هر سو بگریز تماشای چمنی چنین و باغی

بدین

بدین شدت دلنشین خاصه اختلاف اراضی و تفاوت وضع و حالت مواضع
آن که در هیچ چمنی و بوستانی دیده نشده بلانهایه مایه مسرت و انبساط خاطر همایون
گشته بصید افکنی مشغول گشتند و پنج مرغ زنگوله بال که مرغی در نهایت خوش خط
و خال است در هنگام طیران پی در پی صید فرموده و بفراز تپه تشریف برده بصرف
نهار مشغول گشتند و بلافاصله به تپه دیگر که قصبه فرنگ از آنجا نمایان بود توجه نموده
و اندکی با دوربین تماشای آن ساحت فرموده بقصد شکار مرال و گراز رودخانه گذشته
بجنگل تشریف فرما شدند و رحمت الله خان ساری اصلان و دیگر سواران را از برای
شکار دوانیده گذاشته و خود بهبالای تپه دیگر که مشرف بجنگل بود رفته بنظر بیرون آمدن آن
شکار بودند که از پشت سر گله خوکی نمودار گشت همه بدانسوی تاختند و اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی نره خوکی بزرگ را با یک تیر از پای درانداختند و هر یک از سواران
نیز گرازی صید کرده انعامی یافتند و حضرت همایونی در جنگلی دیگر که در نهایت
باصفا بود فرود آمده و چای میل کرده نماز بگذاردند و چون عزم مراجعت فرمودند
یک گله خوک دیگر از جنگل بیرون آمد ملتزمین رکاب و سواران نصرت انتساب هر یک را
هدف گلوله تفنگ نموده و انعامات شایسته یافتند و میرشکار را مقرر شد که با سواران

خود

خود در طلب کور شتافته جرگه کند چون میرشکار بسمتی از جنگل روان شد یکی از سواران
معروض داشت که آهوئی چند از میرشکار رم کرده بدین سمت می آیند حضرت
همایونی بسمت ایشان توجه فرموده و در وسط دره ناحیه آهوئی را صید فرمودند
یکی از سواران میرشکار و پاشاخان پسر مظفر الدوله نیز هر یک بره آهوئی صید
کردند و سرکار پادشاهی از گردنه بزیر آمده و بدرشکه نشسته نیم ساعت بروز مانده بمنزل
نزول اجلال شد شب بعد از شام قورق بشکست و تا مدتی در حضور مهر ظهور از آب
و هوا و خضرت و صفای چمن و سیر و تفرج روز و کثرت شکار صحبت بود و هم
چاپار دار الخلافه درین شب در رسیده عرایض وزیر استیفای اعظم و وزیر علوم
و تجارت از لحاظ نظر انور گذشته صدور احکام و جواب آنها مرجوع بروز آینده گشت
و همچنین مطالب و عرایض خراسان بتوسط امین الملک بعرض رسید در جواب
هر یک از مطالب احکام ملوکانه شرف نفاذ یافت

چمن کالپوش در سمت شمال و دو فرسنگی نردین واقع از سمتی بگرگان و از
سمتی بفرنگ و فارسیان و از سمتی بجاجرم و از سمتی بنردین محدود است و او
چمنی است وسیع که در هنگام بهار و تابستان پنجاه هزار سوار میتواند

دراو سیلا قمیشی کنند درین چمن دو رود عظیم است که علاوه بر آب آنها
که از کوه می آید و در نهایت گوار است آبهای چشمه سارها نیز بدانها داخل
شده از دربندی که بدربند گرگان معروف است بصحرای کوکلان و گرگان
میرود درین چمن وسیع آبادی نیست جز اینکه در سمت چپ آن مزرعه کوچک
موسوم بنانک واقع است که متعلق است ببزدین

روز شنبه شانزدهم تشریف فرمائی سرکار همایون شاهنشاهی از بزدین بمنزل کاشی دار

یکساعت از روز بر آمده شیپور و کرنای اخبار سواری دادند وزراء و اعیان
و سرکردگان و صاحب منصبان در در سراپرده همایون بانتظار زیارت
جمال مبارک صف زده بایستادند و سرکار همایون شاهنشاهی بادولت
و اقبال بیرون تشریف آورده بکالسکه نشسته و رو بمغرب شمالی تشریف
فرما شدند بعد از طی یک فرسنگ و نیم تیپ همایون بپای گردنه کاشی دار رسید
سرکار همایون شاهنشاهی از کالسکه بزیر آمده بر اسب نشسته ببالای گردنه
تشریف بردند و از آنجا که بالا بردن کالسکه عسرت داشت این جا کرا مقرر

داشتند

داشتند که کالسکه و درشکه مخصوص سلطنت را بهر وسیله که هست بالا
برساند این بنده آستان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز حسب الامر
در پای گردنه بایستاده بایک دسته سرباز و چند نفر از غلامان ایلات قزوین
ابواجمعی حاجی سعد الملک امیر تومان کالسکه ها را بدون عیب و نقص بالای
گردنه رسانده و مراتب را بعرض حضور همایون رسانید از برای سربازان و سواران
انعامی شایان گرفت و ذات والا صفات همایون شهریاری قدری از گردنه
گذشته در سمت راست جادّه در دامنه کوه در سایه درخت آوریس از برای
صرف نهار فرود آمدند و در مدّت میل نهار محمد حسن خان محقق بعرض تاریخ
ناسخ التواریخ مشغول بود و چون در مقابل نهارگاه همایونی از دور اشجاری چند
نمایان بود مهدیقلی خان غلام بچه باشی بدانسوی رفته و در مراجعت بعرض رساند
که درختان در اطراف چشمه آبی خوش هوا و باصفا واقع شده اند پس اعلیحضرت
شاهنشاهی بتفرج چشمه توجه فرموده و از آنجا گذشته در عرض راه قریب
بقریهٔ گلستان متعلق بافراسیاب خان نزدیکی چشمه دیگر در سمت راست
بدید گشت که آبی زیاده بر دو سنگ و در نهایت صاف و گوارا از آن جریان

داشت و در طبع ملوکانه نیکو آمده اندک وقتی در سر چشمه ایستاده بعد از قریه
گلستان عبور فرموده وارد جلگه کاشی دار که اول خاک فندرسک استراباد است
شدند قریب بار دو سهام الدوله و شجاع الدوله و سایر سرکردگان و رؤسای
قشون ظفر توامان که در شب قبل بدین منزل رسیده بودند بهنگام ورود موکب
مسعود همایون باسواران ابواجمعی خود در سر راه ایستاده هر دسته رؤس
واسرائی را که از طایفه ضاله بدست آورده بودند در محاذات معبر ملوکانه حاضر
ساخته بودند تا ملحوظ نظر مرحمت اثر گردد و ناظرین و عابرین را مجازات شرارت
و مکافات تمرد احکام مشهود نظر آید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سهام الدوله
و شجاع الدوله و سایر سرکردگان را بحضور طلبیده مورد اشفاق ملوکانه ساخته و بسرا
پرده همایونی شرف ورود ارزانی داشتند بهنگام عصر اعتضاد الدوله و امین الدوله
و دبیر الملک و سهام الدوله و علی خان و سایر سرکردگان و رؤسا بحضور همایون
احضار گشته ابتداء سهام الدوله و سرکردگان هر یک بفراخور شان و مراتب
خدمت از الطاف پی پایان حضرت ولینعمت کل بهره یاب آمده حسب الامر مقرر
آمد دفاین و ذخایر که غنیمت غازیان شده بود از نقود و طلا و نقره و غیره که میتوان

بطور یقین تا دو کرور تومان بل متجاوز قیمت آنها را تخمین نمود مخصوص خود ایشان
باشد و هرکس هرچه بدست آورده خود از و بهره مند گشته دیگری حتی سرکردگان
را در او حقی نباشد و اسرا را بحضور همایون فرستاده هرکس باندازه اسیر که
بدست آورده مستوجب اعطای نشان و انعام و اضافه مواجب شود و میرزا علیخان
منشی حضور را مقرر شد که صورت این فتح را مختصراً در صفحهٔ نوشته و در باسمه خانه
اردو بچاپ رسانیده نسخهای متعدده نزد مستوفی الممالک انفاد دارد که جناب
ایشان با چاپاران بتمام ممالک محروسه فرستد تا باعث استشفای قلب مسلمین
از دفع شر این طایفه شود پس سرکردگان مرخص شدند اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
در باب حکومت و انتظام استراباد با وزرا و اعیان و سهام الدوله مشاورت کرده
رای همایون بدان قرار گرفت که اعتضاد الدوله را بحکومت آنساحات سرافراز
دارند و جهانسوز میرزا به نیابت جناب ایشان مفتخر گشته معجلاً باستراباد
رود و خود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از اردوی همایون هجرت گزیده
با فوج خاصه و یکصد غلام و یکصد نفر از آقایان قاجار و یکصد نفر سواره نظام
بمقر حکومت روان شوند یکساعت بغروب مانده زنان و دختران و کودکان

ترکمانان را

ترکمانها را در سراپرده همایونی بحضور مبارک آوردند از آنجا که رافت و عطوفت
ملوکانه شامل حال دوست و دشمن و رحم و مروت خسروانه بر سر هر مرد و زن
پرتو افکن است باستر اظهار ملاطفت فرموده چند نفر از ایشان را باقا علی پیشخدمت
خاصه و عکاسباشی و محمد علیخان پیشخدمت واگذار نموده و هم زنی را که
بپایش جراحت گلوله وارد آمده بود باین بنده آستان همایون واگذار
فرمودند که معالجه نماید و چون وقت کافی نبود بقیه اسرا را با مین الملک سپردند
که در روز آینده بوزراء و اعیان و سایر مقربان حضرت بذل فرمایند
شب بعد از شام قورق بشکست اعتضاد الدوله و سایر چاکران خاص بحضور
مبارک مشرف گشته حضرت همایونی اعتضاد الدوله را بفرمایشات علیه
مخاطب ساخته و در امور استراباد دستور العمل کافی و اطلاعی وافی بایشان
داده و پنج ساعت از شب گذشته باستراحت مشغول شدند
از زردین بکاشی دار چهار فرسنگ است یکفرسنگ و نیم آن جلگه زردین
و از گردنه گذشته تا کاشی دار اطراف کوههای بلند سبز است و دره های متعدد
که از هر دره چشمه جاری گشته در وسط جلگه برودی منتهی میگردد

یکشنبه

یکشنبه هفدهم تشریف فرمائی اردوی منصور از کاشی دار به تیلاور

درین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی در اول بامداد باسب کرنک برگ ترکمانی پیشکشی سهام الدوله سوار گشته و اعتضاد الدوله و سهام الدوله را بفرمایشات علیه مخاطب فرموده تا بگردنه تیلاور رسیدند کالسکه ها و عرادهای توپ بنظر مبارک رسید که درپای گردنه مانده و سربازان و توپچیان و کالسکه چیان بازحمت تمام آنهارا حرکت میدادند سرکار همایونی باحاد و افرادشان اظهار مرحمت فرموده اجودان مخصوص تحویلدار صرف جیب همایون را مقرر گشت که مبلغ یکصد تومان بدیشان انعام دهد و سرکار اقدس از گردنه گذشته اردو نمایان گردید و موکب مسعود پس از طی مسافتی اندک بمنزل شرف ورود ارزانی داشته و اعلیحضرت شاهنشاهی نهار میل فرموده مشغول صدور جواب عرایض آقای مستوفی الممالک و وزیر علوم شدند سه ساعت بغروب مانده از نوشتن دستخط و روانه داشتن چاپار فراغت حاصل شده امر باحضار بقیه اسرا فرمودند و تمام آنهارا یک یک و دو دو بجادمان حرم و وزرا و اعیان

وارکان

وارکان عنایت فرموده مقرر داشتند کمال رعایت را از ایشان بنمایند
از جمله در میان اسرا ضعیفهٔ هندیه بود که چند سال قبل در راه عباس آباد کسانش
مقتول و خودش گرفتار طایفهٔ ضاله شده و در مدت در میان این قوم بی مروت
بزحمت و مشقت تمام روزگار گذرانیده و از وجنات حال او کمال تقدس
و پرهیزکاری آشکار بود و چنان از استخلاص خویش اظهار وجد و سرور مینمود
که شاهنشاه را وضع و حالت او در نهایت پسندیده آمده و او را با نیس الدوله
که از بزرگان پردگیان حرم سلطنت بود عطا فرمودند تا از یمن الطاف سرکار
ایشان آسایش کلی حاصل کرده بدعای وجود همایون مشغول گردد اسرای
ترکمان که بمنازل ارکان رسیدند از قید خستگی و زحمت رهیدند و چون آن نوع
احسان و محبت دیدند بالمره زحمت اسیری را فراموش کرده و تعجب
داشتند که چه قدر اختلاف در میان وضع سلوک ایشان با اسرای ایران
و سلوک ایرانیان با ایشان است چه آن همه زجر است و محنت و این همه
رافت است و مروت بالاخره چون تقسیم اسرا بپایان آمد میرشکار که امروز
حسب الامر از برای تفحص و تجسس شکار بصحرای زرد آبه رفته بود مراجعت کرده

معروض

معروض عاکفان حضور همایون داشت که در آن صحرا شکار گور و آهو موفور است

پس امر و مقرر شد که تدارک جرکه کرده و بهنگام صبح بصحرای مزبور رفته منتظر ورود

حضرت همایونی باشد

از کاشی دار به تیلاور سه فرسنگ و راه شمال مغربی است اطراف راه بی آبادی

و از طرفین کوههای سخت بلند امتداد دارد که اغلب قلل آنها جنگل بادام تلخ و کاج

کوهی و از هر گوشه چشمه آبی جاری است که در وسط دره با رودخانه کاشی دار ملاقات

کرده رودخانه عظیمی میشود که برودخانه تیلاور مشهور است

تیلاور قریب پنجاه خانوار رعیت دارد و در محوطه واقع است که اطراف او

تمام کوههای بلند پر جنگل است

دوشنبه هجدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی سرکار همایون پادشاهی از تیلاور بخوش ییلاق

درین روز هنگامیکه هنوز سرکار همایون شاهنشاهی از سراپردهٔ مبارکه بیرون نیامده

و مشغول تلاوت قرآن بودند که بسیاری غفلةً بسراپردهٔ اندرون و بیرون

ریخته و در چادرها گریخته تماماً بی زحمت تیر و تفنگ و گلوله و سنگ بدست خادمان

حرم

حرم و غلام بچه‌گان و آغایان و دیگران گرفتار شدند دو ساعت از دسته گذشته

تیپ حرمخانه مبارکه از شاهراه بسمت خوش ییلاق راهی شد و سرکار اقدس

همایون شاهنشاهی بقصد شکار بسمت جنوب و جلگه زرداب تشریف فرما گشتند و چون

از گردنه زرداب که راهی در نهایت صعب و سخت و مرتفع بود صعود فرمودند در

ابتدای جلگه زرداب از برای صرف نهار فرود آمدند و تا هنگامیکه آبدارباشی

مشغول تهیه نهار بود باد و ربین بر این جلگه وسیع پرگیاه نظاره داشتند و خاطر

مبارک را از تفرج چنین مکانی عجیب و مهیب که بهیچ قسم اثری از عبور و مرور

و صنعت بنی نوع بشر برا و مترتب نبود قرین فرح و انبساط آمد امیر حسین خان شجاع

الدوله که بخلعت آفتاب طلعت همایونی قرین اعزاز و افتخار آمده بود در بیمکان به

تقبیل رکاب مهر انتساب مشرف آمده و مورد عواطف ملوکانه گشته رخصت

انصراف بمقر حکومت خویش یافت و سرکار همایون پادشاهی باسب عربی تیمور

میرزائی سوار شده امین خلوت و اجودان مخصوص و ما چاکران را بردیف در ابتدای

جلگه گذاشته مقرر داشتند که چون سواران و جرگه‌چیان از اطراف حرکت کنند

ما نیز ازین سمت تاخت آریم و آهوان را در وسط دایره جمع نمائیم هنوز ذات

والاصفات

والاصفات همایونی یکفرسنگ و نیم از ما بندگان دور نشده بودند که بموجب اشاره

سنیه سواران از اطراف بحرکت آمدند و زیاده از یکصد آهو در میان دایره جرکه جمع

شده از هر سمت بصید آنها مشغول شدند و خود سرکار همایون شاهنشاهی بنفس نفیس مبارک

هشت راس از آنها را در تاخت اسب صید فرموده سران و سرکردگان نیز هر یک

از یک الی دو آهو صید کردند و قریب چهل آهو در آن صحرا صید شد و چون از صید

غزال فارغ البال شدند شاهنشاه بیهمال از جلگه زرد آبه با بتدای دره و دربند

زرد آبه تشریف آورده پیاده شدند و میرشکار بامید یافتن گورداخل دربند

شده بعد از ساعتی بعرض حاکفان حضور رسانید که از آن جانوران وحشی اثری

بظهور نرسیده شش آهو یافته و هر شش آن زنده بدست پاشاخان پسر مظفر الدوله

و سواران خمسه دستگیر شده بودند که بحضور مبارک آورده امر بآزادی ایشان و

بذل انعام و احسان در حق سواران شد چهار ساعت بغروب مانده موکب منصور

از دربند مزبور که راهی پرخطر و غالب اوقات معبر ترکمان است عبور فرموده رو

بمابین مغرب و شمال تشریف فرما شدند و از صحرائی طولانی عبور فرموده بجاده خوش

ییلاق رسیدند در بیموضع راه منشعب بدو شعبه میشود شعبه بخوش ییلاق و شعبه

بگلاته خنج

بکلاته خیج و معز و کیلان میرود و این همان راهی است که سوار ترکمان از او
عبور کرده بصحرای شاهرود و بسطام میگذرد اندکی از دو راه گذشته دو دربند است
دربند اول پراهه دربند ثانی بسمت خوش ییلاق است حضرت شاهنشاهی
بدان دربند صعود فرموده داخل دره تنگ کم آب شدند که سطح آن تمام
باگلهای الوان و چمنهای گوناگون مفروش بود و چشمه گوارا از میان آن
جریان داشت و اعلیحضرت همایون از برای نماز و صرف عصرانه درکنار آن چشمه
فرود آمده از منبع آن سؤال فرمودند معروض افتاد که ابتدای جریان آن از کوه سرخ
و هم این چشمه بدان اسم موسوم و آبگاه و علف چر ترکمان است چون سرکار
همایونی از نماز فراغت حاصل فرمودند هوا بطوری مه گرفت و تیره و تار شد که
یافتن راه درنهایت دشوار آمد و تیپ خسروانه با زحمت بسیار از دره بالا آمده
واز گردنه زردآلو فروش که مابین خوش ییلاق و خاک بسطام واقع است نزول
فرموده یکساعت بغروب مانده باردوی همایونی شرف ورود ارزانی داشتند
اگرچه قصد ملوکانه در آن بود که روز آینده نیز در این منزل اطراق شود ولی از شدت
برودت هوا و قلت آذوقه مقرر شد که اطراق را موقوف داشته روز آینده

بکلاته خنج بروند شب در هنگام شام غلام بچه‌گان و خواجه سرایان معروض خاکپای
همایون داشتند که یحیی خان اجودان مخصوص هنوز باردو نرسیده خاطر مبارک
از ینمعنی افسرده گشته بملاحظه انکه مبادا اجودان مخصوص از راه دور افتاده آسیبی
بدو رسد جمعی از سوارانرا مقرر داشتند که در تفتیش و تجسس حال وی شتابند
و زودتر باردوی همایونش رسانند سه ساعت از شب رفته هنگامیکه قورق
شکسته اعتضاد الدوله و امین الدوله شرف اندوز حضور همایون بودند
خزانه دار صرف جیب همایون باردو رسیده از زیارت خاکپای همایون بهره
یاب و مفتخر آمده معروض داشت که در سر دو راه جاده را گم کرده بسمت کلاته
خنج رفته و مجددا باعانت بلدی باردوی همایون رسید خاطر خطیر چاکرنواز
ملوکانه آسوده گشت و پنج از شب گذشته بیاسودند

از تیلاور بخوش ییلاق از راه معمول چهار فرسنگ است ولی از راه زرد آبه که مسیر
موکب فیروزی کوکب بود زیاده بر ده فرسنگ است

جلگه و صحرای زرد آبه که شکارگاه همایونی واقع شد جلگه ایست مسطح و پر بوته اطراف
آن تمام کوه و اصل محوطه جلگه تقریبا یکفرسنگ طول و یکفرسنگ عرض دارد و مشابه

جلکه دوشان تپه دار الخلافه است

اما چمن خوش ییلاق در سمت شمالی خاک بسطام واقع است جلکه ایست چمن

اندک پست و بلند که قریب سه فرسنگ دور آنست اطراف آن تمام کوههای

سخت و بلند که از آنجمله کوه شمالی از همه مرتفع تر و صحرای ترکمان از بالای آن نمایانست

ولی چون اغلب اوقات در قلل این جبال حتی در دامنه و خود چمن مه و ابر است

ممکن نشد که سرکار همایون پادشاهی ببالای کوه تشریف برده با دوربین صحرای

ترکمان و غیره را تفرج فرمایند بالاخره خوش ییلاق مکانی مرغوب و مطلوب و

خوش آب و هوا با جمعیت قلیل توقف چند روز و شکار و صید افکنی را شایسته

و مطلوب است

روز سه شنبه نوزدهم ربیع الثانی تشریف فرمائی موکب مسعود

همایون از خوش ییلاق بکلاته خنیح بسطام

درین روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی بحمام تشریف برده حاجی آغا یوسف

آغا باشی را امر و مقرر شد که اهالی حرم خانه مبارکه را قبل از عزیمت موکب

منصور راهی سازد و ذات والاصفات همایون شاهنشاهی از حمام بیرون

تشریف

تشریف آورده اعتضادالدوله و اعتمادالسلطنه و دبیرالملک و سهام الدوله
بحضور مبارک احضار شده و اصغای فرمایشات علیه نموده و هم امین الملک
میرزا علی نقی خان قندریسکی و حسینعلی خان شیخ را که از استراباد بعزم
زیارت آستان مهرلمعان آمده بودند بخاکپای همایون مشرف ساخته مورد
الطاف حضرت شهریاری شدند میرزا علینقی خان دو راس اسب ترکمانی
ممتاز و چند بهله جره قوش طرلان از پیشگاه حضور همایون گذرانده مقبول
عاکفان دربار معدلتمدار گشت و سهام الدوله بعرض حضور رسانید که زن آقچه
ملا و دو اسیر دیگر ترکمان که در منزل نوده مفقود شده بودند حسب الامر همایونی
در ثانی بدست آمده اند ولی صاحبان ایشان در هنگام تاخت خارج از اوبه
بوده اند و بقید اسر مقید نگشته آقچه ملا زن خود را به هزار تومان خریداری
مینماید و در آینده متعهد خدمتگذاری میشود پس رای صوابنمای همایون مقتضی آن
شد که بنا بر استدعای سهام الدوله او را با صاحبش رد کرده و سه هزار تومان
قیمت را صرف تعمیر قلعه رباط عشق نموده و آن قلعه را قلعه آقچه ملا موسوم دارد
تا اسم آن بعلامت این فتح عظیم در تواریخ باقی ماند سه ساعت از دسته گذشته

موکب

موکب همایون از خوش ییلاق حرکت فرموده و سرکار همایونی از گردنه زردالو
فروش صعود فرموده معلوم شد که کالسکه و عرادهای توپ و قوپوز در پای
گردنه مانده اند امین الدوله و آجودان باشی را مقرر شد که در پای گردنه ایستاده
سربازان و توپچیان را بکار زند که کالسکه و عرادها را ببالای گردنه برسانند و خود سرکار
شاهنشاهی و تیپ از کنار راه گذشته در سمت جنوبی گردنه که جلگهٔ با صفا بود از برای
صرف نهار فرود آمدند و ساعتی مشغول تحریر روزنامه مخصوص همایونی شدند تا
کالسکهها رسید و بکالسکه نشسته از دره که طرفین آن کوههای سخت بود بسمت
منزل تشریف فرما شدند و بعد از طی مسافت دو فرسنگ بجلگه کلاته خنج وارد گشته
باغات کلاته خنج وارد و نمایان شد و پنج ساعت بغروب مانده موکب مسعود
بمنزل شرف ورود ارزانی داشت و چون شرارت و فساد و راهزنی یکی
از ترکمانان محبوس که از طایفه قوجوق و ریش سفید و قطور و هیکلی عجیب داشت
با دوازده نفر دیگر از همدستان او در خاکپای همایون محقق گشت و معلوم شد
که در سوابق ایام جمعی از زوار مسلمین بدست ایشان کشته و اسیر گشته اند از
جانب سنی الجوانب ملوکانه مقرر آمد تا جزای اعمال ناشایسته را عاید حال

ایشان

ایشان ساخته بنهرای خود گرفتار ساختند یکساعت بغروب مانده حیدرقلیخان
سهام الدوله که بکلیجه تن مبارک مخلع و بانشان امیرتومانی الماس نشان عز افتخار
یافته بود بحضور همایون شرفیاب گشته و از خاکپای مبارک رخصت انصراف
یافت که از راه مغرو گیلان و کبا بهابه بجنور در رفته کما فی السابق بجد مشکذار می وجان
نثاری پردازد شب بعد از شام امین الملک و امین خلوت و دیگر مقربان
بحضور مبارک شرفیاب گشته امین الملک عرایض حاکم خراسان را معروض
حضور مبارک داشته احکام سنیه در جواب آن شرف صدور یافت
از خوش ییلاق بکلاته خیج چهار فرسنگ است و راه اول جنوبی و بعد مغرب جنوبی
میشود بعد از گردنه زردالو فروش جلگه سبزی است که منتهی بدره میگردد که دو فرسنگ
طول آنست و در میان آن چشمه آبی است صاف و گوارا که در وسط دره جاری
و بتدریج آب آن زیاد گشته در انتهای دره قریب دو سنگ بسمت کلاته خیج
جریان دارد پس از دره مزبور جلگه کلاته خیج و خاک بسطام است
کلاته خیج جزو بسطام و قصبه ایست معتبر که در بالای تپه واقع و در دور آن حصاری
محکم و پست ساخته اند تا طایفه ضاله بدو دست نیابند و امروز قریب

بسیصد خانوار رعیت دارد که اغلب آنها تفنگچی و مردمان رشید هستند

چهارشنبه بیستم تشریف فرمائی موکب انجم شکوه از کلاته خیج بکرند و قلعه نو

درین روز نیز اهالی حرمخانه مبارکه را مقرر شد که قبل از تشریف فرمائی موکب همایون

عازم کردند اعتضادالدوله و امین الملک و اجودان مخصوص را مقرر شد که زودتر

بمنزل رفته تنخواه جیره و مواجب قشون مامور استراباد را از سواره و پیاده باحاد

و افراد ایشان از روی ثبت و سررشته باطلاع میرزا مصطفای وکیل لشکر بپردازند

و لوازم سفر ایشان را از هر جهت آماده و مهیا دارند و خود سرکار پادشاهی دو ساعت

از روز برآمده بکالسکه نشسته در مقابل قلعه کلاته خیج که در سمت چپ راه واقع

بود پیاده شده اندکی برج و باره قلعه تفرج فرموده و امر بتعمیر آن نموده و مجدداً بکالسکه

تشریف برده بعد از ساعتی در سمت چپ از برای صرف نهار فرود آمدند بعد از

صرف نهار امین خلوت معروض داشت که هرگاه سرکار شاهنشاهی از جاده صرف

نظر فرموده و از تپه های سمت راست بگذرند راهی اقرب دارد و نزدیک باشد

حضرت همایونی نیز سوار شده و ببالای تپه برآمدند و صحرای بسطام نمایان شد

و حضرت شاهنشاهی اندک وقتی با دوربین باطراف سیاحت فرموده از تپه بزیر آمده

بکالسکه

بکالسکه نشسته پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند و یک
ساعت بغروب مانده قورق شد درین شب از جانب سنی الجوانب
ملوکانه مقرر آمد که اردوی کبیر همایونی سه قسمت شده قسمتی را که مرکب بود
از جمعیتی که همواره اوقات در شکارگاهها و سفرهای کوچک بشرف التزام
نایل بودند در رکاب همایون از راه شاهکوه و چشمه علی دامغان و فیروزکوه روان
گردند و قسمتی دیگر را که اردوئی از توپخانه و افواج و غیره بموجب شرح ذیل مرکب
بود مقرر گشت که در رکاب حضرت مهد علیا از راه شاهرود و سمنان و دامغان
روان شوند قسمت اخیر قشون مامور استراباد بود که میبایستی در منزل آینده
با اعتضاد الدوله از اردوی همایون هجرت گزیده بمقر ماموریت خویش روند
اردوئی که بشرف ملازمت رکاب سرکار مهد علیا نایل بود بدینموجب است

مظفر الدوله	حاجب الدوله باجزو اعظم از فراشان و سراپرده چیان و فراشخانه و غیره	حاجی رحیمخان صندوقدار و اهالی صندوقخانه مبارکه	ملک منصور میرزا
زنبورکخانه و نقاره‌خانه	کالسکه خانه	توپخانه	افواج خمسه

میرزا

میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله امیرتومان چون در خاکپای همایون بعقل
و رشادت و کفایت و درایت مشهود بود بریاست و حفظ نظم این اردو مامور
گردید با عطای یکثوب کلیجه ترمه سنجاب از جامه خانهٔ خاص قرین مباهات گشت
از کلاته خیج بکرمه و قلعه نو چهار فرسنگ است دو فرسنگ آن رو بجنوب و پس
از آن مغربی و بالاخره مغرب شمالی میشود سمت چپ بفاصله نیم فرسنگ
کوه مرتفع بدهیات سیاه سختی واقع و چشمهٔ در دامان آن از دور نمایان است
سمت راست بمسافت یکفرسنگ و نیم متداد سلسله جبال خوش ییلاق است
که در عقب آن محال چناشک واقع است و این محال سپرده میرزا علینقی خان
فندرسکی و از محال استراباد است

پنجشنبه بیست و یکم توقف موکب منصور در کُرَّمَه

درین روز اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی از برای انجام بعضی امورات
دولتی و روانه فرمودن چاپار دارالخلافه و صدور جواب عرایض وزراء در منزل
اطراق فرمودند و چون از صدور احکام فراغت حاصل شد اعتضادالدوله ملا
بافر شهیر لستبون استرابادی و حاجی ملا نصرالله شیخ الاسلام که سابقا اسیر شده

بود

بود و بعضی از علمای دیگر استراباد را که از زیارت آستان ملایک پاسبان
امام ثامن ضامن علیه آلاف التحیة والثنا معاودت نموده بودند بحضور
مهر ظهور همایونی مشرف ساخته هر یک مورد الطاف و اشفاق ملوکانه آمده
خرسند و مسرور بسمت استراباد روان شدند پنج ساعت بغروب مانده الله یار
خان سرتیپ فوج خاصه شریفه را که مامور استراباد بودند از سان حضور همایون
گذرانده و افراد و آحاد تا پین و صاحبمنصب فوج بعواطف ملوکانه خوشدل و امید
وار گشته باردوی اعتضاد الدوله رفتند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسرا
پرده سرکار مهد علیا تشریف فرما شدند امین الدوله وزیر حضور همایون که
در این سفر خیریت اثر ایاباً و ذهاباً در تعهد انتظام اردو اعم از نظام و غیر نظام
و خدمات و فرمایشات مرجوعه بخوبی از عهده برآمده خاطر بیضا مظاهر ملوکانه را از
خود خرسند و مشعوف ساخته بود محض ازدیاد اعتبار و افتخار معزی الیه از
جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی با عطای یکثوب جبه ترمه کشمیری اعلی
سرافراز آمد اعتماد السلطنه وزیر وظایف و اوقاف نیز با عطای یکثوب جبه ترمه
کشمیری حاشیه دار از جامه خانه خاص مخصوص مفاخرت و اعزاز گشت دبیر الملک

وزیر

وزیر رسایل محض مرحمت و عطوفت خدیوانه و خدماتیکه ازاو درین سفر خیریت
اثر مشهود و معلوم افتاده بود باعطای یکثوب جبه ترمه کشمیری حاشیه دار
از جامه خانهٔ خاص که تن پوش مبارک بود مباهات و افتخار حاصل نمود
آمین الملک که از بدو حرکت موکب همایون از دار الخلافة الباهره تا مراجعت
اردوی منصور از خاک خراسان علاوه بر خدمات سابقه معینه مستمره خود در تهیهٔ
سیورسات قشون و راحت وجود مسعود مساعی جمیله معمول داشته و بمحاسن
خدمتگذاری و چاکری خاطر مبارک را قرین رضامندی و خوشنودی داشته بود
باعطای یکقطعه کل کمر مکلل بالماس سرافراز و مباهی گشت و هم علیقلی خان
اجودان باشی که لیلاً و نهاراً از خدمات مرجوعهٔ خود تغافل نورزیده بود و خاطر
خطیر خسروانه در نهایت از خدمات او راضی و خرسند بود باعطای یکثوب کلیجهٔ
ترمه بطانه خز از ملبوس خانهٔ خاص قرین عز اختصاص آمد و نیز امراء بار و چاکران
دربار گردون مدار که در التزام رکاب منصور و تحمل مشقات سفر و وقوع فتح حسن
خدمت و زحمت ایشان مقبول رای جهان آرا شده بود هریک بدینموجب باعطای
خلاع مهر شعاع سرافرازی جستند

رحمت الله

رحمت الله خان یاری صلان سرداری ترمه تن پوش مبارک	حاجی حسین خان شهاب الملک امیر تومان سرداری ترمه تن پوش مبارک	امین نظام کلیجه ترمه تن پوش مبارک
حاجی قنبر علیخان سعد الملک سرداری تن پوش مبارک	علیخان پیشخدمت کلیجه ترمه تن پوش مبارک	صفر علی خان سرتیپ کلیجه ترمه
قاسم خان جارچی باشی جبه ترمه	عبدالقادر خان سرتیپ مهاجر جبه ترمه	زین العابدین خان سرتیپ سواره دیرن کلیجه ترمه
محمد صادق خان سرتیپ جبه ترمه	حسینقلی خان سرتیپ جبه ترمه	عباد الله خان غلام پیشخدمت جبه ترمه
حسینقلی خان سرتیپ سواره دوربیکلو جبه ترمه	علیقلی خان یوزباشی غلامان مخصوص جبه ترمه	

جمعه بیست و دوم توقف اردوی همایون در کرمه و تشریف فرمائی ذات والاصفات خسروانی بتفرج قریهٔ ابر

درین روز بندگان اقدس همایون شاهنشاهی محض تفرج و سیاحت قریهٔ ابرکه موطن اصلی حاجی محمد خان حاجب الدوله است دو ساعت از روز بر آمده با جمعی از خواص

چاپکران

چاکران دربار جهان مدار و عمله خلوت همایونی ملتزم رکاب نصرت انتساب گشتند
و چون موکب منصور از وسط قریه خرقان عبور فرموده در شمال قریه مزبور بجلگه مسطح
و وسیع رسید ساری اصلان یکصد نفر سواره نظام را که بهمراهی اعتضاد الدوله
مامور استراباد بودند از سان حضور گذرانیده سواران مرخص شده و ساری اصلان
ملتزم رکاب شد محمد قلیخان حسام الدوله که در تمام مدت سفر ملتزم رکاب نصرت
اثر بود در اینجا از خاکپای همایون رخصت عزیمت دار الخلافه یافته با عطای یکثوب
کلیجه ترمه تن پوش مبارک قرین اعزاز و افتخار آمد و همچنان سرکار اعلیحضرت
شهریاری درین جلگه که بانواع ریاحین آراسته و باقسام گلها پیراسته بود
تفرج کنان تا قریه ابر تشریف فرما شدند علما و اهالی قریه وضیع و شریف
اناث و ذکور تماما در خارج قریه باستقبال رکاب مهر انتساب شتافته لوازم
دعاگوئی و قربانی و جان نثاری را معمول داشته مورد عواطف ملوکانه آمدند و
حضرت همایون شاهنشاهی از کنار قریه بسمت مابین شمال و مغرب توجه فرموده در
بالای گردنه از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار بجنگلی که در آن نواحی
بود تشریف برده و در سایه درختان جنگلی قریب بدو ساعت استراحت فرمودند

و چون

وچون از خواب برخواستند ملحوظ نظر مبارک گشت که مه تمام کوه و جنگل را
بنحوی فراگرفته و هوا چنان تیره و تار شده بود که توقف امکان نداشت وسرکار
همایونی فوراً اسب خواسته و معجلاً نزول اجلال بپای گردنه فرمودند قریب
بابرابرهای مه ناپدید گشته هوا را طراوتی تمام حاصل بود و در خود قریه چنان خضارت
وصفائی که ذات والاصفات خسروانی میل بسیاحت داخل قریه کرده و از وسط
قریه گذشته در دره پائین قریه از برای نماز فرود آمدند بعد از نماز در حینی که مشغول
صرف چای و عصرانه بودند در خاکپای مبارک صحبت از زراعت و رعیتی بمیان آمد
وحضرت همایون شاهنشاهی قصبهٔ مجن را که در حوالی بسطام واقع است واز
دهات مخصوص بدیوان اعلی باقا محمد تقی آبدار خاصه که هم اغلبی از قصور و باغات
مخصوص همایونی سپرده باوست سپرده وابواجمع فرمودند که در رعایت رعایا
وآسودگی حال ایشان وتجمیع منال دیوانی کمال اهتمام وسعی را مرعی دارد وسرکار
همایون بعد از نماز از همان راه که تشریف فرما شده بودند بسمت منزل معاودت
فرموده ویکساعت بغروب مانده بحوضخانه مبارکه تشریف فرما شدند شب بعد
از شام قورق بشکست و مقربان خاص شرف اندوز حضور مبارک شده

حاجی رحیم خان صندوقدار و حاجب الدوله بخلاع مهر شعاع مفتخر آمده رخصت
آن یافتند که در روز آینده باردوی سرکار مهد علیا بسمت دار الخلافه عازم شوند
از کرمه بابر سه فرسنک است وابر قریه ایست آباد که دراو دو طایفه ساکنند
طایفهٔ از اهل خود قریه که از قدیم الایام بابری معروف و در بالای قریه در دامنه کوه
سکنی دارند و طایفه دیگر کوداری که در ثانی در اینمکان منزل کزیده و در سمت پایین
قریه در دره مسکونند و خانوار این طایفه زیاده از طایفه ابریانند در دره زیردست
قریه چمنی است مشهور بچمن ابر بقیه صحرا و دامنه محل زراعت و حاصل است بالای
کردنه ابر جاده معتبری است که بمحال فندرسک و استراباد میرود و از ابتدای
این جاده تا استراباد زیاده بر هشت فرسنک نیست و در پای کردنه دهی است
موسوم بزرین کل که از دهات معتبر فندرسک است و در فاصلهٔ کرمه و ابر برجی است
معروف ببرج حاجی شعبان که در سوابق ایام ساخته و تاکنون بجای مانده است
و از جملهٔ غرایب که در حوالی ابر دیده میشود چشمه ایست چون چشمه بادخوان دامغان
که بنا بر معروف چون چیزی ناتمیز و کثیف دران فرو برند فوراً هوا منقلب شود
و از آنجا که فرصت امتحان و بیقین سقم و صحت این مطلب نبود در شرح آن بهمین

مختصر

مختصر اکتفا نمود

شنبه بیست و سوم تشریف فرمائی موکب مسعود از گرمه بقریه ابر تسبیح بسطام

درین روز یکساعت از دسته گذشته اعلیحضرت همایون شهریاری با فر و اقبال
شاهنشاهی سوار گشته امین الدوله و دبیر الملک را بفر بایشات علیه مخاطب فرمود
و همه جا در دامنه کوه تشریف فرما بودند که ناگاه خرگوشی پدید شد که روی بدشت
و سرازیری فرار مینمود طبع منیر ملوکانه بصید آن مایل گشته اسب گنج آور را که
از اسبان عربی پیشکشی حسام السلطنه و اسبی در نهایت پر دو است در پی آن بر انگیخته
سواران بتماشا ایستاده بودند که اسب همایون در آن سرازیری و سنگلاخ از
خرگوش گذشته شاهنشاه به پشت سر توجه فرموده و با یک تیر گلوله خرگوش را قرین
خاک ساختند تمام ملتزمین رکاب ازین چابکی و چالاکی در حیرت و تعجب ماندو دعای
وجود مبارک گفتند و اعلیحضرت شاهنشاهی از برای صرف نهار در کنار چشمه صاف
و گوارا که در دامان کوه بود فرود آمدند اسد الله خان پیشخدمت که از خراسان از راه
سبزوار آمده بود در ینجا برکاب مبارک پیوست پس از نهار خرگوشی دیگر در مقابل اسب

همایونی برخواسته وبضرب یک گلوله باجفت خود قرین شد وسرکار پادشاهی از
اسب فرود آمده بکالسکه نشستند سواره نانگلی که مامور استراباد بودند وازدار
الخلافه رسیده در پنجاه صف کشیده از سان حضور همایون گذشته بمقر ماموریت
خویش رفتند وتیپ همایون بسمت منزل پی سپر شد ودرین بین آهوئی از مقابل
سواران بیرون آمده سازی اصلان اورا درجلو تیپ صید نموده بحضور مبارک
آورده مورد عواطف ملوکانه گشت وسرکار شاهنشاهی در ثانی باسب کنج آور
سوار شده همچنان خرگوش دیگر درتاخت یک تیر صید فرموده وارد قریه ابر سیح
شده وازوسط ده عبور نموده بسراپرده همایونی که درخارج قریه واقع بود نزول اجلال
فرمودند واردوی حضرت مهد علیا بشاهرود تشریف فرماشد
ازگرمه با بر سیح سه فرسنگ وراه مغرب جنوبی ودر امتداد آن چیزی نیست
که شایسته تذکار باشد

یکشنبه بیست وچهارم تشریف فرمائی موکب مسعود از ابر سیح بتاش

درین روز بواسطه بعد مسافت منزل حضرت همایون شاهنشاهی زودتر از ایام

ایام سوار شده ذوالفقار خان بسطامی و علی اکبر خان سرتیپ پسر مشار الیه
بتوسط اعتماد السلطنه بزیارت حضور مبارک مشرف گشته از تفقدات و
فرمایشات ملوکانه بهره یاب و امیدوار گردیدند و بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی
براهی که مابین مغرب و شمال بود توجه فرموده از دامان جبال سمت راست
تشریف فرما شدند هنوز فرسنگی طی نشده در میان راه نهر آبی پدید آمد که زیاده بر
سه سنگ آب صاف و گوارا در او جریان داشت حضرت پادشاهی اندکی در سر
نهر توقف فرموده و گذشتند یک فرسنگ و نیم از این پیچ گذشته در صحرای سمت
چپ از برای میل نهار فرود آمدند پس از صرف نهار میرشکار که قبل از وقت بتفحص
و تجسس شکار آمده بود معروض عاکفان حضور داشت که شکار درین کوه و دشت
بسیار است ولی چون مقدمه اردوی همایون ازین راه عبور کرده است تماماً
فرار کرده و بقلل این جبال پناه جسته اند و وصول بدیشان خالی از زحمت و اشکال
نیست پس بندگان پادشاهی از شکار و صید افکنی صرف نظر فرموده بکالسکه
نشسته بسمت منزل عطف عنان فرمودند مقارن اینحال آهوئی چند
از دامان دشت پدید گشت که بسمت کوه فرار میکردند حضرت همایونی

فوراً

فوراً از کالسکه بزیر آمده بر اسب عربی تیمور میرزائی نشسته با میرشکار معدودی
قلیل قریب دو فرسنگ در پی آنها تاختن کردند از آنجا که دامنه دره و ماهور
و سنگلاخ بود در حین تاخت بپای اسب همایونی جراحتی وارد آمده حضرت
شاهنشاه محض رعایت حال اسب و صعوبت راه از تعاقب شکاران در گذشته
از بلندی دامنه بسمت دره که رو بشمال و منزل بود آمده از کنار رودی که در دره
واقع و قریب شش سنگ آب داشت رو ببالا تشریف فرماشدند و چون موکب
مسعود بدو آب رسید که محل تقاطع رود شاهکوه و رود تاش است اردو پدیدار
گشت و ذات والاصفات خسروانی از کنار رود تاش صعود فرموده پنج ساعت
بغروب مانده بسراپرده همایونی شرف ورود ارزانی داشتند و ساعتی راحت
فرموده بعد از ادای نماز و صرف چای دیوانخانه مبارکه قورق شد

از ابر پسیح بتاش پنج فرسنگ است و طرفین راه بکوههای عظیم مرتفع محدود است
که در کوههای شمالی آن اغلب مکانها جنگلهای کوچک با روح و صفا است
دره تاش قریب یکفرسنگ طول دارد و در دو سمت کوههای کشیده سخت
و درین دره دو کاروانسرا است که در زمان سلف بنا کرده‌اند و قریه نگارمن

بسطام

بسطام که از قراء معتبره و ملک شیخ الاسلام است در سمت راست جادهٔ تاش واقع است

دوشنبه بیست و پنجم تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب از تاش بشاهکوه

در ابتدای این روز چون بندگان حضرت شاهنشاهی بعزم سواری از سراپردهٔ مبارکه بیرون آمدند دبیر الملک آقاخان کنتول را که یکی از سرکردگان معتبر و بهتقبیل رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف ساخته و شرحی از رشادت و صداقت مشارالیه و سواران کنتول در خاکپای همایون معروض داشته از جانب سنی الجوانب ملوکانه تفقدات شاهانه شامل حال وی گشته مقرر آمد که معجلا با سواران کنتول بچهار باغ رفته باردوی اعضاد الدوله ملحق شود و خود سرکار پادشاهی از درهٔ که بسمت شاهکوه میرفت بطرف منزل روانه شدند و همچنان تا دو فرسنگ درین درهٔ تنگ که جنبین آن تمام جنگلهای کوچک و چمن زار و بساط ریاحین بود تفرج کنان در کمال انبساط خاطر تشریف فرما بودند تا بپای گردنهٔ عظیم شاهکوه رسیده و از گردنهٔ مزبور صعود فرموده در چمنی که در فوق گردنه واقع است

از برای صرف نهار فرود آمدند و در اینوقت صادق بیک شکارچی بعرض رسانید
که قبل از تشریف فرمائی موکب مسعود یک دسته آرقالی و یک دسته
خوک درین حوالی بچرا مشغول بودند و چون همهمه سواران بشنیدند فرار کردند
و هم اکنون میرشکار باشکارچیان در قله کوه سمت راست دست خوکی خوابانده منتظر
تشریف فرمائی حضرت پادشاهی است سرکار همایون دوربین طلب فرموده
و میرشکار و سواران را ملاحظه فرمودند که در بالای کوه در پشت سنگی پنهان
شده خوکی چند بآرامی تمام در مقابل سنگ مشغول چرا هستند و چون میرشکار
از بالای کوه مشاهده نمود که سرکار اقدس از صرف نهار فراغت حاصل نموده اند
از کوه بزیر آمده در رکاب همایون از گردنه بزیر آمده در دره که محتمل بود خوکها بعد از
رم کردن از آنجا عبور کنند ایستاده و باقرخان شکارچی را گفتند تا تفنگی
بیندازد خوکها از صدای تفنگ رم کرده از جای خود حرکت کردند و برخلاف
معمول بجای آنکه بسمت دره فرار نمایند خود را بقله کوه کشیده بدر رفتند
و در همین حال رحمت الله بیک و ولی بیک شکارچی خوکی دیگر در بغل کوه
یافتند که در پناه سنگی خوابیده است حضرت شاهنشاهی پیاده از بغله بالا رفته

با یک تیر

بایک تیر تفنگ از سیصد قدم فاصله خوک مزبور را از پای درآوردند گرازی

عظیم الجثه و بدهیات بود و با اینکه زخمی منکر برداشته و از بغله کوه تا میان دره

غلطیده بود هنوز رمقی داشت و بسوار اینکه در طلب او بپائین دره رفته بودند

حمله میکرد بالاخره سرکار پادشاهی از بغله کوه که در نهایت سخت بود بازحمت

تمام پیاده بپائین تشریف آورده و سوار گشته از همه جا از میان

دره و کنار رودی که بسمت شاهکوه جار است تشریف فرما شدند

و تیمور میرزا و محمد رحیم خان سرتیپ زند با یاران شکاری در حضور همایون

صید کبک و تیهو مینمودند تا موکب مسعود بشاهکوه سفلی که مقر سراپردهٔ

همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت آقا محمد تقی آبدار از انتظام عمل

قصبه مجن فراغت حاصل نموده درین منزل برکاب مبارک پیوست و یکصد و

پنجاه تومان از بابت مالیات قریهٔ مزبور و مقداری کره و پنیر و غیره که کمال

امتیاز داشت تقدیم حضور مهر ظهور نمود دو ساعت بغروب مانده سرا

پردهٔ مبارکه قورق شد و شب را حضرت شاهنشاهی زودتر از سایر لیالی

براحت مشغول گشتند از تاش بشاهکوه چهار فرسنگ و راه همه جا شمال

معزبه

مغربی واز میان دره است شاهکوه عبارت از دو قریه است که یکی بشاهکوه علیا و دیگری بسفلی معروف است و در میان این دو قریه نیم فرسنگ فاصله است دامنه شاهکوه و نواحی آن به ییلاقیت معروف و هوائی در نهایت سرد و نیکو دارد چنانکه درین اوقات که اواخر تابستان بود هنوز زراعت و کشت آن سبز و نارس و خرمن ناشده بودند

سه شنبه بیست و ششم تشریف فرمائی موکب همایون از شاهکوه بچهارده کلاته

درین روز چونکه یکساعت از طلوع آفتاب برآمد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر اسب سفید ترکمانی پیشکشی امیر حسین خان ایلخانی سوار گشته بجانب مغرب شمالی تشریف فرما شدند و چون اندک مسافتی از راه طی شد در سمت راست دره بادیدگشت که بسمت زیارت خاصه رود استراباد امتداد دارد و تا زیارت خاصه رود چهار فرسنگ است از وسط این دره آبی در نهایت صاف و گوارا جریان دارد که برود خانه شاهکوه ملحق میشود در جوار دره راه منحرف گشته بدره دیگر می افتد که متمایل بمغرب جنوبی است

وابی اندک از وسط آن جاری و در انتهای دره گُتلی مرتفع و سخت است

که عبور کالسکه و تخت ازان در نهایت صعوبت است چون موکب مسعود

ازین گردنه عبور فرمود این بنده آستانهٔ شاهنشاهی را مقرر آمد که کالسکه

و تختها را باعانت غلام و سرباز از گردنه عبور دهد تا ذات والاصفات

همایونی در فوق گردنه در سایه درختان آورس بصرف نهار مشغول بودند

این جاکر بامداد غلامان ابوالجمعی حاجی سعدالملک و دو دسته از سربازان

سواد کوهی کالسکه و تختها را بفوق گردنه رسانده و غلامان و سربازان را از

انعام و احسان خسروانه بهره ور و خرسند ساخت و هم در اینوقت خانمان

حرم جلالت با اسب از گتل مزبور گذشته و همچنان بواسطه صعوبت

راه بدون آنکه رجوع بکالسکه نمایند بسمت منزل روان شدند و اعلیحضرت

همایون پادشاهی صرف نهار فرموده بنوشتن کتاب روزنامه مخصوص

مشغول شدند نورالدّهر میرزای نایب ناظر که بمتابعت اعتضادالدوله

رفته بود مراجعت نموده یک بهله و قوش طرلان از جانب سردار استراباد

با عرایض و مطالب ایشان از لحاظ نظر انور همایون گذرانید و سرکار

همایونی جواب عرایض را در همان محل نهارگاه صادر فرموده با علامی
مخصوص نزد اعتضادالدوله روانه داشته و خود بسمت منزل راهی
شدند و از سر اشیبی گردنه نزول فرموده داخل دره جنوبی گشتند
حضرت اطراف دره و صفای آب رود مایه فرح و انبساط خاطر مسعود گشته
و در کمال مسرت از کتل انتهای این دره ببالا بر آمده داخل صحرائی
مسطح شدند که نیم فرسنگ متجاوز امتداد طول آن بود و از این جلگه
بدره دیگر که مابین مغرب و جنوب و دره تنگ مشابه باغ شاه جاجرود
دارالخلافه بود شدند و از گردنه این دره عبور فرموده و از سر اشیبی آن
که راهی سخت و مطول بود نزول فرموده داخل جلگه چهارده کلاته گشتند
در ابتدای جلگه و کنار رودی که از مشرق بسمت مغرب و چهارده
کلاته جریان دارد میرشکار معروض داشت که درین کوهها از هر قبیل
شکار بسیار و قوچ و میش از اندازه بیش است ولی چون تمام کوهها را مه
فرا گرفته و وقت مقتضی نبود اعلیحضرت پادشاهی از شکار صرف نظر فرموده
سه ساعت بغروب مانده بباغ شاه چهارده که مخیم خیام زرین قباب بود

تشریف

تشریف ورود ارزانی داشتند و بمحض ورود به تنبیه چند نفر از عملجات فاطرخانهٔ خاصه که در اردو مرتکب شرارت و دزدی شده بودند اشارت رفت تا عبرت دیگران شده کسی دیگر قدرت بارتکاب خلاف نظم نباشد یکنفر از سربازان خلج درین روز بمرض ذوسنطاریا وفات یافته بود امر قدر قدر شرف نفاذ یافت که بکسان و بازماندگانش از جانب دیوان اعلی مستمری و وظیفه دهند

از شاهکوه بچهارده کلاته شش فرسنگ است و راه چنانکه ذکر یافت ابتدا مایل بمغرب شمالی و پس از آن مغرب و مغرب جنوبی میگردد و سیر آن از سه دره و سه گردنه است بنحویکه معروض افتاد چهارده کلاته عبارت از چهار قریه است که به ورزن ورزدوان دقلعه وخرابده موسوم و معروف است و سپردهٔ بمعیر الممالک و قرانی آباد و خوش آب وهوا و حاصل خیزند و جزء ولایت هزارجرب است و آبا و اجداد رضا قلیخان امیر الشعرا مشهور بلله باشی از آنجا بوده و بواسطهٔ بستگی اینطایفه بسلسلهٔ علیهٔ قاجاریه و ارادت کیشی بمحمد حسین خان قاجار شهید زکیخان زندگاه

ا مور

مأموریت باسترآباد چهل نفر از رؤسای آن ولایت را که یکی جدر قلیخان ضابط بوده بقتل رسانیده از سر آنها کله منار ساخته آثار آن اندکی باقی است

باغ شاه از باغهای احداثی خاقان خلد آشیان و باغی در نهایت باصفا و روح است که از حسن مراقبت و اهتمام معیر الممالک تا کنون دایر و آباد مانده و دراو درختان صنوبر عظیم الجثه و طویل القامه است که در کمتر جا دیده شده است

چهارشنبه بیست و هفتم اطراق و توقف اردوی همایون در چهارده کلاته

درین روز محض آسایش وجود مسعود همایون و ملتزمین رکاب در چهارده اطراق شد و سرکار اقدس شهریاری هنگام صبح بحمام تشریف برده و تا عصر در دیوانخانه مبارکه تشریف داشتند در ابتدای روز عرایض مشروح و مبسوط از اعتضاد الدوله بحضور مبارک رسید متضمن آنکه رؤسا و ریش سفیدان طوایف یموت وغیره از در ضراعت درآمده قدم بندگی و اطاعت پیش نهاده اند و از جناب معزی الیه متمنی شده اند که در

خاکپای همایون متعهد ادای مالیات و ترک خودسری و سرکشی ایشان
شده از آستان معدلت بنیان مستدعی عفو و اغماض شوند و از فرار کیه
رؤسا و ریش سفیدان مزبور مذکور داشته بودند هنگامیکه قشون ظفر
نمون او بهای طوایف بموت را تاختند زن و مرد ایشان که از میان
هنگامه و گیر و دار فرار کرده خواسته بودند جانی سالم بیرون برند بجنگل و
جنگل کنار رود گرگان مختفی شده اند از سوء رفتار خود و نتیجه مخالفت
با دولت علیه بگرسنگی و آوارگی تا یأس بمعرض تلف درآمده مامن خود را
مدفن ساخته بودند جمعی از سایر طوایف که برای آوردن آب دو روز بعد
بکنار رودخانه رفته بودند اجساد ایشان را در کنار رودخانه یافته اینحالت را
در مجازات خلاف و خودسری اسباب عبرت خود کرده بودند بالاخره
چون سرکار پادشاهی از ملاحظه عرایض اعتضاد الدوله و صدور جواب و
احکام فراغت حاصل فرمودند امین الدوله بحضور عطوفت دستور بار یافته
زین العابدین خان سرتیپ و صفرعلی خان سرتیپ شاهسون با سواران
خود بحضور مبارک سان داده و مورد عواطف و مراحم ملوکانه گشته

مرخص دار الخلافه و اوطان خویش شدند و هم عبد القادر خان سرتیپ مهاجر
بزیارت حضور مشرف گشته مورد عنایات خسروانه آمده با سواره
ابوالجمعی خود مرخص دار الخلافه شد سرکار همایون اندک زمانی پیاسوده و بهنگام
عصر بواسطه مساعدت هوا مطربان خاص چون آقا غلام حسین و آقا علی
و آقا محمد صادق و حاجی حکیم بحضور همایون مشرف گشته و خاطر مبارک
را بسرودهای مختلفه قرین مسرت و سرور داشتند شب بعد از شام قورق
شکست امین خلوت و دیگر چاکران بزیارت حضور همایون مستسعد گشتند
میرزا علی خان منشی حضور قدری از مسوده مختصر روزنامه اردو را که هنوز
چاپ نشده بود بعرض رسانده مقبول خاطر مبارک گشته مقرر آمد بچاپ
برسانند و برسم معهود نسخهای آن را نزد مستوفی الممالک بفرستند که بولایات
ممالک محروسه روانه دارند درین منزل سرکار انیس الدوله را فی الجمله تبی
عارض گشته حکیمباشی طلازان امر و مقرر شد که باصلاح مزاج سرکار ایشان
کوشد و هم وجیه الدین میرزای پیشخدمت و پیرمرد قاپوچی درب حرم خانه
مبارکه بحمای نوبه گرفتار گشته میرزا حسین دکتر مأمور شد که بمعالجه ایشان پردازد

پنجشنبه

پنجشنبه بیست و هشتم تشریف فرمائی موکب همایونی از جهار ده کلاته بچشمه علی دامغان

درین روز که هوا را اعتدالی کامل بود بندکان اعلیحضرت شاهنشاهی دو ساعت از دسته کذشته بفرخی و اقبال سوار شدند دبیر الملک دو نفر از علمای استراباد را که بجهار ده آمده بودند در حضرت همایونی معرفی نموده از عواطف و مراحم ملوکانه بهره یاب و امیدوار کردیده باستراباد رفتند و سرکار پادشاهی با امین الدوله و اعتماد السلطنه و امین الملک فرمایش کنان تشریف فرما بودند تا موکب مسعود بچشمه رسید که تقریبا سه سنک آبی صاف و کوارا ازان بسمت مغرب جنوبی جریان داشت در حینی که سرکار پادشاهی در سر چشمه از اسب فرود آمده عزم تشریف فرمائی بکالسکه داشتند محمد صادق بیک شکارچی در رسیده معروض داشت که دو تکه آهو در ماهورهای دست چپ خوابیده اند حضرت همایونی وزرا و امرا را مقرر داشتند که با رتبت از جاده بسمت منزل روانه شوند و خود با قلیلی از شکارچیان و تفنکچیان بسمت شکارکاه روان شدند بعد از طی اندک مسافتی میر شکار از مقابل نمودار

کشت

گشت و ملحوظ نظر مبارک نمود که آهوئی در بغله کوه بچرا مشغول بود حضرت
همایونی بایک تیر چهارپاره پا و پشت آهورا مجروح ساخته و چون جراحتی
سخت بدو نرسیده بود روی بگریز نهاد و آهوی دیگر که در چند قدمی او
مشغول چرا بود نیز رم کرده روی بصحرا آورد حضرت همایونی با لوله دیگر تفنگ
اورا نیز مجروح ساخته‌اند و با میر شکار هر دو را التعاقب فرمودند صید
مجروح اوّلی اندکی رفته در پناه سنگی بخوابید و چون شاهنشاه
نزدیک شدند دوباره از ترس جان برخاسته خواست فرار کند
که شاهنشاه بایک تیر گلوله از پایش درآوردند و شکارچیان سرش
جدا ساخته‌اند و آن آهوی دیگر در میان دره در میان سنگها خودرا پنهان
ساخت و سرکار پادشاهی مقرر داشتند کسی بطلبش نرود شاید جانی بسلامت
بدر برد و اندکی بسمت جنوب توجه فرموده در سر چشمهٔ از برای صرف
نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار عزیمت تفرج چشمه باد خان دامغان
فرمودند که بنفس نفیس خود آن چشمه را ملاحظه نموده و آنچه در حق این چشمه
در افواه و السنه و بعضی تواریخ معروف است و متواترا بعرض خاکپای



همایون رسانده‌اند بتجربه فرمایند پس عطف عنان بدان سوی فرموده
به بلدیت یکی از رعایای چهارده کلاته بسر چشمه تشریف فرما شدند و چون
چشمه در سمت راست جاده واقع و چندان از راه مسافتی نداشت موکب
مسعود در اندک مدت در حوالی چشمه وارد و سرکار اعلیحضرت همایون
پادشاهی از اسب فرود آمده و از در کوچکی بدرون محوطه و حصاریکه چشمه در وسط
آن واقع است توجه فرمودند چشمه مزبور در میان این حصار واقع و آبی
قلیل و بدرنگ و با عفونت در دو ذرع پائین تر از سطح زمین از آن چشمه
جریان دارد و چنین مینماید که آبی کوکردین باشد و چون مکانی قابل توقف
نبود سرکار شاهنشاهی محض تجربه و امتحان مقرر داشتند که چیزی ناتمیز
در درون چشمه بیندازند تا صحت و سقم آنچه معروف است معلوم شود
و از حصار بیرون آمده بسمت چشمه علی عطف عنان فرمودند قریب بمنزل
اعتماد السلطنه با حسین خان حاکم دامغان به تقبیل رکاب مبارک شتافته
سه ساعت بغروب مانده کوکبه اجلال پرتو افکن ساحت چشمه علی دامغان شد

بخراسان مقرر شده بود در وسط حوض چشمه ساخته شود با هتمام
حسین خان حاکم بطوریکه منظور نظر ملوکانه بود بسته بودند و بر صفا
و روح عمارات افزوده و هم چادرهای متعدد در کمال نظم و آراستگی
در اطراف چشمه و حوض برپای کرده بودند بنحویکه تخت وسط حوض و تنظیم خیام
در نهایت مقبول خاطر مهر مآثر گشته خان حاکم و خان نایب پسر
حاجب الدوله مورد عواطف ملوکانه آمدند یکصد تومان بفراشان خاصه
انعام مرحمت شد هنگام عصر چاپاری از دار الخلافه در رسیده عرایض
مستوفی الممالک که متضمن عرایض حسام السلطنه فرمانفرمای فارس و
حشمة الدوله حکمران عربستان و بروجرد و بختیاری بود از لحاظ نظر انور گذشت
احکام علیه در جواب هر یک شرف صدور یافت و چون از انقلاب هوا
و بروز ناخوشی وبا در دار الخلافه طهران الی دامغان و سمنان اخبار
نکره بعرض خاکپای همایون رسیده بود خاطر مبارک همایون خسروانی
از استماع بی نهایت متألم شده و چنانکه رسم و عادت این وجود مسعود است
و قوت این قلب کریم اقتضا مینماید که در حوادث مکروهه بذات

پیزوال خداوند متعال برده اصلاح امور را از خالق کل متمنی کردند
درین موقع نیز توکل و توسل بذات پاک خداوندی جسته و در آن پناه
و اطمینان خاطر مبارک و ما بندگان بیاسود مقارن این حال گویا اثر
چشمه باد خانه ظاهر گردیده بدون مقدمه و اینکه آثاری سابقاً بدید شده
باشد بغتةً هوا را انقلابی شدید روی داد و بادی سخت وزیدن گرفت
و طوفانی عظیم بپای خواست بنحویکه نزدیک بود اغلب چادرها را از پای
در آرد لهذا بملاحظه انکه شاید فی الحقیقه وقوع این حادثه از اثر ملوث
نمودن چشمه باشد از جانب سنی بجوانب همایون مقرر گردید که رفته
بطرز مخصوصیکه معمول است گوسفندی در کنار چشمه قربانی کرده چشمه را پاک
و تمیز نمودند و فی الحقیقه هوا را آسایشی حاصل شد و الله اعلم بحقایق
الامور تفصیل واقعه از قراریست که ما بعرض رسانیدیم حال نمیتوانیم صریح
بگوییم که این انقلاب بواسطه چشمه بوده است یا جهتی دیگر داشته ولی
علاوه بر آنکه ما بندگان خود در التزام رکاب همایون آن حادثه را مشاهده
نمودیم این خانه زاد آستان شاهنشاهی از حاجی آقا اسمعیل والد شنیده‌ام

دراوقاتیکه در رکاب پادشاه مبرور محمد شاه مغفور از سفر گرگان مراجعت
می نمودند و اردوی کیوان پوی متوقف جلکه دامغان بود شب باد و
طوفانی عظیم برخواسته بود بنحویکه پادشاه مبرور را از شام خوردن مانع
آمده جمعی حسب الامر بقربانی و تطهیر چشمه مامور فرمودند و بعد از اجرای
لوازم طهارت باد بایستاد و نیز ازین قبیل اخبار بسیار است که جز خداوند
باری تعالی و تقدس بر حقیقت و صحت و سقم آن اطلاع ندارد و مسموع
شده که وقتی نیز اردوی اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران مغفور بچشمه علی توقف
داشته اراذل رعایا از توقف سپاهیان بستوه آمده چیزی ناپاک
در چشمه بادخانی انداخته باد و طوفانی شده که اردو برهم خورده سراپرده‌ها از
پای افتاد و ناچار اردو حرکت کردند از انجمله غرایب در حق چشمه بادخانی مکرر
در تواریخ آمده است از چهارده کلاته الی چشمه علی سه فرسنگ است و چنین راه
بمسافت نیم فرسنگ کوههای متوسط بلند است پشت کوههای سمت
راست محال هزار جریب مازندران و در خلف جبال و تپه‌های شمالی شهر
دامغان و توابع آن واقع است

جمعه

جمعه بیست و نهم توقف حضرت همایونی در چشمه علی دامغان

درین روز بندگان اقدس شاهنشاهی محض تفرج خارج چشمه علی و صید افکنی
در اول روز سوار شده با چند تن از خواص چون محقق و عکاسباشی و محمد
علیخان و مهدیقلی خان و محمد رحیم خان سرتیپ زند و بعضی از تفنگداران
بسمت شمال توجه فرمودند هنوز اندکی از اردو دور نشده یکی از شکارچیان
رسید و معروض داشت که میرشکار هنگام صبح درین سمت بتفحص شکار
بر آمده و چیزی نیافته پس اعلیحضرت شاهنشاهی از آن سمت عطف عنان
فرموده بسمت جنوب دکوهی سخت و چشمه که در دامنه آن بود تشریف فرما
شدند مقارن این حال دو آهو از مقابل سواران بیرون آمد و چون شاهنشاه
در روز قبل اسب تازی فوق العاده فرموده بودند و راه چشمه صعب و مسافتی
بعید داشت امروز از تعاقب این دو صید صرف نظر فرموده و بسر
چشمه بر آمده و از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از صرف نهار دستخطی بامین الدوله
شرف صدور یافت و بتوسط محمد حسنخان پیشخدمت پسر اعتماد السلطنه فرستاده
مقرر داشتند که چون تا فولاد محله مسافتی بعید است پیشخانه مبارک را

قدغن

قدغن نمایند بسرخه ده برده و یکشبه در آنجا سیورسات مهیا سازند
و هم عرایض حسام السلطنه را که روز قبل امین الدوله بحضور مهر ظهور فرستاده
بود ملاحظه فرموده در جواب آنها احکام علیه شرف صدور یافته نزد امین الدوله
فرستادند که با چاپار بفارس فرستد چون از صدور احکام فراغت
حاصل شد حضرت شاهنشاهی اندک زمانی بیاسودند هنگام عصر مطربان
خاص ساعتی تغنی نموده و دو ساعت بغروب مانده سرکار پادشاهی تشریف
فرمای منزل شدند

شنبه سلخ ربیع الثانی و سوم توقف موکب منصور در چشمه علی

در این روز سرکار اقدس همایون شاهنشاهی ابتدا بعیادت سرکار
انیس الدوله تشریف فرما شده خاطر مبارک از صحت مزاج ایشان
بیاسود و بدیوانخانه مبارکه تشریف فرما شده عرایض اعتضاد السلطنه
وزیر علوم که با چاپار از دار الخلافه رسیده بود با بعضی مطالب استرآباد
وغیره بتوسط امین الملک و اجودان مخصوص بعرض خاکپای همایون رسیده
احکام علیه در جواب آنها شرف صدور یافته مسرعان را رجعت دادند

نور الدهر

نورالله هر میرزای نایب ناظر مبلغی نقد و اسبی ترکمانی از جانب
محمد علی خان دیوان بیکی مازندران برسم پیشکش تقدیم آستان
همایون نموده واستعداد دیوان بیکی را بزیارت خاکپای همایون بار
خواسته و دیوان بیکی بعد از نهار بحضور همایون مشرف آمده مورد عواطف
ملوکانه گشت شش ساعت بغروب مانده محمد صادق بیک شکارچی بعرض
عاکفان آستان همایون رسانید پلنگی با دو خرس در کوه یافته و مستدعیست
که سرکار پادشاهی بصید ایشان توجه فرمایند اعلیحضرت همایون نیز
فوراً اسب خواسته با چند نفر تفنگدار و آبدار و ابراهیم خان نایب
اصطبل بقصد شکار تشریف بردند در سمت جنوب چهارده کلاته کوهی صعب
و سخت و مرتفع بود صادق بیک معروض داشت که جانوران مزبور
در زیر اینکوه ساکن هستند هنوز موکب مسعود بدامنه کوه نرسیده
یکدسته آرقالی پیدا شد که از سواران رم کرده روی بفرار داشتند
سرکار پادشاهی تیری بجانب آنها انداختند چون مسافت بعید و تیررس
نبود شکاران جانی بسلامت بدر بردند و سرکار اقدس تا نیمه کوه سواره

و در حینی که بقیه را پیاده صعود میفرمودند پلنگی از شکاف کوه بیرون
آمده روی بفرار گذاشت و چون تعاقبش فرمودند با سرعت و چالاکی تمام
خود را بقله رسانیده در مکانی که وصول بدان بواسطه سنگهای گران امکان
نداشت پنهان شد و همچنان ذات والاصفات پادشاهی با مشقت
تمام از کوه بالا آمدند تا بمارخ خرسان رسیدند و خرسی بزرگ کهن سال
معهود مشهود افتادند که با بچه خود در سایه درخت سروی خوابیده
و بمحض تشریف سرکار پادشاهی بفراستی که مخصوص این حیوانات
سبع است دریافت کرده روی بفرار گذاشتند شاهنشاه از سیصد
قدمی تیری بخرس بزرگ انداخته و بضرب گلوله پای راست او را بشکستند
و آن جانور با پای شکسته از سنگی بسنگی جسته فرار مینمود و سرکار اقدس
بسرعت تمام از سمت دیگر خود را بمقابل آنها رسانیده خرس کوچکتر را
بایک تیر از پای در آوردند و هم یوز پلنگی از همهمه و صدای ثفنگ از مامن
خویش بیرون جسته با چالاکی تمام خود را بقله کشیده از آسیب ضرب
شست همایون بجست خرس بزرگین با پای شکسته خود را بغاری رسانید

و تفنگداران

وتفنگداران خرس کوچک را که بیجان شده بود بحضور آوردند و سرکار پادشاهی قدغن فرمودند دیگر کسی متعرض خرس بزرگ نشود و بازحمت تمام پیاده از بالای کوه از محلی که آب شسته وریک بوم ولغزنده بود گاه ایستاده گاه نشسته گاه با عصا با مشقتی کلی بزیر آمدند ونیم ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شده محض راحت ورفع خستکی بحمام رفته بعد از شام ساعتی مقربان خاص بزیارت حضور اختصاص داشتند و شاهنشاه زودتر از سایر لیالی باستراحت مشغول شدند

یکشنبه غره جمادی الاول وحرکت اردوی همایون از چشمه علی بسرخده

درین روز سرکار شاهنشاهی دراول بامداد بحمام تشریف برده وسه ساعت از دسته گذشته از دیوانخانه مبارکه بیرون تشریف آورده باسب رخش سوار شدند اعتماد السلطنه امام جمعه دامغان را سواره بحضور آورده اعلیحضرت شاهنشاهی مسافتی از راه را با ایشان بصحبت مشغول گشته وپس از اظهار مرحمت ولطف رخصت مراجعت بدامغان دادند وامین

الدوله را بفرمایشات علیه مخاطب ساختند تا یکفرسنگ از راه طی شد
و از دور از سمت چپ یکدسته آرقالی نمودار گشت که بسرعت بسمت
جاده می آمدند اعلیحضرت شاهنشاهی اسب برانگیختند که آنهارا جلو گیر
کنند محمد حسنخان محقق که در جلو بدلکهای همایون بود و بشکارها نزدیک
و غافل از اسب تاختن سرکار پادشاهی با چند نفر از تفنگداران و غیره
بیقاعده بسمت شکارها اسب انداختند و آن وحشیان رم کرده از
سمت جاده رو گردانیده و بجبال جنوبی گریختند شاهنشاه عنان رخش
باز کشیده و در کنار راه از برای صرف نهار فرود آمدند و پس از میل
نهار سوار شده از شکه که معبر بود گذشته در سمت دیگر شکه چادرهای
نهارگاه حرم ملحوظ نظر مبارک افتاد و سرکار اقدس شهابدان سوی
تاخته اندک زمانی در مقابل چادرها مکث فرموده و از مرضای ایشان
احوال پرسی نموده بجاده و میان تپه آمدند نیمفرسنگ بمنزل مانده حبیب الله
خان سرتیپ شکاهی که مامور استراباد بود با چند سوار بزیارت کاربی
قمرانتساب مشرف شده مورد عواطف ملوکانه آمد سرکار پادشاهی

باردوی ایشان که نزدیک سرغده بود توجه فرموده فوج سگابی در
خارج اردوی خود صف زده منظور نظر مرحمت اثر گشتند و یکان
یکان از افراد و آحاد تا مین و صاحبمنصبان ایشان مورد مراحم خسروانه
آمده دعای وجود مبارک گفتند و سرکار اقدس از آن اردو گذشته
و در سراپردهٔ مبارکه نزول اجلال فرمودند اندک زمانی در کنار استخر
بزرگیکه در مقابل چادر مخصوص همایون واقع بود استراحت فرمودند چون
از خواب برخواستند محمد جعفر بیک تفنگدار خاصه که حامل احکام علیه بدار
الخلافه بود مراجعت نموده عرایض متعدده از مستوفی الممالک و سردار
کل و وزیر امور خارجه و وزیر علوم که متضمن مطالب دولتی بود بنظر انور
اقدس رسانید و سرکار پادشاهی تا مقارن غروب بمطالعه آنها مشغول
گشتند و از آنجا که استخر خیلی بزرگ و باصفا و شکوه بود آبدار باشی را
مقرر شد که قایق مداد پاک کن بادی را دمیده بروی استخر انداختند
وجمعی از غلام بچه کان وغیره بران نشسته و در روی آب سیر میکردند وقت
اذان دیوانخانه قورق شد و بعد از شام اجودان مخصوص و آقا علی ادیب الملک

الملک و محمد تقی خان افشار و عکاسباشی و محمد علی خان شرف اندوز
حضور شده اجودان مخصوص از روزنامه فرانسوی موسوم به رِوُو دُو مُند
یعنی سان اخبار دنیای عتیق و جدید که عبارت از این سمت کره و ینکه دنیا
باشد بعرض میرساند و سرکار شاهنشاهی خود بنفس نفیس مبارک ترجمه فرموده
ملازمان را از مطالب آن که مبنی بر احوالات چین بود اطلاع میدادند
و چهار ساعت از شب گذشته شاهنشاه پا سوندند و ما چاکران رخصت
انصراف یافتیم

از چشمه علی الی سرخه ده سه فرسنگ و جنسین راه شمالی و جنوبی کوههای
سخت مرتفع است که تا مسافت دو فرسنگ کمتر یا اندکی بیشتر فاصله
دارند و این فاصله در دو فرسنگی در نهایت کم شده و کوههای دو سمت
بیکدیگر نزدیک گشته تنگه تشکیل میدهند که معبر از میان آن تنگه است
و پس از اندک مسافتی مجددا کوهها از یکدیگر فاصله جسته راه تا سرخه ده
وسعتی مییابد

سرخه ده جزء محال چهاردانگه هزار جریب مازندران و در دامنه تپه واقع

وازسوابق ایام پتیول نشاطی خان شاعر و باز ماندکان اوست و باسم
ایشان در بعضی نوشتجات و اشعار معروف است و این قریه الکنون
قریب سی چهل خانوار رعیت دارد و هوائی در نهایت لطیف و اصطرخی
باصفا و آبی بس گوارا و در جوار آن دو مزرعه دیگر متعلق بمرحوم ابن
عباس است موسوم به برد داگز

دوشنبه دوم جمادی الاولی و تشریف فرمائی سرکار اقدس همایونی بفولاد محله

درین روز اعلیحضرت شاهنشاهی یکساعت از دسته برآمده از سراپرده مبارک
بیرون آمده سوار شدند و هنوز در مزاج مبارک از خستگی و کسالت سواری
دو روز قبل اندکی باقی بود حبیب الله خان سرتیپ بحضور مهر ظهور مشرف
شده رکاب مبارک را بوسه داده و دستور العمل ماموریت خود را یافته
بسمت استراباد رفت و بندکان اقدس همایون تا دو فرسنگ
از منزل کذشته از جاده تشریف فرما بودند در میمکان جادهٔ کوچکی
در دست راست پدید شد که بسمت کوهستانات و قرا، و مزارع هزار جریب

جریب میرفت و خاطر مبارک بدانسوی مایل شده امرا و ارکان و سواران را
مرخص فرمودند که بمنزل روند و خود با عملهٔ خلوت و تفنگداران از آن جادهٔ
بالا رفته در زیر کوهی که از یکسمت اردوی همایون و از یمنی قراء و
مزارع هزار جریب نمایان بود فرود آمدند خادمان آفتاب گردان
نهارخوری برپای کرده و شاهنشاه اندک زمانی با دوربین بدهات با صفای
دودانگه نظر فرمودند و نهار صرف نموده بمطالعهٔ نوشتجات حاجی
میرزا حسین خان مشیرالدوله ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار سلطان
عثمانی که روز قبل وزیر امور خارجه فرستاده بود مشغول شدند
و پس از اطلاع بر مضامین آنها و صدور جواب و احکام عرایض مبسوطهٔ
ظهیرالدوله که نیز از خراسان رسیده بود معروض حضور مبارک شده احکام
آن شرف صدور یافت دو ساعت بغروب مانده ازین مهمات فراغت
حاصل فرمودند حاجی حیدر خاصه تراش باشی محاسن مبارک را اصلاح
نموده و حضرت شاهنشاهی نماز گذارده عصرانه و چای میل فرموده بسمت
منزل توجه فرمودند قریب باردو میرزا کریمخان سرهنگ فوج فیروزکوهی

با فوج

با فوج فیروزکوه از سان حضور همایون گذشته و مورد عواطف ملوکانه گشته مامور استراباد شدند و موکب مسعود بچمنی که مورد سراپردهٔ همایونی بود شرف ورود ارزانی داشت اعلیحضرت پادشاهی بر سمتیکه سالهاست مسلوک میدارند ماه نورا بروی خط مبارک حضرت ولایت مآب امیر مؤمنان و شاهنشاه انس و جان علی ابن ابی طالب علیه السلام رؤیت فرموده و آغا یعقوب متولی و حافظ خط مبارک را مورد مراحم خاص ساخته بحرم خانهٔ مبارکه تشریف بردند شب بعد از شام قورق لشکست و حاجی میرزا علی مشکواة الملک و آقا علی و عکاسباشی و حسین خان و مچول خان و دیگران بزیارت حضور مبارک مشرف گشته اجودان مخصوص تا سه و نیم از شب رفته بعرض روزنامجات فرانسوی مشغول بود در ثانی قورق شد و شاهنشاه باستراحت مشغول شدند

از سرخه ده بفولاد محله دو فرسنگ و نیم است سمت راست و چپ راه کوههای سبز بلند سخت است که در پشت کوههای جنوبی آن بلوک توسا

و درواره

بودر وار سمنان و در پشت کوههای شمالی بلوک چهار دانگه و دو دانگه
هزار جریب است صحرائی که در وسط این دو کوه واقع شده جلگه ایست
که تقریباً نیم فرسنگ عرض دارد و تمام از علف خار شتر و بوته گز و سایر
گیاههای شور سبز است و قریب بفولاد محلّه چمن وسیعی دارد و درین
جلگه آهو بسیار است چنانکه مهدیقلی خان و فغفور میرزای پسر تیمور میرزا
هر یک آهوئی صید کرده بحضور آورده انعام و احسان شایان یافتند
فولاد محلّه هزار جریب قریهٔ معتبر است که در زیر تپهٔ بنا شده و صد خانوار
رعیت متجاوز دارد و سپردهٔ بابراهیم خان نایب اصطبل مبارکه است

سه شنبه سوم جمادی الاولی تشریف فرمائی اردوی مبارکه بمنزل خرّنه

درین روز اگرچه بموجب قرار داد معینهٔ سابقه منزل آستران بود ولی
چون امین الدوله از بُعد مسافت راه اطلاع یافته بود مقدّمهٔ اردو را بخرّنه
روانه داشته بود و اینمعنی در نهایت پسند خاطر مبارک گشته
یکساعت از روز بر آمده از کنار قریهٔ فولاد محلّه گذشته امین الدوله

مخاطب

مخاطب بفرمایشات علیه بود تا سرکار پادشاهی از گردنه بالا رفته و بکوه سمت
راست جاده که درختان آورس زیاد داشت توجه فرموده از برای صرف
نهار فرود آمدند و با دوربین باطراف و جوانب نظاره داشتند و خاطر مبارک
از شدت نیکوئی هوای آنمکان و کثرت میوه خرسند و مسرور بود و چون مه
تمام قله را فرا گرفته تاریک شد از بالای کوه بزیر آمده بجاده رجوع
فرمودند و بعد از طی یکفرسنگ راه به تنگه رسید و در نهایت صعب شد
و ملحوظ نظر مبارک افتاد که تمام بار و بنه اردو در تنگه تنگ یکدیگر ایستاده
بعسرت میگذشتند سرکار اقدس سبب معطلی بنه را از حکیمباشی طلران
که هم در میان آن مردمان معطل بود سؤال فرمودند معلوم شد که اهالی
اردو ابتدا در تنگه راه را گم کرده بسمت هزار جریب رفته و در ثانی معاودت
نموده درین راه متراکم شده اند و چون راه عسیر المسلک است یک یک
میگذرند پس حضرت پادشاهی از میان بار و بنه و گردنه گذشته بدرهٔ
دیگر رسیدند در ینجا محمد باقر بیک شکارچی معروض داشت که در کوه سمت
چپ یکدسته قوچ دیده اند چون سه ساعت بغروب بیش نمانده و سرکار

اقدس اندک خسته بودند میل بشکار نفرموده مقرر داشتند میرشکار خود
بطلب قوچها شتابد و هرچه را تواند از آنها صید کرده بحضور بیاورد
و همچنان حضرت پادشاهی پی سپر راه بودند و حکیمباشی طلوزان تا ورود
بمنزل از روزنامه که متضمن احوالات یکی از سیاحان انگلیس که با کشتی
موسوم بدنگن بقطب شمال سفر نموده بودند معروض میداشت و اجودان
مخصوص ترجمه مینمود یکساعت و نیم بغروب مانده سرکار اقدس تشریف
فرمای منزل شدند و قلیلی هندوانه میل فرموده با امین الملک و دیگر
مقربان تا هنگام شام مشغول صحبت بودند محمد قلیخان شاطرباشی که بپرستاری
معیر الممالک مأمور بود درین منزل باردوی مبارکه پیوسته احوالات
معیر الممالک و صحت یافتن ایشان و رفتن از راه دامغان را معروض
داشته خاطر مبارک از خدمات ایشان و صحت خزانه دار خاص بی نهایت
خرسند گشت از قراریکه بعرض خاکپای همایون رسید غلام ترکمان
محمد حسنخان محقق در چشمه علی دامغان بهنگام شب برخواسته اسبی از
آقای خود سوار شده فرار کرده است حسب الامر چند نفر غلام خاصه مأمور

شدند

شدند که رفته او را هر کجا پسند دستگیر کرده بار دور سانند میرشکار که
حسب الامر بشکار رفته بود قوچی دوازده ساله صید کرده بحضور همایون آورد
از فولاد محله بخرند بر حسب معروف چهار فرسنگ ولی زیاده از شش ساعت
راه است و همه جا از طرفین امتداد کوههای مسبوق الذکر است که بعد از دو
فرسنگ بیکدیگر نزدیک شده گردنه تشکیل میدهند و مجددا فاصله یافته دره
پیدا میشود که در ثانی نیز منتهی میگردد بگردنه دیگر و در آن دو راه است
راهی شمالی که بسمت هزار جریب میرود و راهی بطرف خرند و پس از ان
نیز تنگه و گردنه دیگر صورت می بندد و قریب بخرند فاصله زیاد شده قریب
نیم فرسنگ مسافت مابین ایشان می شود و درین فاصله ها که بواشو یا بارشو
معروف است همه جا چمن و چشمه های کوچک است که اهالی دودانکه
بطرز ایلات هنگام تابستان در آنها ییلاق نشینی مینمایند این جبال تمام
سبز و در اکثر جاها جنگلهای آورس و شکار قوچ و میش و کبک
و تیهو بسیار دارند و اغلب برف تمام آنهارا فرا میگیرد و بهمین واسطه است
که این ناحیه هوائی بس معتدل و نیکو دارد

چهارشنبه چهارم تشریف فرمائی موکب مسعود بمنزل آستران

امروز نیز مزاج مبارک همایون شاهنشاهی فی الجمله تکسری داشت دو ساعت از روز برآمده از سراپردهٔ مبارکه بیرون آمده سوار شدند چون اندک مسافتی از راه طی شد سمت جنوب دهنهٔ پدیدگشت ساری اصلان بعرض رسانید که این دهنه برضاآباد میرود و از اینجا برضاآباد نیم فرسنگ است و این چاکر روز قبل از این راه آمدم و راهی بنیکو و مسطح و بدون گردنه بود و آهوی بسیار داشت سرکار پادشاهی از مقابل آن دهنه گذشته بفاصله یکفرسنگ بجلگی رسیدند که در سمت سراشیب آن امامزادهٔ بود و متولی اعرجی داشت حضرت پادشاهی در مقابل امامزاده ایستاده و فاتحه خوانده و اجودان مخصوص را مقرر داشتند که متولی را انعامی شایسته دهد و از امامزاده گذشته بدرّهٔ دیگر وارد شدند و چون از کتل این دره گذشتند در صحرای سمت چپ بخت سرکار امین الدوله ملحوظ نظر مبارک افتاد که در خارج راه نگاه داشته بودند و معلوم شد

که در ثانی

که در ثانی سرکار ایشان را نوبه عارض شده و اعلیحضرت همایون آغا محراب
خواجه را با حوال پرسی فرستاده حکیم باشی طلزان را که ملتزم رکاب بودند
داشتند از سرکار معزی الیها عیادت نماید و چون سرکار اقدس بچمن
خنک رسیدند صادق شکارچی معروض داشت که در بالای کتل میر شکار چند
قوچ خوابانیده و سرکار پادشاهی بملاحظه صید افکنی در همان چمن بنهار
میل فرموده و بعد از نهار با مهدیقلیخان و محمد علیخان و آبدارباشی
و قهرمان خان بقصد شکار تشریف بردند نیم فرسنگ از بالای کتل گذشته
بمیر شکار رسیدند ابتدا معروض داشت که شکاران در جائی غیر مناسب
خوابیده اند بهتر آنست که صرف نظر فرمایند چون قدری بالاتر تشریف فرما
شدند معلوم شد باد بقول شکارچیان مساعد نیست لابدا بمقر اولی
معاودت نموده و سرکار اقدس باد و رهین ملاحظه فرمودند قوچها را که در
زیر سایه درخت آورسی خوابیده اند ولی بیک و دو نفر دیگر از شکارچیان
را مقرر داشتند که رفته شکارها را سر بزنند ایشان نیز رفته سر زدند
و شکارها رم کرده از سمت دیگر بمیان دره ریختند و صید ایشان امکان

نیافت

نیافت پس ازان حضرت اقدس بمیان دره آمده اندکی در مقابل سیاه
چادرهای اهالی سنک سرکه در تابستان با اغنام و احشام خویش
درین دره ها ساکن میشوند مکث فرمودند و بنادانی این مردم حیرت داشتند
با ایشان ظرافت میفرمودند و از وضع سؤال و جواب مخلوق بادیه نشین
متبسم بودند که هیچ تصور نمیکردند و لینعمت ایشان تا هفت هشت
سوار دران دره با آنها این نوع اظهار مهربانی و مکرمت کنند از جمله دهقانی
در برابر چادر خود با پیری نشسته سرکار پادشاهی شهانزدیک او رفته
فرمودند که عمو نان داری بما بدهی عرض کرد نه فرمودند اینجا چه میکنی
عرض کرد هیچ با خرم ایستاده میخ کفشمان را درست میکنیم فرمودند پول
میخواهی عرض کرد نه لازم ندارم و این حیوان هیچ ندانست که با که
جواب و سؤال میکند بعد از دهقان دیکری سؤال شد راه کجاست عرض
کرد ازین کردنه باید رفت از کردنه و سراشیبی که بسیار سخت بود فرود آمدند
در میان دره که از چشمه های بسیار رود کوچکی در آن پیدا شده بسمت آستران روان
بود و حضرت شاهنشاه از کنار همان دره روان بودند قریب بارد و شخصی

دیده شد

دیده شد که افتاده برروی زمین میغلطید و هیچ نمیگفت آقا رضائی دوباشی

و یساول خاصه حسب الامر رفته سؤال نمود چه میخواهی معلوم شد همان شخص

دهقان نادان اولی است که شنیده است که حضرت شاهنشاه ازینجا عبور

میفرمایند آمده و سرخط میخواهد و نمیداند که سرخط چیست عبارت از این حرکت او اسباب

خنده شد و دو ساعت بغروب مانده موکب همایون بمنزل شرف ورود

ارزانی داشت چاپاری از دارالخلافه رسید عرایض مستوفی الممالک

که مبنی براحوالات ممالک محروسه و روزنامه دارالخلافه الباهره بود بنظر مبارک

رسید از قراریکه معروض داشته بودند در شهر ربیع الثانی هفتصد نفر از

مرض وبا وفات یافته بودند و ناخوشی که ابتدا اشتداد کلی داشته در

اواخر ماه روی بانحطاط گذاشته خاطر مبارک در نهایت متألم و متأثر شده

و بعد از نماز در کمال خضوع و خشوع از خداوند باری تعالی و تقدس درخواست

نمودند که این بلا را از سر مخلوق مرفوع فرماید و هم بحکیم باشی طهران و این چاکران

امر شد که پس از مراجعت موکب همایون با استحضار و اطلاع و صوابدید مستوفی

الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه اسباب حفظ صحت شهر را فراهم آورند

وحتی

وحتی الامکان در سبب وقوع این مرض و رفع آن جد و جهد و سعی بلیغ نمائیم
شب بعد از شام امین الملک و مشکوة الملک و دیگر مقربان شرف اندوز
حضور شده و تا چهار از شب رفته ملتزم آستان همایون بودند
از خرند تا سران سه فرسنگ است راه همه جا در فاصله دو سلسله جبال
جنوبی و شمالی است که در بعضی جاها بیکدیگر نزدیک شده کتلی و گردنه میبارد
و در بعضی جاها فاصله یافته دره میگردد که تمام آن چمن زار و با چشمه سارهای
بسیار بعضی مرتع اغنام و احشام اهالی سنگ سر سمنان و برخی مرتع
گاو و گوسفند اهالی یلو رهزار جریب است این دو طایفه با وجود آنکه دهات
نشینند مثل ایلات در ایام تابستان در این دره های خوش آب و هوا
مسکن میگیرند و اطراف دره ها را زراعت مینمایند

پنجشنبه پنجم و تشریف فرمائی اردوی همایون بچمن کورسفید

در این روز سرکار اقدس شاهنشاهی اوّل صبح بحمام تشریف برده و دو
ساعت و نیم از روز برآمده از حرم خانه مبارکه بیرون آمده سوار شدند

محمد قلیخان

محمد قلیخان دیوان بیگی و محمد جعفر خان ناظم دشت از خاکپای همایون مرخص
شده و بخلاع مهر شعاع مفتخر آمده بمقر ماموریت و مسکن خویش شدند و
سرکار اقدس از کتلی که یک فرسنگی بود و کتلی پست و پر خاک عبور فرموده
و در خارج گردنه که حد ما بین خاک فیروزکوه و هزار جریب و سمنان است
میرزا محمود مباشر فیروزکوه که مردی کهن سال است بتقبیل رکاب مهر
انتساب مشرف گشته شش ساعت بغروب مانده حضرت اقدس تشریف
فرمای منزل شده نهار میل فرموده راحت فرمودند میرشکار که
هنگام صبح به تفحص شکار رفته بود میشی بزرگ صید کرده بحضور مبارک
آورده و معروض میداشت که در این منزل شکار کمتر از منازل سابقه
است مهدیقلیخان غلام بچه باشی تب کرده این چاکر را مقرر شد که
باستعلاج ایشان پردازد شب بعد از شام اجودان مخصوص و آقا علی
و عکاسباشی و محمد علیخان از زیارت و مصاحبت حضور بهره یاب
آمدند در این شب پنج ساعت از شب گذشته محمد باقر بیک شکارچی
که جوانی در نهایت صحت مزاج و قوت بدن بود بمرض وبا گرفتار گشته

وبفاصله

و بفاصله پنج ساعت برحمت ایزدی پیوست و هر قدر حکیمباشی طلزان
و این بندهٔ آستان شاهنشاهی اهتمام در علاج کردیم مفید نیفتاد و از
این ساعت مرض وبا در اردو شیوع یافت و چنین معلوم نمودیم
که بروز آن بعد از آمدن افواج شده است که از سمت سمنان و دار الخلافه
آمده اند

از آستران بکور سفید پنج فرسنگ و نیم راه است و یکمیدان از این منزل
گذشته دهنه ایست که بسرخ رباط راه مازندران میرود و راه کور سفید
در غربی آن واقع است این راه که معبر اردوی همایون و راه فیروزکوه
است تا یک فرسنگ مسطح و اندکی عریض و در یکفرسنگی منتهی بتلی
میشود پست و نرم که در دامنه آن آبی گل آلود و سفید بدرنگ بقدر دو
سنگ جاریست چون از این آب بگذرند هیات راه تا منزل یکسان
است چنین شمالی و جنوبی کوههای عظیم مرتفع چون دیواری محکم برپای
و در فاصله ایشان چمنی خوش آب و هوا با عرضی یک میدان و اغلب
جاها کمتر مرتع و مزرع اهالی سنگ سر و غیره است که در ایام تابستان

در این

در این دره ها ییلاق قشلاقی و زرع و کشت کنند و این دره تا سه فرسنگ امتداد یافته منتهی بگردنه کوچکی میشود که حد خاک فیروزکوه و هزار جریب است و در سراشیب آن چمنی و چشمهٔ آبی و درهٔ دیگری است که مستقیماً بگور سفید میرود که تمام آن محل ییلاق اهالی افتر فیروزکوه و مراتع ایشان است

گور سفید چمنی خوش آب و هواست که در سوابق ایام وسعت و روحی داشته و اکنون غالب آن چمنها محل زراعت و کشت شده

جمعه ششم و حرکت اردوی همایون بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه

در این روز خاطر مبارک همایون شاهنشاهی بواسطه بروز وبا و فوت محمد باقر بیک و بقای این بلای وافده در دار الخلافه الناصره افسرده بود و در نهایت ملال دو ساعت از دسته گذشته از سراپردهٔ مبارک بیرون آمده سوار شدند حاجی قنبر علی خان سعد الملک امیر پنج و

وجان محمد خان سرتیپ با فوج خلج از رکاب همایون مرخص شده بسمت
دار الخلافه رفته شدند و سرکار شاهنشاهی از رودخانه که بسمت فیروز
کوه میرفت گذشته و پس از طی سه فرسنگ به تنگه رسیدند که
شباهتی تمام به تنگهٔ واشی ساه دارد با آنکه طول این تنگه زیاده
از یکصد و پنجاه قدم نیست و خارج این تنگه و ابتدای جلگه دو راه هست
راهی از رودخانه و راهی از گردنه وجوار قریهٔ گمنه سرکار شاهنشاهی
از این راه اخیر به بالا تشریف برده و در بالای کوهیکه مشرف بار دو
و جلگه فیروزکوه بود از برای صرف ناهار فرود آمدند تیمور میرزا
امین الملک امین خلوت اجودان مخصوص محمد حسن خان محمد علی
خان حکیمباشی و دیگران ملازم حضور بودند پس از صرف نهار ابراهیم
خان نایب معروض داشت که در پشت این کوه شکار بسیار است
حسب الامر مقرر شد جمعی به پشت کوه و بالای سنگها رفته
های و هوی کنند و همهمه و قیل و قال نمایند تا شکاران رم خورده
بیرون جهند بعد از اندک زمانی یک گله آرقالی بیرون آمده در کوه و

صحرا

صحرا متفرق شدند و متعاقب ایشان دو آهو بیرون آمده بدر رفتند
شکارچیان بعرض رسانیدند که قوچها در سنگی مانده و صید ایشان
در نهایت آسان است اعلیحضرت پادشاهی محض کسالت خاطر از صید
بدین سهولت صرف نظر فرموده مقرر داشتند هرکس خواهد
و بتواند ایشان را صید کند مهدیقلیخان غلام بچه باشی قوچی چهار
ساله با تازی گرفت و سه آهو ماخوذ سگان شکاری جلوداران خاصه شد
و هم حسین خان پیشخدمت آهوئی با تفنگ صید نموده بحضور
همایون آورده هر یک بفراخور شان انعام و احسان یافتند
سه ساعت بغروب مانده موکب فیروزی کوکب بچمن شورستان
تشریف ورود ارزانی داشت و والده شاهنشاه زاده اعظم نایب
السلطنه العلیه العالیه کامران میرزا با آغا حسن و آغا مهدی خواجه سرایان
سرکار پادشاهی و خدمه خود و زنهای ترکمانان و پنجاه ۲ البسمت کلندوک
که مقرر اردوی شاهنشاهزاده معظم الیه بود تشریف بردند
از تلغراف فیروزکوه اخبار انقلاب هوای دار الخلافه و بقای

غلام علم خه

مرض

مرض وباء در شهر و نواحی متواترا بعرض رسیده و سرکار پادشاهی
تامل داشتند که با اینحال در این صفحات توقف فرمایند یا بسمت دار
الخلافه تشریف فرما شوند و نیز از قراریکه از دار الخلافه بعرض رسانده
بودند اسمعیل خان خزانه دار نظام که از قدیمی چاکران و خانه زادان
دولت جاوید عدت بود و در حضرت گردون بسطت عزتی تام داشت
بمرض وباء رحلت نموده قلب مبارک از فوت چنین نوکری صدیق
در نهایت متوسف و محزون گشت

از کور سفید بشورستان چهار فرسنگ است راه ابتدا دره وسیع
است و در قله کوه سمت چپ آن آثار برجی عظیم نمایان که خراب
مانده و معلوم نیست برای چه ساخته بودند

یکفرسنگ بشورستان مانده کوههای سخت پر سنگ طرفین
بیکدیگر نزدیک شده شکل صورت میدهد با یکصد و پنجاه قدم طول
رودی از میان آن جاری و معبر از میان رود است که از دهنه
تنگه خارج شده داخل جلگه و صحرا میشود سمت چپ این جلگه بالای

کوه

کوه مشابه دو جا در قلندری گنبد دو امام زاده است و در این
راه جز قریه کمنه قریه و قصبه ملحوظ نیست

بندگان اقدس همایون شاهنشاهی در روزنامه مبارکه خود که بخط همایون
مرقوم شده است بانجاکه رسیده اند روزنامه را در نهایت اختصار
ضبط نموده و از شرح جغرافیائی آن صرف نظر فرموده اند ما نیز بملاحظه
و امید آنکه انشاء الله در ظل عطوفت همایون شاهنشاهی خلد الله
ملکه و دولته روزنامهای سفرهای مکرر سرکار اقدس را بفیروز
کوه و ییلاقات آن ثبت خواهیم نمود و احوال اراضی و اطلاعات
جغرافیائی این ناحیه را مشروحا مندرج خواهیم داشت در این وجیزه
در ذکر حرکت اردوی همایون از فیروزکوه الی دار الخلافه الباهره
باختصار میکوشیم و فقط منازل و وقایع روز بروز را مذکور میداریم

شنبه هفتم و تشریف فرمائی اعلیحضرت شاهنشاهی
به تنگه ساه واشی

در این روز اعلیحضرت شاهنشاهی سه ساعت از روز برآمده از سراپرده

الصفحات

بیرون

بیرون آمده باسب غزل عربی پیشکشی حشمة الدوله سوار شده
از راه مزرعه اندورسمت تشکه داشی تشریف فرما شدند در راه
چند آهو از مقابل تپه بیرون آمده سرکار پادشاهی تیری بدیشان
بیند اخته شد تیر همایون بواسطه بعد مسافت کارگر نیامد و امر شد
کسی ایشان را تعاقب نکند و چون موکب مسعود به تشکه داشی
رسید آب تشکه زیاد و بار و بنه و شتران و قاطران در میان تشکه
متراکم شده بودند و یکی دو بار در میان آب افتاده راه را مسدود
داشته بود حضرت اقدس بعسرت از میان بار و بنه و آب تشکه
گذشته شش ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل که در خارج
تشکه بود شدند و نهار میل فرموده بقیه روز را بمطالعه کتب
وغیره بسر بردند

یکشنبه هشتم و توقف اردوی همایونی در تشکه داشی

در این روز محض آسایش ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی

تمام

تمام روز را در منزل استراحت فرموده بعد از نهار حاجی حکیم
و غلام حسین ساعتی خاطر مبارک را باستماع نغمات موسیقی
مسرور داشتند و محض اشتغال خاطر مبارک عکاسباشی و محمد علیخان
و محقق و موچول خان وغیره در حضور همایون ببازی تخته نرد مشغول
گشتند این چاکر آستان همایون شاهنشاهی بفیروزکوه رفته و با تلگراف
از جانب سنی الجوانب ملوکانه از سرکار شاهنشاهزاده اعظم نایب
السلطنه و صبیه بزرگ شاهنشاه سرکار فخر الملوک و مستوفی
الممالک و وزیر امور خارجه و سردار کل احوال پرسی نموده و نیز
از ورود سرکار مهد علیاء مستفسر شده معلوم نمود که اردوی سرکار
ایشان روز قبل بشمران و عمارت نیاوران وارد شده و بحمد الله
وجود مبارک سرکار علیه در کمال صحت است و جز آغا جوهر خواجه
و چهار کنیز و غلام بچه در راه از خدام سرکار ایشان کسی تلف
نشده و اردوی سرکار نایب السلطنه در گلندوک و وجود شاهنشاه
زاده اعظم در عین سلامت است و هم سرکار فخر الملوک باخانه

خویش

خوبش درباغ صبا و دعاگوی وجود همایون شاهنشاه است و از
قراریکه وزیر بالیه اعظم اظهار داشته شد که بعرض برساند اشتداد
وبا در شمرانات و شهر در نهایت تخفیف یافته قریب باتمام است
این چاکر در مراجعت شرح سلامتی وجود حضرت مهد علیا و شاهنشاه
زادگان و دعاگوئی و امتنان وزراء و تخفیف یافتن وبا را بعرض
عاکفان حضور همایون رسانده خاطر مبارک از این معنی در نهایت
خرسند و مشغول گشته شکرانه خداوند متعال بجای آوردند

دوشنبه دهم و سوم توقف اردو در حوالی فیروزکوه

در این روز نیز سرکار پادشاهی در منزل توقف فرمودند بعد از ناهار
طامسن صاحب نایب اول سفارت بهیه انگلیس مقیم دربار دولت
علیه که از ابتدای سفر ملتزم رکاب نصرت انتساب بود شرف اندوز
حضور همایون و مورد عنایات بلانهایات شاهنشاهی شده رخصت
عزیمت دار الخلافه یافت امین الدوله و دبیر الملک و محمد حسین
میرزای پسر امیر آخور بحضور احضار شده شاهنشاه ساعتی با ایشان

در باب حرکت اردو بسمت دار الخلافه مشاوره فرموده و عاقبت
رای صواب نمای مبارک بدان قرار گرفت که بعد از دو روز محض رعایت
حال و بروز مرحمت درباره چاکران و ملتزمان رکاب اردوی همایونی
از فیروزکوه کوچ داده پی سپر دار الخلافه شوند از آنجا که خدمات
یحیی خان ژنرال اجودان مخصوص حضور همایون همه وقت منظور نظر
مرحمت اثر ملوکانه است و همواره خاطر مبارک را بحسن خدمات
خود راضی و خوشنود دارد محض از دیاد الطاف خسروانی و حصول
درجات عالیه باعطای یک قطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی نایل
گشته قرین اعزاز و افتخار آمد آقا علی پیشخدمت خاصه حضور مبارک
و حاکم ساوه که از تربیت یافتگان مخصوص آستان عطوفت بنیان
است و از بدو شباب تا کنون خدمت و امانت خود را مشهود
خاطر خطیر ملوکانه ساخته بلقب نبیل امین حضور که از اجله القاب است
ملقب گشته دستخط همایون بافتخارش شرف صدور یافت
هنگام عصر آقا ابراهیم آبدار باشی در سراپرده مبارکه عرض بساط نموده

نموده امتعه و اقمشه و البسه و آلات رزم و بزم و ادوات
شکار و غیره ایرانی و فرنگی که در این سفر با خود همراه داشت و قریب
یکصد بار بود از ساحت حضور مبارک گذرانید الحق بازاری
غریب بود که از هر نوع متاع در او یافت میشد و سخت عجب مینمود
که در شکه واشی القدر اشیاء موجود شود سرکار شاهنشاهی
اغلب از اقمشه و البسه و تفنگ و غیره آنرا بخادمان حرم
جلالت و عمله خلوت همایون بذل و اعطا فرمودند

سه شنبه دهم و آخر توقف اردوی همایون در واشی

در این روز بندگان اقدس محض تفرج و صید افکنی هنگام صبح
بسمت شرقی واشی عزیمت فرموده بالای کوهی که در آن نواحی
بود بر آمدند و چون میرشکار معروض داشت که امروز شکار قوچ
و میش ممکن نیست سرکار پادشاهی در زیر کوه نهار میل
فرموده و اندکی خوابیده بعد از نماز و صرف عصرانه و چای بصید

وکبک و تیهو مشغول گشتند و هم تیمور میرزا و شاهزاده کریم
خان و حاجی علی نقی فراش خلوت خاصه در حضور همایون باقوشان
غزل وطرلان صیدی نمایان کردند هنگام مراجعت حیدر بیک
تفنگدار خاصه که بتلغرافخانه فیروزکوه باحوال پرسی سرکار مهد
علیا رفته بود مراجعت کرده خاطر همایون را از سلامتی مزاج مبارک
حضرت ایشان خورسند نمود و نیز معروض داشت که در فیروز
کوه بروز وبا شده است پس حکم بکوچ و حرکت پیشخانه مبارکه به
سمت دار الخلافه شد و در ورود بمنزل علیرضا خان قاجار پیشخدمت
خاصه و خالوزاده اعلیحضرت شهریاری که از جانب سنی الجوانب
شاهنشاه اسلام خلد الله ملکه و سلطانه خشتهای طلای گنبد مطهر
و بقعه منور امامین همامین عسکریین علیهما السلام را بعتبات عرش
درجات حمل داده بود مراجعت کرده شرفیاب خاکپای همایون شده
خاطر مبارک از ملاقات این نوکر صدیق و تربیت یافته مخصوص وکار
دان خورسند گشته حسن خدماتش را منظور نظر مرحمت اثر و مورد

الطاف

الطاف بلانهایاتش ساخته حضور را باعطای یکثوب سرداری

ترمه تن پوش اعلی قرین افتخار و اعزاز آمد

چهارشنبه یازدهم و حرکت اردوی همایون از فیروزکوه بقریه لزور

درین روز اردوی تیپ همایون بسمت لزور کوچ داد و سرکار پادشاهی

باعملهٔ خلوت و تفنگداران و شکارچیان بکوه واشی تشریف

برده ابتدا چون هوا صاف و خالی از غبار بود جلگه و کوهها

و مزارع و چمنهای سبز پرجنگل سواد کوه نظر فرموده و بعد از

نهار بادوربین سی و یک قوچ بزرگ بنظر آوردند که در سینهٔ

کوه خوابیده بودند ولی بیک و رحمت الله بیک شکارچی را مقرر

داشتند رفته آنهارا رم دادند و قوچها یکدفعه بسمت همایون حرکت

کردند سرکار پادشاهی قوچی هشت ساله را بایک تیر گلوله از پای

در آوردند و قوچ دیگر در صد قدم فاصله صید فرموده و چند

قوچ نیز زخمدار فرار کرده و حضرت همایونی از زبر کوه بزیر آمدند و در

نیمفر سنگی

نیمفرسنگی منزل نماز گذارده وعصرانه وچای میل فرموده نیم ساعت بغروب مانده تشریف فرمای اردو شدند

پنجشنبه دوازدهم تشریف فرمائی اردوی همایونی بمنزل ارجمند

درین روز چون جمعی از اهالی حرمخانهٔ مبارکه به تب نوبه ورمد مبتلا شده بودند حکیم باشی طلزان و میرزا حسین دکتر حسب الامر باستعلاج مشغول گشتند و سرکار شاهنشاهی دو ساعت از روز برآمده سوار گشته همه جا از کنار رودخانه و پیدستان خوش هوا و باصفا بقریهٔ اهنر و از آنجا بقریهٔ شادمهان و پنجساعت از روز برآمده باردوی ارجمند تشریف فرما شدند بعد از صرف نهار تا هنگام عصر بملاحظهٔ عرایض وزیر امور خارجه وصدور جواب و احکام مشغول بودند میرزا علی خان پیشخدمت و منشی خاص حضور همایون و نایب اول وزارت امور خارجه که برحسب امر اعلی مشغول خدمات تحریرات و نگارش احکام و روزنامجات وغیره بود یکطوب جبهٔ ترمهٔ کشمیری قـ[illegible]

مفاخرت واعزاز آمده واز خاکپای مبارک رخصت یافته
بسمت دار الخلافه روانه شد شب بعد از شام قورق شد
چاکران خاص شرف اندوز حضور بودند وعلیرضا خان درین شب
حسب الامر از سفر خود وشرح عتبات عالیات ورسم پذیرائی ورفتار
واحترامات کارگذاران دولت علیه عثمانی بالنسبه بامور وهدایای
شاهنشاه ایران ووضع سلوک میرزا بزرگ خان کارپرداز اول دولت علیه مقیم
بغداد خاصه از مراغبت ومواظبت جناب فضایل مآب قدسی انتساب مجتهد الزمانی شیخ
الاسلام والمسلمین شیخ عبد الحسین سلمه الله تعالی در تعمیر گنبد منور از جانب شاهنشاه
ونصب خشتهای طلا شرحی صادقانه معروض خاکپای همایون میداشت که موجب سرور وتفریح خاطر مبارک بود

جمعه سیزدهم تشریف فرمائی موکب همایونی بوزنا

راه امروز که چهار فرسنگ امتداد داشت راهی خوش آب و
هوا وباسایه وصفا بود وسرکار پادشاهی همه جا تفنگ تشریف
فرما بودند در دامنه کوه پر برف انگمار نهار میل فرمودند واز قراء اندریه
وآسور   ونجف در   وگردنه انگمار عبور فرموده چهار ساعت

بغروب

بغروب مانده تشریف فرمای وزنا شدند و بقیهٔ روز را بمطالعهٔ کتاب ناسخ التواریخ مشغول بودند

شنبه چهاردهم حرکت موکب همایون بسر چشمه انگمار

سرکار پادشاهی صبح باسب غوغا سوار شده واز گردنهٔ کوچکی گذشته چهار ساعت از روز برآمده بسر چشمهٔ انگمار تشریف فرما شدند و چون مکان چادرها تنگ و هوا عفن و غیر سالم بود و دو نفر از جواری خاصه بمرض وباء رحلت کرده خاطر مبارک افسرده گشته و مقرر شد اردوی همایون در روز آینده کوچ کرده و بدون مکث و درنگ منزل بمنزل بسمت سلطنت آباد پی سپر شود شب در دامنهٔ کوه انگمار که بالای سرا پردهٔ همایون بود آقا یوسف نایب سرایدار حسب الامر آتشبازی بس عالی کرده و پنج از شب رفته صبیهٔ شاهنشاه که والدهٔ ایشان سرکار ندیم السلطنه همشیرهٔ محمد تقیخان پیشخدمت است در حرمخانهٔ مبارکه بمرض وباء مبتلا گشته حکیمباشی طلزان بمعالجه مشغول شد و سرکار

شاهنشاهی

شاهنشاهی درنهایت اندوهناک شده حکم ببذل صدقات ونذورات
فرموده توکل وتوسّل بخداوندمتعال جسته شفای مریض معزی الیها
را ازخداوند درخواست نمودند

یکشنبه پانزدهم تشریف فرمائی موکب مسعود به پلور خاک لاریجان

اول صبح بهبودی حال شاهزاده خانم رامعروض خاکپای مبارک
داشته خاطرهمایون قدری آسوده گشته یکساعت ازروز برآمده
سوارشدند وازدره تنگ وکنار قریه لاسم گذشته عباسقلی خان سرتیپ
لاریجانی ومیرزا مهدی یاور باستقبال موکب منصور شتافته
وبشرف التزام حضور مبارک نایل گشته بالطاف ملوکانه سرافرازی
جستند وسرکار اقدس شاهنشاهی درکنار رودخانه صرف نهار
فرموده پنج ساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند پیر
مردصد وچهارده ساله زیاری بحضور مبارک آمده مبلغ ده تومان
نقد وعبائی باو مرحمت شد وحضرت پادشاه تعجب داشتند

که درین

که درین سن هنوز از قوای او کاسته نشده در کمال قوه و قدرت
پیاده راه میرفت و تکلم می نمود

دوشنبه شانزدهم ورود موکب همایونی بمنزل چشمه لای دماوند

درین روز بواسطه بهبودی حال مرضاء و کثرت اعتدال هوا خاطر مبارک
در نهایت خرسند گشته در اول روز باسب رخش سوار شده و از گردنه
امامزاده هاشم عبور فرموده در سرچشمه پای گردنه از برای صرف نهار
فرود آمدند بعد از نهار میرزا مهدیخان کشیکچی باشی که از دارالخلافه
بعزم زیارت رکاب مبارک آمده بود بحضور همایون مشرف گشته
و بعواطف و الطاف ملوکانه مفتخر آمده پنج ساعت بغروب مانده ذات
والاصفات خسروانی بسراپرده وارد شده تا عصر اچاکران و ملازمان
در حضور مبارک بظرایف و لطایف صحبت خاطر مبارک را مشغول
میداشتیم

سه شنبه هفدهم اطراق در دماوند

درین روز چاپار استراباد رسیده و عرایض اعتضاد الدوله مبنی بر امنیت استراباد و استرداد توپی که ترکمانان در محاصرهٔ نرکس تپه گرفته بودند و باز پس گرفتن جمعی از اسرای آن جنگ ملحوظ نظر انور گشته خاطر مبارک در نهایت ازین خبر خورسند شده و جواب عرایض اعتضاد الدوله را معجلا صادر فرموده باستراباد روانه داشتند و هم مضامین عریضه را محض اطلاع بمستوفی الممالک در ضمن احکام مرقوم داشته بدار الخلافه روانه داشتند جمعی از اهالی حرمخانهٔ مبارکه ازین منزل مرخص شده به نیاوران رفتند

چهارشنبه هجدهم و سوم اطراق اردوی همایونی دردماوند

درین روز اول صبح صبیه دیگر شاهنشاه که همشیره شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله هست بمرض وبا گرفتار آمده و خاطر خسروانی ازینمعنی بی نهایت متالم شده حکیم باشی طهران و میرزا حسین دکتر را مقرر شد بمعالجه مشغول شوند و ذات والاصفات شاهنشاهی محض تفرج و تغییر

هوا با چند نفری از عمله خلوت و غیره سوار شده امین الملک
و امین خلوت مخاطب بقربایشات علیه گشتند تا انکه حضرت شاهنشاه
از کنار روح افزای احمد خان نوائی گذشته و از پشت قریه از کنار رود
خانه که بسمت دریاچه تار و موج میرود عبور فرموده و در پای چناری عظیم
که آبشاری دارد برای صرف نهار فرود آمدند و تا عصر در آنجا متوقف
بوده یکساعت بغروب مانده تشریف فرمای منزل شدند بحمد الله تعالی
از فضل خداوند متعال و از اثر صدقات و نذورات و حذاقت و مواظبت
حکیمباشی طلزان و میرزا حسین حالت شاهزاده خانم روی به بهبودی
گذاشته خاطر مبارک بیاسود شب امین الدوله و امین الملک و حکیم
باشی طلزان احضار شده شاهنشاه درباب حرکت مصلحت فرمودند و با اینکه
وزراء از دار الخلافه عریضه عرض کرده و مستدعی امتداد توقف علیحضرت
شاهنشاهی در دماوند شده بودند محض آسایش چاکران و ملازمان مقرر
شد چنانکه امر شده است بیست و دوم اردوی همایون بسلطنت
آباد نقل نماید و اینمعنی مایه خوشنودی و ازدیاد دعاگوئی چاکران شد

پنجشنبه

پنجشنبه نوزدهم حرکت اردوی مبارکه بسمت مبارک آباد دماوند

درین روز چون راه زیاده از یکفرسنگ و نیم نبود موکب مسعود زودتر از سایر ایام تشریف فرمای منزل شده عباس خان قاجار بشرف حضور عطوفت دستور مفتخر شده و سرکار شاهنشاهی بمطالعه عرایض وزراء و صدور احکام مشغول گشتند مقارن اینحال چاپار دیگر از نزد مستوفی الممالک رسیده عرایض محمد اسمعیل خان وکیل الملک حاکم کرمان و میر علم خان حشمة الملک امیر قاین و سیستان را بحضور مبارک رسانده از قراریکه از سیستان نوشته بودند ازین بخت و اقبال شاهنشاه قلعهٔ نادعلی که آنسمت رود هیرمنداست و از قلاع سخت قشون منصور بعد از چهار ساعت محاصره و محاربه بقهر و غلبه از ابراهیم خان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند

جمعه بیستم تشریف فرمائی موکب همایون برسانان من محال لواسان دار الخلافه طهران

درین

درین روز بالیمن والسعاده اعلیحضرت شاهنشاهی باکمال انبساط
خاطر و فرح باسب کرنک پیشکشی حاجی مصطفی قلیخان سوار شده
امین الدوله و اعتماد السلطنه و امین الملک در رکاب مهر ایاب
بفرمایشات علیه مخاطب آمدند یحیی خان اجودان مخصوص و آغا علی
امین حضور از رکاب مبارک رخصت یافته بسمت شهر رفتند
و اجودان مخصوص را مقرر شد محل اردوی سرکار نایب السلطنه
را قدغن نموده که تمیز و پاک نمایند و اهالی فراشخانه را نیز قدغن
دارند که سراپرده مبارکه را در لتیان قرار دهند و سرکار پادشاهی
همه جا از بالای کوه بمیان دره رسنان و چهار باغ تشریف آورده
و نهار در پیدستان دره میل فرموده چهار ساعت بغروب مانده تشریف
فرمای منزل شدند

شنبه بیست و یکم تشریف فرمائی سرکار اقدس
شاهنشاهی بمنزل لتیان و کنار رودخانه جاجرود
دو ساعت از روز برآمده ذات والاصفات حضرت شهریاری در کمال

شوکت

شوکت و اجلال باسب اقبال سوار گشته امین الدوله و دبیر الملک
و اعتماد السلطنه در رکاب مبارک بمصاحبت مشغول گشتند
تا موکب مسعود تشریف فرمای منزل شد علیّ که شخصی وارسته
و شب و روز بذکر اسم مبارک حضرت امیر مؤمنان علی ابن ابی
طالب علیه السّلام مشغول است و از دعاگویان وجود مسعود همایون
در خارج اردو باستقبال آمده دعای وجود مبارک کفت و مورد عواطف
و مراحم ملوکانه گشت درین منزل یکی از جواری خاصّه که طفلی نه
ساله و موسوم بهاجری بود بمرض وباء وفات یافت و هم درمیان
فوج دوم که قراول وجود مبارک بود مرض وباء شایع شد حسب الامر
مقرر گردید که فوج در همان محل چادر زده چند روزی توقف نمایند
و اطباء مشغول بمعالجه ایشان باشند تا بالمره رفع مرض از میان
آنها شده بعد بدار الخلافه بپایند ۱۰ رجب آقا رخنت دار خاصه شرفیاب شده
و کمری طلای ملیله که تازه ساخته بود با لباس نو آورده از زیارت
حضور مبارک بهره یاب آمد

یکشنبه

یکشنبه بیست و دوم ورود موکب مسعود بالامن والاقبال بسلطنت آباد

درین روز که روز آخر سفر بود بحمد الله تعالی وجود مسعود قرین کمال عافیت
با نصرت واقبال بدون آنکه آسیبی باحدی از چاکران رسیده
باشد سرکار پادشاهی بحمام تشریف برده وباسب رخش که یراق
الماس زده بودند واسبی عظیم الجثه وباشکوه است سوار گشته
وزراء در رکاب ومخاطب بفرمایشات ملوکانه بودند محسن میرزای امیر
آخور که از مخصوصان حضرت گردون بسطت است در پای گردنه قوچک
بزیارت رکاب مبارک مشرف گشته وپای شاهنشاه را بوسه داده
واز حصول باین سعادت شکر خدا ونذرا بجای آورد سرکار پادشاهی بی
اندازه از ملاقات چنین نوکری قدیمی وصدیق ودولتخواه خوشنود گشته
بلانهایه معزی الیه را مورد نوازشات وعواطف ملوکانه فرمودند در بالای
گردنه محمد تقی میرزای برادر شاهنشاه وکیومرث میرزای پسر قهرمان میرزا
وملک منصور میرزا وهوشنگ میرزای ایلخانی پسر ملک آرا ومحمد حسن خان

قاجار

قاجار تفنگچی باشی علاء الدوله بزیارت حضور مهر ظهور مشرف آمده
هر یک بفراخور حال خویش مورد عواطف و مراحم ملوکانه آمدند وزیر امور
خارجه یک بهله قوش شنقار که قوش گران بها و در نهایت کمیاب است
و میرزا یوسف خان کارپرداز دولت علیه از حاجی طرخان فرستاده
بود بحضور فرستاده به تیمور میرزا که در فن شکارچی گری و محافظت و
آموختن این مرغان صیاد شوق و مهارتی تام دارد سپرده و مرحمت
شد که در شکارگاهها در حضور همایون با او صید کند شش ساعت بغروب
مانده موکب مسعود با شوکت و اجلال بعمارت سلطنت آباد شرف
ورود ارزانی داشت در خارج باغ شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه
و سایر شاهزادگان و وزراء چون بهرام میرزای معزالدوله و فرهاد میرزای
معتمدالدوله و طهماسب میرزای مؤیدالدوله و مستوفی الممالک
و وزیر اداره علمیه و تجارت و سردار کل عساکر منصوره و وزیر مهام خارجه
و وزیر عدلیه و غلام حسین خان سپهدار و میرزا کاظم خان نظام الملک
و میرزا داود خان وزیر لشکر سابق و میرزا فضل الله وزیر نظام و میرزا
و میرزا هدایت مستوفی اول

علیای

عیسای وزیر دارالخلافه و پیشکار سرکار نایب السلطنه و میرزا تقی سپهر
لسان الملک و میرزا عباس خان معاون الملک و سایر مستوفیان
و تمام امیرتومانان و میرپنجان و صاحبمنصبان عسکریه و معیرالممالک
و حاجی آقا اسمعیل و حاجی میرزا رحیم پیشخدمت خاصه و ناظم دفترخانه مبارکه
و حاجی رحیم خان صندوقدار خاصه و سایر چاکران خاص و اعاظم دولت
جاوید مناص بشرف حضور مبارک نایل و مستعد گشته از زیارت
جمال عدیم المثال خسروانی اظهار بشاشت و شادمانی نموده و شاهنشاه
بیکان یکان ایشان اظهار مرحمت و مکرمت فرموده و از امورات و
مشاغل مرجوعه بهریک جویا بودند تا دو ساعت بغروب مانده که بحرم
خانه مبارکه تشریف فرما شدند سرکار مهد علیا و ستر کبری و سرکار
عزت الدوله العلیه العالیه تا هنگام غروب از فیض حضور مبارک مسرور
و بهره یاب بودند بحمد الله تعالی از میامن اقبال بیزوال و فرط مراحم
خداوند متعال از روز ورود موکب مسعود بسلطنت آباد روز بروز مرض
وباء روی بتمامی گذاشت و تا دهم جمادی الثانی بهیچوجه آثاری از این

و میرزا محمدعلی خان صاحب دیوان

بلای

بلای وافده در تمام شمرانات و دار الخلافه الناصره باقی نماند
سرکار همایون شاهنشاهی در اینمدت در سلطنت آباد مشغول رتق وفتق
امور و اصلاح مهام دولتی و ملتی شده دهم جمادی الثانی بعمارت دوشان
تپه تشریف برده و پانزدهم شهر مزبور که ساعتی در نهایت سعادت بود
بمبارکی و اقبال تشریف فرمای دار الخلافه شدند سواره و پیادهٔ عساکر
منصوره در خارج شهر صف کشیدهٔ تجار و کسبه زن و مرد دار
الخلافه زیاده از پنجاه هزار کس در بیرون دروازه و معبر همایون مجتمع
گشته قربانیها کردند و زبان بدعا و ثنای وجود همایون گشودند و سرکار
شاهنشاهی از دروازه دولت بعمارت ارک تشریف آورده برسم
معهود با چکمه در طالار تخت مرمر بسلام نشسته شد حاجی آقا اسمعیل علیان
سلام بگذارد و بعد د اسم مبارک حضرت ولایت مآب علیه السلام
یکصد و ده تیر در تهنیت ورود مسعود شلیک کرده نقاره خانه
دولتی غلغله افکن طارم خضرا شد حاجی محمد قلیخان وزیر عدلیه که بفصاحت
و آداب شناسی معروف است در سلام بفرمایشات علیه

مخاطب گشته و خطیب خطبه فصیح و بلیغ بعرض رسانده میرزا
سروش شمس الشعرا قصیده غرا انشاد نموده سلام عام مبارکی و
سلامت سمت اختتام پذیرفت

از آنجا که کفایت و صداقت و کاردانی و درستی و امانت و حسن
خدمت میرزا یوسف مستوفی الممالک خاصه در ایام غیبت موکب
مسعود مشهود نظر مرحمت اثر همایون بود و اداره امورات مملکت
را رئیسی چنین لازم در این روز جناب معظم الیه را بصدارت عظمی
و ریاست وزراء سرافراز فرموده و باعطای قلمدان مرصع و جبه
شمسه الماس که از علامات اینمنصب جلیل است نایل و مفتخر فرمودند

وهم چون خدمات شاهزاده اعتضاد السلطنه وزیر علوم و تجارت
و صنایع مقبول رای جهان آرا بود باعطای یک قبضه کمر مکلل
بالماس قرین افتخار و اعزاز آمد و عزیز خان سردار کل عساکر منصوره
و وزیر جنگ که در ایام غیبت سرکار شاهنشاهی خاطر مبارک را از حسن
خدمات خود خورسند داشته بود از تشریف یک ثوب کلیجه

ترمه

ترمه شمسه مرصع تن پوش مبارک بمباهی و مفتخر گشت

و همچنین میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه که سالهاست

در اینمنصب عظمی حسن خدمات و کفایت و کاردانی او منظور نظر

مبارک است از اعطای یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع تن پوش

بر مدارج اعتبار و اقتدارش افزودند و نیز سایر چاکران هریک

بخلعتی شایسته و سرافراز آمدند و چون شاهنشاهزاده اعظم اکرم

مظفر الدین میرزا ولیعهد دولت جاوید مهد و فرمانفرمای کل مملکت

آذربایجان چند سال بود از زیارت حضور باهر النور اعلی محروم بودند

در این روز دستخط همایون شرف صدور یافت که با فیروز میرزای نصرت

الدوله پیشکار مملکت آذربایجان و چند نفر از خواص خویش چون رضا

قلیخان لله باشی و محمد حسین خان صدر الدوله و غیره بدربار معدلت

مدار آیند و هم شاهنشاهزاده اعظم سلطان مسعود میرزای یمین الدوله

که پسر ارشد شاهنشاه و فرمانفرمای اصفهان است بدربار همایون احضار شد

تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب

الحق میرزای امیر آخور(؟)

سپاس وشکر خداوندرا که از نیروی مراحم شاهنشاه کامکار این اقل وضعف
چاکران دربار معدلت مدار را افتخار یار و سعادت مددکار شد که پس از طول
زمان وبواسطه بعضی مشقات که اغلب دچار اهل زمان است بدون آنکه از خدمات
مرجوعه بخود و از التزام رکاب نصرت انتساب در تمام اسفار غفلت نماید از عهده
اختتام این روزنامه برآمد واگرچه اصل نسخه آن دستخط مبارک و روزنامه مخصوص
همایون شاهنشاه بود واین عبد را فضیلتی در تجمیع وتحریر آن نیست ولی بهمین قدر
فخر میکند وشکر میگذارد که انجام این خدمت بعهده این عبد ذلیل مرجوع گشت
وبسعی واهتمام ناقص او سمت اختتام پذیرفت امید آنکه در آستان ملایک
پاسبان سهو ونسیان آن اغماض شاهنشاهانه شامل گردد وصاحبان
فضل ومنشیان ودبیران عصر از روی مرحمت وعیب پوشی در او نگرند
فی سلخ شهر جمادی الثانی من شهور سنه هزار و دویست وهشتاد وشش
هجری نبوی صلی الله علیه وآله العبد علی نقی حکیم الممالک

در کارخانه سید سند آقا میرباقر طهرانی بخطی نیکو وطرزی مطبوع مطبوع گردید

حرره علی اصغر

امراض

بخطاپوشی

اسحق

اسحق میرزا

این کتاب [illegible] مال

